

بررسی سئوهای فرهنگ سیاسی شهروندان هرات

داوود عرفان و عرفان ارزاز



انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

بررسی شاخصه‌های فرهنگ سیاسی شهروندان هرات

هرات و سیاست ۲

© 1397 انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) یک نهاد مستقل پژوهشی است که تمرکز مطالعات و پژوهش‌های آن بر روی موضوعات استراتژیک استوار است. این نهاد در اکتبر سال ۲۰۱۲ با هدف فراهم‌سازی زمینه‌ی علمی و آکادمیک برای عرضه‌ی موضوعات استراتژیک در مورد افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأسیس شده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد با استفاده از انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات عملی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و... در جامعه کمک کند.

رفع مسئولیت

محتویات این پژوهش به هیچ عنوان انعکاس‌دهنده‌ی دیدگاه‌های انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) نمی‌باشد.



بررسی شاخصه‌های فرهنگ سیاسی شهروندان هرات

نویسندگان: داوود عرفان و عرفان ارزاز

دستیاران پژوهش: احمد شاهین مردان و جان محمد ولی‌زاده

مرورگران: دکتر فرامرز تمنا، دکتر سیدجواد رامیار و دکتر عمر صدر

شماره نشر: AISS-P-019-2018

چاپ اول: ۱۳۹۷ خورشیدی هرات

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی کابل: کارته پروان، قلعه‌ی ۹ برج، کابل، افغانستان

نشانی هرات: شرق پارک ملک‌یار، جاده‌ی مجیدی، هرات، افغانستان

شماره تماس: +۹۳۲۰۲۲۳۲۸۰۶ - +۹۳۷۹۹۸۴۰۱۶۱

شابک: ۹۷۸-۹۹۳۶-۸۰۷۰-۱-۳

فهرست مطالب

۱	سخن انستیتوت
۲	خلاصه‌ی گزارش
فصل اول	
کلیات	
۶	مقدمه
۱۶	پیشینه‌ی فرهنگ سیاسی هرات
فصل دوم	
مباحث نظری	
۲۱	الف - مفاهیم
۲۹	ب - چهارچوب مفهومی
فصل سوم	
روش شناسی پژوهش	
۳۵	مفاهیم پایه‌ای پژوهش
فصل چهارم	
۴۸	یافته‌های پژوهش
۴۸	یافته‌های توصیفی
۶۹	یافته‌های استنباطی
فصل پنجم	
۱۲۱	تحلیلی بر وضعیت فرهنگ سیاسی مردم هرات
۱۲۱	تحلیل جامعه‌شناختی
۱۲۴	تحلیل فرهنگ سیاسی
۱۲۴	فرهنگ محدود
۱۲۹	فرهنگ مشارکتی
۱۴۰	نتیجه‌گیری
۱۴۳	منابع و مأخذ

فهرست جداول

- جدول ۱: گویه‌گویی‌های معرف شاخص باور به حکومت دینی ۵۴
- جدول ۲: شاخص باور به حکومت دینی ۵۴
- جدول ۳: گویه‌گویی‌های معرف شاخص اعتماد به نهادهای دینی ۵۵
- جدول ۴: شاخص اعتماد به نهادهای دینی ۵۵
- جدول ۵: گویه‌گویی‌های معرف شاخص نقش قومیت در سیاست‌ورزی ۵۶
- جدول ۶: شاخص نقش قومیت در سیاست‌ورزی ۵۷
- جدول ۷: گویه‌گویی‌های معرف شاخص اعتماد به نهادهای سنتی ۵۸
- جدول ۸: شاخص اعتماد به نهادهای سنتی ۵۸
- جدول ۹: گویه‌گویی‌های معرف شاخص مشارکت سیاسی ۵۹
- جدول ۱۰: شاخص مشارکت سیاسی ۶۰
- جدول ۱۱: گویه‌گویی‌های معرف شاخص احساس کارآیی سیاسی ۶۱
- جدول ۱۲: شاخص احساس کارآیی سیاسی ۶۱
- جدول ۱۳: گویه‌گویی‌های معرف شاخص اعتماد سیاسی ۶۲
- جدول ۱۴: شاخص اعتماد سیاسی ۶۲
- جدول ۱۵: گویه‌گویی‌های معرف شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی ۶۳
- جدول ۱۶: شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی ۶۴
- جدول ۱۷: گویه‌گویی‌های معرف شاخص نگرش ملی ۶۵
- جدول ۱۸: نگرش ملی ۶۵
- جدول ۱۹: گویه‌گویی‌های معرف شاخص نگرش اقتصادی ۶۶
- جدول ۲۰: شاخص نگرش اقتصادی ۶۷
- جدول ۲۱: گویه‌گویی‌های معرف شاخص نگرش بین‌المللی ۶۸
- جدول ۲۲: شاخص نگرش بین‌المللی ۶۸
- جدول ۲۳: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و سن ۶۹
- جدول ۲۴: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و تحصیلات ۷۰
- جدول ۲۵: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و جنس ۷۰
- جدول ۲۶: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و مذهب ۷۱
- جدول ۲۷: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و شغل ۷۱
- جدول ۲۸: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و قومیت ۷۲
- جدول ۲۹: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و سطح درآمد ۷۳
- جدول ۳۰: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و سن ۷۳
- جدول ۳۱: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و قومیت ۷۴
- جدول ۳۲: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و درآمد ماهانه ۷۵
- جدول ۳۳: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و جنس ۷۵

جدول ۳۴:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و تحصیلات	۷۶
جدول ۳۵:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و شغل	۷۷
جدول ۳۶:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و مذهب	۷۷
جدول ۳۷:	رابطه بین شاخص نقش قومیت در سیاست‌ورزی و سن	۷۸
جدول ۳۸:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی و قوم	۷۹
جدول ۳۹:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی و درآمد	۷۹
جدول ۴۰:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی و جنس	۸۰
جدول ۴۱:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی و تحصیلات	۸۱
جدول ۴۲:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی و شغل	۸۲
جدول ۴۳:	رابطه بین نقش قومیت در سیاست‌ورزی مذهب	۸۲
جدول ۴۴:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و سن	۸۳
جدول ۴۵:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و جنس	۸۴
جدول ۴۶:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و قومیت	۸۴
جدول ۴۷:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و تحصیلات	۸۵
جدول ۴۸:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و شغل	۸۵
جدول ۴۹:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و مذهب	۸۶
جدول ۵۰:	رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و درآمد	۸۷
جدول ۵۱:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و سن	۸۸
جدول ۵۲:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و قومیت	۸۸
جدول ۵۳:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و درآمد ماهانه	۸۹
جدول ۵۴:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و جنس	۸۹
جدول ۵۵:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و تحصیلات	۹۰
جدول ۵۶:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و شغل	۹۱
جدول ۵۷:	رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و مذهب	۹۱
جدول ۵۸:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و سن	۹۲
جدول ۵۹:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و قوم	۹۲
جدول ۶۰:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و جنس	۹۳
جدول ۶۱:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و تحصیلات	۹۴
جدول ۶۲:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و شغل	۹۴
جدول ۶۳:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و مذهب	۹۵
جدول ۶۴:	رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و درآمد	۹۶
جدول ۶۵:	رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و سن	۹۷
جدول ۶۶:	رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و قوم	۹۸
جدول ۶۷:	رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و جنس	۹۸

جدول ۶۸: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و تحصیلات.....	۹۹
جدول ۶۹: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و شغل.....	۹۹
جدول ۷۰: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و مذهب.....	۱۰۰
جدول ۷۱: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و درآمد ماهانه.....	۱۰۱
جدول ۷۲: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و سن.....	۱۰۲
جدول ۷۳: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و قوم.....	۱۰۳
جدول ۷۴: رابطه بین ارزیابی عملکرد سیاسی و درآمد ماهانه.....	۱۰۳
جدول ۷۵: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و جنس.....	۱۰۴
جدول ۷۶: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و تحصیلات.....	۱۰۵
جدول ۷۷: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و شغل.....	۱۰۵
جدول ۷۸: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و مذهب.....	۱۰۶
جدول ۷۹: رابطه بین شاخص نگرش ملی و سن.....	۱۰۷
جدول ۸۰: رابطه بین شاخص نگرش ملی و قومیت.....	۱۰۷
جدول ۸۱: رابطه بین شاخص نگرش ملی و درآمد.....	۱۰۸
جدول ۸۲: رابطه بین شاخص نگرش ملی و جنس.....	۱۰۹
جدول ۸۳: رابطه بین شاخص نگرش ملی و تحصیلات.....	۱۰۹
جدول ۸۴: رابطه بین شاخص نگرش ملی و شغل.....	۱۱۰
جدول ۸۵: رابطه بین شاخص نگرش ملی و مذهب.....	۱۱۰
جدول ۸۶: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و سن.....	۱۱۱
جدول ۸۷: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و قومیت.....	۱۱۲
جدول ۸۸: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و درآمد ماهانه.....	۱۱۳
جدول ۸۹: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و جنس.....	۱۱۳
جدول ۹۰: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و تحصیلات.....	۱۱۴
جدول ۹۱: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و شغل.....	۱۱۴
جدول ۹۲: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و مذهب.....	۱۱۵
جدول ۹۳: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و سن.....	۱۱۶
جدول ۹۴: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و قومیت.....	۱۱۷
جدول ۹۵: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و درآمد ماهانه.....	۱۱۷
جدول ۹۶: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و جنس.....	۱۱۸
جدول ۹۷: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و تحصیلات.....	۱۱۸
جدول ۹۸: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و شغل.....	۱۱۹
جدول ۹۹: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و مذهب.....	۱۲۰

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: متغیر سن ۴۹
- نمودار ۲: متغیر قوم ۵۰
- نمودار ۳: متغیر جنس ۵۰
- نمودار ۴: متغیر تحصیلات ۵۱
- نمودار ۵: متغیر شغل ۵۲
- نمودار ۶: متغیر درآمد ماهانه ۵۲
- نمودار ۷: متغیر مذهب ۵۳
- نمودار ۸: نمودار سه قطبی باور به حکومت دینی ۱۲۵
- نمودار ۹: نمودار سه قطبی اعتماد به نهادهای دینی ۱۲۶
- نمودار ۱۰: نمودار سه قطبی نقش قومیت در سیاست ورزی ۱۲۷
- نمودار ۱۱: نمودار سه قطبی اعتماد به نهادهای سنتی ۱۲۸
- نمودار ۱۲: نمودار سه قطبی نگرش ملی ۱۲۹
- نمودار ۱۳: نمودار دو قطبی مشارکت سیاسی ۱۳۰
- نمودار ۱۴: نمودار سه قطبی احساس کارایی سیاسی ۱۳۱
- نمودار ۱۵: نمودار سه قطبی اعتماد سیاسی ۱۳۲
- نمودار ۱۶: نمودار سه قطبی ارزیابی عملکرد سیاسی ۱۳۳
- نمودار ۱۷: نمودار سه قطبی نگرش اقتصادی ۱۳۴
- نمودار ۱۸: نمودار سه قطبی نگرش بین‌المللی ۱۳۵

سخن انستیتوت

دفتر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در هرات پس از آغاز به کار خود در میزان ۱۳۹۶ خورشیدی، سلسله‌ای از پژوهش‌های راهبردی و کاربردی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و توسعه‌محور راه‌اندازی کرد. این پژوهش‌ها به هدف زمینه‌مند کردن پژوهش و پژوهش‌گری در هرات و به‌دست‌دادن رویکردی علمی از این ولایت و حوزه‌اش راه‌اندازی گردید. هم‌چنان این‌که این پژوهش‌ها با سلسله نشست‌هایی تحت نام «هرات و سیاست» همراهی می‌گردد. این نشست‌ها نیز بنا دارد تا مسایل مختلف هرات را به صورت علمی توسط بحث و گفت‌وگوهای علمی اصحاب‌نظر و اندیشمندان مورد کنکاش قرار دهد. این کنندوکاوها می‌تواند برای آینده‌ی علمی هرات به مثابه دست‌آویزی برای سیاست‌گزاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بزرگ مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش کنونی به مسأله‌ی فرهنگ سیاسی پرداخته است. پژوهش در مورد فرهنگ سیاسی در افغانستان بی‌سابقه است و این پژوهش در نوع خود اولین پژوهش در مورد این موضوع خاص است. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، تلقی علمی و درستی از فرهنگ سیاسی یا نداریم یا اگر هم است تلقی ایست که با تئوری‌های اروپایی و آمریکایی به صورت نظری مورد بحث و گفتگوی محدود قرار گرفته و یا هم در ادبیات سیاسی شفاهی ما دهان به دهان انتقال می‌یابد. بنابراین، پژوهش کنونی می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای پژوهش‌گری، شناخت و تفحص در مورد مسأله‌ی فرهنگ سیاسی در هرات و بلکه افغانستان باشد.

از آن‌جایی‌که فرهنگ سیاسی را اصحاب علوم اجتماعی و سیاسی «ذهنیتی که رفتار سیاسی را شکل می‌دهد»، تعریف کرده‌اند، وجود چنین پژوهشی امری الزامی و ضروری در عرصه‌ی اجتماعی- سیاسی برای شهری مانند هرات است. الزام آن‌را می‌توان در کنش‌گری‌های این شهر توسط گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، حزبی و ... آشکارا مشاهده کرد. جوانان در هرات یکی از پرکنش‌ترین اقشار این جامعه را تشکیل می‌دهند. ذهنیتی که این جوانان از آن برخوردارند، برگرفته از فضای فرهنگ سیاسی حاکم در این ولایت است. حال با توجه به این امر می‌توان برای جامعه هرات رویکردی علمی در مورد فرهنگ سیاسی آنها روی دست گرفت و برای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی پیش رو از این پژوهش‌ها بیشترین استفاده را برد.

انجام این پژوهش با همکاری مشترک تعداد زیادی از دوستانی از جمله آقایان شاهین مردان و جان‌محمد ولی‌زاده به عنوان دستیاران این پژوهش همراه بوده است که هر کدام به نحوی در هر چه غنامندتر شدن پژوهش به شکل مستقیم و غیرمستقیم تلاش ورزیده‌اند. جا دارد از تلاش‌های ارزنده‌ی آقایان دکتر فرامرز تمنا رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان، دکتر سیدجواد رامیار دکترای جامعه‌شناسی توسعه و دکتر عمر صدر پژوهش‌گر ارشد انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان که قبول زحمت فرموده و در مرور این پژوهش هم‌یاری کردند، اظهار سپاس و قدردانی نماییم. این پژوهش حاصل فعالیت علمی پژوهش‌گرانی است که در انجام آن نقش داشته‌اند و بازتاب‌دهنده‌ی موضع رسمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نمی‌باشد.

سنبله ۱۳۹۷ خورشیدی

خلاصه‌ی گزارش

زمینه

فرهنگ سیاسی، به‌عنوان زیرمجموعه‌ی فرهنگ عمومی یک جامعه، از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات علوم اجتماعی برخوردار است. با توجه به این که سیاست‌گذاران عمومی کشورها، با فهم حداقل نسبی فرهنگ سیاسی جوامع‌شان، مبادرت به تدوین پالیسی‌های عمومی می‌نمایند؛ توجه به این بخش از مطالعات علوم اجتماعی در دستور کار بسیاری از پژوهش‌گران علوم اجتماعی قرار گرفته است. توجه به فرهنگ سیاسی، با مطالعات نظام‌مند آلموند و وربا، وارد مرحله‌ی جدیدی شد و نتایج برآمده از پژوهش‌های میدانی - تطبیقی آنان، به عنوان الگوی مسلط پژوهش‌های این حوزه در آمده است. نتایج پژوهش‌های آلموند و وربا به صورت عمومی به سه نوع فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی و یا تلفیقی از این انواع انجامیده است. بر اساس الگوی، آلموند و وربا؛ این پژوهش در صدد تشخیص دو مسأله‌ی کلی است. نخست این‌که، مردم هرات از چه نوع فرهنگ سیاسی‌ای برخوردارند و دوم این‌که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی هرات چیست؟ این پژوهش، با پرسش از ۳۶۴ نفر متشکل از استادان دانشگاه، دانشجویان، فعالین جامعه‌ی مدنی، کارمندان دولت، کارمندان سازمان‌های خصوصی، افراد دارای شغل آزاد و مردم عادی، با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی چون، سن، قومیت، جنس، تحصیلات، شغل، مذهب و زبان، صورت گرفته است. در این پژوهش پنج متغیر دین، نقش قومیت در سیاست‌ورزی، دموکراسی، نگرش ملی، نگرش بین‌المللی و نگرش اقتصادی مدنظر بوده که بر اساس آن، یافته‌های زیر به‌دست آمده است:

یافته‌های کلیدی

یافته‌های کلیدی پژوهش، در دو بخش یافته‌های جامعه‌شناختی و یافته‌های فرهنگ سیاسی تقسیم - بندی شده‌اند که از این قراراند:

الف: یافته‌های جامعه‌شناختی

• هرات جامعه‌ای متکثر و دارای اکثریت طبقه‌ی متوسط است. بررسی داده‌های سه متغیر تحصیلات، شغل و درآمد، ادعای فوق را ثابت می‌سازد. بدین ترتیب که درجه‌ی لیسانس با ۲۷۱ نفر، درجه‌ی کارشناسی ارشد (ماستری) با ۴۸ نفر و دکترا با ۲ نفر، اکثریت پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهد. از لحاظ شغلی، اکثریت پاسخ‌دهندگان را شغل‌هایی تشکیل می‌دهد که بیانگر طبقه‌ی متوسط بودن آنان است. به طور مثال، ۱۱۴ نفر شغل آزاد داشته‌اند که در عین حال، دانشجوی هم بوده‌اند، ۹۳ نفر کارمند دولت بوده‌اند. کارمندان سازمان‌های خصوصی و جامعه‌ی مدنی به ترتیب ۶۰ نفر و ۳۰ نفر بوده‌اند. از لحاظ درآمد هم، ۳۲۵ نفر از پاسخ‌دهندگان درآمدی بین ۱۰ هزار تا بالاتر از ۶۰ هزار افغانی داشته‌اند که طبقه‌ی متوسط بودن جامعه‌ی آماری را نشان می‌دهد.

در هرات حداقل شکاف‌های نسلی، قومی، جنسیتی، طبقاتی، مذهبی و سنت و مدرنیته فعال‌اند.

ب: یافته‌های فرهنگ سیاسی

یافته‌های فرهنگ سیاسی به نوع فرهنگ سیاسی هرات و عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی آن تمرکز داشته است که از این قرار اند:

• نوع فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی هرات، هرچند به فرهنگ سیاسی مشارکتی باور داشته است؛ اما رگه‌هایی قوی از فرهنگ محدود را با خود به همراه دارد. بنابراین فرهنگ سیاسی هرات بین فرهنگ محدود و مشارکتی در نوسان است که میل این فرهنگ به سوی فرهنگ مشارکتی بیشتر است. لذا فرهنگ سیاسی هرات، با توجه به تقسیم‌بندی آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی است.

• عناصر فرهنگ سیاسی هرات

با توجه به تحلیل داده‌های پژوهش، عناصر زیر، مشخص‌کننده‌ی فرهنگ سیاسی هرات، شناسایی شده است:

۱. ناامیدی

احساس ناامیدی از مشخصات اصلی فرهنگ سیاسی هرات است. در این میان، تاجیک‌ها نسبت به سایر اقوام و شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها بیشتر اظهار یأس و ناامیدی را تبارز داده‌اند. به‌طور مثال، در شاخص اعتماد سیاسی، تاجیک‌ها با ۱۷۸ نفر، با ۴۶/۶ کاملاً موافق و ۴۰/۴ موافق در مقابل صفر درصد مخالف، اعتماد کمتری نسبت به آمار سایر اقوام را نشان داده‌اند و شیعیان با ۶۲ درصد کاملاً موافق و ۲۸ درصد موافق در مقابل صفر درصد مخالف، از اعتماد سیاسی کمتری برخوردار بوده‌اند. در شاخص احساس کارآیی سیاسی، تاجیک‌ها با ۱/۷ درصد کاملاً موافق و ۲۶/۴ موافق با بیشترین شرکت‌کننده، کمترین احساس کارآیی را بروز داده‌اند. نگاه مذهبی در این شاخص تقریباً همسان بوده است. در شاخص عملکرد سیاسی، تاجیک‌ها با صفر درصد کاملاً موافق و ۱۰/۷ درصد موافق کمترین رأی را به عملکرد سیاسی داده‌اند. شیعیان با صفر درصد کاملاً موافق و ۶/۱ درصد موافق نسبت به سنی‌ها به عملکرد سیاسی بی‌باوری بیشتری ثبت کرده‌اند.

۲. تناقض

تناقض یکی از مشخصات دیگر فرهنگ سیاسی هرات است. این تناقض بین جوانان و بخش‌هایی از جوانان تحصیل کرده وجود دارد.

۳. مصلحت، محافظه‌کاری و ترس از انتقاد

مصلحت، محافظه‌کاری و ترس از انتقاد در جامعه‌ی هرات دیده می‌شود. بدین صورت که جامعه‌ی هرات در مواجهه با مسایلی که ریسک‌پذیر به نظر می‌رسند؛ محافظه‌کاری پیشه می‌کنند. به‌طور نمونه، در ارزیابی شاخص عملکرد سیاسی دولت، به‌طور عموم، بالای ۵۰ درصد، در شاخص باور به نهادهای دینی، بالای ۶۵

درصد، و در شاخص اعتماد به نهادهای سنتی بالای ۳۰ درصد نظر خاصی ارایه نداده‌اند که نشان دهنده‌ی ادعای فوق است.

۴. عطش مشارکت سیاسی

عطش مشارکت سیاسی در تمام شاخص‌ها با درصد بالایی در میان تمام متغیرهای جمعیت‌شناسی وجود داشته است. نکته‌ی جالب توجه در این شاخص، درصد بالای ۹۸ درصدی اشتیاق به مشارکت سیاسی در بین تمام متغیرهای مطروحه است.

۵. فاصله‌ی جامعه‌ی مدنی با افکار عمومی

جامعه‌ی مدنی تقریباً در تمام شاخص‌ها، با افکار عمومی هم‌نوایی نشان نداده و نظرات مخالفی را ارایه داده‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که جامعه‌ی مدنی هرات، دیدگاه‌های متفاوتی با افکار عمومی جامعه دارد و این خود می‌تواند یکی از شاخص‌های فرهنگ سیاسی هرات به‌شمار آید.

۶. تفاوت فکر لیسانس‌ها با سایر درجه‌های تحصیلی

در متغیر جامعه‌شناسی تحصیلات، درجه‌ی تحصیل لیسانس، از قاعده‌ی معین غیرمنتظره‌ای پیروی کرده است. به این صورت که در تمام شاخص‌ها، تفاوت دیدگاه لیسانس‌ها که بزرگ‌ترین گروه تحصیلی پژوهش را دارا هستند؛ با سایر درجه‌های تحصیلی وجود دارد.

۷. احساس تبعیض

تقریباً تمامی گروه‌های قومی و مذهبی به وجود تبعیض در ادارات دولتی اذعان داشته‌اند؛ اما در این میان تاجیک‌ها از لحاظ قومی و شیعه‌ها از لحاظ مذهبی، احساس تبعیض بیشتری را بروز داده‌اند. نتایج برآمده از سه شاخص احساس کارآیی سیاسی، ارزیابی عملکرد سیاسی و اعتماد سیاسی در این مورد هم صدق می‌کند.

۸. وجود نسل معترض

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسل کوچک معترضی در بین پاسخ‌دهندگان عرض اندام کرده‌اند. تحصیل کرده‌ها و فعالین جامعه‌ی مدنی تقریباً در تمامی شاخص‌ها، روحیه‌ی اعتراضی به وضعیت داشته‌اند.

برنامه‌ها و سیاست‌های پیشنهادی

برنامه‌ها و سیاست‌های پیشنهادی، در سه بخش نظری، اصلاحی و کاربردی تقسیم شده است که هر کدام می‌تواند به نحوی در تحقق اهداف پژوهش، نتیجه‌بخش باشد:

بخش نظری

پیشنهاد می‌گردد که فرهنگ سیاسی هرات و افغانستان به هدف کمک به غنایندی مراکز پژوهشی و آکادمیک؛ در دستور کار پژوهش‌گران ما قرار گیرد. به‌ویژه داده‌های این پژوهش می‌تواند پژوهش‌های

دیگری را نیز در پی داشته باشد تا عوامل و علت‌های نارسایی‌های فرهنگ سیاسی هرات، مورد واکاوی دقیق‌تر قرار گیرد.

بخش اصلاحی

برخی از نارسایی‌های فرهنگ سیاسی هرات، چون نومی‌دی، اعتماد کم مردم به دولت و تبعیض با یک‌سلسله اصلاحات در رویکردهای تقنینی، قضایی و اجرایی دولت قابل اصلاح است. دولت می‌تواند با نگاهی واقع‌بینانه‌تر به هرات، زمینه‌های رشد چنین عناصری را متوقف یا حداقل کم نماید.

بخش کاربردی

نتایج این پژوهش می‌تواند به دولت، احزاب سیاسی، جامعه‌ی مدنی، مراکز پژوهشی و پژوهش‌گران مستقل در درک وضعیت اجتماعی هرات کمک نماید. پژوهش می‌تواند به عنوان بخشی از دروس دانشگاهی در رشته‌های جامعه‌شناسی و حقوق و علوم سیاسی مورد توجه قرار گیرد. دانشگاه‌ها با توجه به نتایج پژوهش، می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های درسی، فرهنگ سیاسی هرات را مدنظر قرار داده و از آن‌جا که بسیاری از پرسش‌شوندگان، دانشجو بوده‌اند؛ استفاده از داده‌های این پژوهش، می‌تواند در بهبود وضعیت آموزشی دانشگاه‌ها مفید واقع شود. دولت با توجه به فرهنگ سیاسی حاکم بر هرات قادر خواهد بود که برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خویش را سامان بخشد. نتایج پژوهش، در درک بهتر فرهنگ سیاسی هرات، برای احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی و آینده‌ی فعالیت‌های سیاسی آنان مثمر‌تر خواهد بود.

فصل اول

کلیات

مقدمه

اندیشمندان علوم اجتماعی بر این باوراند که فرهنگ بنیاد زندگی اجتماعی است و شناخت بهتر اجتماعی از شناخت فرهنگی ناشی می‌شود و تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ در زندگی اجتماعی، علوم انسانی «چرخش فرهنگی» را تجربه کرده است. از آنجا که جامعه‌شناسی سیاسی، نظام سیاسی را زیرمجموعه‌ی نظام اجتماعی می‌داند؛ فرهنگ سیاسی با ایجاد رابطه‌ی دوسویه با سیاست و اجتماع اهمیت فزاینده‌ای یافته است. این اهمیت زمانی بیشتر روشن می‌شود که نسبت فرهنگ و زندگی سیاسی، نسبت زندگی سیاسی و زندگی اجتماعی و بالاخره نسبت زندگی سیاسی و فرهنگ سیاسی را دریابیم. این فرمول ساده به خوبی نشان می‌دهد هویت سازی اجتماعی تنها با فرهنگ سیاسی امکان پذیر است. هویت‌هایی که با فرهنگ سیاسی شناخته می‌شوند؛ زندگی اجتماعی را سامان می‌دهند و از آنجا که زندگی سیاسی حوزه‌ای از زندگی اجتماعی است، برای شناخت آن باید به فرهنگ سیاسی مراجعه کرد.

با مطالعه‌ی فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌توان به ذهنیت حاکم بر سیاست آن محیط پی برد؛ می‌توان بستر شکل‌گیری کنش‌های سیاسی را تحلیل کرد و در نهایت می‌توان قالب‌های رفتار سیاسی را تبیین نمود.

هرات باستان از دیرباز در سیاست افغانستان جایگاه ویژه‌ای داشته است. این جایگاه ویژه در طول تاریخ بین کنش فعال سیاسی و کنش منفعل سیاسی در نوسان بوده است. بر اساس چنین کنشی است که دو دیدگاه نزد صاحب نظران سیاسی شکل گرفته است. دیدگاه نخست، هرات را بستر کنش‌های سیاسی می‌داند که توانسته است با درک قاعده‌ی بازی‌های سیاست، به نحو احسن در این میدان کنشگری نماید. طرفداران این نظریه، به نمونه‌های تاریخی قدیم و معاصر تمسک جسته‌اند. دوران تاریخی آل کرت و تیموریان به عنوان اوج شکوه سیاسی هرات در منطقه مصداق این ادعا در تاریخ عصر میانه‌ی این جغرافیا شمرده می‌شود و دوران جهاد علیه شوروی سابق و حکومت مجاهدین، حکومت نیمه مختار هراتی، نشانه‌ی

درايت هراتي‌ها در سياست ورزي دوره‌ي بحران به شمار مي‌رود. آنها به اين باور هستند كه در دوراني كه تقريباً تمام افغانستان را شعله‌هاي جنگ فرا گرفته بود، هرات به عنوان شهري امن، پناهگاه هموطنان زيادي بود كه از درگيري‌ها به هرات پناه آورده بودند. ديدگاه دوم، با اذعان به دوره‌هاي تاريخي كنشگري هرات در سياست منطقه و افغانستان، بر اين باور پاي مي‌فشارد كه اين دوره‌هاي تاريخي به عنوان استثناي تاريخ شمرده مي‌شوند و در سي‌صد سال گذشته كه هرات جزء سرزميني به نام افغانستان بوده، جايگاه در خور توجهي در سياست افغانستان نداشته است. آنها معتقدند كه هرات جزيره‌اي متروك از مناسبات قدرت مركزي بوده و فقط در بازي‌هاي سياسي به عنوان ابزار استفاده شده است.

هرچند پيش‌فرض‌هاي فوق‌نتيجه‌ي هيچگونه پژوهش جامع علمي در هرات نيست؛ اما ديدگاه‌هاي متضاد بين صاحب‌نظران مسايل سياسي، كاستي ديگري را برجسته مي‌سازد و آن كاستي عدم شناخت دقيق فرهنگ سياسي حاكم بر مناسبات سياسي - اجتماعي هرات است. بديهي است كه رفتار سياسي در هر جامعه‌اي منبعت از فرهنگ سياسي حاكم بر آن جامعه است و بدون شناخت دقيق فرهنگ سياسي يك جامعه نمي‌توان مؤلفه‌هاي رفتار سياسي را تبين كرد.

با اين همه در مورد فرهنگ سياسي حاكم بر هرات، اظهار نظرهايي وجود دارد. اين اظهار نظرها بدون پشتوانه‌ي علمي پژوهش محور، تنها با تكيه بر پيش‌فرض‌هاي شخصي يا متكي بر مشاهدات ناقص رفتار سياسي شكل گرفته‌اند. لقب پايتخت فرهنگي افغانستان، نگاه غالب بر فرهنگ سياسي هرات است. اين‌كه چنين نگاهی تا چه اندازه مي‌تواند درست باشد؛ امري است كه به پژوهشي معتبر نياز دارد. از سوي ديگر، صفاتي چون مردم‌متمدن، ديندار، متسامح و متساهل، ملي‌اندیش، سخنور، ادب‌دوست و قانون‌مدار، بدون پشتوانه‌ي پژوهشي معتبر، فقط مي‌تواند خودستايي هراتي را تداعي كند.

مردم هرات، حداقل در هفده سال گذشته، بزرگ‌ترين كارناوال‌هاي مشاركت سياسي را در انتخابات پيشين، راه‌اندازي کرده‌اند و در حالي كه مناطق بسياري در افغانستان به انتخابات روي خوش نشان نداده بودند؛ هرات توجه رسانه‌هاي داخلي و خارجي را به حضور همگاني در انتخابات برانگيخته بود. به درستي معلوم نيست كه حضور پرشور مردم هرات پاي صندوق‌هاي رأی، برخاسته از آگاهی توده‌ي مردم از اهميت مشاركت سياسي است يا متأثر از عوامل ديگري چون استيلاي فرهنگ سياسي تبعي.

شناخت فرهنگ سياسي هرات به ما كمك خواهد كرد كه به درستي دريابيم كه مردم هرات درباره‌ي سياست و فرايندهاي مرتبط با آن چگونه مي‌اندیشند و از آنجا كه نگرش‌هاي سياسي رفتار سياسي را شكل مي‌دهند؛ به سادگي مي‌توان دريافت كه فرهنگ سياسي اين خطه از افغانستان از چه مؤلفه‌هايي برخوردار است و در رفتار سياسي مردم هرات چه تأثيري به جا گذاشته است.

براي اولين بار اين پژوهش در صدد اين است كه با پژوهشي علمي، مؤلفه‌هاي اساسي فرهنگ سياسي مردم هرات را در يك نظرسنجي در بين طيف‌هاي گوناگون اجتماعي پيدا كند. اين پژوهش با بهره‌گيري از چهارچوب مفهومي معتبر، سه متغير دين، ذهنيت قبيله‌اي و دموكراسي را شاخص بندي نموده است كه

پاسخ‌های جامعه‌ی آماری پژوهش می‌تواند نوع فرهنگ سیاسی حاکم و مؤلفه‌های تأثیرگذار این فرهنگ سیاسی را مشخص سازد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

بر اساس اظهارنظرهای کارشناسان سیاسی در هرات، برخی بر این باوراند که هراتی‌ها اصولاً سیاسی نمی‌اندیشند تا رفتاری سیاسی را به نمایش بگذارند. آنان معتقدند که هرات ولایتی است که هویتش را با شعر و ادب تعریف کرده است و بر اساس همین مؤلفه، پایتخت فرهنگی افغانستان نامیده می‌شود. از دیدگاه آنان جامعه‌شناسی هرات نشان می‌دهد که هراتی‌ها به کنش‌های اجتماعی-مدنی بیشتر علاقه دارند تا رویارویی‌های سیاسی. همیشه این انتقاد بر این شهر و مردمانش وارد بوده که در گذار از فرهنگ به سیاست موفق نبوده‌اند.

گروه دیگری بر این باوراند که هرات-علی‌رغم نادیده گرفتن هراتی‌ها در مناسبات کلان سیاسی کشور- در برهه‌هایی از تاریخ، نشان داده است که در سیاست افغانستان تأثیرگذار بوده است. رهبری کودتای هفت ثور را یک جنرال هراتی (جنرال عبدالقادر) برعهده داشت. بیست و چهارم حوت بزرگ‌ترین حرکت سیاسی تاریخ معاصر افغانستان معرف قیام خونین این شهر است. این حوزه در جنگ‌های داخلی حداقل دارای ثبات نسبی‌ای بود که توانست پناهگاهی برای بسیاری از جنگ زده‌های سایر ولایات باشد. در دوره‌ی اداره‌ی موقت و حکومت انتقالی موتور محرکه‌ی اقتصاد کشور معرفی شد. یکی از فعال‌ترین شبکه‌های جامعه‌ی مدنی را دارا شد و در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری بزرگ‌ترین کارناوال‌های حضور سیاسی را به نمایش گذاشت. اینها همه دال‌هایی هستند که در گفتمان سیاسی هرات تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین نمی‌توان گفت که هراتی‌ها سیاسی نیستند. بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان سیاست کشور چون دکتر اسپنتا دکتر داوود مرادیان، دکتر عبدالغفور آرزو و دکتر فرامرز تمنا هراتی‌اند و شخصیتی چون داوود صبا، وزنه‌ی سنگینی برای تیم‌های انتخاباتی بوده است. با تمام این‌ها؛ حضور هراتی‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری متناسب با حضور سیاسی آنها در حوزه‌ی عمومی نبوده است.

از آنجایی که فرهنگ سیاسی هر جامعه‌ای کنش سیاسی آن جامعه را تبیین می‌کند، تشخیص ویژگی‌های فرهنگ سیاسی آن جامعه می‌تواند، برای پژوهشگران، دستگاه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی و کنش‌گران سیاسی مهم باشد. دریافت ویژگی‌های فرهنگ سیاسی هرات، می‌تواند گره-ضمن شناخت بیشتر از کنش سیاسی مردم هرات- راه‌حلی را برای حضور بیشتر این مردم در عرصه‌ی عملی سیاست فراهم آورد. با وجود آن‌که در مورد تاریخ هرات، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما تا کنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی در مورد فرهنگ سیاسی هرات، به‌عمل نیامده است. پژوهش حاضر، اولین پژوهش در این عرصه است که می‌تواند راه را برای پژوهش‌های بیشتر پژوهش‌گران باز نماید.

پیشینه‌ی پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش در چهاربخش مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش اول، نخستین تأملات در مورد فرهنگ سیاسی که به‌نحو غیرمستقیم، از فرهنگ سیاسی سخن گفته‌اند؛ بررسی خواهد شد. سپس مطالعات

منظم فرهنگ سیاسی مورد بحث قرار خواهد گرفت و در بخش سوم و چهارم، به ترتیب، مطالعات فرهنگ سیاسی در ایران و افغانستان، واکاوی خواهد شد.

نخستین تأملات

نخستین نشانه‌های تأمل در مورد فرهنگ سیاسی به فلاسفه‌ی یونان برمی‌گردد. یونانی‌ها ویژگی‌های متفاوتی برای آتنی‌ها، اسپارتی‌ها و بربرها قایل بودند. سقراط نخستین کسی بود که به تفاوت‌های ماهوی، دنیای یونانی و دنیای غیر یونانی اشاره کرد. به اعتقاد او، بین یونانی‌ها و سایر جوامع، تفاوت‌های فرهنگی‌ای وجود دارد که بازتاب این تفاوت را می‌توان در تفاوت ذهنیت‌های متفاوت و نظام‌های سیاسی مختلف جستجو کرد. افلاطون اندیشمند دیگر یونانی است که به‌طور ضمنی، به فرهنگ سیاسی اشاره‌هایی داشته است. او در رساله‌ی جمهوری به تمایلات انسان‌ها اشاره می‌کند (گل محمدی، ۱۳۹۴ و سریع‌القلم، ۱۳۹۵)، که به‌نحوی بر فرهنگ سیاسی آنها تأثیرگذار است. افلاطون واژه‌هایی چون خلق و خوی و خصلت را در اندیشه‌ی سیاسی خویش نام برده است که به این معنی است که چون استاد خود سقراط، نه تنها به تفاوت‌های فرهنگی جوامع مختلف، آگاه بوده است که چنان پدیده‌هایی را شایسته‌ی مطالعه و بررسی می‌دانسته است. اشاره‌های افلاطون و ارسطو، به حالات ذهن، به وجهی از وجوه، به پدیده‌ی فرهنگ سیاسی معطوف است. از دیدگاه آنان، حالات مختلف ذهن، واقعیت‌هایی هستند که پندار و کردار سیاسی افراد را به اشکال مختلف شکل می‌دهند و به همین دلیل، درک درست پدیده‌های سیاسی، مستلزم توجه به این گونه حالات است. آنان به‌ویژه؛ به این نکته تأکید می‌کنند که حالات ذهن را می‌توان از عوامل مؤثر در ثبات سیاسی یا انقلاب به شمار آورد. از سوی دیگر، افلاطون و ارسطو به نقش برجسته‌ی جامعه‌پذیری در شکل‌دهی بزرگ‌سالان، گواه دیگری است که آنان، اهمیت مطالعه‌ی ارزش‌های مؤثر در سیاست را به خوبی درک کرده بودند. توجه ارسطو به طبقات متوسط نیز ناشی از روحیات، خلیقات و تمایلات آن‌هاست که معرف یک دولت مختلط و حامی منافع طبقات بالا و پایین جامعه هستند (گل محمدی، ۱۳۹۴ و سریع‌القلم، ۱۳۹۵).

نیکولو ماکیاولی در کتاب شهریار، به روحیه و تمایلات ملت‌ها اشاره می‌کند که به نحوی از انحاء، به فرهنگ سیاسی توجه دارد. او بر این نظر بود که تمام حکمرانان جهان به استثنای ترکیه و مصر، می‌دانند که قدرت مردم از سربازان بیشتر است و به این اساس، می‌کوشند مردم را از خود راضی نگه دارند. او هم‌چنان حکمرانانی که فکر می‌کنند، می‌توان با احداث پادگان نظامی، اعتماد مردم را جلب کرد، محکوم می‌نماید (سریع‌القلم، ۱۳۹۵).

مونتسکیو، اندیشمند دیگری است که به صورت روشن‌تری از فرهنگ سیاسی سخن می‌گوید. کتاب معروف او، روح‌القوانین، در عین حال که متنی فلسفی است، نوعی تحلیل سیاسی هم به‌شمار می‌آید. او در این کتاب، ویژگی‌های فرهنگی را مقدم بر نهادهای حقوقی می‌داند و رابطه‌ای میان اقلیم، ویژگی‌های فرهنگی و نظام حقوقی برقرار می‌کند و به عبارت دیگر، فرهنگ سیاسی را تابعی از شرایط اقلیمی به شمار می‌آورد و نهادهای حقوقی و سیاسی را هم تابع فرهنگ سیاسی یا به اصطلاح خوی و خصلت می‌داند. از

این لحاظ می‌توان گفت که مفهوم خصلت ملی که محور مطالعات مکتب فرهنگ و شخصیت در نیمه‌ی سده‌ی بیستم بود؛ از اندیشه‌های منتسکیو گرفته شده است (گل‌محمدی، ۱۳۹۴ و جعفرپور کلاری، ۱۳۸۹).
الکسی دو توکویل، با صراحت بیشتری به فرهنگ سیاسی پرداخته است. او در کتاب دموکراسی در امریکا، به بررسی باورها، هنجارها و ارزش‌های مردم امریکا پرداخته است که از دید او بنیادهای دموکراسی این جامعه هستند. در این کتاب، رابطه میان آداب و سنت‌ها از یک سو و نتیجه‌ی سیاسی آن، یعنی دموکراسی از سوی دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد (گل‌محمدی، ۱۳۹۴، سریع‌القلم، ۱۳۹۵: جعفرپور کلاری، ۱۳۸۹).

ماکس وبر، در کتاب مشهور خود، اخلاق پروتستان‌تیزم و روح سرمایه‌داری و فرانسیس فوکویاما، در کتاب اعتماد: فضایل اجتماعی و به‌وجود آمدن خوشبختی، در مورد فرهنگ سیاسی به صورت غیرمستقیم سخن گفته‌اند. وبر، در کتاب خویش، فرهنگ آنگلو ساکسون‌ها را عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و تحقق و تکامل آن می‌داند و بدین‌گونه، به صورت غیرمستقیم، فرهنگ سیاسی را عاملی مهم در بسط نظام سرمایه‌داری می‌شمارد. به علاوه، وبر معتقد بود که علم جامعه‌شناسی باید کانون داشته باشد. چگونه می‌شود که جاپانی‌ها، پشتکار دارند؛ آلمان‌ها، مسئولیت‌پذیراند؛ چینی‌ها با هم هماهنگ هستند، کانادایی‌ها بر اومانسیسم ذاتی تأکید دارند، مردم افریقای جنوبی از تحمل قابل توجهی برخوردارند، مردم اسکانداوی‌ها به طور بی‌ظنیری به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند، مردم سنگاپور فرای هر ملتی، از قاعده و قانون تبعیت می‌کنند و مردم سوئد توانایی‌ها و ضعف‌های افراد را با یکدیگر و هم‌زمان ارزیابی می‌کنند! این طیفی از خصلت‌ها، ویژگی‌ها، روحیات، ارزش‌ها، ایستارها و احساسات است که ملت‌ها را از هم متمایز می‌سازد (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۱).

فوکویاما، با توجه به مسأله‌ی اعتماد در کشورهای آلمان، جاپان و امریکا، آن را عنصری مهم در تحقق اهداف این کشورها می‌شمارد. او به عنصر اعتماد، به مثابه تمایلی فرهنگی و فضیلتی اجتماعی می‌نگرد. فوکویاما معتقد است که در آلمان و امریکا، مردم برای حل مسایل و محیط زندگی‌شان، تمایل دارند گردهم آیند، در حالی که در فرانسه و ایتالیا، ثروت‌مندان و صاحبان سرمایه و بانک‌ها، دولت را حلال مشکلات می‌دانند. این تمایلات عمدتاً ناخودآگاه فرهنگی، باعث می‌شود تا روندهای فرهنگی شکل گیرند و بر صحنه‌ی سیاست و اقتصاد تأثیر بگذارند. رابرت جورویس در بحث ادراک سیاسی، که بیشتر در رابطه با امریکا و شوروی پژوهش کرده است؛ معتقد است که نگاه شهروندان این دو کشور، به سبب ساختارهایی که قدرت ایجاد کرده بود؛ نسبت به یکدیگر منفی بود. از دید او، اگر کسی می‌خواست نکته‌ی مثبتی در مورد شوروی به یک سیاست‌مدار یا شهروند امریکایی بگوید، در تناقض آشکار با باورهای رسوب کرده‌ی ذهنی قرار می‌گرفت و به راحتی رد می‌شد. به عبارت دیگر، افراد، اطلاعاتی را که با ساختار شناختی موجود در تعارض است، مردود می‌شمارند (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۷).

فرهنگ سیاسی در آثار فلاسفه‌ی مسلمان در شرق هم به نوعی قابل دریافت است. ابونصر فارابی در مباحث عقل فعال، نظریه‌ی فطرت، علم مدنی، ضرورت و دلایل اجتماعی شدن، تحولات درونی جامعه و

انواع جوامع انسانی، نیم‌نگاهی به فرهنگ سیاسی دارد. ابوریحان بیرونی با مطالعه‌ی زبان و فرهنگ و خواجه نصیرالدین طوسی با مفاهیمی چون اجتماعی‌شدن، جامعه‌سازی، نظریه‌ی محبت و اصناف اجتماعی به‌طور غیرمستقیم به فرهنگ سیاسی اشاره دارند. ابن خلدون با ارایه‌ی نظریه‌ی عصبیت، در حقیقت از تفاوت روحیات و ایستارهای مردمان متفاوت پرده برمی‌دارد و به‌این‌وسیله، نوعی فرهنگ سیاسی را ترسیم می‌نماید (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های منظم

اکثر کارشناسان مسایل علوم اجتماعی به این باوراند که پژوهش گابریل آلموند^۱ و سیدنی وربا^۲، تحت عنوان فرهنگ مدنی، ایستارهای سیاسی و دموکراسی در پنج کشور انگلستان، امریکا، ایتالیا، آلمان و مکزیک، بهترین اثر کلاسیک در فرهنگ سیاسی محسوب می‌شود. آنان با این پرسش که کشورهای فوق، چه تناسبی با مؤثربودن و ثبات دموکراتیک دارند؛ پژوهش خویش را آغاز کردند. نخستین تعریف جامع از فرهنگ سیاسی را آنان در این کتاب مطرح کرده‌اند. از دیدگاه آنان، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، تحلیلی و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود. آنان متغیرهایی چون نقش آموزش، اقتدار غیردولتی در خانواده، مکتب، محل کار و اعتماد شهروندان به یکدیگر را در این پژوهش در نظر گرفتند. در این کتاب، لایه‌های مختلف جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و هر لایه وزن خود را پیدا می‌کند. مجموعه‌ی افرادی که دستگاه هیأت حاکمه‌ی یک کشور را تشکیل می‌دهند، از فرهنگ سیاسی خاصی برخوردارند و به تناسب ماهیت نظام سیاسی، این فرهنگ سیاسی نیز متمایز می‌شود.

آلموند و وربا، در کتاب فرهنگ مدنی سه نوع فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی را دسته‌بندی می‌کنند و در کنار آن ادعان می‌دارند که در نظام‌های سیاسی متفاوت، فرهنگ سیاسی از سه بعد ابعاد شناختی، ابعاد احساسی و ابعاد ارزیابی؛ می‌تواند نشأت بگیرد (هیوود، ۱۳۹۳، گل محمدی، ۱۳۹۴، سریع‌القلم، ۱۳۹۵: جعفرپور کلاری، ۱۳۸۹).

سیاست مقایسه‌ای؛ چارچوبی نظری، کتاب دیگری است که توسط گابریل آلموند و دیگران نوشته شده است. فصل سوم این کتاب، به فرهنگ سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته شده است. او در این کتاب، سه سطح فرهنگ سیاسی شامل نظام؛ (شامل نمونه‌هایی چون غرور ملی، هویت ملی، مشروعیت حکومت)، فرایند، (شامل نمونه‌هایی چون نقش شهروندان و برداشت‌ها در مورد حقوق اساسی) و سیاست‌گذاری، (شامل نمونه‌هایی چون نقش حکومت و اولویت‌های سیاست‌گذاری حکومت) را مورد بحث قرار می‌دهد؛ سپس از هم‌نوایی فرهنگی سخن می‌گوید و فرهنگ سیاسی را به دو نوع فرهنگ‌های سیاسی وفاق‌گرا^۳ و منازعه‌گرا^۴ تقسیم می‌کند. از دیدگاه او در یک فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا، شهروندان معمولاً در مورد شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری سیاسی، و این‌که مسایل اصلی جامعه چیست و چگونه باید آن‌ها را حل کرد،

¹ G.A.Almond

² Sidney Verba

³ Consensual political culture

⁴ Conflictual political culture

هم‌نظراند. در فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا، شهروندان از لحاظ نظراتی که هم در مورد مشروعیت رژیم و هم درباره‌ی راه‌حل مشکلات اصلی دارند، به‌شدت دچار چنددستگی هستند. آلموند در ادامه‌ی بحث، از خرده-فرهنگ‌های سیاسی^۵، صحبت می‌کند. از دیدگاه او، وقتی کشوری از لحاظ ایستارها و ارزش‌های سیاسی، دچار شکاف‌های عمیقی باشد و این شکاف‌ها مدت‌ها استمرار یابد، ممکن است خرده‌فرهنگ‌های سیاسی مجزایی توسعه یابند که شهروندان متعلق به این خرده‌فرهنگ‌ها، دست‌کم در برخی موضوعات حاد سیاسی مانند مرزهای کشور، سرشت رژیم، یا ایدئولوژی درست، دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. او در پایان از جامعه‌پذیری سیاسی و رابطه‌ی آن با فرهنگ سیاسی می‌نویسد. به‌نظر او، کسب ایستارها و ارزش‌ها، توسط مردم تنها با جامعه‌پذیری از یک نسل به نسل دیگر قابل انتقال است. او عاملان جامعه‌پذیری سیاسی را خانواده، مکتب، نهادهای مذهبی، گروه هم‌سانان، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت، رسانه‌های جمعی، گروه‌های نفوذ و احزاب سیاسی معرفی می‌کند (آلموند و دیگران، ۱۳۹۶).

جهانی شدن و تنوع فرهنگی که توسط پپیا نوریس و رونالد اینگلهارت، نگاشته شده است؛ به مسأله‌ی فرهنگ سیاسی، نگاه تازه‌ای می‌اندازد. این کتاب با پرسش این‌که آیا تنوع فرهنگی مورد تهدید قرار گرفته است؟ آغاز یافته و سپس رابطه‌ی هویت‌های ملی و جهان‌وطن و فعالیت سیاسی و مشارکت مدنی را مورد بحث قرار داده است. نکته‌ی مهم این کتاب، بررسی پیامدهای ارتباطات جهان‌وطن، به‌عنوان یکی از مفاهیم اصلی فرهنگ سیاسی، در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی است (نوریس و انگلهارت، ۱۳۹۵).

قدرت و سیاست فرهنگی در روابط بین‌الملل، مجموعه مقالاتی است که با سرویراستاری جی. پی. سینگ، به چاپ رسیده است. این کتاب بررسی رابطه‌ی قدرت و سیاست در عرصه‌ی بین‌المللی را برعهده دارد. در این کتاب به نقش هنر و جامعه‌ی مدنی در ایستگاه‌های قدرت در شبکه‌های حکمرانی اشاره می‌شود و تأثیرگذاری رسانه‌ها، با بررسی نمونه‌هایی از سیاست فرهنگی امریکا، اتحادیه‌ی اروپا و جاپان، مورد توجه قرار می‌گیرد. بخش‌های دیگری از کتاب، به دیپلماسی فرهنگی و عامل انسانی آن می‌پردازد و در این مورد به گونه‌های متعددی در کشورهای جهان توسل می‌جوید. اهمیت این کتاب در بررسی صداهای فرهنگی کشورهای در حال توسعه و بررسی مسأله‌ی استعمار، هویت و سیاست فرهنگی است (سینگ، ۱۳۹۶).

در ایران، پژوهش‌هایی در مورد فرهنگ سیاسی آن کشور، صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها، کتاب فرهنگ سیاسی ایران، اثر دکتر محمود سریع‌القلم است. بحث اصلی این کتاب، فرهنگ سیاسی ایران، با توجه به مبانی تاریخی و عشیره‌ای آن است که نویسنده با کاوش تاریخی بدان پرداخته است. دکتر سریع‌القلم، با توجه به الگوی فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، به تحلیل نتایج داده‌های نهصد پرسشنامه‌ی خویش در ایران می‌پردازد که در نتیجه‌گیری آن به رفتارشناسی شامل سه سطح فرد، سطح ماهیت روابط میان شهروندان و سطح ساختارها می‌پردازد. نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که ایرانیان در سطح فرد دچار منفی‌بافی، غرور کاذب، کم فکر کردن، ضعف در هنر گوش کردن به دیگران، کم‌حوصلگی، احساسی و

⁵ Political subcultures

هیجانی، ... هستند و در سطح ماهیت روابط میان شهروندان، با مسایلی چون بی اعتمادی، ضعف شایسته-سالاری، ضعف احترام گذاشتن، نگاه ابزاری به دیگران و ... مواجه‌اند. از سوی دیگر، در سطح ساختارها، جامعه‌ی ایران، با فرهنگ عمومی غیرعقلانی، دولتی بودن نظام اقتصادی و بی ثباتی نظام اجتماعی مواجه است (سریع‌القلم، ۱۳۹۵).

دکتر احمد گل‌محمدی، از زاویه‌ای دیگر، چگونگی شناخت و سنجش فرهنگ سیاسی را مورد تفحص قرار داده است. کتاب او با عنوان درآمدی بر شناخت و سنجش فرهنگ سیاسی، در ایران چاپ شده است. گل‌محمدی، ضمن بررسی اهمیت شناخت فرهنگ سیاسی و چیرستی فرهنگ سیاسی به چگونگی بررسی و سنجش فرهنگ سیاسی برآمده است. او در این کتاب، روش‌های بررسی و سنجش فرهنگ سیاسی، عملیاتی کردن چارچوب‌های مفهومی فرهنگ سیاسی را توضیح داده و شاخص‌ها و سنجه‌های فرهنگ سیاسی را در لیبرالیسم، اقتدارگرایی، دموکراسی‌خواهی، تساهل سیاسی، اعتماد سیاسی، انزوای سیاسی، علایق سیاسی و آگاهی سیاسی روشن ساخته است. به‌علاوه، او به پژوهش‌های منطقه‌ای و تطبیقی در چهار قاره‌ی آمریکا، اروپا، آسیا و آفریقا پرداخته است (گل‌محمدی، ۱۳۹۴).

فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، کتاب دیگری است که توسط سمیع فارسون و مهرداد مشایخی به رشته‌ی تحریر درآمده است. او در این کتاب، ضمن زمینه‌های وقوع انقلاب اسلامی ایران، به بررسی گفتمان غرب‌زدگی قبل از انقلاب می‌پردازد. او با توضیح نظریه‌های جلال آل احمد و شایگان، جامعه‌ی آن روز ایران را در جستجوی یک هویت شرقی معرفی می‌کند و سپس به نخبگان مذهبی ایران و تضادهای سیاسی شدن می‌پردازد. بخش‌های دیگر کتاب، به سیاست ملی‌گرایی و فرهنگ سیاسی و رابطه‌ی فرد و جامعه‌ی اسلامی در جمهوری اسلامی و مسأله‌ی تشیع و حکومت در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌پردازد. مسایلی چون آموزش، اسلامی‌شدن فرهنگ، مردم‌گرایی و شیوه‌ی صنفی در فرهنگ سیاسی ایران، سیاست‌های قدرت و فرهنگ سیاسی در روابط ایران و آمریکا از مطالب مهم دیگر این کتاب است (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹).

فرهنگ سیاسی در ایران نوشته‌ی دکتر رشید جعفرپور کلوری، با توجه به الگوی فرهنگ سیاسی آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی ایران را با مفاهیمی چون نخبه‌های سیاسی، توده‌ی مردم، انقلاب اسلامی، مشروعیت سیاسی، زور، ناسیونالیسم باستان‌گرا، تجددطلبی سطحی، حمایت خارجی و مشارکت سیاسی توضیح داده است. نکته‌ی قابل توجه در این کتاب، بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی ایران در دو دوره‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی است (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹).

ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی، کتاب دیگری است که با توجه به فرهنگ سیاسی ایران، توسط مقصود فراست‌خواه نوشته شده است. فراست‌خواه با استفاده از نظریه‌ی بازی‌ها، و نظریه‌ی مم‌ها (متناظر به ژن‌ها) به تحلیل خلیقات ایرانیان پرداخته است. او با استفاده از زیست تاریخی و تأثیر عواملی چون ناامنی، ناپایداری، آشوب و هرج و مرج، کشمکش نخبگان، تأثیر محیط بر خلیقات

اجتماعی و عدم توفیق توسعه در دگرگونی خلیقات ایرانیان، بحث خویش را سر و سامان داده است. (فراستخواه، ۱۳۹۴)

مطالعات فرهنگ سیاسی در افغانستان

در مورد فرهنگ سیاسی هرات و حتی افغانستان تا کنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. گاهی جسته و گریخته در مورد فرهنگ سیاسی افغانستان در بعضی کتاب‌ها مطالبی بیان شده است. دکتر جلال‌الدین صدیقی، اولین کسی است که با نوشتن کتاب چگونگی استیلای نظام قبیله سالاری، به مسأله‌ی فرهنگ سیاسی نیم‌نگاهی انداخته است. او با بحثی تاریخی، به چگونگی استیلای نظام قبیله در افغانستان مبادرت ورزیده است؛ سپس با بررسی یاساهای قبیله‌ای، دیدگاه قبیله در مسایل مهم از جمله زنان را مورد توجه قرار داده است. دکتر صدیقی، عواقب استیلای نظام قبیله‌ای را در ویرانی نهادهای اقتصادی و مدنی و ویرانی نهادهای اجتماعی و فرهنگی می‌داند (صدیقی، ۱۳۸۷).

بشیراحمد انصاری با کتاب ذهنیت قبیلوی دیوارهای فراراه تدین و تمدن، فرهنگ سیاسی افغانستان را چون دکتر صدیقی تحلیل می‌کند. تفاوت این کتاب با کتاب دکتر صدیقی در این است که نویسنده، با نگاهی دینی به موضوع پرداخته است. انصاری نخست به بررسی این ذهنیت در جاهلیت قبل از اسلام پرداخته و سپس آن‌را در دوره‌های خلافت و دولت‌های معاصر منطقه بررسی کرده است و سپس به بررسی آن در افغانستان پرداخته است. از دیدگاه او افغانستان همیشه در چنگ ایل‌ها و آل‌ها بوده و این دو نهاد اجتماعی و سیاسی، به ذهنیت قبیله‌ای شکل داده‌اند که باعث و بانی تمام مشکلات افغانستان است (انصاری، ۱۳۸۲).

دکتر محمد اکرم عارفی، در کتاب توسعه‌ی سیاسی افغانستان، در مواردی نکاتی از فرهنگ سیاسی افغانستان را یادآور شده است که بیشتر به پیش‌فرض‌های نویسنده برمی‌گردد تا برآیند پژوهشی مستقل. عارفی، ساختار اجتماعی افغانستان را متأثر از سه الگوی زیستی کوچی‌گری، روستانشینی و شهری می‌داند که گروه‌های فکری‌ای چون روحانیت، اشراف، قبایل، دهقانان، طبقه‌ی متوسط جدید و کارگران را پدید آورده که ویژگی‌هایی چون پراکندگی پایگاه قدرت و مشروعیت، فقدان تحرک اجتماعی، جامعه‌ناپذیری سیاسی، و محلی‌گرایی را باعث شده است (عارفی، ۱۳۹۳).

در کتاب توسعه‌ی سیاسی با تأکید بر عوامل اجتماعی و فرهنگی، اثر عبدالحفیظ منصور هم می‌توان رگه‌هایی از پیش‌فرض‌های نویسنده در مورد فرهنگ سیاسی را شناسایی کرد. از دیدگاه او سنت‌های نابجایی که رنگ دینی به خود گرفته‌اند؛ مشکل بزرگ افغانستان است. منصور بر این باور است که تلفیق باورهای قبیله‌ای و دین، فرهنگ سیاسی‌ای را پدید آورده که امروزه، توسعه‌ی افغانستان را به چالش کشیده است (منصور، ۱۳۹۴).

دکتر عبدالقیوم سجادی، در کتاب جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان، کم‌وبیش اشاراتی به فرهنگ سیاسی داشته است؛ اما همان‌گونه که قبلاً نیز تذکر داده شد؛ مؤلفه‌هایی را که نویسندگان فوق برشمرده‌اند؛

محصول پژوهشی علمی نیست. نویسنده با بررسی شکاف‌های اجتماعی، به‌ویژه شکاف‌های قومی و مذهبی در جامعه‌ی افغانستان، به‌طور ضمنی، به فرهنگ سیاسی مبتنی بر جنگ و نفاق در دوره‌های مجاهدین و طالبان اشاره می‌کند. سجادی بر علاوه‌ی شکاف‌های اجتماعی، به جامعه‌شناسی توسعه و نیروهای اجتماعی، جامعه‌شناسی احزاب سیاسی و جامعه‌شناسی عالمان دینی و روشنفکران می‌پردازد و تأثیر هرکدام را در فرهنگ سیاسی افغانستان مورد تحلیل قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۹۱).

دکتر علی امیری در کتاب خواب و خرد، فرهنگ سیاسی حاکم بر افغانستان را ناعقلانیت تشخیص می‌دهد. او با نقد تجربه‌های نوسازی در افغانستان، از مشروطیت معطوف به قانون، مارکسیسم و نوگرایی معطوف به عدالت و اسلام‌پس معطوف به سنت، سه عنصر قانون، عدالت و سنت را از کانون‌های اصلی فرهنگ سیاسی در دوره‌های سه‌گانه‌ی یادشده می‌داند (امیری، ۱۳۹۱).

کتاب روشنفکری در افغانستان؛ نگاهی جامعه‌شناختی که توسط محمد توکل و سیدمحمد نقی موسوی نوشته شده است؛ به فرهنگ سیاسی گروه اجتماعی خاصی (روشنفکران) نظر انداخته است. این کتاب که حاصل پژوهشی میدانی است؛ ویژگی‌های مثبت و منفی روشنفکران افغانستانی را برشمرده است. از دیدگاه نویسندگان کتاب، روشنفکران افغانستانی، از ویژگی‌های مثبتی چون، قابل فهم برای جامعه، کثرت‌گرایی و نقد قدرت برخوردارند. در عین حال، ویژگی‌های منفی‌ای چون فقدان تفکر نقاد، بیگانگی با جامعه، شتاب‌زدگی، عدم تعهد اجتماعی و قوم‌گرایی بر فضای روشنفکری افغانستان، سیطره دارد (توکلی و موسوی، ۱۳۹۶).

موانع تحکیم دموکراسی در افغانستان، اثر دکتر محمدجواد صالحی، از جمله آثاری است که فرهنگ سیاسی افغانستان را در بخشی از کتاب خود به بررسی گرفته است. صالحی، قوم‌گرایی، خشونت، بی‌اعتمادی و فردگرایی منفی را از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی افغانستان برمی‌شمرد (صالحی، ۱۳۹۴).

حمزه واعظی، در کتاب افغانستان و سازه‌های ناقص هویت ملی، در فصل دوم کتاب خود، با عنوان ساختار موزاییکی، ویژگی‌ها و کارکردها؛ فرهنگ سیاسی افغانستان را شامل ویژگی‌هایی چون، درون‌گرایی اجتماعی، شیوع ویژگی‌های خاص اجتماعی، تأثیر متقابل خشونت‌های محیطی و خصلت‌های اجتماعی، بدخواهی نسبت به نظام سیاسی، بی‌سواد، بلوغ‌نیافتگی و سکون اجتماعی، کل‌ناپذیری فرهنگ قبیله، خردگرایی، بسترسازی عصبیت‌ها، فقدان تحرک اجتماعی، قشربندی تغییرناپذیر، مجال‌نیافتگی وفاق ملی، عقامت مدرنیسم و نابرابری جامعه‌پذیری سیاسی می‌داند (واعظی، ۱۳۸۱).

طبقه‌ی متوسط و توسعه‌ی سیاسی افغانستان، اثر داوود عرفان و دکتر حسین خانی، با تمرکز بر طبقه‌ی متوسط افغانستان، ضمن بررسی نوسانات نقش و جایگاه آن در تاریخ توسعه‌ی افغانستان، این طبقه را با مشخصاتی چون، توانایی انتقاد، توجه رسانه‌ای، مهارت‌های سیاسی - فرهنگی، تخصص و مهارت، اشتراک سیاسی و تحرک اجتماعی، حاملان اصلی فرهنگ سیاسی جدید برمی‌شمارند (عرفان و خانی، ۱۳۹۶).

پژوهش فرهنگ سیاسی هرات، نخستین پژوهشی است که با استفاده از داده‌های یک پژوهش علمی و تحلیل آن، به رشته‌ی تحریر در آمده است. در این پژوهش حتی‌الامکان سعی شده است که تمام شاخص‌های معتبر فرهنگ سیاسی گنجانده شود و بر اساس روش پژوهشی علمی، از آن نتیجه‌گیری به عمل آید.

پیشینه‌ی فرهنگ سیاسی هرات

پیشینه‌ی سیاسی هرات از آن جهت مهم است که این فرهنگ بر بستری دور و دراز، شکل گرفته است. نوستالژی تاریخی هرات در ذهنیت‌دهی مردم هرات مؤثر بوده؛ پیشینه‌ی درخشان فرهنگی- سیاسی هرات، باعث شده است هرات در کنج انزوای امروزی خویش با تمسک به پیشینه‌ی تاریخی خویش، به شعر، هنر و نقد سیاسی روی آورد. زمانی می‌توان انتظار داشت که هرات، در سطح ملی حرفی برای گفتن داشته باشد تا این شهر بتواند سر از خواب چند سده‌ی خویش بردارد و در مناسبات سیاسی کشور به عنوان الگویی سازنده و کارا قد علم نماید. بنابراین بررسی پیشینه‌ی تاریخی هرات می‌تواند لایه‌های زیرین ذهنیت اجتماعی-سیاسی هرات را آشکار ساخته و در ساخت الگویی پاسخ‌گو یاری رساند. از آنجایی که هرات به گستره‌ی بزرگی از جغرافیای کنونی افغانستان و ایران اطلاق می‌شد، پیشینه‌ی فرهنگی- سیاسی این دیار با حکومت‌های محلی زیادی گره خورده است. از قیام طاهر فوشنجی و ابومسلم خراسانی که بگذریم؛ فرمانروایان غوری، آل کرت، تیموریان و حتی صفاریان و سجستانیان را می‌توان در این حوزه‌ی جغرافیایی به بررسی گرفت؛ اما چهار دوره‌ی طاهریان، غوریان، آل کرت و تیموریان به سبب این‌که از یک‌سو هرات را مرکز فرمانروایی خویش قرار داده بودند و از سوی دیگر، به خاطر دستاوردهای فرهنگی، بیشتر مورد توجه ما قرار خواهند داشت.

پیشینه‌ی فرهنگی- سیاسی هرات در زمان طاهریان

پس از تصرف خراسان توسط سپاه اسلام، هرات با ابومسلم و سیاه جامگان خراسانی، اولین قیام غیرعرب را در تاریخ اسلام رقم زدند. سقوط بنی‌امیه و به قدرت رسیدن سفاح، و قدرت‌گیری عباسیان با کمک خراسانیان، نقش این خطه را در مناسبات قدرت خلافت اسلامی، برجسته نمود. هارون‌الرشید در سال ۱۷۵ ه. فرزند ارشدش امین را به ولایت‌عهدی برگزید؛ اما پس از سفر به خراسان متوجه شد که این دیار دیگر والیان بغداد را نخواهد پذیرفت. به همین سبب، در وصیت‌نامه‌ی خویش، تجدیدنظر کرد و امپراتوری‌اش را بین فرزندان‌اش (امین و مأمون) تقسیم کرد که خراسان سهم مأمون بود. اما بر اثر زیاده‌خواهی‌های امین، جنگ بین دو برادر، اجتناب‌ناپذیر بود. مأمون، برای مقابله سپاهی به فرماندهی طاهر بن حسین از سران نظامی خراسان، به مقابله‌ی برادر فرستاد. طاهر در سال ۱۹۸ ه. موفق شد با کشتن امین، بغداد را به تصرف در آورد. در سال ۲۰۵ ه. طاهر عامل خراسان شد و نخستین حکومت نیمه مستقل غیرعرب خراسانی را به وجود آورد (زمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸-۱۱). حکومت طاهریان از آنجا اهمیت می‌یابد که راه را به سوی استقلال خراسان از خلافت عباسی باز کردند (مفتخری، ۱۳۹۶: ۱۳).

طاهر خود شخصی ادیب و صاحب فضل بود و به دانشمندان و شاعران اهمیتی به‌سزا قایل بود. جانشینان طاهر، راه بنیان‌گذار سلسله‌ی طاهریان را پیمودند و شعر و هنر و موسیقی، از ویژگی‌های اصلی حکومت آنان شمرده می‌شد. ابوالفرج اصفهانی از مجالس شعر و موسیقی اسحاق بن ابراهیم بن مصعب یاد می‌کند

و عبدالله بن طاهر، طاهر بن عبدالله و محمد بن طاهر با ندیمان خود چنین مجالسی را برگزار می‌کردند و اعیان نیشابور نیز به پیروی از آنان به چنین شیوه و اعمالی مبادرت می‌ورزیدند (اکبری، ۱۳۹۱: ۳۱).

در زمان طاهریان، اقلیت‌های دینی چون یهودیان، مسیحیان و زرتشتی‌ها در قلمرو خراسان زندگی می‌کردند (اکبری، ۱۳۹۱: ۳۱۷). در این زمان چهار فرقه‌ی سنی مذهب تکوین یافتند و در کنار آن، فرقه‌های شیعه، چون امامیه، زیدیه و اسماعیلیه هم رونق گرفتند. در حقیقت، تساهل مذهبی باعث رشد مذاهب اسلامی در این زمان شده بود. مهم‌ترین فرقه‌ی مخالف، در این دوره، خوارج هستند که بیشتر در سیستان مستقر بودند (زمانی و دیگران، ۱۳۹۶).

با بررسی تاریخی می‌توان به این نتیجه رسید که فرهنگ سیاسی خراسان (هرات) در آن زمان، در مؤلفه‌هایی چون، برگشت به تمدن ایرانی، (زمانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۲) توجه به لباس محلی که معرف هویت خراسانی آنان بود و توجه ویژه به زبان فارسی و جشن‌های کهنی چون نوروز و تسامح و تساهل مذهبی (اکبری، ۱۳۹۱) در این دوره، ریشه می‌گیرد.

پیشینه‌ی فرهنگی - سیاسی هرات در زمان غوریان

غور در سال ۳۱ ه. به تصرف سپاه اسلام درآمد، اما امرای غوری با فرمان‌برداری از خلیفه‌ی اسلام در امور داخلی خویش مستقل بودند؛ اما اوج قدرت غوری‌ها در زمان دو برادر مشهور این سلسله؛ سلطان غیاث‌الدین محمد و شهاب‌الدین محمد، مصادف شد. آنان با روحیه‌ی رعیت‌پروری، تساهل و تسامح و آگاهی از موقعیت سیاسی و نظامی محیط اطراف خود، با اتفاق و اتحاد و بهره‌گیری از نیروهای مادی و معنوی غوریان معمار و سازنده‌ی این دوره‌ی باشکوه بودند (فروغی ابری، ۱۳۹۴: ۴۶).

در مورد پیشینه‌ی مذهبی غوریان، اطلاعات دقیقی در دست نیست. عتیق‌الله معروف، معتقد است که غوریان دارای مذهب زرتشتی بوده که بعداً به بودیزم گرویده‌اند (معروف، ۱۳۴۰: ۳۸)؛ اما آنچه واضح است این است که غوری‌ها پس از تصرف غور توسط سپاه اسلام، به اسلام گرویده‌اند و مذاهبی چون شافعی، حنفی، اسماعیلی و کرامیه، پیروانی داشته است. قول موافق این است که پادشاهان غوری مذهب کرامیه داشته‌اند. این مذهب از افراطی‌ترین مذاهب اسلامی معتقدان به تجسم خالق بود. غیاث‌الدین محمد اولین حاکم غوری است که تغییر مذهب داد و به شافعیت گرایید. او مسجد جامع هرات را بنیان گذارد و به وعظ خلق در آن مسجد می‌پرداخت. شهاب‌الدین برادر غیاث‌الدین، به مذهب حنفی گرایش پیدا کرد و سایر جانشینان او از این مذهب پیروی کرده‌اند (فروغی ابری، ۱۳۹۴).

با وجود تغییر مذهب در بین پادشاهان غوری، و صرف‌نظر از درگیری‌های کرامیه و پادشاهان غوری؛ سلاطین غوری به تساهل و تسامح دینی و مذهبی مشهوراند. غوری‌ها، توجه ویژه‌ای به هنر و دین داشته‌اند. فرهنگ سیاسی زمان آنان، بیشتر توجه به احکام دینی و هنر اسلامی است و از آن‌جا که این سلسله، بین فرهنگ‌های متفاوتی از هرات، غزنی و بامیان و هند، قرار گرفته بود؛ برآیند فرهنگ سیاسی حاکم بر آن، تسامح و تساهل مذهبی شمرده می‌شود.

پیشینه‌ی فرهنگی - سیاسی هرات در زمان آل کرت

آل کرت فرمانروایان و شاهان محلی بودند که هرات را به عنوان مرکز فرمانروایی خود برگزیدند و ابتدا در اطاعت و خدمت پادشاهان غوری روزگار می‌گذرانیدند و ملک رکن الدین بن تاج الدین از سوی سلطان محمد غوری به حکمرانی برخی از نواحی غور و کوتوالی قلعه‌ی خیصار (قلعه‌ای بین غور و هرات) منصوب شده بود. وی پس از هجوم چنگیز، با کیاست، اطاعت چنگیز را پذیرفت و جالب آن که حکومت غور - به اضافه‌ی ولایات پیشین - از جانب خان مغول به وی تفویض شد (نصیری جامی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۳).

آل کرت طی سالیان ۶۴۳ ه.ق / ۱۲۴۵ م تا ۷۸۳ ه.ق / ۱۳۸۶ م بر ناحیه‌ای از سرزمین‌های فلات ایران فرمان می‌راندند. متصرفات آنان گاهی تمام سرزمین‌های شرقی خراسان، سیستان و کرانه‌های سند را شامل می‌شد، اما پایتخت حکومت‌شان همواره شهر هرات بود (مجتبوی، ۱۳۸۹: ۵۱).

در زمان آل کرت اندیشمندان و دانشمندان بزرگی چون حکیم سعدالدین منجم غوری، امیر حسینی سادات غوری، حکیم الدین غوری، خواجه قطب الدین یحیی جامی نیشابوری، مولانا جمال الدین محمود زاهد مرغابی، صدرالدین ربیعی، مولانا ظهیرالدین خلوتی، مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی، امامی هروی، ملک حافظ، سیف بن محمد بن یعقوب، مظفر هروی، مولانا سعدالدین محمود عمر تفتازانی و مولانا نظام الدین عبدالرحیم در حوزه‌ی هرات بزرگ زندگی می‌کرده‌اند (مجتبوی، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۵۷). همچنان آثار تاریخی‌ای چون مصرخ کרוخ، آزادان، تربیت شیخ جام: مزار پیر ژنده پوش جام و مسجد جامع هرات در این دوره‌ی تاریخی بنا یافته است (مجتبوی، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

نقش آل کرت در بازسازی هرات پس از حمله‌ی مغول حایز اهمیت است و به همین سبب، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هرات دارد. ابن بطوطه جهانگرد معروف قرن هشتم هجری در مورد هرات آن زمان چنین نگاشته است: "هرات بزرگترین شهر آباد خراسان است، شهر بزرگ و دارای ابنیه‌ی بسیار می‌باشد، مردم این شهر متقی، متدین و پاک دامن و حنفی مذهب می‌باشند و شهر هرات از هرگونه فسق و فساد مبرا است (پویان، ۱۳۹۴: ۷۴). صدرالدین ربیعی فوشنجی خطیب فوشنج و شاعر نکته‌سنج در عهد ملک فخرالدین می‌زیست و از ندیمان سلطان بود و به دستور او کرت‌نامه را که داستان اجداد ملک موصوف را بیان می‌کرد، به رشته‌ی نظم کشید (پویان، ۱۳۹۴: ۷۱). در دوره‌ی کرت‌ها بازسازی و نوسازی هرات بعد از صاعقه‌ی چنگیز خان آغاز و پیگیری شد؛ ساختن بناهای نظامی و امنیتی، قلعه‌ها و سراهای نشیمن، حمام‌ها، مساجد، مدارس، بازارها و دکاکین، کاروانسراها، رباط‌ها، راه‌ها، خانقاه‌ها و دیگر اماکن ضروری توسعه و گسترش پیدا کرد؛ زراعت و مالداری رونق شیرازه‌بندی ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هرات در عهد کرت‌ها، این خطه‌ی باستانی باز به عنوان مرکز اصلی و قلب تپنده‌ی خراسان زمین در تاریخ زنده و پویا گشت (پویان، ۱۳۹۴: ۷۴).

آل کرت یکی از مهم‌ترین حکومت‌های محلی پس از مغول است که با توجه به آبادانی از جمله ساخت ارگ هرات؛ توجه ویژه‌ای به حفظ هویت فرهنگی هرات داشته‌اند. آنان با درایت توانستند که در این خطه، حکومتی قوی را بنیان گذارند که توجه ویژه‌ای به مسایل فرهنگی داشت. آل کرت ادامه‌ی سیاست طاهریان و غوری‌ها محسوب می‌گردند که سیاست فرهنگی را جهت حفظ یکپارچگی مردمان این خطه برگزیدند.

پیشینه‌ی فرهنگی - سیاسی هرات در زمان تیموریان

دوره‌ی تیموریان دوره‌ی درخشان تاریخ فرهنگی-سیاسی هرات است. هرچند تولد دال مرکزی گفتمان هرات (فرهنگ)، به گذشته‌های دور این سرزمین برمی‌گردد؛ اما دوره‌ی تیموریان، دوره‌ی بلوغ این دال است. در حقیقت بسیاری از دال‌های شناور گفتمان هرات، مانند عرفان، تساهل و تسامح در این دوره نضج گرفتند. آثار باستانی به جا مانده از دوره‌ی تیموریان، به عنوان تجلی گفتمان فرهنگی-سیاسی هرات، تا هنوز مورد توجه جهانیان است. در حقیقت می‌توان گفت که مناسبات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر دوران تیموریان در صورت‌بندی گفتمان امروزی هرات نقش بی‌چون و چرای داشته‌اند.

تیمور شخصیت متناقض تاریخ است. او را عموماً یکی از خوف‌انگیزترین خون‌ریزان تاریخ لقب داده‌اند (کاووسی، ۱۳۸۹: ۱۷)؛ اما به همان اندازه دوره‌ی فرمانروایی او سرآغاز احیای فرهنگ و هنر بود. تیمور توجه ویژه‌ای به صاحبان صنعت و هنرمندان داشت. با اهل علم و کلام و پیروان تصوف و دین ارتباط نزدیکی داشت و خودش دستی در علوم رایج خویش داشت. او با دانشمندان شهیری چون میر سید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی نشست و برخاست داشت و روایت شده است که در زمان فتح دمشق در سال ۸۰۳ ق با ابن خلدون گفتگویی داشته است (کاووسی، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۸).

اوج توجه به فرهنگ و هنر پس از تیمور و به‌ویژه در زمان سلطنت شاهرخ میرزا، پدید آمد. شاهرخ پس از تثبیت حاکمیت خویش به بازسازی هرات همت گماشت. به دستور او برج و باروی شهر هرات بازسازی شد و در سال ۸۱۸ هجری در موضع باغ سفید، طرح ساختمان زیبایی را ریخت. گوهرشاد، همسر شاهرخ، به آبادانی و فرهنگ و هنر توجه ویژه‌ای داشت. مدرسه‌ی گوهرشاد و بازسازی گازرگاه هرات در این زمان صورت گرفت. در این زمان، ساختمان‌های خیریه و عامل‌المنفعه مانند مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، پل‌ها، رباط‌ها، راه‌ها، حمام‌ها، و کاروان سراها... آباد گردید و در ساختن قصرها، باغ‌ها، گردش‌گاه‌ها و تفریح‌گاه‌ها نیز قدم‌های اساسی برداشته شد (پویان، ۱۳۹۴: ۷۷).

نگارخانه‌ی بایسنغرمیرزا پسر شاهرخ در هرات در حقیقت جایگاه و مرکز گردآوری نقاشان، خطاطان، مصوران، تذهیب کاران، جلدسازان، صنعت‌گران و غیره فنون و هنرها شد... در این باب میرخوند تاریخ‌نگار آن عهد چنین می‌نویسد: "مهندسان و نقاشان در تذهیب و تصویر کار را به جایی رسانیدند که مزیدی بر آن متصور نبود و مجلدان و زرگران و درودگران و خاتم‌بندان کار خود را در نازکی و لطافت به حد اعلی رسانیدند" (پویان، ۱۳۹۴: ۷۸). در این حال موسیقی، شعر و علوم دینی جایگاه ویژه‌ای یافته بود و مدارس و مساجد، محل تجمع دانش‌آموزان منطقه بود.

شخصیت دیگری که در شکوفایی فرهنگی هرات کوشید، سلطان حسین بایقرا بود. در دهه‌ی آخر پادشاهی سلطان حسین بایقرا، فرهنگ و مدنیت تیموریان هرات به اوج ترقی و تعالی خود رسید و هرات از حیث رونق و انکشاف هنری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر تارک این مدنیت می‌درخشید (پویان، ۱۳۹۴: ۸۸).

به طور کلی می‌توان گفت که در دوره‌ی تیموریان علوم دینی (قرائت، تفسیر و حدیث)، هیات و نجوم و ریاضیات فلکی و تدوین زیچ الغ بیگی، موسیقی و شعر و تاریخ نویسی در اوج شهرت رسیده بودند. نقش امیر علی شیر نوایی وزیر دانشمند آن دوره، در شکوفایی هرات برآزنده بود (میرجعفری، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۴۶). هم‌چنان، صنایعی چون جلدسازی، لاک‌سازی، فرش بافی، فلزکاری، سفال‌سازی، منسوجات و

پارچه‌بافی، مثبت کاری و معرق کاری و تذهیت و تشعیر، رشد چشم‌گیری پیدا کرده بود(مجتبوی، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۷۳).

مهم‌ترین عوامل شکوفایی فرهنگ و هنر در این عصر به ثبات سیاسی، رونق اقتصادی، آزادی مذهبی و احترام به علمای دین و رهبران گرایش‌های تصوف و صاحب منصبان و درباریان هنرپرور و اجتماع هنرمندان وابسته بود(کاووسی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۸).

فرهنگ سیاسی این دوره، با توجه به سنت‌های ایرانی-اسلامی و سنت ترکی-مغولی، پیوند بین شاه، مقام مذهبی و مردم عادی را مورد توجه قرار می‌داد. عرفان اسلامی به عنوان مهم‌ترین رویکرد مذهبی آن زمان قابل توجه است و این رویکرد، شاکله‌ی اصلی فرهنگ سیاسی آن زمان را با عناصری چون، محبت، تساهل، تسامح و مهمان‌نوازی، تقویت می‌کرد. در این زمان سیاست مدارای مذهبی نسبت به سایر ادیان فروکش کرده بود و به جای آن احترام به علمای مذهبی و مشایخ مسلمان، رونق یافته بود. فرهنگ سیاسی این دوره، فرهنگی اسلامی است که با توجه به وضعیت خاص فرهنگی هرات، به تسامح مذهبی درون دینی تفسیر می‌گردد.

از آن جا که برخی اندیشمندان به مکتب ادبی هرات با ویژگی‌های خاص آن باور دارند(حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۴)، با مؤلفه‌هایی سیاسی-اجتماعی دوران تیموریان، می‌توان برای هرات مکتب سیاسی خاصی را در نظر گرفت که بیشتر ریشه در مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره‌ی تیموریان دارد.

فصل دوم

مباحث نظری

رویکرد نظری

رویکرد نظری پژوهش فرهنگ سیاسی هرات، از دو بعد قابل بررسی است. در وهله‌ی اول؛ مفاهیم مرتبط با فرهنگ سیاسی بررسی می‌گردد و در وهله‌ی دوم؛ چهارچوب نظری مطابق با پژوهش فرهنگ سیاسی هرات پیشکش خواهد شد.

الف - مفاهیم

۱. فرهنگ

از فرهنگ مانند تمام مفاهیم علوم اجتماعی، تعاریف متعددی ارایه شده است. این تعارف از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. برای فهم بهتر این مفهوم، تعاریف مشهور و پذیرفته شده‌ی مراجع علمی را بیان خواهیم کرد. در تعریف فرهنگ با مفاهیمی چون «نظام معنا»، «الگوی معنا»، «نظامی از برداشت‌ها»، «معناهای عمومی و مشترک»، «نوعی جهان بینی»، «برداشت ذهنی از واقعیت»، «نظم ذهنی»، «فرض‌هایی درباره‌ی دنیای بیرونی»، «الگوها» یا «استانداردهای مشترک تفسیر یا ادراک» مواجه هستیم (گل محمدی، ۱۳۹۴). مهم‌ترین تعریف فرهنگ زمانی ارایه گردید که ای. بی. تیلور^۶ در سال ۱۸۷۱ این مفهوم را وارد رشته‌ی انسان‌شناسی کرد و چنین تعریفی از آن به دست داد: «همان کل پیچیده‌ای که شامل معلومات، باورها، هنر، اخلاقیات، قانون، عرف و تمامی دیگر انواع قابلیت‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند.» (چیلکوت، ۱۳۹۳: ۳۳۶). مشابه این تعریف را کروبر^۷ و کلاکهورن^۸ تعریف عامی از فرهنگ ارایه داده اند: «فرهنگ مشتمل بر پدیده‌های بسیاری هم چون معماری، نقاشی و مجسمه سازی، قانون، روساختار، زبان، فلسفه و شعر

⁶ E .B .Taylor

⁷ Kroeber

⁸ Kluckhohn

است که هر چیزی که افراد می‌توانند، بپرورند یا توسعه دهند» (اریک لین و واگشال، ۱۳۹۴: ۱۹). از سوی دیگر تعریف توصیفی فرانتس بوآس^۹ که خود انسان شناس است؛ در امتداد تعریف ای. بی. تیلور آمده است: «فرهنگ دربرگیرنده‌ی تمامی نموده‌های عادات اجتماعی یک جامعه، واکنش‌های فرد زیر تأثیر عادات گروهی که در آن زندگی می‌کند، و محصولات فعالیت انسان در چهارچوب این عادات است». تعریف بوآس نشان می‌دهد که او به کلیت فرهنگ توجه ویژه‌ای مبذول داشته و تعریف کلی او در برگیرنده‌ی چنین نگاهی است. اما اندیشمند دیگری از دریچه‌ی دیگری به فرهنگ سیاسی نگریسته است، رالف لینتون^{۱۰} با تأکید بر میراث اجتماعی یا سنت اجتماعی، فرهنگ سیاسی را از بعد ویژگی-های تاریخی بررسی کرده است. ا. کلاینبرگ^{۱۱} بر مضمون هنجاری فرهنگ تأکید دارد: «فرهنگ همان کلیت شیوه‌ی زندگی است که محیط اجتماعی آن را تعیین می‌کند». سی. اس. فورد^{۱۲} بر دلالت‌های روان‌شناختی فرهنگ توجه دارد: «فرهنگ از راه حل‌های آگاهانه‌ی مشکلات و مسایل تشکیل می‌یابد.» (چیلکوت، ۱۳۹۳).

تامپسون و دیگران در کتاب خود «رهیافت فرهنگی جدید» درباره‌ی دو تعریف بدیل از فرهنگ اظهار نظر کرده اند: یکی فرهنگ را متشکل از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، عقلانی‌سازی‌ها، نمادها، ایدئولوژی‌ها، یعنی محصولات ذهنی می‌داند. تعریف دیگر، فرهنگ را راجع به شیوه‌ی کلی زندگی مردم، روابط بین فردی و نیز نگرش‌های شان می‌نگرد (اریک لین و واگشال، ۱۳۹۴: ۲۰).

تعریف کوتاه هافستید^{۱۳} از فرهنگ یکی از جامع‌ترین تعریف‌های فرهنگ است: «فرهنگ عبارت است از الگوهای مشترک یا جمعی فکر، احساس و عمل (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳). دکتر احمد گل محمدی، این تعریف را یکی از جامع‌ترین تعریف‌های فرهنگ می‌داند، زیرا دربرگیرنده‌ی نکات مهمی است: یکم، فرهنگ با فکر، احساس و بنا برآن، عمل سروکار دارد. به همین دلیل فرهنگ با ذهن و ذهنیت ارتباط می‌یابد، زیرا فکر کردن، احساس کردن و عمل کردن، تا حدود بسیار زیادی فرایندهای ذهنی هستند. هم‌چنین، به این اعتبار فرهنگ با معنا و تفسیر سر و کار دارد؛ زیرا فکر کردن و احساس کردن در برگیرنده‌ی معنا، تفسیر و ارزیابی کردن نیز هست.

دوم: فرهنگ نوعی الگو یا برنامه‌ی ذهن است. فرهنگ به این معنا با ذهن و ذهنیت سر و کار دارد که الگوهایی برای فرایندهای ذهن فراهم می‌کند. به عبارتی، فرهنگ به فرایندهای ذهن یا همان فکر کردن و احساس کردن، به معنای کلی و فراگیر آن، ساختار می‌بخشد. فرهنگ با الگو دادن به ذهن انسان‌ها الگو می‌دهد. الگو دادن به ذهن هم چیزی موجه، مناسب و درست نشان دادن برخی امکان‌ها یا گزینه‌های فکر و احساس کردن نیست. از آنجا که فرهنگ‌های مختلف، الگوهای متفاوتی به ذهن

⁹ Franz Boas

¹⁰ Ralph Linton

¹¹ O. Kleinberg

¹² C. S. Ford

¹³ Hoftstede

می‌دهند، انسان‌های متعلق به فرهنگ‌های متفاوت هم دارای تصورات، تفسیرها و معناهای کم و بیش متفاوتی از دنیای پیرامون خود هستند.

سوم: فرهنگ امری کم و بیش اکتسابی است. الگوهای فرهنگی به ارث نمی‌رسند بلکه فراگرفته می‌شوند. فرهنگ از محیط اجتماعی گرفته می‌شود نه از زن‌ها. به همین دلیل می‌توان گفت که فرهنگ هم از سرشت انسانی متمایز است و هم از شخصیت فردی.

چهارم اینکه فرهنگ پدیده‌ای جمعی یا اجتماعی است. فرهنگ به این معنا، مقوله‌ای جمعی یا اجتماعی تلقی می‌شود که وجه مشترک شماری از انسان‌ها است. فرهنگ سازه‌ای است که در درون جامعه ساخته می‌شود و در واقع محصول تاریخ مشترک یک جامعه و تاریخ‌های زندگی افراد آن جامعه است. فرهنگ در برگیرنده‌ی الگوهای ذهنی است ولی جمع جبری ذهن‌های افراد یک جامعه نیست (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

۲. مهم‌ترین قرائت‌های فرهنگی

در کنار تعاریف متعددی که از فرهنگ ارایه شده است، قرائت‌های متفاوتی از فرهنگ، با توجه به نقطه نظرات اندیشمندان مختلف ارایه گردیده است. بدیهی است که هر اندیشمندی تلاش ورزیده است که فرهنگ را در منظومه‌ی فکری خود و بر اساس دال مرکزی گفتمان خویش تبیین نماید.

• قرائتی از وبر: پیوند فرهنگ - معنا

در جامعه‌شناسی وبری می‌توان به نشانه‌شناسی فرهنگی نزدیک شد. این جامعه‌شناسی بر تحلیل روابط کنش و معنا تأکید دارد. از دیدگاه او غایت جامعه‌شناختانه، کنش است که به نوعی در مقابل پراکسیس مارکس قرار می‌گیرد. کنش وبری در معناهای چهارگانه‌ای تبلور پیدا می‌کند که هر کدام وضعیتی جامعه‌شناختانه را معنا می‌بخشد. ماکس وبر چهار نوع کنش اجتماعی را مثال می‌آورد:

• کنش عقلانی هدفمند

کنش عقلانی هدفمند بر اساس محاسبه‌ی رابطه میان وسیله و هدف صورت می‌گیرد. این کنش در زندگی اقتصادی مطرح است که بازیگر اجتماعی ممکن است وسایل رسیدن به هدف را به اقتضای تسهیل کار خود تغییر دهد و هم با توجه به مقتضیات کار و وسایل کسب لازم، در هدف تجدید نظر کند.

• کنش عقلانی مبتنی بر ارزش

در این کنش که بیشتر در حوزه‌ی دین و اخلاق نمودار می‌شود، ممکن است در وسایل تجدید نظر شود؛ ولی در اهداف تجدید نظر نمی‌گردد.

• کنش سنتی

کنش سنتی کنشی مکانیکی است و تجدیدنظر در آن ممکن نیست؛ زیرا این کنش بر اساس تقلید محض و اطاعت ناخودآگاه از رسوم و سنن مستقر انجام می‌شود.

• کنش عاطفی

این کنش نیز بدون محاسبه‌ی هدف و وسیله صورت می‌گیرد زیرا زندگی عاطفی و احساسی انسان حیطه‌ای انضباط ناپذیر و غیر قابل پیش‌بینی است (بشیریه، ۱۳۹۱، ۵۸-۵۹). ماکس وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه» بر نوعی جامعه‌شناسی تأکید دارد که معنا را ملحوظ کند. در نخستین تعریف پیشنهادی وی، فعالیت «به‌مثابه رفتاری انسانی در نظر گرفته شده که کارگزار یا کارگزاران به آن معنایی عینی می‌بخشند». فعالیت زمانی اجتماعی می‌شود که «براساس معنای مورد نظر کارگزار یا کارگزاران به رفتار دیگری یعنی رفتار کسی که این کنش خطاب به او جهت‌گیری شده است، مرتبط گردد». از این رو اگر تحلیل کنش و معنا را به هم ربط ندهیم، پژوهش‌های جامعه‌شناسی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ وبر ما را به علمی ره می‌نماید که مدعی فرهنگ‌گرایی است (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۷).

❖ قرائتی از دور‌کیم: رابطه‌ی فرهنگ و امر مقدس (مقدسات)

از دیدگاه دور‌کیم فرهنگ برخاسته از آگاهی اجتماعی است که «مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک بین اعضای جامعه» تعریف می‌شود. فرهنگ اساساً عنصری است که واضع ساختار اجتماعی و اصل تنظیم‌کننده‌ی کنش اجتماعی است که خود بدان شکل و جهت می‌بخشد و چونان «روان یک جامعه» خود را بر اعضاء غالب می‌کند. بر این اساس جامعه‌شناس فرانسوی در درجه‌ی اول فرهنگ را در قالب مرجع بازتولیدکننده و کانون میراث اجتماعی بازسازی کرد و بدین‌سان به گونه‌ای ماتقدم ولی به طور پیچیده‌تر به نگرش نوع تاریخی پیوند خورد. او فرهنگ را مانند محصولی تلقی می‌کند که به شیوه‌های متفاوت جامعه‌پذیری در نتیجه با حالتی الزام‌آور برای وجدان فردی، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد (بدیع، ۱۳۷۶: ۳۸).

دور‌کیم مذهب را در درون دایره‌ی بزرگتری بنام فرهنگ قرار می‌دهد. او در تقسیم‌کار اجتماعی نشان می‌دهد که مذهب با فرهنگ رابطه‌ی تنگاتنگی ایجاد می‌کند (دور‌کیم، ۱۳۹۶: ۱۹). به باور دور‌کیم، مذهب به عنوان امری مقدس، محصول شمرده می‌شود نه منبع و با پیشرفت تقسیم‌کار اجتماعی به عقب می‌نشیند (بدیع، ۱۳۷۶: ۳۹). در جامعه‌شناسی دور‌کیمی، رابطه بین فرهنگ و کنش نه به مثابه اثر ساده نسبت‌های گزینشی بلکه به مثابه‌ی الزامی برآمده از همبستگی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که بر فرد اثر گذاشته و او را تحت تأثیر مکانیسم‌های اجتماعی قرار می‌دهد که به درون او راه دارند و او را در عمل و فکر و احساس هدایت می‌کنند (بدیع، ۱۳۷۶: ۴۳).

❖ قرائتی از پارسونز: به سوی تبیینی در قالب نظارت فرهنگی

در جامعه‌شناسی پارسونزی نیز انگاره‌ی نشانه‌شناسی فرهنگی قابل مشاهده است. نظریه‌ی سیستم‌های پارسونز به صورت واضح تلاشی است جهت توضیح عامل فرهنگ در تبیین کنش اجتماعی. نظریه‌ی سیستم‌های پارسونز مسلط‌ترین نظریه‌ی جامعه‌شناسی (نظریه‌ی ساخت کارکردی) را بنیان نهاده است.

از دیدگاه پارسونز عوامل همبستگی و استمرار نظام اجتماعی وابستگی شدیدی به نظام فرهنگی آن جامعه دارد. ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و نقش‌ها در درون چنین نظامی عینیت می‌یابند. ارزش‌ها غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. کار ویژه‌ی ارزشی هر جامعه‌ای ایجاد مبانی همبستگی اجتماعی است. نظام ارزشی عنصر اخلاقی و فرهنگی نظام اجتماعی به شمار می‌رود و به عنوان زیربنای اجتماع تلقی می‌شود. هنجارها در سایه‌ی ارزش‌ها پدید می‌آیند و عمل می‌کنند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را به دست می‌دهند. نظام حقوقی هر جامعه نظام هنجاری آن است. هنجارها زمینه‌ی تحقق ارزش‌های جامعه را ایجاد می‌کنند. نهادها تبلور ارزش‌ها و هنجارها در مؤسسات اجتماعی هستند و نقش‌ها مجموعه‌ی کار ویژه‌ها در درون هر حوزه از نظام اجتماعی هستند که در عمل ارزش‌ها و هنجارها را در درون نهادها اعمال می‌کنند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۶).

پارسونز می‌گوید: «هر نظام کنش، چه اجتماعی، چه نهادی و چه مربوط به یک گروه کوچک و غیره، یک سلسله صور عام دارد. چرا که هر نظام برای آن که بتواند در عملکرد خود به عنوان یک نظام توفیق یابد به لوازم کارکردی^{۱۴} به‌خصوصی نیاز دارد. این لوازم و ابزارها عبارت اند از:

الف) انطباق^{۱۵} و سازگاری با محیط؛

ب) هدف‌جویی (دست یافتن به هدف)^{۱۶}؛

ج) وحدت و هماهنگی^{۱۷}؛

د) حفظ موجودیت الگویی^{۱۸} (توسلی، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

در رابطه با این ابزارها در درون نظام کل (جامعه) نیازهای اصلی عبارت اند از:

۱. تطابق با محیط به وسیله فعالیت‌های اقتصادی، البته این کار تنها برای مراحل برتر حیات اجتماعی موقعیت فراهم می‌آورد.

۲. افراد به دنبال هدف‌هایی هستند که جامعه به آنها شکل داده و آنها به نوبه‌ی خود جامعه را هدایت می‌کنند.

¹⁴ Functional- prerequisite

¹⁵ Adaption

¹⁶ Goal achievement

¹⁷ Integration

¹⁸ Pattern maintenance

۳. هنجارها و قراردادهای نهادی شده در جامعه نهایتاً از این اهداف و هنجارها نشأت می‌گیرند.

۴. وجود نظام ارزش‌های فرهنگی فراگیر که توافق عام یا اجماع بر پایه آن استوار شده است.

بر حسب اصل اخیر نظام فرهنگی بر جنبه‌های دیگر جامعه نظارت دارد و اگر بخواهیم تحولات جامعه را درک کنیم، نخست باید به تحولات فرهنگی توجه کنیم (توسلی، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

بدین‌سان کنش اجتماعی متضمن نظام انتظارات بازیگر است که این نظام خود تا حدی تابع نحوه‌ی پیش‌دستی این بازیگر در برابر واکنش بازیگران دیگر است... در این نظام انتظارات فرهنگ وارد موضوع می‌شود: «عناصر مختلفی که یک وضعیت خاص را به وجود می‌آورند به عنوان نشانه‌ها یا سمبل‌هایی که برای سازمان دادن نظام انتظارات خویش ضرورت دارند، در برگیرنده‌ی معانی خاصی برای بازیگرانند. به‌خصوص وقتی تعامل اجتماعی در کار باشد نشانه‌ها و سمبل‌ها معانی مشترکی پیدا می‌کنند و در نتیجه به صورت ابزاری برای ارتباطات بین بازیگران در می‌آیند. وقتی نظام سمبل‌های گویا که می‌توانند محمل این ارتباطات باشند، ظهور کنند می‌توان از طلوع فرهنگ سخن به بیان آورد که خود به صورت جزیی از نظام کنشی بازیگران زیربند در خواهد آمد» (بدیع، ۱۳۷۶: ۴۳).

از دیدگاه پارسونز، هرچایی که فرهنگ تفاهم و تعامل بین بازیگران را تضمین کند، جزء واجب کنش اجتماعی محسوب می‌شود. بنابراین، فرهنگ در درون جامعه معنی می‌گیرد و حالتی کارکردی پیدا می‌کند که نظارت اجتماعی مهم‌ترین کارکرد اجتماعی آن به شمار می‌آید.

۳. فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی همچون تمام مفاهیم علوم اجتماعی تعاریف متعددی داشته است. برخی از سیاست‌شناسان، فرهنگ سیاسی را به صورت جهت‌گیری‌هایی که مردم نسبت به نهادها، سنت‌ها و هنجارهای سیاسی خود اتخاذ می‌کنند، تعریف نموده‌اند. بر این اساس، چنین جهت‌گیری‌هایی محصول شناخت، احساس و ارزشیابی آنهاست. همچنین می‌توان فرهنگ را به صورت الگویی از اعتقادات، ارزش‌ها و انتظارات و از همه مهم‌تر نگرش‌هایی تصور کرد که مردم نسبت به اقتدار، جامعه و سیاست خود دارند. بر این اساس فرهنگ سیاسی، منعکس‌کننده‌ی شیوه‌هایی است که مردم پیرامون سیاست احساس نموده و می‌اندیشند و یا مجموعه‌ای از نگرش‌ها در مورد حکومت و روابط اجتماعی است که اکثریت جامعه در آن سهیم‌اند. همچنین فرهنگ سیاسی، دربرگیرنده‌ی ارزش‌های اساسی، به ویژه ارزش‌هایی هستند که به نحوی از انحا به ایده‌آل‌های سیاسی و روابط اجتماعی ارتباط دارد (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۸). به طور خلاصه می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی عبارت است از ترکیبی از ارزش‌ها، استنباط‌ها، انتظارات، اندیشه‌ها و نظرات که طی آن نگرش‌های مردم را نسبت به زندگی سیاسی شکل می‌بخشد. برخی از سیاست‌پژوهان بر این نظراند که اصولاً فرهنگ سیاسی یک پدیده‌ی واقعی روان‌شناختی سیاسی توده است که می‌تواند از لحاظ تجربی در مطالعات افکار عمومی مورد توجه قرار گیرد. فرهنگ

سیاسی هر ملتی را تاریخ، اقتصاد، مذهب و احساسات عمومی^{۱۹} آن می‌سازند... در واقع، فرهنگ سیاسی نوعی از حافظه‌ی سیاسی جمعی می‌باشد(رزکین و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). گابریل آلموند، فرهنگ سیاسی را شامل سه سطح نظام، فرایند و سیاست‌گذاری می‌داند که هر کدام به نوبه‌ی خود در سیاست تأثیرگذارند. سطح نظام^{۲۰} شامل دیدگاه‌هایی است که شهروندان و رهبران در مورد ارزش‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده‌ی نظام سیاسی دارند. آیا شهروندان خود را با کشور یکی می‌دانند و نظام کلی حکومت را می‌پذیرند؟ سطح فرآیند^{۲۱} شامل انتظارات افراد در این‌باره می‌شود که سیاست باید چگونه کارکردی داشته باشد و رابطه‌ی افراد با فرایند سیاسی باید چگونه باشد. در سطح سیاست‌گذاری می‌خواهیم بدانیم که شهروندان و رهبران، انتظار چه سیاست‌هایی را از حکومت دارند؛ حکومت چه اهدافی از سیاست‌هایش دارد و چگونه باید به آن‌ها دست یابد؟ (آلموند و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

• جامعه‌پذیری

برای اولین بار، «هربرت هیمن» از واژه‌ی جامعه‌پذیری در رفتارشناسی سیاسی سخن گفت. وی بر این نظر بود که باید جهت‌گیری‌های سیاسی را بر اساس آموخته‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. بر این اساس، وی از نظریه‌های روان‌شناختی و نیز نظریه‌های سیاسی در چهارچوب یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای بهره گرفت. فرهنگ زبان انگلیسی آکسفورد، سابقه‌ی این اصطلاح را به سال ۱۸۲۸ می‌رساند و آن را چنین معنا می‌کند: «اجتماعی کردن، مناسب زندگی در جامعه کردن» (چیلکوت: ۱۳: ۳۵۷).

جامعه‌پذیری سیاسی فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن جامعه ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی، از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برد(داودی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). دنیس تعریف دیگری از جامعه‌پذیری به دست می‌دهد: «جامعه‌پذیری به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن، افراد تازه وارد جامعه یا کسانی که در دل آن رشد می‌کنند، الگوهای مشخص سمت‌گیری و رفتار سیاسی را کسب می‌نمایند». هس و تورنی جامعه‌پذیری را به دوران کودکی تعمیم می‌دهند و می‌گویند: «جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن یک عضو کوچک تر یا تازه وارد یک گروه یا نهاد، ارزش‌ها، ایستارها و دیگر رفتارهای آن گروه یا نهاد را فرا می‌گیرد. می‌توان جامعه‌پذیری را جریانی مستمر در تمام طول زندگانی دانست، البته ظاهراً بیشتر آموخته‌های اساس در سال‌های نخستین عمر برای فرد حاصل می‌شود» گرینستاین دو تعریف محدود و گسترده از جامعه‌پذیری سیاسی عنوان می‌دارد. در تعریف محدود: «جامعه‌پذیری سیاسی عبارت از تزریق حساب شده‌ی اطلاعات، ارزش‌ها و رویه‌های سیاسی توسط عاملان آموزش دهنده‌ای است که

19 folkway

20 system

21 process

در این زمینه مسئولیت رسمی دارند». در معنای گسترده، جامعه‌پذیری شامل «تمامی اشکال یادگیری سیاسی اعم از رسمی یا غیر رسمی، خواسته یا ناخواسته، در تمامی مراحل عمر می‌شود که نه تنها یادگیری صریح سیاسی بلکه یادگیری‌های ظاهراً غیرسیاسی را نیز دربر بگیرد». لنگتون جامعه‌پذیری سیاسی را به شکل محدود تعریف می‌کند: «جامعه‌پذیری فرایندی که از طریق عاملان مختلف جامعه صورت می‌گیرد و به کمک آن، فرد تمایلات ایستاری و الگوهای رفتاری مرتبط با سیاست را فرا می‌گیرد. این عاملان شامل مقوله‌های محیطی مانند خانواده، گروه همسالان، مدرسه، سازمان‌های بزرگ سالان و رسانه‌های همگانی می‌شود. خرده فرهنگ‌های طبقاتی، جنسی و سنی را نیز می‌توان در این زمره جای داد». ایستون و دنیس نیز تعریف محدود دیگری از جامعه‌پذیری دارند: «آن دسته فرایندهای رشد که افراد از طریق آنها، سمت‌گیری‌ها و الگوهای رفتار سیاسی را کسب می‌کنند». کولمن تفسیری موسع از جامعه‌پذیری ارائه کرده است: «جامعه‌پذیری ناظر بر همان فرایندی است که افراد از طریق آن، ایستارها و احساساتی که در قبال نظام سیاسی و نقش‌هایی که در آن دارند را کسب می‌کنند. این فراگرفته‌ها شامل شناخت^{۲۲} (دانسته‌ها یا باورهای فرد در مورد نظام، موجودیت و روش کار آن)، احساسات^{۲۳} (نحوه‌ی احساس فرد در قبال نظام، از جمله حس وفاداری و احساس تکلیف مدنی)، و احساس شایستگی سیاسی^{۲۴} (نقش بالفعل یا بالقوه‌ی فرد در نظام می‌باشد). و سرانجام آلموند جامعه‌پذیری را این گونه تعریف می‌نماید: «جامعه‌پذیری سیاسی فرایند تزریق فرهنگ سیاسی در فرد است» (چیلکوت، ۱۳۹۳: ۳۵۸).

موضوع جامعه‌پذیری سیاسی به دو دلیل برای سیاست‌شناسان جذاب بوده است: نخست آنکه، در صدد ایجاد پیوند میان فرایند جامعه‌پذیری و توسعه‌ی فعالیت‌ها و دیدگاه‌های مطرح از نظر سیاسی بوده است. مورد دوم، مربوط است به ایجاد ارتباط میان شهروندان و کارکردهای نظام سیاسی (قوام، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

❖ ارتباطات

ارتباطات در درک فرهنگ سیاسی اهمیت به‌سزایی دارد. حتی گفته می‌شود که فشار ارتباطات باعث سقوط جوامع سنتی می‌شود و مجاری جدید ارتباطات می‌تواند در ملت‌سازی نقشی برجسته داشته باشد. کارل دویچ، ارتباطات سیاسی را اعصاب حکومت در درک سیاست می‌داند (راش، ۱۳۸۷: ۱۷۱). برخی دیگر از اندیشمندان علم سیاست، ارتباطات را مؤثرترین ابزار تغییر یا تقویت عقاید سیاسی می‌دانند (رزکین و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۴). لوسین پای ارتباطات را این‌گونه تعریف می‌کند: «ارتباطات، بافت جامعه‌ی انسانی است. ساختار نظام ارتباطی هر جامعه همراه با مجاری کمابیش

²² cognition

²³ feeling

²⁴ Sense of political competence

مشخصی که دارد به یک معنا استخوان‌بندی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. محتوای ارتباطات نیز مسلماً همان گوهر آمیزش‌های انسانی است. جریان ارتباطات هم تعیین‌کننده‌ی جهت و آهنگ توسعه‌ی پویایی اجتماعی است» (چیلکوت، ۱۳۹۳: ۳۴۹). برخی دیگر از صاحب‌نظران علوم سیاسی، از وجوهی دیگر به ارتباطات سیاسی پرداخته‌اند: کارکرد ارتباطی نظام سیاسی به تبادل صحیح و آزاد اطلاعات و ارزش‌ها میان سطوح مختلف جامعه مربوط است. در مطالعه‌ی فرآیند ارتباطات، باید رابطه‌ی میان مردم با یکدیگر، روابط نخبگان و توده‌ها و نیز کیفیت رابطه میان خود نخبگان را مورد توجه قرار داد (داودی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). مایکل راش بر این باور است که ارتباطات سیاسی از سه کانال اصلی استفاده میکنند: رسانه‌های همگانی، گروه‌های فشار و احزاب سیاسی و روابط غیر رسمی بین افراد و گروه‌ها (راش، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

ب- چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی پژوهش مبتنی بر نظریه‌ی مشهور گابریل آلموند^{۲۵} و سیدنی وربا^{۲۶} در مورد انواع فرهنگ سیاسی است. پژوهش آنان در پنج کشور، امریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک صورت گرفت. برآیند پژوهش آنان مبین این نکته است که ماهیت فرهنگ سیاسی از دیدگاه آنان بر اندیشه‌ی مدنی تمرکز یافته است. این دو کوشیدند فرهنگ سیاسی‌ای را شناسایی کنند که به مؤثرترین صورت از سیاست دموکراتیک پشتیبانی کنند. آنها سه گونه‌ی کلی فرهنگ سیاسی را تعیین کردند: فرهنگ مشارکت، فرهنگ تابع و فرهنگ محلی (هیوود، ۱۳۹۳: ۲۹۱). برخی هم این سه نوع فرهنگ را در زبان فارسی با فرهنگ سیاسی بسته یا محدود، فرهنگ سیاسی تبعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی ترجمه کرده‌اند (عالم، ۱۳۸۲: ۱۱۴-۱۱۵).

آلموند در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه‌ی معین، چهار ضابطه را یادآور شده است:

۱. فرد چه دانشی در مورد ملت، نظام سیاسی‌اش در اصطلاحات کلی، تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟ احساس‌هایش نسبت به خصوصیات نظام چیست؟ عقاید کم و بیش مورد توجه قرار گرفته‌اش و قضاوت درباره‌ی آنها چیست؟
۲. از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی‌ای که در جریان به سوی بالای خط‌مشی‌سازی وجود دارد؛ چه دانشی دارد؟ احساس‌ها و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟
۳. درباره‌ی جریان رو به پایین اجرای خط‌مشی، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارد؟ احساس‌ها و عقایدش درباره‌ی آنها چیست؟

²⁵ G.A. Almond

²⁶ Sidney Verba

۴. چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه‌ی نفوذ چه دانشی دارد؟ او درباره‌ی قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ چه هنجارهایی از مشارکت و یا اجرا را می‌شناسد و یا در صورت‌بندی کردن داوری‌های سیاسی، یا رسیدن به عقاید شناسایی می‌کند، یا به خدمت می‌گیرد؟ (پالمر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

با توجه به ضابطه‌های فوق، آلموند و وربا، مشخصات فرهنگ‌های سیاسی سه گانه‌ی خویش را این‌گونه بر می‌شمرند:

فرهنگ سیاسی محلی / محدود / بسته: این نوع فرهنگ سیاسی محلی با نبود حس شهروندی، در مردمی که وابسته به محل شناخته می‌شوند نه ملت، و تمایل و توانایی شرکت در سیاست را هم ندارند، مشخص شده است. در این نوع فرهنگ سیاسی، مردم از نظام سیاسی خود آگاهی ندارند. فرهنگ سیاسی محدود، توانایی مقایسه‌ی تغییراتی که نظام سیاسی آغاز کرده است را ندارد. افراد فرهنگ سیاسی محدود یا دستخوش انجماد فکری، هستند یا از نظام سیاسی هیچ انتظاری ندارند. این فرهنگ مختص جوامع عقب مانده است.

فرهنگ سیاسی تبعی: این نوع فرهنگ سیاسی با بی تفاوتی در میان شهروندان، و یا با این شناخت مشخص شده است که شهروندان فقط آمادگی بسیار محدودی برای نفوذگذاری بر حکومت دارند. در فرهنگ سیاسی تابع، مردم از نظام سیاسی آگاهی دارند. شهروندان از نقش‌های دولت مانند مالیات‌گیری و قانون‌گذاری آگاه هستند. در حقیقت رابطه‌ای یک طرفه بین مردم و نظام سیاسی برقرار است به این معنی که مردم فقط تابع و فرمانبردار اوامر حکومتی‌اند. در فرهنگ سیاسی تبعی، افراد از راه‌های نفوذ بر نظام سیاسی ممکن است اطلاع نداشته باشند و یا ممکن است اطلاع داشته باشند، اما به عنوان مطرح‌کنندگان خواست‌ها هیچ تصور روشنی از نقش خود دارا نباشند. این افراد برای حل و رفع دشواری‌های پیش‌آمده به رییس محلی یا رییس خانواده مراجعه می‌کنند و در تصورشان نمی‌گنجد که آن‌ها توانایی حل و رفع مشکلات شان را داشته باشند.

فرهنگ سیاسی مشارکت: در این نوع فرهنگ، شهروندان به سیاست توجه زیادی دارند و مشارکت عمومی را مطلوب و مؤثر می‌دانند. مشارکت‌کنندگان سیاسی کسانی هستند که از ساختار و روند نظام سیاسی و خواست‌ها و نظام سیاسی خود آگاه هستند و در کار تصمیم‌گیری دخالت می‌کنند. در این فرهنگ سیاسی، مشارکت‌کنندگان سیاسی، ایستارهای خاصی به ساختارهای سیاسی مانند احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و نقش‌های آنان در این ساختارها می‌گیرند (هیوود، ۱۳۹۳؛ پالمر و دیگران، ۱۳۹۳؛ عالم، ۱۳۸۲).

آلموند و وربا، سه نوع فرهنگ سیاسی ترکیبی را نیز مطرح ساخته‌اند:

- فرهنگ سیاسی محدود-تبعی
- فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی

فرهنگ‌های محدود- تبعی و تبعی- مشارکتی، کم و بیش مراحل انتقالی بین فرهنگ‌های به ترتیب محدود و تبعی، و فرهنگ‌های تبعی و مشارکتی هستند. در فرهنگ محدود- مشارکتی، که در بسیاری از مناطق در حال توسعه عمومیت دارد، نهادهای سیاسی و ارزش‌های رهبران، خصوصیت فرهنگ سیاسی مشارکتی را دارد؛ اما وفاداری‌های ابتدایی توده‌ها به طور مستقیم متوجه قبیله، دهکده و رهبران مذهبی باقی می‌ماند. بنابراین؛ اگرچه افراد نمادهای مشارکت متعددی چون پرچم‌ها، قوانین اساسی، طاق‌های پیروزی و سرودهای ملی را ایجاد می‌کنند، اما سودمندی این نمادها در به جنبش درآوردن توده‌ها و یا ساختن حمایت برای رژیم مساوی با هیچ است (پالمر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

با وجود آن که آلموند و وربا، پذیرفته‌اند که فرهنگ سیاسی مشارکتی به آرمان دموکراتیک بسیار نزدیک است؛ اما گفتند که «فرهنگ مدنی» آمیزه‌ای از این سه فرهنگ سیاسی است، به این معنی که مشارکت شهروندان در فرایند سیاسی را با ضرورت اساسی حکومت کردن حکومت، سازگار می‌کند. به نظر آنها فرهنگ سیاسی، اساس ثبات دموکراتیک را ایجاد کرده و آمیزه‌ای از فعالیت و بی‌تفاوتی شهروندان، و موازنه‌ی بین تکلیف و اجرای تکلیف حکومت آن را مشخص ساخته است (هیوود، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

به صورت کلی می‌توان گفت که آلموند و وربا بهترین محیط فرهنگی برای یک کشور دموکراتیک را با مفهوم فرهنگ اجتماعی، محیطی می‌دانند که حاصل ترکیب چند فرهنگ متفاوت است. «فرهنگ اجتماعی عبارت از فرهنگ سیاسی مرکب است. در آن بسیاری افراد در سیاست فعال اند؛ اما گروهی نیز وجود دارد که نقش غیرفعال را در موضوع انتخاب می‌کنند. مهم‌تر این که حتی در میان کسانی که نقش سیاسی فعالانه شهروندی را ایفا می‌کنند، نقش‌های تبعی و محدود نیز جایگزین نشده است. نقش مشارکتی به نقش‌های تبعی و محدود نیز اضافه شده است. این بدان معنی است که شهروند فعال، کماکان روابط سنتی و غیرسیاسی خود را به همان درجه‌ی نقش سیاسی غیرفعال تر خود به عنوان یک شهروند، حفظ می‌کند. درست است که الگوی عقلایی- فعالانه‌ی شهروند، متضمن این نیست که گرایش‌های مشارکتی جایگزین گرایش‌های تبعی و محدود شود؛ اما عدم ذکر دو نقش اخیر به طور صریح نیز متضمن این نخواهد بود که آن‌ها در فرهنگ سیاسی دموکراتیک، نامربوط‌اند» (پالمر و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۴).

افزون بر این شش نوع فرهنگ سیاسی بالا، روزنباون^{۲۷} معتقد است که سه رهیافت فرهنگ سیاسی دیگر نیز وجود دارد که او آن‌ها را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

فرهنگ سیاسی مدنی: فرهنگ سیاسی مدنی در جامعه‌ای دیده می‌شود که در آن قدرت و اختیار تصمیم‌گیری در دست نخبه‌ی ویژه‌ای است و توده‌ها به طور مستقیم در آن شرکت ندارند، بلکه

²⁷ Rosenbaun

احساسات و تمایلات خود را توسط نمایندگان خود که در واقع به طور کلی جواب‌گوی مردم نیستند، بیان می‌کنند. این گونه فرهنگ در جامعه‌ی دموکراتیک وجود دارد.

فرهنگ سیاسی غیر دینی: این گونه فرهنگ در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مردم بی‌توجه به دین، عقلانی و تحلیلی رفتار می‌کنند. به عقیده‌ی آلموند و وربا، فرهنگ غیر دینی، فرهنگی است که در آن سمت‌گیری سنتی و ایستارها راه روندهای پویای تصمیم‌گیری مربوط به جمع‌آوری اطلاعات، ارزشیابی اطلاعات، تعیین جریان عمل بدیل، انتخاب مسیر در میان مسیرهای احتمالی و ابزارها را که بدان وسیله کسی در می‌یابد، آیا مسیر عمل معینی نتایج مورد نظر را به بار می‌آورد یا نه، باز می‌کند.

فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک: این گونه فرهنگ در کشورهایی وجود دارد که در آن‌ها ایدئولوژی خاصی تشویق می‌شود و مردم مجبور به پیروی از آن‌اند. در اتحاد جماهیر شوروی فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک وجود داشت و در چین وجود دارد.

فرهنگ سیاسی همگن: این نوع فرهنگ در جامعه‌ای وجود دارد که در آن مردم در مورد هدف‌ها و ابزارهای دست یافتن به آن‌ها نظرات سیاسی یکسانی دارند. رهبران احزاب سیاسی گوناگون هم ایدئولوژی یکسانی دارند: مانند انگلستان یا امریکا.

فرهنگ سیاسی چندپاره: این فرهنگ در کشوری وجود دارد که در آن مردم درباره‌ی هدف‌های سیاسی و ابزارهای دستیابی به آن‌ها نظرات یکسانی ندارند. این گونه فرهنگ سیاسی به طور عموم در کشورهای دارای نظام چند حزبی وجود دارد. فرانسه و ایتالیا نمونه‌هایی از این نوع فرهنگ هستند(عالم، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۱۶).

فصل سوم

روش‌شناسی پژوهش

اندیشمندان علوم سیاسی برای سنجش فرهنگ سیاسی روش‌های مختلفی اتخاذ کرده‌اند. این مسأله بستگی به این امر داشته است که فرهنگ سیاسی به مفهومی توصیف‌گر مدنظر بوده یا مفهومی تبیین‌گر. در مورد مفهوم نخست باید گفت که فرهنگ سیاسی برای توصیف نظام‌های معنایی با گرایش‌ها و تمایلات رایج در جوامع کاربرد دارد و در مفهوم دوم؛ فرهنگ سیاسی خود در خدمت تحلیل و تبیین پدیده‌های سیاسی قرار می‌گیرد (گل‌محمدی، ۱۳۹۴: ۲۳). به‌صورت‌عموم، توسط اندیشمندان سیاسی و جامعه‌شناسان، سه روش تحلیل محتوا «جنبه‌های دارای اهمیت سیاسی، شخصیت افراد، از طریق مطالعه روش‌مند و عینی داده‌های شفاهی نوشته و ثبت شده»، تحلیل گفتمان «بررسی ویژگی‌های یک فرهنگ سیاسی معین از طریق بررسی و شناخت نظام معنایی نمادهای روشن یک جامعه» و روش سایکوفیزیولوژیک «نگرش یک فرد نسبت به یک موضوع یا چیز و بررسی رفتار او» برای سنجش فرهنگ سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است (همان: ۲۴).

با تمام این‌ها، فرهنگ سیاسی را نمی‌توان با روش‌شناختی تک‌بعدی و خطی مورد مطالعه قرار داد. تفاوت ویژگی‌های فرهنگی جوامع مختلف باعث شده که پژوهش‌گران سیاسی-اجتماعی به روش‌های دیگری متوسل شوند و گاهی از روش‌های تلفیقی در سنجش فرهنگ سیاسی کار بگیرند. به‌طورنمونه، پای تلاش ورزیده است که با بررسی الگوی‌های رهبری به درک بهتری از فرهنگ سیاسی برسد. ویکمن بیشتر بر ادبیات تمرکز داشته و ولش از روش تحلیل گفتگویی و محاوره‌ای بهره برده است. برای اندیشمندی چون الکنینس، بررسی نهادهای سیاسی در درک فرهنگ سیاسی مهم‌تر از سایر موارد بوده و دیتمر بیشتر به نمادها توجه داشته است. (همان، ۲۵)

با وصف روش‌های فوق، اجماع کلی این است که روش پیمایش^{۲۸} نظام‌مندترین روش بررسی و سنجش فرهنگ سیاسی است. اندیشمندان مهمی در جهان، از این روش در سنجش فرهنگ سیاسی جوامع بهره

²⁸ Research survey

گرفته‌اند. آلموند و وربا در مورد فرهنگ سیاسی و دموکراسی، (سیاست مقایسه‌ای، ۱۳۹۶)، رونالد اینگلهارت، در مورد دگرگونی ارزش‌ها در جوامع غربی (اینگلهارت، ۱۳۹۵) و پژوهش‌های راسل دانتون درباره‌ی ارزش‌های فرامادی، از نمونه‌های بارز استفاده‌ی روش پیمایش در سنجش فرهنگ سیاسی است. با توجه به چهارچوب مفهومی «فرهنگ مدنی» آلموند و وربا، از جهت‌گیری‌های سه‌گانه‌ی آنان، جهت‌گیری شناختی (دانش و باور فرد در مورد نظام سیاسی، نقش‌ها، متصدیان نقش‌ها، درون‌دادها و برون‌دادهایش)، جهت‌گیری احساسی (احساسات فرد در مورد نظام سیاسی، نقش‌ها، اشخاص و شیوه‌ی عمل آن) و جهت‌گیری ارزش‌یابانه (قضاوت‌ها و نظرات افراد در مورد موضوعات سیاسی که ترکیبی از معیارهای ارزشی است و با اطلاعات و احساسات سر و کار دارد) (جهانگیری و بوستانی، ۱۳۸۰: ۱۷۷) در پرسش‌نامه استفاده تا بتواند در نوع فرهنگ سیاسی مورد نظر آلموند و وربا (محدود، تبعی و مشارکت) و یا ترکیبی از این سه نوع فرهنگ سیاسی کمک نماید.

پژوهش حاضر، از شیوه‌ی پیمایشی استفاده کرده است. پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف گروه مورد بررسی‌اند و طرح پرسش‌هایی که باید از آن‌ها پرسیده شود، آغاز می‌شود (بیکر، ۱۳۸۹: ۲۴). تحقیق پیمایشی روشی است برای گردآوری داده‌ها که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص (که برای همه افراد یکسان است) پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات پژوهش را تشکیل می‌دهد. پژوهش پیمایشی عام‌ترین نوع تحقیقات اجتماعی است (همان: ۱۹۶). برای انجام پیمایش پرسش‌نامه به عنوان ابزار اصلی این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. پرسش‌نامه‌ای با ۸۹ پرسش اصلی و هشت پرسش که متغیرهای جمعیت‌شناختی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. این پرسش‌نامه پس از مطالعه‌ی پرسش‌نامه‌های موجود در مورد فرهنگ سیاسی و پژوهش‌های صورت گرفته، و با استفاده از معیارهای یک پرسش‌نامه‌ی استاندارد ساخته شده است.

مدل نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. این مدل نمونه‌گیری برای پژوهش‌های استفاده می‌شود که جامعه نمونه‌ی آن گسترده و نامتجانس باشد. نمونه‌ها با یک تقسیم‌بندی ساده از بخش‌های مشخصی برای تقسیم پرسش‌نامه، انتخاب و پرسش‌نامه برایشان داده شده است. تعداد پرسش‌نامه‌های تقسیم شده در بین نمونه‌ها بر اساس شاخص‌های علمی تعیین جامعه‌ی نمونه که در وبسایت‌های معتبر بر اساس فرمول‌های تعیین حجم نمونه تنظیم شده است، ساخته شده. شهر هرات مطابق آمار اداره احصائیه مرکزی افغانستان در سال ۱۳۹۷ خورشیدی، ۵۳۷,۶۷۳ نفر جمعیت دارد؛ اما جامعه‌ی هدف ما در داخل شهر هرات که نمایندگی از فرهنگ سیاسی یک جامعه را می‌تواند بکند، آمار دقیقی ندارد. به همین منظور استفاده از روش تصادفی برای جمع‌آوری داده استفاده شده است و جمعیت عمومی شهر هرات برای تعیین حجم نمونه در نظر گرفته شده، تا بتواند برای تمام اقشار سهمی کاملاً یک‌سان را به‌عنوان نمونه برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های این پژوهش بدهد. این نمونه‌ها با درجه‌ی اطمینان ۹۵ درصد برای تعمیم‌بخشی پاسخ‌ها و فاصله‌ی اطمینان ۵ به تعداد ۳۸۴ نمونه به‌عنوان جامعه‌ی نمونه تعیین گردید.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار تحلیل داده‌های اجتماعی SPSS استفاده شده است و برای تنظیم جداول و دسته‌بندی داده‌ها از برنامه کامپیوتری اکسل. داده‌های بدست آمده از برنامه SPSS توسط این برنامه دسته‌بندی و سپس برای تحلیل نظری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تحلیل این داده‌ها به دو قسمت توصیفی و استنباطی تقسیم می‌شود. در بخش توصیفی به شرح و توصیف شاخص‌های این پژوهش که نشان دهنده‌ی ابعاد فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه است را نشان می‌دهد و سپس از داده‌های بدست آمده تحلیلی از وضعیت عمومی فرهنگ سیاسی هرات بدست داده شده است. با توجه به موارد فوق چهار متغیر دین، قومیت، دموکراسی و نگرش‌های عمومی با شاخص‌های پذیرفته شده‌ی علمی پایه‌های اساسی این پژوهش را با توجه به چهارچوب پژوهش دنبال می‌کند:

مفاهیم پایه‌ای پژوهش

مفاهیم پایه‌ای پژوهش بر اساس نگرش‌هایی که به نوعی بر فرهنگ سیاسی تأثیر می‌گذارند؛ انتخاب شده‌اند. بر این اساس نخست نگرش را تعریف کرده سپس به تعریف نگرش‌های سیاسی و تأثیر آن بر فرهنگ سیاسی خواهیم پرداخت.

نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد. طبق نظر فریدمن و همکارانش، نگرش نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی^{۲۹}، یک عنصر احساسی^{۳۰} و یک تمایل به عمل^{۳۱} است. مؤلفه‌های عاطفی شامل هیجانات و عاطفه‌ی فرد نسبت به موضوع، خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه‌ی رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع را شامل می‌گردد. مؤلفه‌ی شناختی شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد شامل: حقایق، دانش و عقاید(ترکان و کجباغ، ۱۳۸۷).

نگرش سیاسی از مهم‌ترین واحدهای تحلیل سیاسی و روان‌شناسی سیاسی است و یکی از پرکاربردترین اصطلاحات که دارای ویژگی‌های خاصی است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف) سازه‌ای فرضی است و ورای وجود مؤلفه‌ها و عناصر سه‌گانه‌اش وجود عینی ندارد و قابل مشاهده و اندازه‌گیری کمی نیست.

ب) هر نگرش معطوف به شی، شخص، رویداد و موقعیت است.

ج) هر نگرش دارای یک بعد ارزیابی یا ارزیابی‌کننده است.

د) هر نگرش معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی است. معمولاً افراد نگرش خود را تا در معرض فشار زیاد یا مبارزه جدی قرار نگیرند؛ تغییر نمی‌دهند.

²⁹ Cognitive

³⁰ Feeling

³¹ Action Tendency

ه) نگرش اکتسابی است و به تدریج وجود می‌یابد و ریشه در آموزش و تجربه‌ی شخص دارد و از این رو نمی‌تواند یک گزینه‌ی اجتماعی باشد.

و) نگرش به سوی تحقق برخی اهداف و ارزش‌ها معطوف است و از این نظر با بازتاب‌های ساده و شرطی شده تفاوت دارد.

ز) نگرش به هیچ وجه عملی رفلکسی (خوب به خودی) و روزمره نیست (برزگر، ۱۳۹۲: ۲۹۲).

۱. نگرش دینی

آنتونی گیدنز، برای تمام ادیان ویژگی‌های مشخصی در نظر می‌گیرد. از دیدگاه او تمام ادیان ویژگی‌های ظاهری مشترکی دارند که از این قرار است. همه‌ی ادیان در بردارنده‌ی مجموعه نمادهایی هستند که احساس خضوع^{۳۲} یا احترام آمیخته به ترس^{۳۳} برمی‌انگیزند، و به مناسک^{۳۴} یا مراسم و یا شعایی مربوط می‌شوند که اجتماع مؤمنان در آن شرکت می‌جویند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۷۶۹).

در حالی که برخی از صاحب نظران سیاست و اجتماع، از دو نگرش دینی «پیوستگی دین و سیاست و جدایی دین و سیاست» (حاتمی و علیزاده، ۱۳۹۱) سخن می‌گویند؛ موريس باریبه به چهار نوع نگرش کلی در مورد دین و سیاست باور دارد که عبارت‌اند از:

- برداشت دینی: تفوق دین بر سیاست (لوتر و نظریه‌ی دو قلمرو، کالون و نظریه‌ی دو نظام، بدن و نظریه‌ی سازگاری دین و سیاست، بوسوئه و نظریه‌ی اتحاد دین و سیاست و دومستر و نظریه‌ی وحدت دین و سیاست).

- برداشت ابزاری: تبعیت دین از سیاست (ماکیاولی و نظریه‌ی دین در خدمت دولت، منتسکیو و نظریه‌ی کارکرد سیاسی و اجتماعی دین، هابز و نظریه‌ی آمیختگی کلیسا و دولت، اسپینوزا و نظریه‌ی تبعیت دین از سیاست و روسو و نظریه‌ی دین مدنی).

- برداشت لیبرالی: تفکیک دین از سیاست (لاک و جدایی کلیسا از دولت، کنستان و استقلال دین و سیاست، لامنه و کنش مسیحیت در جامعه و دوتوکویل و سازگاری مسیحیت و دموکراسی).

- برداشت انتقادی از رابطه‌ی دین و سیاست (سوسیالیست‌های غیرمارکسیست، سوسیالیست‌های تخیلی، دین انسانیت، نظرات انگلس و مارکس و نظرات گرامشی) (باریبه، ۱۳۸۹).

- دولت دینی

دولت‌های دینی عموماً دولت‌هایی هستند که به درجات مختلف، در هستی دولت، مکانیسم عمل و غایات دولت، به آموزه‌های دینی استناد می‌کنند. این برداشت از دولت دینی، بدین لحاظ که

³² reverence

³³ awe

³⁴ Rituals

کلی است، چندان مورد مناقشه نیست؛ اما واقعیت این است که تعریف فوق، پیش از آن که روشنگر باشد، تولید ابهام می‌کند... این ابهام باعث شده که برداشت‌های متفاوتی از دولت دینی به وجود آید که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- دولت اسلامی به دولتی گفته می‌شود که در جغرافیای زندگی مسلمانان تشکیل می‌شود و اقتدار سیاسی را بر عهده‌ی مسلمانان می‌گذارد و اکثر نهادهای عمومی به دست آنان اداره می‌شود.
- دولت اسلامی یعنی دولتی که حافظ و مجری شریعت و آموزه‌های اسلامی در جامعه است. این دولت ماهیت ابزاری دارد و نقش مدافع دین و مجری احکام شریعت را بازی می‌کند.
- دولت اسلامی دولتی است که فرمانروایان آن، شرایط و اختیارات خاصی دارند که دین به آنها اعطا کرده است. در این برداشت، دین مبنای نظم سیاسی است و قواعد خاصی را برای اداره‌ی امور مسلمانان وضع می‌کند و در کنار آن شرایط ویژه‌ای را برای حاکم مسلمانان در نظر می‌گیرد.
- دولت اسلامی، دولتی است که نه تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و شرایط رهبران از جانب دین تعیین می‌شود که ساختار نظام سیاسی و روش‌های مدیریت جامعه را نیز مشخص می‌سازد (فیرحی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۳).

نهاد دینی

روحانیت نهاد مهم دینی در تمام ادیان دنیاست. روحانیت در برخی از ادیان، مانند مسیحیت کاتولیک، نهاد رسمی شمرده می‌شود که وظیفه‌ی سامان دهی امور دینی مؤمنین را برعهده دارد و در برخی از ادیان مانند اسلام، به صورت غیر رسمی به وظیفه‌ی ارشاد، افتا و امر به معروف و نهی از منکر مشغول‌اند. روحانیت به صورت رسمی و غیررسمی در نهادهای دیگری همچون نظام حسیبه، مدارس دینی، سازمان‌های مرتبط با حج و اوقاف نقش بارزی ایفا می‌کنند.

گیدنز چهار مفهوم، کلیسا، فرقه، مذهب و کیش را از نهادهای مهم دینی تلقی می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۷۸۴). برخی دیگر از صاحب نظران، از نهادهای تاسیسی دیگری به ویژه در دین اسلام نام می‌برند که عبارت‌اند از: امت، خلافت، امامت، ولایت، بیعت، شریعت، شورا، امر به معروف و نهی از منکر (تقوی، ۱۳۹۲).

۲. نگرش قبیله‌ای

نگرش قبیله‌ای رابطه‌ی معناداری با قوم و مناسبات قومی دارد. گیدنز قوم را این‌گونه تعریف می‌کند: «قومیت^{۳۵} مفهومی است که معنای مطلقاً اجتماعی دارد. قومیت به کارد و کارها و نگرش‌های فرهنگی اجتماعی معینی از مردم اطلاق می‌شود که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد. اعضای گروه‌های قومی خود را از نظر فرهنگی متمایز از سایر گروه‌های جامعه می‌دانند، و سایر گروه‌های اجتماعی نیز به همین چشم

³⁵ ethnicity

به آن‌ها نگاه می‌کنند. ویژگی‌های مختلفی ممکن است برای تشخیص گروه‌های قومی از یکدیگر به کار رود، اما معمول‌ترین ویژگی‌ها عبارت‌اند از زبان، تاریخ یا اجداد (واقعی یا خیالی)، دین و شیوه‌های پوشاک یا آرایش... در واقع هیچ عنصر فطری و مادرزادی در قومیت وجود ندارد؛ قومیت پدیده‌ای صرفاً اجتماعی است که در طول زمان تولید و بازتولید می‌شود» (گیدنز، ۳۵۹). آندره هیوود، از منظر دیگری بر مفهوم قومیت نظر انداخته است: «قومیت احساس وفاداری نسبت به یک جمعیت خاص، گروه فرهنگی یا منطقه‌ای ارضی است. این اصطلاح، به این دلیل که آثار فرهنگی و نژادی دارد، اصطلاحی پیچیده است. اعضای گروه نژادی اغلب، به طور صحیح یا ناصحیح، این‌گونه در نظر گرفته می‌شوند که تبار مشترکی دارند و بنابراین، گروه‌های خویشاوندی گسترده به شمار می‌روند. قومیت اکثراً شکلی از هویت فرهنگی^{۳۶}، ولو منحصر به فرد، تلقی می‌شود که در یک سطح احساسی و عمیق به کار می‌رود. از این رو، قومیت یک فرهنگ نژادی شامل ارزش‌ها، سنن و آداب است؛ اما، مهم‌تر از آن، معمولاً با تکیه کردن بر نسل و تبار مردم، به آن‌ها هویتی مشترک و احساس تشخیص می‌دهد (هیوود، ۱۳۸۷: ۲۷۹).

برخی نگرش قومی را «سیاست بدون دولت» خوانده‌اند (تانسی، ۱۳۹۰: ۶۴). این دسته از صاحب نظران، با توجه به مناسبات قبیله‌ای از جمله، برادرخواندگی خونی، قانون قبیله، سنت‌های میراثی قبیله و ... به چنین نتیجه‌گیری‌ای نایل آمده‌اند.

در کنار نگرش، گاهی با نهادهای مبعث از چنین نگرش‌هایی روبرو هستیم که تأثیرگذاری آن را در فرهنگ سیاسی می‌توان مشاهده کرد. مفهوم نهاد از دو عنصر تشکیل شده است: عامل سازنده نهادها و عامل مربوط به اعتقادات و صور ذهنی جمعی. از زاویه‌ی ساختی، نهادها عبارت‌اند از برخی الگوهای روابط انسانی که ارتباطات مادی (محسوس و ملموس) و همچنین ارتباطات واقعی و عملی بر اساس آن‌ها قالب-گیری می‌شود. لذا نهادها از ویژگی ثبات، تداوم و همگنی برخوردارند و می‌توان آن‌ها را از هرگونه روابطی خارج از الگو که اتفاقی، گذرا و تغییرپذیرند تمییز داد (دوورژه، ۱۳۹۱: ۸۰).

• ذهنیت قبیله‌ای

ذهنیت قبیله‌ای به گرایش ذهنی‌ای گفته می‌شود که اعضای یک قبیله، دنبال یک هدف مشترک، یعنی دفاع از قبیله در هر حالتی، بر ضد هر کسی و در حق و باطل‌اند. این‌گونه احساس یگانگی، عصبیت نامیده شده و بر آن سنت‌هایی مترتب می‌شود که به منزله‌ی قانون اساسی بوده و روابط و مناسبات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند (انصاری، ۱۳۸۲). فرهنگ قبیله‌ای با درون‌مایه‌هایی چون کل‌ناپذیری، خردگریزی، بسترسازی عصبیت‌ها، فقدان تحرک اجتماعی، قشربندی تغییرناپذیر، مجال‌نیافتگی وفاق ملی، عقامت مدرنیسم و نابرابری جامعه‌پذیری سیاسی (واعظی، ۱۳۸۱: ۸۶-۱۰۰). فرهنگ قبیله‌ای به ویرانی نهادهای اقتصادی و مدنی و ویرانی نهادهای اجتماعی و فرهنگی کشور انجامیده است (صدیقی، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۸).

³⁶ Cultural identity

• نهاد قبیله‌ای

منظور از نهاد در قبیله، نهادهای عرفی چون شورا، جرگه و قواعد تأسیسی چون قانون قبیله، برادر خونی، برادر بزرگ‌تر، بد دادن، بدل، انتقام، غارت و ... است. «یاسا» نمونه‌ی قواعد تأسیسی قبایل مغول وابسته به چنگیز بود و جرگه‌ی بزرگ از تشکلهای جمعی بود که او را در سال ۱۲۰۶ میلادی با عنوان خان بزرگ برگزیدند (رسولی، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

جرگه در افغانستان در عصر ویدی یعنی دو هزار سال قبل از میلاد، مجالس «سبها» و «سیمتی‌ها» یا مجالس اعیان و عوام بخاطر رسیدگی به امور کشوری و اخذ تصامیم مهم تشکیل می‌گردید (سیفی، ۱۳۷۶). در تاریخ آریانا، ذکر است که مجالس مشورت در روستاهای بزرگ بنام سبها برگزار می‌شد و در آن تمام مردم حق اشتراک داشتند و مرجع حل و فصل معاملات و مشاجرات‌شان به شمار می‌رفت. در مجالس سمتی مالکان عراده‌ها و رمه‌ها و حتی شاه نیز حضور به هم می‌رساندند (غبار، ۱۳۶۷).

کشکای بزرگ (۱۲۵-۱۴۴ میلادی) که جهت حل و فصل اختلافات در مذهب بودیسم ظهور نموده بود، یک مجلس بزرگی را که در آن بیش از دوصد راهب بودایی، عالم و نماینده‌ی مذهبی شرکت داشتند؛ دعوت نمود تا این اختلافات مذهبی را مورد غور و مذاقه قرار داده، راه‌حل مناسب آن را دریافت و تصامیم مقتضی اتخاذ نمایند که به همین‌گونه مجلس منعقدی موفقانه به حل و فصل اختلافات اقدام نمود (حبیبی، ۱۳۸۷).

۳. نگرش دموکراتیک

نگرش دموکراتیک به نگرشی گفته می‌شود که با دموکراسی^{۳۷} و ارزش‌های آن پیوند می‌خورد. دموکراسی از لحاظ لغوی به معنای حکومت مردم است. یا به بیان ساده، دموکراسی حکومت توسط مردم است. آبراهام لینکن^{۳۸}، در نطق معروف خود «نطق گیتزبرگ»^{۳۹} در سال ۱۸۶۴، مفهوم حکومت مردم را بسط داد. او در این نطق، دموکراسی را «حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم» نامید. این نطق اهمیت سه ویژگی مهم دموکراسی را مورد تأیید قرار می‌دهد. اول این که تأکید بر «مردم» بیانگر برابری سیاسی یعنی توزیع برابر قدرت و نفوذ سیاسی است. دوم این که حکومت «توسط» مردم بر اهمیت مشارکت عمومی تأکید دارد. سوم این که حکومت «برای» مردم نیز این حقیقت را برجسته می‌کند که دموکراسی بیانگر حکومت در منافع عمومی است (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

معناهای دیگری نیز به دموکراسی نسبت داده شده‌اند که از این قراراند:

- نظام فرمانروایی تهی‌دستان و محرومان.

³⁷ Democracy

³⁸ Abraham Lincoln

³⁹ Gettysburg Address

- شکلی از حکومت که در آن مردم به طور مستقیم و مستمر، بدون نیاز به سیاستمداران حرفه‌ای یا مقامات عمومی، بر خود فرمانروایی می‌کنند.
- جامعه‌ای بر پایه‌ی فرصت برابر و شایستگی فردی، نه سلسله مراتب و امتیازات.
- نظامی از رفاه و توزیع ثروت با هدف کمتر کردن نابرابری‌های اجتماعی.
- نظام تصمیم‌گیری بر پایه‌ی اصل فرمانروایی اکثریت.
- نظامی از فرمانروایی که با کنترل قدرت اکثریت، حقوق و منافع اقلیت را تأمین می‌کند.
- وسیله‌ی رسیدن به مقامات دولتی از راه مبارزه‌ی رقابت‌آمیز برای به‌دست آوردن رای مردم.
- نظامی از حکومت که بدون توجه به مشارکت مردم در حیات سیاسی، در کار تأمین منافع آن-هاست (هیوود، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

• مشارکت سیاسی

معمولاً مشارکت سیاسی را با دو وجه حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن بررسی می‌کنند. اما مشارکت سیاسی فقط در انجام این دو عمل نیست؛ بلکه عضویت در احزاب سیاسی، شرکت در تظاهرات و اعتراض‌های سیاسی و حتی عضویت در جامعه‌ی مدنی هم به نوعی مشارکت سیاسی شمرده می‌شود. مایل راش مشارکت سیاسی را اینگونه تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است» (راش، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

مشارکت سیاسی توده از دید نخبه‌گراها موضوعیت ندارد. زیرا به نظر آنان مشارکت واقعی در سیاست وجود ندارد؛ زیرا توده‌های مشارکت‌جو ابزار دست نخبه‌ها هستند. مارکسیست‌ها مشارکت واقعی را زمانی میسر می‌دانند که طبقه‌ی کارگر به خودآگاهی رسیده و توانسته باشد با حضور انقلابی خویش، بورژوا را از اریکه‌ی قدرت به زیر اندازد. نئومارکسیست‌هایی چون گرامشی، آلتوسر و شومپتر معتقدند که طبقه‌ی بورژوا توانسته از دموکراسی به شکل مطلوبی بهره‌برداری کرده و مشارکت را به با الزامات دیگری چون زر و زور و تزویر سامان بخشد. اما برای کثرت‌گراها، مشارکت سیاسی کلید رفتار سیاسی است. پلورالیسم سیاسی بدون مشارکت نمی‌تواند معنی یابد. در این الگوی جامعه‌شناختی قدرت سیاسی، مشارکت سیاسی مبین توزیع قدرت و تعیین سیاست‌های عمومی است (راش، ۱۳۸۷؛ بشیریه، ۱۳۹۱؛ نش، ۱۳۹۲؛ هابرماس، ۱۳۹۲).

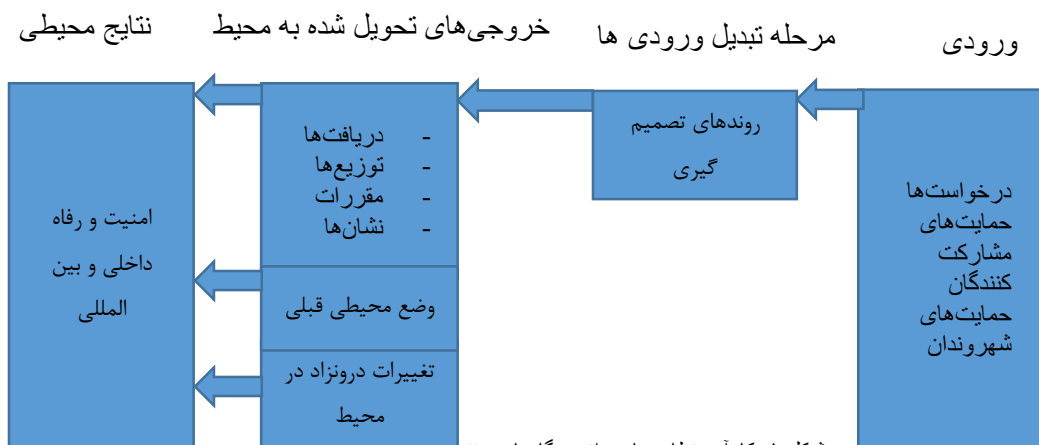
• کارآیی سیاسی

کارآیی سیاسی دولت را می‌توان با بررسی کار ویژه‌های آن ارزیابی کرد. تالکوت پارسونز با طرح نظریه‌ی AGIL^{۴۰} در نظریه‌ی کلان سیستم‌ها از چهار کارکرد اساسی دولت یادآوری نمود. این چهار کار ویژه‌ی

⁴⁰: Adaptation, Goal attainment, Integration and latent pattern maintenance theory.

اصلی عبارت‌اند از: سازگاری‌یابی^{۴۱} یا کار ویژه‌ی انطباق با محیط، یکپارچگی^{۴۲} یا کار ویژه‌ی حفظ همبستگی، هدف‌یابی^{۴۳} یا کار ویژه‌ی نیل به اهداف و حفظ الگوی کلی روابط^{۴۴} یا کار ویژه‌ی حل منازعات (دلیرپور، ۱۳۸۹: ۴۹). از دیدگاه پارسونز، در انجام کار ویژه‌های فوق موفق عمل کند به این معنی است که نظام سیاسی کارآیی سیاسی دارد و در غیر آن صورت نظام سیاسی کارآیی سیاسی نداشته و ناکام محسوب می‌گردد.

نمودار کارآیی نظام سیاسی از دیدگاه پارسونز



شکل ۱: کارآیی نظام سیاسی از دیدگاه پارسونز

برخی دیگر از صاحب نظران سیاسی، کارآیی نظام را با مشروعیت پیوند می‌دهند. از دید آنها به نظامی کارا گفته می‌شود که شیوه‌های کسب مشروعیت را درک کرده و در کسب آن موفق باشد. شیوه‌های کسب مشروعیت، با راه‌هایی چون جامعه‌پذیری سیاسی، گزینش سیاسی، ارتباطات سیاسی و افزایش قابلیت پاسخ‌گویی امکان‌پذیر است (داودی، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۴۲).

به صورت کل می‌توان گفت که کارآیی سیاسی در ارایه‌ی خدمات موفقانه در بخش‌های مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان داده می‌شود و میزان رضایت مردم از کارکرد دولت می‌تواند درجه‌ی کارآیی دولت‌ها را مشخص سازد. در نظام‌های دموکراتیک، مردم با رأی به برنامه‌های دولت‌های گوناگون به کارآیی‌شان نمره‌ی قبولی یا رد می‌دهند. قبول یا عدم رضایت مردم به برنامه‌های دولت، احساسی را پدید می‌آورد که به آن احساس کارآیی سیاسی می‌گویند. بدین معنی که شهروندان وقتی که دولت را در انجام وظایف خود موفق می‌بینند و سیستم به درخواست‌های آنان پاسخ مثبت می‌دهد؛ احساس کارآیی سیاسی می‌کنند.

⁴¹ Adaptation

⁴² Goal- attainment

⁴³ Integration

⁴⁴ Latent pattern maintenance

• اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی به خوبی نشان می‌دهد که سطح رضایت شهروندان از کارکرد دولت تا چه اندازه است و به نوعی به تحکیم مشروعیت دولت کمک می‌نماید. اعتماد سیاسی باعث می‌شود که دولت با درک رضایت مردم از عملکرد خویش با جدیت بیشتری عمل نماید. آنتونی گیدنز معتقد است که یکی از انواع اعتماد، اعتماد سیاسی است که به رابطه‌ی مردم و دولت می‌پردازد. مردم برای رفع نیازهای خود به خصوص، برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی روز به روز بیشتر می‌شود، به نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی ناممکن است (شایگان، ۱۳۸۷).

افزایش اعتماد سیاسی باعث نزدیکی مردم و دولت شده و در حل مشکلات جامعه کمک می‌نماید. اما کاهش اعتماد سیاسی باعث می‌شود که سطح مشارکت مردم پایین آمده، باور به دولت کم شود و مردم دیگر از نظام سیاسی حمایت نمایند.

• آگاهی سیاسی

در مورد آگاهی سیاسی بین ایدئولوژی‌های مختلف سیاسی، تفاوت نظر اساسی وجود دارد. مارکسیسم آگاهی سیاسی را به «خودآگاهی پرولتاریا» تعبیر می‌کند. خودآگاهی‌ای که باعث می‌شود که کار پوستره‌ی سخت از خودبیگانی را بشکافد و به پراکسیس بینجامد. مارکس با چنین تعبیری در صدد است که اهمیت آگاهی سیاسی را بیان دارد. در حقیقت امر، در مارکسیسم، آگاهی سیاسی سرآغاز زوال سرمایه‌داری است. زیرا کارگر خودآگاه به نقش خویش در مناسبات اقتصادی به باور کامل می‌رسد و با درک تاراج ارزش افزوده‌ی کار توسط سرمایه‌دار، به انقلاب متوسل می‌شود. ماکس وبر اما آگاهی سیاسی را در شکستن «قفس پولادین بروکراسی» می‌داند. زیرا به باور او بروکراسی باعث الیناسیون [از خود بیگانگی] می‌گردد و این مشارکت مردمی (دموکراسی) است که آن قفس را درهم می‌شکند و باعث رهایی انسان از الیناسیون اداری می‌گردد. پلورالیسم به نحو دیگری به آگاهی سیاسی ارج می‌گذارد. از دید پلورالیست‌ها، آگاهی سیاسی در فهم آحاد جامعه از حقوق شهروندی خویش تبارز می‌یابد. شهروند آگاه با درک کار ویژه‌های دولت و حقوق فردی و سیاسی خویش، با مشارکت خویش، جامعه‌ای آگاه را رقم می‌زند (بشیریه، ۱۳۹۱، نش، ۱۳۹۲).

• ارزیابی عملکرد سیاسی

نگرش دموکراتیک، حاکمیت را از آن مردم می‌داند و نظارت سیاسی و ارزیابی از عملکرد مجریان سیاست را نیز به مردم واگذار کرده است. مردم از طرق گوناگون می‌توانند از عملکرد سیاسی دولت نظارت به عمل آورند. مهم‌ترین نهاد حقوقی‌ای که در این راستا وجود دارد، قوه‌ی مقننه است. قوه‌ی مقننه به علاوه‌ی وضع قوانین، از عملکرد دولت نظارت به عمل می‌آورد (رسولی، ۱۳۹۳). احزاب سیاسی از جمله

نهادهای دیگری اند که یکی از کارویژه‌های مهم آن نظارت بر عملکرد دولت عنوان شده است. گاهی احزاب سیاسی به تنهایی و گاهی در ائتلاف با سایر گروه‌های اجتماعی از عملکرد دولت نظارت به عمل می‌آورند. رسانه‌ها و جامعه‌ی مدنی (هیوود، ۱۳۸۷: ۲۱) و شخصیت‌های مستقل منتقد هم می‌توانند نقش بارزی در نظارت اجتماعی ایفا کنند.

۴. نگرش اقتصادی

در جهان امروز در اقتصاد نگرش‌های متفاوتی وجود دارد. برخی با تقسیم‌بندی سرمایه‌داری (سرمایه‌داری بنگاهی)^{۴۵}، سرمایه‌داری اجتماعی^{۴۶} و سرمایه‌داری جمعی^{۴۷}، سوسیالیسم (سوسیالیسم دولتی و سوسیالیسم بازار) و راه سوم اقتصادی (سوسیال دموکراتیک) باور دارند (هیوود، ۱۳۹۳). باور دیگری نیز به سه جهان‌بینی در اقتصاد سیاسی معتقد است که عبارت‌اند از: جهان‌بینی بازار آزاد (اقتصاد افراد نئوکلاسیک)، جهان‌بینی مکتب سازمانی چند محوری (نئوریکاردویی‌ها و نهادگرایان) و مارکسیسم کلاسیک (میلر، ۱۳۹۴). برخی هم نظریه‌های اقتصادی توسعه را از منظر علم پارادایم‌شناسی بررسی کرده‌اند. آنان نظریه‌های توسعه را در چند پارادایم، پارادایم هسته‌ی در حال گسترش سرمایه‌داری، پارادایم ساختارگرا، پارادایم نئومارکسیسم، پارادایم وابستگی و پارادایم مائوئیستی دسته‌بندی کرده‌اند (هانت، ۱۳۹۵). حداقل چهار رهیافت رقیب در اقتصاد سیاسی وجود دارد. این رهیافت‌ها عبارت‌اند از: رهیافت لیبرالیسم کلاسیک، رهیافت رادیکال، رهیافت محافظه‌کاری و رهیافت لیبرال مدرن. اصول اقتصادی تمام رهیافت‌های فوق بر تفاوت متغیرهای اصلی این رهیافت‌هاست. این تفاوت‌ها را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد.

⁴⁵ Enterprise capitalism

⁴⁶ Social capitalism

⁴⁷ Collective capitalism

اصول رهیافت‌های مهم اقتصاد سیاسی	
چهره های مشهور	توماس هابز، جان لاک، آدام اسمیت، توماس مالتوس، فردریک هایک و رابرت نوزیک.
کارآمدی	منابع به آن دسته از افراد اختصاص می یابد که بیشترین تلاش را برای به دست آوردن آن انجام می دهند.
عدالت	عدالت به معنی حمایت از حقوق مالکیت و مدنی است که در قانون آمده است.
برابری	فرصت برابر برای تمامی شهروندان
اقتدار	اقتدار از طریق رضایت افراد
آزادی	آزادی وجود دارد
اخلاق	ارزش های شهروندان ارزش‌های برتر اجتماعی اند
دولت	حمایت از حقوق افراد
جامعه	خوب
طبیعت انسان	منفعت طلب و خرد وزر
رهیافت‌ها	رهیافت لیبرالیسم کلاسیک
ژان ژاک روسو، کارل مارکس، ادوارد برنشتاین، نورستن، وبلن، لینین و یورگن هابرماس.	انسان باشد
منابع جامعه باید در خدمت عدالت، انسجام و پیشرفت	مزایا و منافع باید بر اساس فرایندهای سیاسی توافق می‌نمایند.
انسان باشد	برابری اساسی در فرصت و مخصوصاً در نتیجه است
رهبری انقلاب به معنی اقتدار است	آزادی به معنی همکاری و مشارکت است
انسان شی نیست.	دولت نماینده منافع جمعی شهروندان است
دولت نماینده منافع جمعی شهروندان است	جامعه از گانیسم زنده از افراد است
تأثیر طبیعت بر رفتار انسان	رهیافت رادیکال

ادموند برک، توماس کارایل، ویلفر دوپاره تو، جوزف شوپیتر، لئو اشتراوس و مایکل اوکشات.	جرمی بنتام، جان استوارت میل، توماس هیل گرین، آلفرد مارشال، جان منیارد کینز و جان رالز.
کارآیی بیشتر در تأمین اهداف غیرمادی مانند حفظ نظم، فرهنگ، اجتماعات منسجم و فضیلت فردی به خوبی کار می کند.	
عدالت با نظم و قانون برقرار می شود.	پاس داشت حقوق بشر و حقوق مالکیت
برابری نیازمند اعمال بی طرفانه ی قالب حمایت از حقوق شان و تنبیه شدن در قبال جرایم شان است.	برابری در فرصت و برابری در نزد قانون
اقتدار با نقش های سنتی رهبری به دست می آید.	آزادی تا زمانی محترم است که آزادی دیگری را سلب ننماید.
آزادی نیازمند اقتدار، سنتها و نظمی است که یک جامعه ی باثبات فراهم می آورد.	اقتدار مشروع در راستای منفعت عمومی اعمال می شود.
ارزش های اخلاقی شامل احترام، وفاداری، وطن دوستی، جوانمردی، فرمانبرداری، شجاعت، صداقت، بخشندگی، شرافت و تمکین در برابر اقتدار است.	اخلاق نسبی است ولی باید به حقوق و کرامت بشری احترام گذاشت.
هدف دولت، حفظ نظم طبیعی جامعه است.	حمایت بی طرفانه از حقوق مالکیت جمعی و فردی
جامعه دارای ساختار از گانیک و بر یک نظم سلسله مراتبی طبیعی استوار است	جامعه متشکل از افراد با منافع فردی و جمعی است.
انسان متأثر از امیال خویش است	انسان ها انتخاب عقلانی دارند
رهیافت محافظه کاری	رهیافت لیبرال مدرن

(کلازک، ۱۳۹۴)

۵. نگرش ملی

درک نگرش ملی مستلزم درک مفاهیمی چون، دولت-ملت^{۴۸}، ملت و ناسیونالیسم است. دولت-ملت شکلی از سازمان سیاسی و همچنان آرمان سیاسی است. در شکل سازمان سیاسی، دولت-ملت جامعه‌ی سیاسی مستقلی است که زنجیرهای متداخل و مشترک شهروندی^{۴۹} و ملیت^{۵۰} آن را به هم پیوند داده است... دو نظریه‌ی متضاد در مورد دولت-ملت وجود دارد. از نظر لیبرال‌ها و اکثر سوسیالیست‌ها، دولت-ملت غالباً از وفاداری‌ها و حمایت‌های مدنی شکل گرفته است؛ از نظر محافظه‌کاران و ملی‌گرایان، دولت-ملت بر اساس یکپارچگی نژادی سازمان یافته است (هیوود، ۱۳۸۷: ۳۰۴).

در تعریف ملت‌ها نیز نظرات گوناگونی ارایه شده است و به مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی در شکل‌دهی ملت‌ها اشاره شده است. از لحاظ فرهنگی، ملت گروهی از مردم است که از طریق یک مذهب، تاریخ و سنن مشترک گردهم آمده‌اند. از لحاظ سیاسی، ملت گروهی از مردم است که خود را یک جامعه‌ی سیاسی طبیعی می‌داند. از لحاظ روان‌شناختی، ملت گروهی از مردم است که از طریق وفاداری یا دلبستگی مشترکی در قالب وطن‌پرستی مشخص می‌شود... تاریخ‌دانان گاهی میان ملل فرهنگی^{۵۱} و ملل سیاسی^{۵۲} تمایز قایل شده‌اند. یک ملت فرهنگی (مانند یونانی‌ها، آلمانی‌ها، روس‌ها، انگلیسی‌ها و ایرلندی‌ها) دارای یک هویت ملی است. این هویت فرهنگی در یک میراث فرهنگ و زبان مشترک ریشه دارد. یک ملت سیاسی (مانند انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، و مردم آفریقای جنوبی) در وهله‌ی اول، از طریق شهروندی مشترک به هم نزدیک شده‌اند، و شاید شامل تقسیم بندی‌های نژادی و فرهنگی مهمی نیز باشد. متفکران سیاسی نیز ممکن است به طرزی مشابه، دیدگاه‌های ملت مدنی و ارگانیکی رقیب را توسعه دهند. مفهوم «مدنی» ملتی بودن که، مثلاً، لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها از آن حمایت می‌کنند، به این معناست که بر وفاداری سیاسی، نه وحدت فرهنگی، بسیار تأکید دارند، و بر این نکته پافشاری می‌کند که ملت از طریق ارزش‌ها و آمال مشترک مستحکم می‌شود. مفهوم ارگانیکی ملت بودن (که محافظه‌کاران و به صورت افراطی‌تر، فاشیست‌ها توسعه داده‌اند) منحصر به فرد است، زیرا اولویت را به هویت نژادی مشترکی و مهم‌تر از همه، تاریخ مشترکی می‌دهد (هیوود، ۱۳۸۷: ۳۱۲-۳۱۳).

ناسیونالیسم را می‌توان چاقو دولبه دانست و برداشت مثبت و منفی از آن استخراج کرد. گاهی ناسیونالیسم به معنای نیرویی پیشرو و آزادی‌بخش است که دورنمای وحدت ملی یا استقلال را عرضه می‌کند و گاهی آیینی بی‌خردانه و واپس‌گرا دانسته می‌شود که در خدمت رهبران قومی و سیاست‌های

48 state – nation

49 Citizenship

50 Nationality

51 Cultural nations

52 Political nations

حذف و توسعه‌جویانه‌ی نظامی به نام ملت قرار می‌گیرد. بنابراین ناسیونالیسم، به مثابه‌ی مجموعه‌ای از عقاید و سنت‌هایی که فقط یک ویژگی مشترک دارند: هر یک، به شیوه‌ی خاص خود، بر اهمیت سیاسی اساسی ملت تأکید می‌کند. از دیدگاه آندره هیوود، ناسیونالیسم جلوه‌های گوناگونی دارد که در ناسیونالیسم لیبرالی، ناسیونالیسم محافظه‌کار، ناسیونالیسم توسعه‌جو و ناسیونالیسم استعمارستیز، تبلور می‌یابد (هیوود، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

۶. نگرش بین‌المللی

نگرش بین‌المللی بیشتر به ارزش‌های جهانی، چون مباحث حقوق بشری، روابط دوستانه‌ی بین‌المللی، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، پذیرش معاهدات بین‌المللی و در کل جهانی‌شدن و جایگاه یک دولت ملی در این وضعیت است (فالکس، ۱۳۸۴: ۱۶۳). از آنجا که ناسیونالیسم از خود دو چهره‌ی انسان‌گرا و سرکوب‌گر نشان داده است، نگرش بین‌المللی، به عنوان بدیلی برای ناسیونالیسمی شمرده می‌شود که از آن تعبیر متضاد قابل استخراج است (اریک لین و واگشال، ۱۳۹۴: ۲۸۱). نگرش بین‌المللی که از آن به عنوان بین‌الملل‌گرایی^{۵۳} هم یاد می‌گردد؛ به همکاری فراملی و جهانی باور دارد. به عقیده‌ی آندره هیوود، بین‌الملل‌گرایی به عنوان یک آرمان سیاسی بر این عقیده استوار است که باید از ملی‌گرایی سیاسی فراتر رفت؛ زیرا روابطی که مردم جهان را به هم نزدیک می‌کند، بسیار قدرت‌مندتر از عواملی است که آن‌ها را از هم جدا می‌سازد. بنابراین، هدف بین‌الملل‌گرایی ایجاد ساختارهایی سیاسی است که قادر باشند حمایت همه‌ی مردم جهان را، بدون توجه به تفاوت‌های مذهبی، نژادی، اجتماعی و ملی، بدست آورند. مهم‌ترین سنت‌های بین‌الملل‌گرا در گستره‌ای از لیبرالیسم تا سوسیالیسم قرار دارند (هیوود، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

⁵³ Internationalism

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

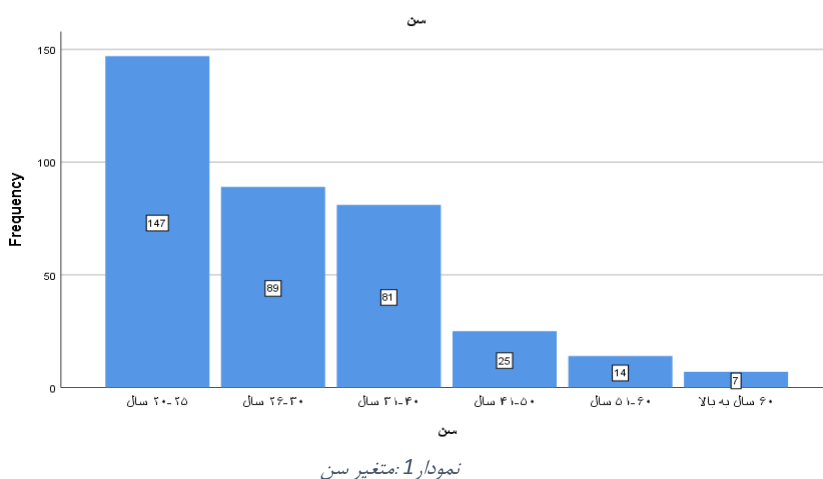
یافته‌های توصیفی

هرات ولایتی با پانزده شهرستان است که اخیراً طبق تقسیمات جدید اداری، تبدیل به هژده شهرستان شده است. این هژده شهرستان دارای با مرکز شهر هرات هماهنگی داشته و اداره می‌شوند. مرکز شهر دارای ۱۵ ناحیه است و این نواحی از طبقه پایین تا طبقه بالا قابل تقسیم است. پژوهش حاضر با در نظر داشت موضوع و حساسیت نظری که در این مورد وجود دارد، بیشتر در بین اقشار با سواد جامعه تقسیم شده است. تعداد پرسشنامه‌های تقسیم شده مطابق با جامعه‌ی آماری ما که اقشار با سواد و دخیل در این موضوع بودند، ۳۹۶ پرسش‌نامه بوده است که از این مجموع ۳۶۲ پرسش‌نامه با داده‌های سالم و کامل به دست پژوهش‌گران رسیده و باقی‌مانده پرسش‌نامه‌های باطلی است که پس از کدگذاری از لیست نهایی خارج شده‌اند. بنابراین داده‌های زیر برگرفته از پرسش‌نامه‌های کامل و سالمی است که بدست آمده. نمونه‌های انتخاب شده در این پژوهش از شهر هرات و دو شهرستان گذره و انجیل است. به عبارت دیگر این نمونه‌ها به صورت تصادفی بین اقشار مختلفی که در جامعه به شکل مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در پاسخ به پرسش‌های این پژوهش، همراهی کنند، انتخاب شده است.

یکی از نکاتی که در مورد داده‌های بدست آمده در بخش باید در نظر گرفت این است که در توصیف داده‌های پرسش‌های اصلی و در جدوالی که روابط متغیرها با شاخص‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است، فقط داده‌های معبر مورد ارزیابی قرار گرفته و داده‌های نامعتبر به صورت پیشینی حذف شده است. هر کدام از شاخص دارای درصدی از داده‌های نامعتبر است که این درصد در تحلیل نهایی در نظر گرفته نشده است و فقط درصدی در تحلیل نهایی در نظر گرفته شده که درصد معتبر است.

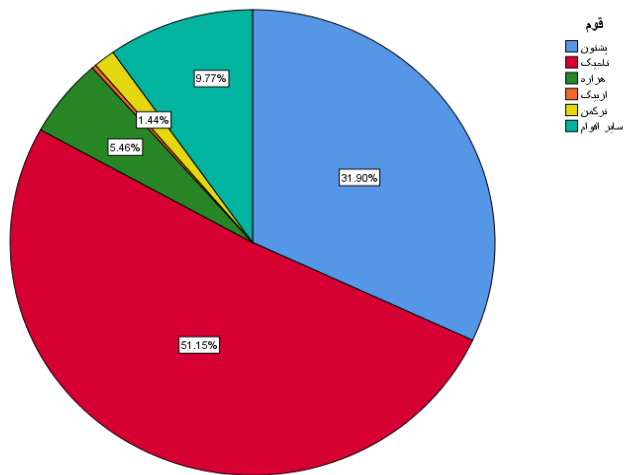
سن

سن پرسش‌شوندگان در این پژوهش با گزینه‌های بسته از ۲۰ سال شروع تا بالای ۶۰ سال می‌رسید که بخش بزرگی از این پرسش‌شوندگان بین سال‌های ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. این پرسش‌نامه‌ها به شکل تصادفی تقسیم شده است و کسانی که سن آن‌ها بین ۲۰ الی ۳۰ بوده است، بیشترین آمار در این متغیر را دارند که به طور مجموعی ۲۳۶ نفر از جمعیت کل را به خود اختصاص داده‌اند.



قومیت

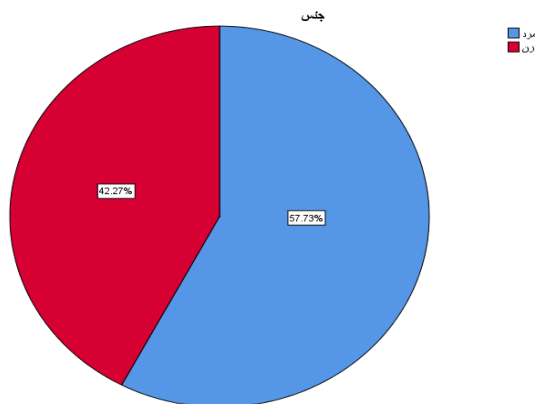
قومیت افراد پرسش‌شونده نیز یکی دیگر از متغیرهایی بود که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. از این متغیر برای سنجش شاخص‌های عمده فرهنگ سیاسی استفاده می‌شود، به‌همین منظور این متغیر را از جمله متغیرهای مهم تأثیرگذار در این پژوهش بوده است. در این پژوهش چند قوم عمده در بین گزینه‌ها آورده شده است و سپس اقوامی که به نسبت دیگر اقوام نفوس آن‌ها کمتر بوده است در گزینه‌ی سایر اقوام قرار گرفته است تا از زیاد شدن گزینه‌ها در پرسش‌نامه جلوگیری کند. هم‌چنان که در جدول نیز انعکاس یافته است در این پژوهش ۱۷۸ نفر از پاسخ‌دهندگان را قوم تاجیک که بیشترین گزینه‌ی انتخاب شده است و ۵۱ درصد پاسخ‌دهندگان به این پژوهش را به خود اختصاص داده و ۱۱۱ نفر از قوم پشتون تشکیل می‌دهد. و اقوام دیگر به ترتیب هزاره، ترکمن، ازبیک و سایر اقوام را ۱۹ نفر، ۵ نفر، ۱ نفر و ۳۴ نفر به خود اختصاص داده است.



نمودار ۲: متغیر قوم

جنس

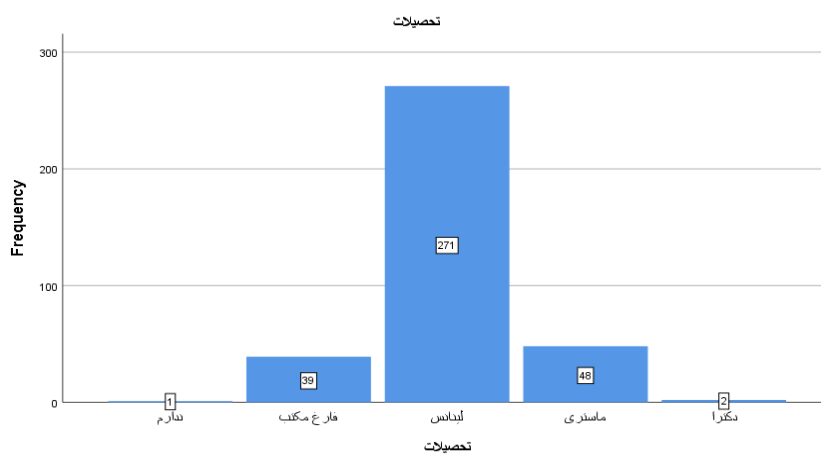
جنسیت انتخاب‌شده‌ی افراد با ۲۰۹ نفر مرد و ۱۵۳ زن همراه بوده است. متغیر جنس یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار در این فرایند بوده است و تأثیرات آن بر روی دیگر شاخص‌های مهم این پژوهش سنجش شده است.



نمودار ۳: متغیر جنس

تحصیلات

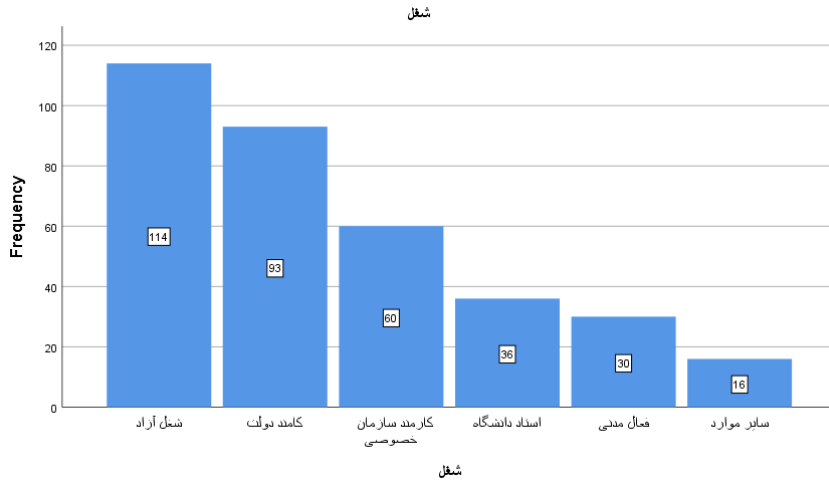
تحصیلات یکی دیگر از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار در این پژوهش بوده است. برای بررسی این پرسش گزینه‌هایی از بی سواد تا سطح دکترا در نظر گرفته شده که بیشترین گزینه‌ی انتخاب شده لیسانس با آمار ۲۷۱ نفر است. ۴۸ نفر از پاسخ‌دهندگان درجه‌ی کارشناسی ارشد (ماستری) داشتند و متباقی کسانی بوده‌اند که بی‌سواد فارغ از مکتب یا صنف دوازدهم و دکترا داشته‌اند. جدول فوق نیز نشان دهنده‌ی فراوانی تحصیلات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.



نمودار 4: متغیر تحصیلات

شغل پرسش‌شوندگان

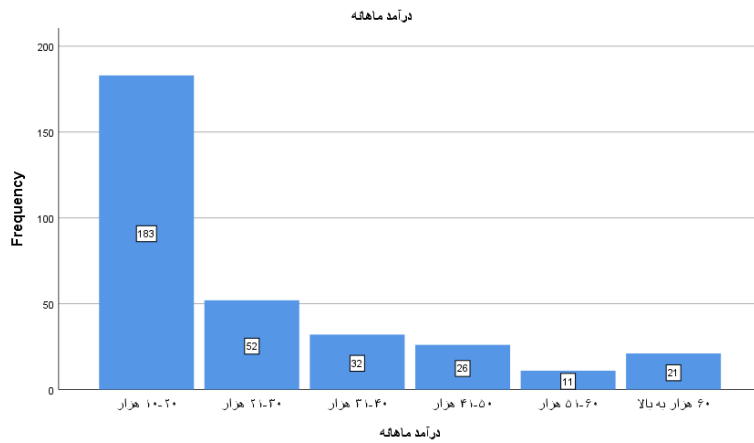
بررسی شغل پرسش‌شوندگان و تأثیر این متغیر بر دیگر متغیرهای موجود در این پژوهش، یکی دیگر از نکات مهم در این پژوهش بوده است. آن‌چنان که از آمار نشان داده می‌شود ۱۱۴ نفر از این افراد شغل آزاد داشتند که در این بین بخش بزرگی دانشجوی بودند. ۹۳ نفر از پاسخ‌دهندگان کارمند دولت بودند که از ادارات مختلف به طور تصادفی انتخاب شدند. این کارمندان را رئیس‌ان ادارات دولتی و کارمندان بلندپایه تشکیل می‌دادند. کارمندان سازمان‌های خصوصی و فعالین مدنی نیز به ترتیب ۶۰ نفر و ۳۰ نفر را تشکیل می‌دادند. استادان دانشگاه‌های خصوصی و دولتی در این بین نیز ۳۶ نفر از پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دادند و ۱۶ نفر دیگر شغل‌هایی داشتند که در گزینه‌ها نبود و گزینه‌ی سایر مشاغل را انتخاب کرده‌اند.



نمودار ۵: متغیر شغل

درآمد ماهانه

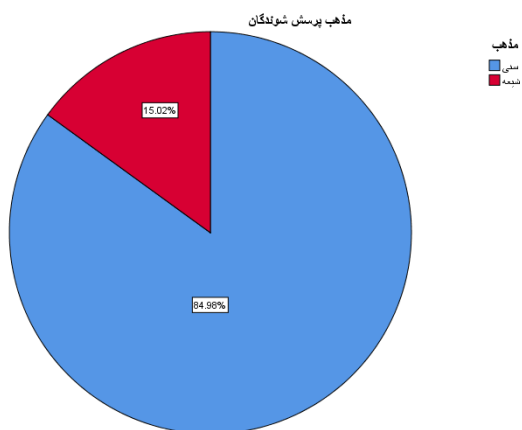
نمودار زیرین نشان دهنده‌ی درآمد ماهانه‌ی پاسخ دهندگان به پرسش‌های این پژوهش است. کسانی که گزینه‌ی اول یعنی بین ۱۰-۲۰ هزار افغانی در ماه را انتخاب کرده‌اند ۱۸۳ نفر که بیشترین فراوانی در پژوهش حاضر در متغیر سطح درآمد است. ۲۱-۳۰ هزار افغانی را ۵۲ نفر، ۳۱-۴۰ هزار افغانی را ۳۲ نفر، ۴۱-۵۰ هزار افغانی را ۲۶ نفر، گزینه‌ی ۵۱-۶۰ هزار را ۱۱ نفر انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی آخر که بالاتر از ۶۰ هزار افغانی است را ۲۱ نفر انتخاب کرده‌اند.



نمودار ۶: متغیر درآمد ماهانه

مذهب

این نمودار نشان دهنده‌ی مذهب پرسش شوندگان است. این متغیر یکی از متغیرهایی بوده است که به منظور بررسی رابطه بین مذهب و شاخص‌های فرهنگ سیاسی در هرات انتخاب شده است. ۸۵ درصد از پرسش‌شوندگان در این پژوهش را سنی‌ها تشکیل می‌دهند و فقط ۱۵ درصد آنها را مذهب تشیع تشکیل می‌دهد.



نمودار 7: متغیر مذهب

توصیف شاخص‌های پژوهش

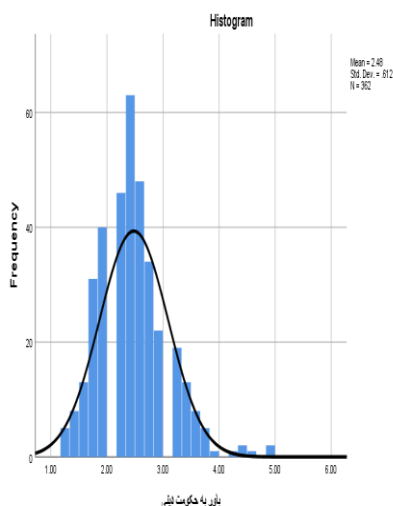
شاخص اول: باور به حکومت دینی

شماره	پرسش
۱	دینی بودن حکومت مهم‌ترین معیار مقبولیت آن است.
۲	دلیل مشکلات امروز ما عمل نکردن به قوانین دینی است.
۳	دولت به قوانین دینی احترام دارد و آنها را در سیاست جامعه در نظر گرفته است.
۴	انتخابات با دستورات دینی مخالفتی ندارد.
۵	حکومتی مقبول است که رضایت مردم را جلب کند دینی بودن و غیردینی بودن مهم نیست.

جدول ۱: گویه‌های معرف شاخص باور به حکومت دینی

باور به حکومت دینی		
تعداد	معتبر	362
	نامعتبر	1
میانگین		2.4789
انحراف معیار		.61167
چولگی		۰.791
کشیدگی		1.586
نقطه اصغری		1.20
نقطه اعظمی		5.00

جدول ۲: شاخص باور به حکومت دینی



در این بخش از پژوهش شاخص‌هایی که برای بررسی فرهنگ سیاسی مردم هرات انتخاب شده بود را، مورد بررسی آماری قرار می‌دهیم. اولین شاخص در این پژوهش از متغیر دین بوده است که شاخص باور به امور دینی است. در این شاخص پنج پرسش مطرح شده است که باور مردم به امور دینی را در دایره امور حکومتی و انتخاباتی مورد پرسش قرار می‌دهد. هم‌چنان که در گراف مربوط به شاخص باور به امور دینی نشان داده شده است، پاسخ‌دهندگان بیشترین انتخاب گزینه‌های موافق و کاملاً موافق را در سؤال‌های اول و دوم داشته‌اند. که درصدی مجموعی هر کدام از این انتخاب‌ها در سؤال اول ۷۲ درصد و در سؤال دوم ۵۵ درصد از کل پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. این انتخاب‌ها هم‌چنان که در گراف مجموعی این شاخص نشان داده شده است، تجمع داده‌ها در وسط این گراف هستوگرامی قرار دارد و میانگین داده‌های

این شاخص ۲,۴۷ است که نشان می‌دهد تجمع داده‌ها در قسمت وسطی این گراف است. انحراف معیار که نشان دهنده‌ی میزان پراکندگی از میانگین را است ۰,۶۱ می‌باشد. چولگی داده‌ها که نشان می‌دهد خمیدگی داده‌ها به کدام سمت است ۰,۷۹ است که با توجه به مثبت بودن نشان می‌دهد که داده‌ها به طرح کدهای میانی تا مثبت تمایل دارد. کشیدگی داده‌ها که نشان می‌دهد شباهت یا عدم شباهت داده‌ها چگونه است، ۱,۵ می‌باشد که نسبتاً کشیدگی شدید را نشان می‌دهد و با توجه به مثبت بودن علامت کشیدگی نشان می‌دهد که شباهت در بین پاسخ‌ها وجود دارد. نقطه‌ی اصغری داده‌ها یک و نقطه‌ی اعظمی آن ۵ است. بناءً با توجه به آمارهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که توجه به امور دینی نسبتاً موجه است. میانگین به‌دست‌آمده و انحراف معیار نشان از این دارد که شاخص امور دینی شاخص نسبی است و میزان گرایش به امور دینی در مورد مسایل حکومتی زیاد از حد شدید نیست.

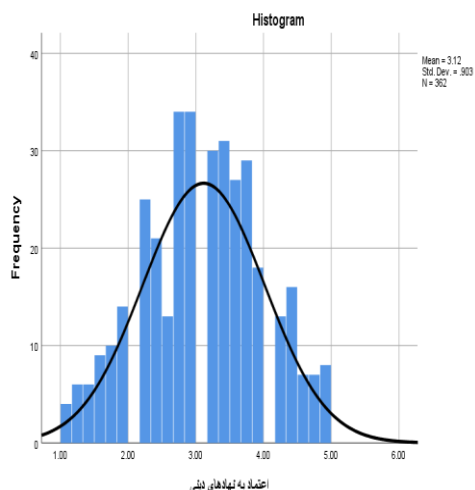
شاخص دوم: اعتماد به نهادهای دینی

شماره	پرسش
۱	علما در تشخیص و اجرای امور سیاسی نسبت به سایر مردم برتری دارند.
۲	دولت باید در تصمیم سیاسی از علما مشوره بگیرد.
۳	اگر علما انتخابات را تحریم کنند؛ مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند.
۴	مدارس دینی همانند دانشگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند.
۵	حکومتی قابل قبول است که رهبر آن توسط علمای دینی برگزیده شود.

جدول ۳: گویه‌های معرف شاخص اعتماد به نهادهای دینی

اعتماد به نهادهای دینی		
تعداد	معتبر	362
	نامعتبر	1
	میانگین	3.1157
	انحراف معیار	.90265
	چولگی	-.105
	کشیدگی	-.445
	نقطه اعظمی	1.00
	نقطه اصغری	5.00

جدول ۴: شاخص اعتماد به نهادهای دینی



شاخص دوم این پژوهش شاخص اعتماد به نهادهای دینی است. در جوامع سنتی یکی از نهادهایی که در ساختارهای سیاسی-اجتماعی نقش به‌سزایی دارد، نهادهای دینی‌اند. به‌همین منظور شاخص اعتماد به

نهادهای دینی یکی از شاخص‌های کلیدی در بررسی فرهنگ سیاسی مردم است. چنانچه در جدول آمارهای این شاخص دیده می‌شود میانگین داده‌های به‌دست‌آمده از این شاخص با تعداد پنج گویه از طیف پنج‌گزینه‌ای ۳,۱ می‌باشد که نشان دهنده‌ی تجمع داده‌ها در وسط رو به بالا است. انحراف معیار که نشان دهنده‌ی میزان پراکندگی داده است ۰,۹ است که نشان می‌دهد پراکندگی داده‌ها زیاد است. چولگی داده‌ها که نشان از میزان تمایل داده‌ها است با توجه به منفی بودن (۰,۱-) نشان می‌دهد که چولگی ضعیف بوده و نشان می‌دهد که خمیدگی داده‌ها به سمت کدهای بالا بوده و تجمع داده‌ها به سمت کدهای منفی نظری ندارم و مخالفم می‌باشد. کشیدگی که نشان از شباهت و یا عدم شباهت پاسخ‌ها است بیانگر این است که داده‌ها دارای شباهت زیادی نیستند و با توجه به منفی بودن کشیدگی می‌توان به پراکنده بودن پاسخ‌ها اتکا کرد. نقطه‌ی اصغری داده‌ها ۱ است که از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت گزینه‌ی کاملاً موافق را با خود دارد و نقطه‌ی اعظمی داده‌ها عدد ۵ را نشان می‌دهد که به گزینه‌ی کاملاً مخالفم اختصاص داده شده است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده از داده‌ها و انحراف معیار می‌توان نتیجه گرفت که اعتماد به نهادهای دینی در بین مردم به میزان قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار نمی‌گیرد و این اعتماد رو به سستی گراییده است. با توجه به تجمع داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش نشان از این دارد که اعتماد به نهادهای دینی در سطح بالایی قرار ندارد.

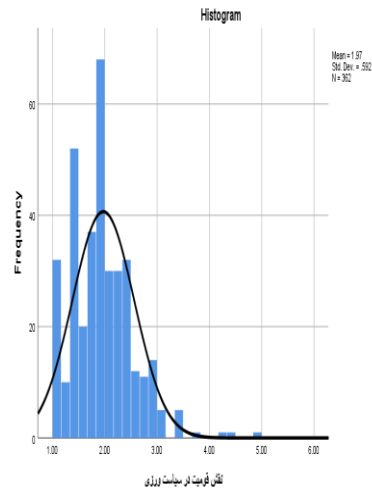
شاخص سوم: نقش قومیت در سیاست‌ورزی

شماره	پرسش
۱	مهم نیست که رییس جمهور افغانستان از چه قومی باشد.
۲	مردم در انتخابات به بر اساس قوم رأی می‌دهند نه بر اساس شایستگی.
۳	نمایندگه‌های پارلمان بیشتر رأی را از قوم خویش به‌دست می‌آورند تا دیگران.
۴	گزینش کارمندان دولتی بر اساس تعلقات قومی است.
۵	کارمندان عالی رتبه‌ی غیرهراتی در هرات قومی عمل می‌کنند.
۶	اراکین دولتی هراتی در اقدامات خود قومی عمل می‌کنند.
۷	در افغانستان هر حزب سیاسی نمایندگی از یک قوم می‌کند.
۸	اگر در اداره‌ای رییس قوم مراجعه کننده باشد؛ کارش زودتر و بهتر انجام می‌شود.

جدول ۵: گویه‌های معرف شاخص نقش قومیت در سیاست‌ورزی

نقش قومیت در سیاست ورزی		
تعداد	معتبر	362
	نامعتبر	1
میانگین		1.9714
انحراف معیار		.59191
چولگی		.970
کشیدگی		2.527
نقطه اعظمی		1.00
نقطه اصغری		5.00

جدول ۶: شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی



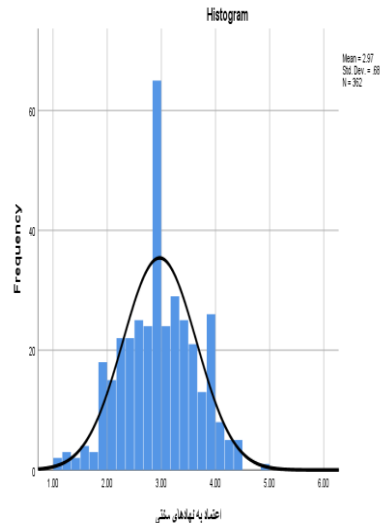
شاخص سوم این پژوهش شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی است که شاخصی از متغیر ذهنیت قبیله‌ای است. در این شاخص هشت گویه مطرح شده است که این گویه‌ها نیز از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. پاسخ‌های به‌دست‌آمده برای این شاخص با ۳۶۴ پاسخ معتبر و ۱ نامعتبر همراه است. چنانچه در جدول آمارهای این شاخص مشاهده می‌شود میانگین به‌دست‌آمده که نشان‌دهنده‌ی موقعیت تجمع داده‌ها در شاخص است عدد ۱٫۹ را نشان می‌دهد که این امر بیان‌گر تجمع داده‌ها به طرح گزینه‌های موافق و کاملاً موافق می‌باشد. انحراف معیار که نشان‌دهنده‌ی میزان پراکندگی داده‌ها از میانگین می‌باشد ۰٫۵۹ است. ضریب چولگی که تجمع داده‌ها را در شاخص بیان می‌کند ۰٫۹ است که با توجه به مثبت بودن آن نشان می‌دهد که داده‌های به‌دست‌آمده دارای تجمع بالایی‌اند. کشیدگی که نشان‌دهنده‌ی شباهت یا عدم شباهت پاسخ‌ها است آمار ۲٫۵ را نشان می‌دهد که کشیدگی شدید است و با توجه به مثبت بودن آن نشان می‌دهد که بین پاسخ‌گویان شباهت زیادی وجود داشته است. نقطه‌ی اصغری آن یک و نقطه‌ی اعظمی ۵ است که به ترتیب به گزینه‌های کاملاً موافقم و کاملاً مخالف اختصاص داده شده است. بناءً از جدول آمارهای به‌دست‌آمده از این شاخص چنین به استنباط می‌گردد که قومیت یکی از عناصر مهم در عرصه سیاسی است. چنانچه در گزینه‌های انتخاب‌شده نیز موافق و کاملاً موافق بیشترین انتخاب‌ها را داشته است. با این حساب نقش قومیت در سیاست ورزی به زعم پاسخ‌دهندگان نقش بسیار کلیدی و مهمی است.

شاخص چهارم: اعتماد به نهادهای سنتی

شماره	پرسش
۱	مسایل مهم کشور باید توسط لوی جرگه حل شود.
۲	به جای رفتن به طرف انتخابات بهتر است که رییس جمهور و پارلمان هم توسط لوی جرگه انتخاب شود.
۳	جرگه‌های قومی بهتر از نهادهای دولتی می‌توانند مشکلات مردم را حل کنند.
۴	کلان‌های قومی در انتخابات ریاست جمهوری تعیین کننده‌اند.
۵	بهتر است نامزدهای انتخابات پارلمان به جای مراجعه به مردم به کلان‌های قومی مراجعه کنند
۶	برای والی شدن در هرات، باید رضایت سران اقوام را باید به دست آورد.
۷	در هرات نماینده‌های شورای ولایتی هر کدام نماینده‌ی یک قوم است.

جدول ۷: گویه‌های معرف شاخص اعتماد به نهادهای سنتی

اعتماد به نهادهای سنتی		
تعداد	معتبر	362
	نامعتبر	1
میانگین		2.9676
انحراف معیار		.67982
چولگی		-.075
کشیدگی		-.130
نقطه اعظمی		1.00
نقطه اصغری		5.00



جدول 8: شاخص اعتماد به نهادهای سنتی

این شاخص در مورد اعتماد به نهادهای سنتی است. چنانچه در جوامع سنتی نهادهای سنتی از جمله نهادهای تأثیرگذار در مسائل سیاسی اجتماعی‌اند. نهادهای سنتی در جامعه‌ای مانند افغانستان از نهادها عمده تصمیم‌گیری‌ها به شمار می‌روند. نهادهایی مانند لویه‌جرگه، جرگه‌های قومی، شوراهای قومی و ... از جمله این نهادها محسوب می‌شوند که در طول تاریخ افغانستان از جمله نهادهای تصمیم‌گیری بوده‌اند. در این جا نیز به دنبال بررسی این شاخص چنانچه در جدول آمارها مشاهده می‌شود، میانگین داده‌ها که در واقع نمایان‌گر تجمع داده‌ها در شاخص اعتماد به نهادهای سنتی با حجم نمونه ۳۶۲ نفر است ۲٫۹۶ می‌باشد که با این حساب نشان می‌دهد که اوسط تجمع داده‌ها به طرف وسط است که گزینه‌های موافقم و بی‌نظر را در بر می‌گیرد. انحراف معیار نمایان‌گر میزان پراکندگی داده‌ها از میانگین می‌باشد ۰٫۶۷ است. چولگی حاصل از این شاخص ۰٫۰۷- است که با وجود منفی بودن می‌توان گفت که خمیدگی داده‌ها خفیف

بوده و به سمت کدهای پایین تمایل دارد. کشیدگی داده‌های مذکور نیز با علامه‌ی منفی ۰,۱۳- نمایان‌گر این است که شباهت داده‌ها زیاد نیست و داده‌ها در بین گزینه‌های مختلف تقسیم شده است. نقطه‌ی اصغری این داده‌ها یک که گزینه‌ی کاملاً موافق را به خود اختصاص داده است و نقطه‌ی اعظمی آن ۵ است که گزینه کاملاً مخالف را در بردارد. با توجه به میانگین و انحراف معیاری که از این شاخص به‌دست‌آمده است، می‌توان به این نتیجه رسید که در شاخص اعتماد به نهادهای سنتی تمایل به این اعتماد به میزان بالایی وجود ندارد. پراکندگی داده‌های این شاخص نشان می‌دهد که افراد در قبال نهادهای سنتی مانند لویه‌جرگه و غیره تمایل چندانی ندارند، به عبارت دیگر این‌که این شاخص همان‌طور که موافقانی دارد مخالفانی نیز دارد. البته باید در نظر داشت که در این شاخص گزینه‌ی نظری ندارم که در تمام گویه‌ها گزینه سوم بوده است از بیشترین تعداد انتخاب برخوردار بوده است چنان‌چه در نمودار این شاخص نیز نمایان است. پس با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که افراد در قبال نهادهای سنتی از اعتماد قابل توجهی برخوردار نیستند.

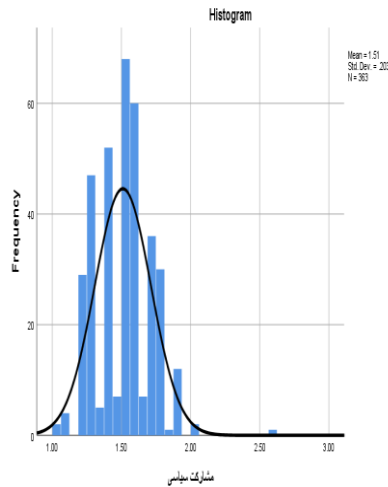
شاخص پنجم: مشارکت سیاسی

شماره	پرسش
۱	عضو یکی از احزاب سیاسی هستم.
۲	به صورت رسمی عضو هیچ حزب سیاسی نیستم ولی در انتخابات برای پیروزی یکی از کاندیداها کار کرده‌ام.
۳	در انتخابات فقط رأی داده‌ام.
۴	در انتخابات شرکت نکرده‌ام.
۵	در سخنرانی کاندیداها در انتخابات شرکت کرده‌ام.
۶	در تظاهرات شرکت کرده‌ام.
۷	خانواده و دوستانم را تشویق به شرکت در انتخابات نموده‌ام.
۸	عضو جامعه‌ی مدنی هستم.
۹	علاقه‌مند بحث‌های سیاسی هستم و در بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنم.
۱۰	دوست دارم روزی در یکی از پست‌های سیاسی کار کنم.

جدول ۹: گویه‌های معرف شاخص مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی		
تعداد	معتبر	363
	نامعتبر	0
	میانگین	1.5105
	انحراف معیار	.20301
	چولگی	.459
	کشیدگی	1.422
	نقطه اعظمی	1.00
	نقطه اصغری	2.60

جدول ۱۰: شاخص مشارکت سیاسی



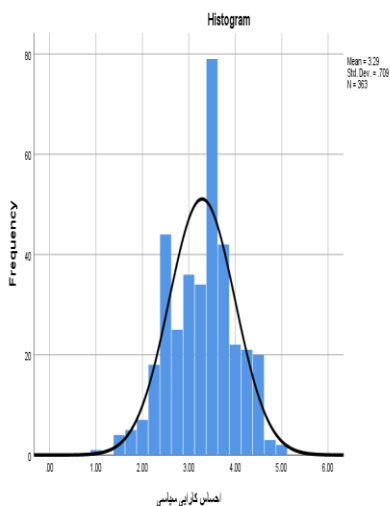
این شاخص به مشارکت سیاسی افراد اختصاص داده شده است که دارای ده گویه به صورت پرسش‌های بله و نخیر است. گویه‌های این شاخص در مورد میزان مشارکت سیاسی افراد بحث می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده از جدول آمارهای این شاخص با حجم نمونه ۳۶۳ نفر، میانگین به‌دست‌آمده که نشان دهنده‌ی موقعیت تجمع داده‌ها در شاخص است ۱,۵ است که نشان می‌دهد داده‌های به سمت گزینه‌ی یک بیشتر تمایل دارد. انحراف معیار که نشان‌دهنده‌ی میزان پراکندگی میانگین را نشان می‌دهد ۰,۲ است. چولگی به‌دست‌آمده از این شاخص مثبت و ۰,۴۵ است که با وجود مثبت‌بودن خود نشان می‌دهد که داده‌ها دارای خمیدگی مثبت می‌باشد و تمایل داده‌ها به سمت گزینه‌ی مثبت بیشتر است. کشیدگی که میزان شباهت و عدم-شباهت داده‌ها را نشان می‌دهد ۱,۴۲ می‌باشد که کشیدگی شدید را نشان می‌دهد و با وجود مثبت‌بودن خود نشان از آن دارد که داده‌ها دارای شباهت‌اند. نقطه‌ی اصغری آن ۱ و نقطه‌ی اعظمی داده‌ها ۲,۶ است. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده از داده و انحراف معیار که در واقع نمایان‌گر پراکندگی این داده‌ها است می‌توان گفت که پاسخ‌دهندگان به این پرسش‌ها از مشارکت سیاسی برخورداراند. این نکته را می‌توان از میان پرسش‌ها نیز به‌دست آورد. مثلاً پرسش چهارم که در مورد عدم‌شرکت در انتخابات است نشان می‌دهد که بیشترین افراد گزینه‌ی خیر یا منفی را انتخاب کرده‌اند و این نشان از اشتراک افراد در انتخابات کشور می‌باشد که یکی از عرصه‌های مهم سیاسی است و یا مثلاً در پرسش‌های نهم و دهم که مربوط به علاقه به بحث‌های سیاسی و مشارکت در یکی از پست‌های سیاسی است با آمارهای ۷۴ درصد و ۷۰ درصد نشان از علاقه‌مندی شهروندان هرات به مشارکت سیاسی حتی در عرصه‌های تصمیم‌گیری و اداری را نشان می‌دهد.

شاخص ششم: احساس کارآیی سیاسی

شماره	پرسش
۱	فکر می‌کنید چقدر قوانین کشور بر زندگی روزمره‌ی شما تأثیر می‌گذارد؟
۲	فکر می‌کنید در ادارات دولتی با همه رفتار برابر انجام می‌پذیرد؟
۳	فکر می‌کنید که اگر نظر خود را به مسئولین دولتی ابراز دارید؛ به نظرتان توجه می‌کنند؟
۴	فکر می‌کنید که رأی شما در انتخابات می‌تواند کسی را برنده بسازد؟
۵	فکر می‌کنید انسان متعهدی می‌تواند در سیستم دولتی موفق شود؟

جدول ۱۱: گویه‌های معرف شاخص احساس کارآیی سیاسی

احساس کارآیی سیاسی		
تعداد	معتبر	363
	نامعتبر	0
میانگین		3.2858
انحراف معیار		.70873
چولگی		-.212
کشیدگی		-.246
نقطه اعظمی		1.00
نقطه اصغری		5.00



جدول ۱۲: شاخص احساس کارآیی سیاسی

شاخص کنونی در مورد احساس کارآیی سیاسی شهروندان است. در این شاخص پنج گویه با طیف پنج گزینه‌ای از خیلی زیاد شروع تا خیلی کم پیش می‌رود. از میان حجم نمونه‌ی ۳۶۳ نفر پاسخ‌دهنده به این پژوهش میانگین به‌دست‌آمده ۳,۲ است که نشان‌گر تجمع داده‌ها به طرف گزینه‌های منفی یعنی از متوسط به کم است. انحراف معیار که نشان‌دهنده‌ی میزان پراکندگی میانگین است ۰,۷ است. چولگی به‌دست‌آمده از این شاخص ۰,۲۱- است. چولگی نشان‌گر خمیدگی داده‌ها است. که در این جا با چولگی منفی حالت خفیف را نشان می‌دهد و خمیدگی آن به سمت کدهای منفی است. کشیدگی داده‌ها که میزان شباهت و عدم‌شباهت را نشان می‌دهد نیز منفی و آمار ۰,۲۴- را به خود اختصاص داده است که با این حساب نشان می‌دهد که بین پاسخ‌گویان شباهت چندانی وجود ندارد. نقطه‌ی اصغری و اعظمی در این شاخص نیز به ۱ و ۵ است که به ترتیب گزینه‌های خیلی زیاد و خیلی کم را به خود اختصاص داده است. بناءً با توجه به آمار به‌دست‌آمده از این شاخص که میانگین و انحراف معیار را نشان می‌دهد، می‌توان به این نتیجه رسید که

پاسخ‌دهندگان در مورد کارآیی سیاسی قوانین و دولت در افغانستان زیاد احساس خوبی ندارند. به عبارت دیگر، این آمار نشان می‌دهد که نسبت به کارآیی سیاسی احساس مطلوبی موجود نیست. چنانچه گرایش داده‌ها به طرف گزینه‌های کم و متوسط این موضوع را بیان می‌کند.

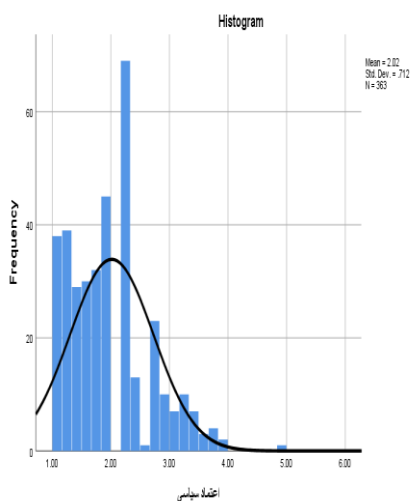
شاخص هفتم: اعتماد سیاسی

شماره	پرسش
۱	مسئولان حکومتی به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند.
۲	عده‌ای فکر می‌کنند هر چه می‌گذرد وضع کشور رو به خرابی می‌رود.
۳	عده‌ای فکر می‌کنند برای احزاب سیاسی فقط معامله مهم است نه سرنوشت کشور.
۴	برای مسئولان حکومتی نظر مردم مهم نیست.
۵	عده‌ای فکر می‌کنند که مسئولان دولتی درایت کافی برای انجام کار را ندارند.
۶	برخی فکر می‌کنند که برای مسئولان دولتی رضایت دولت‌های خارجی مهم است نه مردم کشور.

جدول ۱۳: گویه‌های معرف شاخص اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی		
تعداد	معتبر	363
	نامعتبر	0
میانگین		2.0162
انحراف معیار		.71214
چولگی		.730
کشیدگی		.536
نقطه اعظمی		1.00
نقطه اصغری		5.00

جدول ۱۴: شاخص اعتماد سیاسی



یکی از شاخص‌هایی که در این پژوهش به منظور بررسی فرهنگ سیاسی انتخاب شده است، شاخص اعتماد سیاسی است که شهروندان دارند. اعتماد سیاسی تجربه‌ی مردم از عملکرد حکومت و بازخورد این عملکرد در زندگی حال و برنامه‌های آینده را نشان می‌دهد. این اعتماد سیاسی با توجه به عملکرد دولت به وعده‌های سیاسی و کسب رضایت مردم افزایش می‌یابد و از آن طرف با سست شدن این وضعیت کاهش. در این شاخص پنج گویه در نظر گرفته شده است که با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت گزینه‌های آن را تشکیل می‌دهد. میانگین به دست آمده از شاخص اعتماد سیاسی با توجه به حجم نمونه ۳۶۳ نفر پاسخ‌دهنده ۲,۰۱ می‌باشد. از آنجایی که میانگین نشان دهنده‌ی تجمع داده‌ها است این تجمع نشان از انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق دارد. باید خاطر نشان ساخت که سنجه‌هایی که برای سنجش این شاخص در نظر

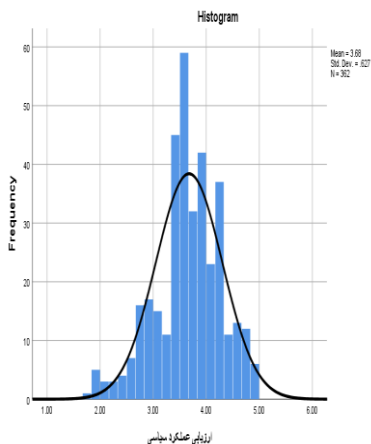
گرفته شده است با ساختار منفی همراه است. مثلاً هنگامی که ما میپرسیم که مسئولان حکومتی به وعده-های خود عمل نمی‌کنند؛ انتخاب گزینه‌ی کاملاً موافق و یا موافق، هم‌سویی با این گویه را نشان می‌دهد. انحراف معیار این شاخص که نشان‌دهنده‌ی میزان پراکندگی از میانگین است ۰,۷ را نمایان می‌سازد. میزان چولگی به‌دست‌آمده که نشان از میزان خمیدگی داده‌های بدست آمده است ۰,۷۳ را نشان می‌دهد که با توجه به علامت مثبت این چولگی می‌توان از تمایل داده‌ها به طرف کدهای کاملاً موافق و موافق است. میزان کشیدگی داده‌ها که نشان از شباهت و یا عدم‌شباهت داده‌ها به یکدیگر دارد ۰,۵۳ است که دارای کشیدگی تقریباً شدید و با مثبت‌بودن علامت این آمار نشان از شباهت داده‌ها دارد. نقطه‌ی اصغری این آمار ۱ و نقطه‌ی اعظمی آن ۵ است. که به‌ترتیب گزینه‌های کاملاً موافق و کاملاً مخالف را نشان می‌دهد. بناءً از داده‌های به‌دست‌آمده با توجه به میانگین داده‌ها و انحراف معیار به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان نسبت به وعده‌های سیاسی، در نظر گرفتن دیدگاه مردم توسط مسئولان دولتی و آینده‌ی تصمیم‌های سیاسی برای کشور خوش‌بین نیستند. این امر نشان از این دارد که اعتماد سیاسی شهروندان هرات نسبت به ساختار سیاسی ضعیف است.

شاخص هشتم: ارزیابی عملکرد سیاسی

شماره	پرسش
۱	قوه‌ی قضاییه در اجرای عدالت موفق بوده است.
۲	نیروهای امنیتی در تأمین امنیت موفق بوده‌اند.
۳	دولت توانسته برای جوانان کار ایجاد کند.
۴	ادارات دولتی به‌خوبی مشکلات مردم را حل می‌کنند.
۵	دولت توانسته برای مردم خدمات خوبی از جمله برق و آب ارایه دهد.
۶	شهرداری‌ها به خوبی وظایف‌شان را انجام داده‌اند.
۷	ترافیک در شهرها توانسته که نظم را برقرار کند.
۸	دولت معاش کارمندان و معلمان را به خوبی پرداخت کرده است.
۹	دولت نرخ بازار را به خوبی کنترل می‌کند.

جدول ۱۵: گویه‌های معرف شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی

ارزیابی عملکرد سیاسی		
تعداد	معتبر	362
	نامعتبر	1
میانگین		3.6756
انحراف معیار		.62666
چولگی		-.397
کشیدگی		.207
نقطه اعظمی		1.67
نقطه اصغری		5.00



جدول ۱۶: شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی

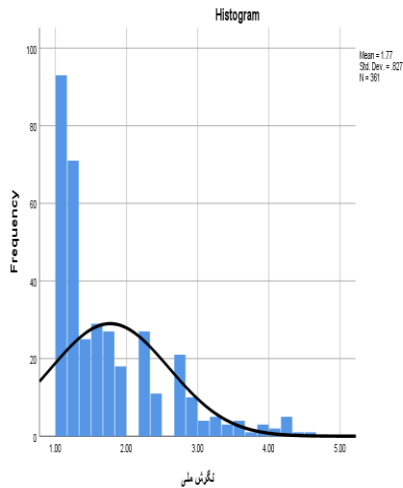
این شاخص با گویه‌هایی خاص به ارزیابی عملکرد سیاسی پرداخته است. در این شاخص پاسخ‌دهندگان گویه‌هایی را که در واقع نشان از عملکرد سیاسی دولت است را به پاسخ گرفته‌اند. عملکرد سیاسی دولت را موضوعاتی مانند تأمین امنیت، عدالت، رفاه، کار، تنظیم نرخ بازار و... سنجیده شده است. در این شاخص ۹ گویه در نظر گرفته شده است. میانگین به‌دست‌آمده از حجم نمونه‌ی ۳۶۲ نفر پاسخ‌دهنده ۳,۲۶ است که نشان دهد داده‌ها به طرف گزینه‌های بی‌نظر و مخالف تمایل دارند؛ میانگین نشان از تجمع داده‌ها در شاخص است. انحراف معیار که نمایان‌گر میزان پراکندگی از میانگین می‌باشد ۰,۶۲ است. چولگی به‌دست‌آمده از این شاخص ۰,۳۹- است که نشان از چولگی خفیف دارد و با توجه به منفی بودن علامت چولگی نمایان‌گر این است که خمیدگی داده‌ها به طرف گزینه‌های با کدهای مخالف و کاملاً مخالف بیشتر است. پراکندگی داده‌ها که نمایان‌گر شباهت و عدم شباهت داده‌ها است ۰,۲ و با نشان از کشیدگی متوسط است. و با مثبت بودن علامت نشان می‌دهد که داده‌های به‌دست‌آمده دارای شباهت و هم‌سویی در انتخاب گزینه‌ها اند. نقطه‌ی اصغری داده‌ها ۱,۶۷ و اعظمی آن ۵ است که نشان می‌دهد داده‌ها چگونه از گزینه‌های تقریباً موافق شروع و تا گزینه‌ی کاملاً مخالف پیش می‌رود. بناءً از آمارهای به‌دست‌آمده با توجه به میانگین بالایی که نشان می‌دهد می‌توان به این نتیجه رسید که پاسخ‌دهندگان به این شاخص عملکرد سیاسی دولت را تقریباً منفی ارزیابی می‌کنند. داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که عملکرد دولت در عرصه‌های پیش گفته شده نتوانسته است رضایت مردم را جلب کند و به‌همین منظور ارزیابی این عملکرد منفی بوده است. این شاخص را اگر با توجه به شاخص اعتماد سیاسی خواسته باشیم تحلیل کنیم، می‌بینیم که با توجه به این عملکرد ضعیف اعتماد سیاسی پاسخ‌دهندگان نیز رو به ضعیفی گراییده است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که عملکرد سیاسی دولت مداران، اعتماد سیاسی شهروندان را افزایش می‌دهد و به‌همان تناسب ضعف در این عملکرد سیاسی منجر به سست شدن اعتماد سیاسی نسبت به دولت و نظام سیاسی حاکم می‌شود.

شاخص نهم: بررسی نگرش ملی

شماره	پرسش
۱	از این که تابعیت افغانستان را دارید، چه اندازه افتخار می کنید؟
۲	وقتی می بینید کسی از افغانستان انتقاد می کند چه اندازه عصبانی می شوید؟
۳	هنگامی که می بینید کسانی پرچم افغانستان را به آتش می کشند، چه اندازه عصبانی می شوید؟
۴	با مشاهده ی در اهتزاز بودن پرچم افغانستان در میداین ورزشی چه اندازه احساس خوبی به شما دست می دهد؟
۵	هنگام شنیدن سرود ملی چه اندازه احساس غرور می کنید؟
۶	به قهرمانان، دانشمندان و نخبه های علمی کشور افتخار می نمایم.

جدول ۱۷: گویه های معرف شاخص نگرش ملی

نگرش ملی		
تعداد	معتبر	361
	نامعتبر	2
میانگین		1.7693
انحراف معیار		.82737
چولگی		1.299
کشیدگی		1.240
نقطه ی اعظمی		1.00
نقطه ی اصغری		4.67



جدول ۱۸: نگرش ملی

این شاخص به بررسی نگرش ملی پرداخته است. نگرش ملی همان بنیادهای فکری به ملی بودن، ملی فکرکردن و ملی عملکردن در یک کشور است. در این شاخص ۶ گویه که نگرش ملی را احتوا می کند مورد بررسی قرار گرفته است. که با طیف پنج گزینه ای همراه است. این گویه ها هر کدام در مورد پدیده های ملی بحث می کند و میزان تمایل فرد به این پدیده ها را مورد ارزیابی قرار می دهد. میانگینی که موقعیت تجمع داده ها در شاخص را نشان می دهد، در این شاخص، هم چنان که در جدول آمارها نشان داده شده ۱,۷۶ است که نشان از تمایل داده ها به طرف کدهای بالا یعنی خیلی زیاد و زیاد است. انحراف معیار که در واقع میزان پراکندگی داده ها از میانگین را نشان می دهد ۰,۸ است. چولگی که در واقع نشان می دهد خمیدگی داده ها به کدام سمت نمودار شاخص داده ها است، ۱,۲۹ و نشان از خمیدگی شدید داده ها به طرف مثبت

است. با توجه به مثبت بودن این علامت نیز می توان نتیجه گرفت که داده ها به طرف کدهای بالا خمیدگی شدید دارند. کشیدگی داده ها نیز که در مورد شباهت و عدم شباهت داده ها بحث می کند ۱,۲ است که نشان از کشیدگی شدید و مثبت است. این مثبت بودن نشان می دهد که داده های به دست آمده در این شاخص دارای شباهت در انتخاب گزینه ها اند. نقطه ی اصغری داده ها ۱ و نقطه ی اعظمی ۴,۶ است. که هر کدام به ترتیب به گزینه های خیلی زیاد و کم به طرف خیلی کم اختصاص داده شده است. این داده های به دست آمده این نقاط نیز به نوبه خود نشان می دهد که داده ها از گزینه یک شروع شده و حد اعظمی پراکندگی داده های ۴,۶ بوده است که نشان می دهد کمترین انتخاب را گزینه ی خیلی کم داشته است. بناءً از این آمارها می توان چنین نتیجه گرفت که نگرش پاسخ دهندگان به این گویه ها در مورد مسایل و پدیده های ملی مثبت و به شدت ملی گرایانه است. این نتیجه را می توان از شدت تمایل داده ها به طرف گزینه های خیلی زیاد و زیاد انتخاب شده در این شاخص دید. همچنان که در نمودار ترتیبی این شاخص نیز مشاهده می شود گزینه ی خیلی زیاد ۶۰,۳ درصد آمار را به خود اختصاص داده است و گزینه ی خیلی ۱۸,۸ درصد که درصد مجموعی این آمار در حدود ۸۰ درصد می شود. این ۸۰٪ در واقعیت امر نشان می دهد که پاسخ دهندگان به این گویه ها نگرش های ملی شدیدی دارند و این نگاه ملی آن ها برایشان با توجه به گویه هایی که در این شاخص در نظر گرفته شده است، ارزشمند است.

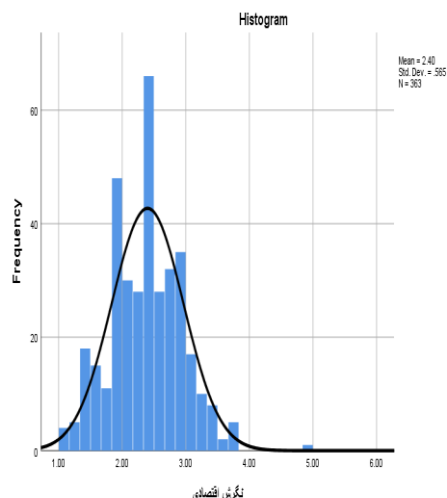
شاخص دهم: بررسی نگرش اقتصادی

شماره	پرسش
۱	بازار آزاد باعث رشد و رونق اقتصادی افغانستان خواهد شد.
۲	دولت باید مالیات بیشتری بر عایدات کلان وضع کند.
۳	قوانین و مقررات حکومتی باید به گونه ای باشد که کسب و کار را رونق دهد.
۴	رفاه و بهزیستی افغانستان به صنعت و تجارت بستگی دارد.
۵	دولت نباید دخالتی در امور بازار داشته باشد.
۶	دولت باید بیمه ی بیکاری برای کارگران در نظر بگیرد.
۷	دولت باید استخراج معادن را به بخش خصوصی واگذار کند.
۸	اگر شرکت های عمده مثل برق رسانی و مخابرات به بخش دولتی واگذار شود؛ به نفع مردم است.

جدول ۱۹: گویه های معرف شاخص نگرش اقتصادی

آماره‌ها		
نگرش اقتصادی		
تعداد	معتبر	363
	نامعتبر	0
میانگین		2.3979
انحراف معیار		.56510
چولگی		.216
کشیدگی		.754
نقطه‌ی اعظمی		1.00
نقطه‌ی اصغری		5.00

جدول ۲۰: شاخص نگرش اقتصادی



این شاخص به بررسی نگرش اقتصادی پرداخته است. شاخص نگرش اقتصادی در واقع به دنبال بررسی نگرش مردم در مورد مسایل رونق اقتصادی، بازار، رفاه و بهزیستی، بیکاری و... بوده و با ۸ گویه همراه است. این گویه‌ها با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافق شروع و تا کاملاً مخالف ختم می‌شود و به ترتیب از شماره ۱ تا ۵ کدهای این گزینه‌ها است. حجم نمونه‌ی ۳۶۳ نفر است که هیچ تعداد نامعتبری ندارد. میانگین که در واقع نشان‌دهنده‌ی موقعیت تجمع داده‌ها در شاخص است ۲,۳ که نشان می‌دهد داده‌ها از گزینه متوسط رو به طرف بالا یعنی گزینه‌ی موافق تمایل دارد. علی‌رغم این که گزینه‌ی بی‌نظر نیز در این شاخص از جایگاه ویژه‌ی بخاطر تعدد انتخاب‌ها برخوردار است. انحراف معیار به‌دست‌آمده که نمایان‌گر میزان پراکندگی از میانگین است ۰,۵۶ می‌باشد. چولگی که نشان می‌دهد خمیدگی داده‌ها به کدام است روان است ۰,۲۱ و مثبت است. که نشان می‌دهد خمیدگی داده‌ها به طرف کد مثبت یعنی موافق و کد بی‌نظر است. کشیدگی داده‌های به‌دست‌آمده ۰,۷۵ است. این کشیدگی نشان می‌دهد که چقدر شباهت و یا عدم‌شباهت در بین داده‌ها وجود دارد. با توجه به این فلسفه‌ی وجودی کشیدگی در این شاخص تقریباً شدید است و مثبت‌بودن علامت کشیدگی نشان می‌دهد که در بین داده‌ها شباهت وجود دارد. نقطه‌ی اصغری ۱ و نقطه‌ی اعظمی ۵ است که به ترتیب گزینه‌های کاملاً موافق و کاملاً مخالف مربوط به آن‌هاست. بناءً با توجه به جدول آمارهای به‌دست‌آمده از این شاخص و نمودار درصدی داده‌ها میتوان به این نتیجه رسید که نگرش پاسخ‌دهندگان در مورد این شاخص مثبت است. به عبارت دیگر پاسخ‌دهندگان به این گویه‌ها نشان داده‌اند که رونق اقتصادی جامعه وابسته به دولت است. با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده در این شاخص توجه دولت در عرصه‌ی اقتصادی موجب این رونق خواهد شد. هم‌چنان که باید توجه داشت در مورد بازار آزاد نگرش نسبتاً خوبی داشتند و این یعنی رویکرد فعلی با توجه بیشتر در بعضی عرصه‌ها می‌تواند در بیرون رفت از بسیاری مشکلات اقتصادی کمک کند.

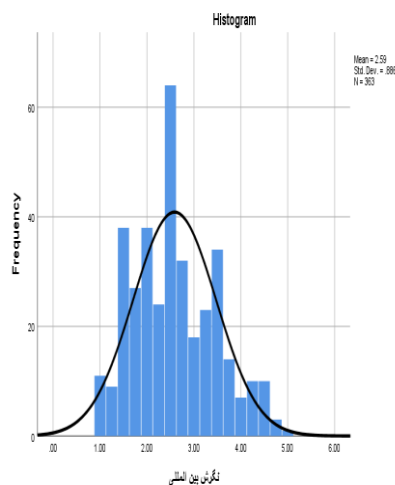
شاخص یازدهم: نگرش بین‌المللی

شماره	پرسش
۱	سازمان ملل متحد به صلح و امنیت در افغانستان کمک کرده است.
۲	عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، قدرت و نفوذ ما را در منطقه و جهان افزایش می‌دهد.
۳	پیمان‌های امنیتی افغانستان با قدرت‌های بزرگ جهان، می‌تواند در صلح و امنیت ما کمک نماید.
۴	پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشری می‌تواند به جایگاه کشور ما در جهان کمک کند.
۵	حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان برای حفظ صلح و ثبات مفید است.

جدول ۲۱: گویه‌های معرف شاخص نگرش بین‌المللی

نگرش بین‌المللی		
تعداد	معتبر	363
	نامعتبر	0
	میانگین	2.5883
	انحراف معیار	.88584
	چولگی	.378
	کشیدگی	-.424
	نقطه‌ی اعظمی	1.00
	نقطه‌ی اصغری	5.00

جدول ۲۲: شاخص نگرش بین‌المللی



این شاخص به بررسی نگرش بین‌المللی می‌پردازد. در واقع نگرش بین‌المللی پاسخ‌دهندگان در این شاخص با گویه‌هایی در مورد ارزیابی سازمان ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی در افغانستان، حضور نیروهای بین‌المللی و...، این وضعیت را مورد سنجش قرار داده است. نگرش بین‌المللی افراد همان نگاه به ساختار بین‌المللی و تأثیر و تأثر آن در داخل مرزهای داخلی کشور را مورد مذاقه قرار می‌دهد. از میان ۳۶۳ نفر حجم نمونه در این شاخص میانگین به‌دست‌آمده که نشان‌دهنده‌ی موقعیت تجمع داده‌ها در شاخص است ۲٫۵ بوده که نشان‌دهنده‌ی گرایش داده‌ها به طرف متوسط است. انحراف معیار که نمایان‌گر میزان پراکندگی از میانگین است ۰٫۸۸ است. چولگی به‌دست‌آمده در این آمار ۰٫۳۷ است. چولگی نمایان‌گر خمیدگی داده‌ها به دو سمت نمودار است که در این‌جا با مثبت‌بودن آن نشان می‌دهد که چولگی متوسط و رو به طرح کدهای میانه به بالا است. کشیدگی که از شباهت و عدم‌شباهت داده‌ها بحث می‌کند ۰٫۴۲- می‌باشد که با این علامت منفی نشان می‌دهد که داده‌ها دارای کشیدگی خفیف و عدم‌شباهت‌اند. به‌عبارت دیگر، دامنه‌ی انتخاب داده‌ها وسیع است. نقطه‌ی اصغری ۱ و نقطه‌ی اعظمی نیز ۵ می‌باشد که به‌ترتیب گزینه‌های کاملاً موافق و کاملاً مخالف را به خود اختصاص داده است. بناءً از این آمار با میانگین به‌دست‌آمده

و انحراف معیار می‌توان به این نتیجه رسید که نگرش بین‌المللی افراد نسبتاً مثبت بوده و با گرایش‌ها و ساختارهای بین‌المللی هم‌سویی دارند. حتی موافقت با این ساختارها نیز یکی از آن نتایج به‌دست‌آمده از این آمار است.

یافته‌های استنباطی

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و سن

گزینه‌های نگرش سن	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	فراوانی	درصد
۲۵-۲۰	18.5	63.8	15.8	2.1	0	۱۴۶	40.5
۳۰-۲۶	15.7	59.4	23.6	1.1	0	۸۹	24.5
۴۰-۳۱	14.8	64.2	19.7	0	1.2	۸۱	22.3
۵۰-۴۱	4	76	16	0	4	۲۵	6.9
۶۰-۵۱	7.1	78.6	7.1	7.1	0	۱۴	3.9
۶۰ به بالا	28.6	42.9	28.6	0	0	۷	1.9
آزمون آماری	$X^2=۱۱۸,۶$ $df=۱۳۰$ $sig=۰,۷$						

جدول ۲۳: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و سن

با یک‌جا کردن پنج گویه شاخص باور به حکومت دینی بدست می‌آید. همچنان که از جدول آماری بدست آمده در مورد متغیر سن و باور به حکومت دینی نمایانگر است، تقریباً در سنین مختلف درج‌شده در این پرسشنامه گزینه‌های کاملاً موافق و موافق بیشترین انتخاب را داشته‌اند. چنانچه در سنین بین ۲۰ تا ۳۰ سال گزینه‌های موافق و کاملاً موافق که بیشترین تعداد فراوانی در پرسشنامه را دارانند، را به خود اختصاص داده است. آزمون آماری بدست آمده از این رابطه نمایانگر رابطه متفاوت معناداری در بین سنین مختلف نمی‌باشد. در نتیجه اینکه با توجه به آمارهای بدست آمده نشان می‌دهد که کسانی که بین ۲۵-۲۰ سال سن داشته‌اند کسانی که ۶۰-۵۱ سن داشته‌اند بیشترین باور را به حکومت دینی دارند. با آن هم شباهت نسبی بین نگرش افراد نسبت به حکومت دینی در سنین مختلف وجود دارد.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و تحصیلات

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش تحصیلات	
.3	۱	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	ندارم	
10.7	۳۸	۲,۶	۰	۱۰,۵	۷۳,۷	۱۳,۲	فارغ مکتب	
74.7	۲۷۱	۰	۰	۱۹,۲	۶۳,۸	۱۷	لیسانس	
13.2	۴۸	۲,۱	۰	۲۷,۱	۵۸,۳	۱۲,۵	ماستر	
.6	۲	۰	۰	۵۰	۵۰	۰	دکتر	
X2=۷۴,۹		sig=۰,۹۴۵					آزمون آماری	

جدول ۲۴: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و تحصیلات

همچنان که از جدول مشاهده می‌شود تحصیلات همراه با باور به حکومت دینی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از نکاتی که در این رابطه برجسته است این است، عدم انتخاب گزینه‌ی مخالف از طرف همه‌ی سطوح تحصیلی است؛ اما از آن طرف باید توجه داشت که گزینه‌ی موافق در این جدول با توجه به تحصیلات روند کاهشی را داشته است. به عبارت دیگر تحصیلات افراد با توجه به نگاه آنها حکومت دینی رابطه دارد. با بالا رفتن تحصیلات نگاه موافق به حکومت دینی کم می‌شود. از آمارهای بدست آمده در این جدول نیز نمایان است که گزینه‌های موافق و کاملاً موافق بیشترین انتخاب را داشته‌اند. آزمون آماری این جدول ۰,۹۴۵ است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین گزینه‌های مختلف انتخاب شده در این شاخص وجود ندارد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که با توجه به پایین بودن تحصیلات پذیرش حکومت دینی بالاتر است.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و جنس

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش جنس
57.6	۲۰۹	0	1	22	63.2	۱۳,۹	مرد
42.1	۱۵۲	1.3	2	13.8	64.5	۱۸,۴	زن
X2= ۳۶,۴۶		df= ۲۶			sig=۰,۰۸		آزمون آماری

جدول ۲۵: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و جنس

در این رابطه جدول آماری نشان می‌دهد که تفاوت شدیدی بین زنان و مردان در مورد باور به حکومت دینی وجود ندارد. مردان در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۴ درصد و ۶۳ درصد را انتخاب کرده‌اند و زنان همین گزینه‌ها را به ترتیب ۱۸ درصد و ۶۴,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. با این وجود

در انتخاب گزینه‌ی کاملاً مخالف مردان هیچ انتخابی نداشتند، در حالی که زنان ۱,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری در این رابطه ۰,۰۸ است که نشان دهنده‌ی تفاوت شدید معناداری نیست. با این وصف می‌توان نتیجه گرفت که زنان و مردان دیدگاه نسبتاً مشابهی نسبت به باور به حکومت دینی دارند.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و مذهب

گزینه‌های نگرش / مذهب	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
سنی	۱۷	۶۴,۹	۱۷	۰,۷	۰,۴	۲۸۲	78.0
شیعه	۱۲	۵۴	۲۸	۴	۲	۵۰	13.8
آزمون آماری	X ² = ۳۷,۱۶ df=۲۶ sig= ۰,۰۷۲						

جدول ۲۶: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و مذهب

چنانچه از جدول این آمارها بدست آمده است، بین مذهب شیعه و سنی که در اینجا گزینه‌های مورد انتخاب بوده‌اند، تفاوت وجود دارد. گزینه‌ی کاملاً موافق و موافق در مذهب سنی به ترتیب درصدی ۱۷ و ۶۴,۹ را به خود اختصاص داده در حالی که در مذهب شیعه همین گزینه‌ها آمار ۱۲ درصد و ۵۴ درصد را با خود دارد. همچنان که گزینه‌ی نظری ندارم نیز تفاوت چشم‌گیری را نشان می‌دهد. با آن‌هم آزمون آماری در این رابطه ۰,۰۷ است که با توجه به بالا بودن آن، عدم معناداری در این رابطه را نشان می‌دهد. با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که شیعیان نسبت به باور به حکومت دینی در مقایسه با سنی‌ها نگاه بازتر و نسبتاً دنیوی‌تری دارند. البته باید این نگاه را با توجه به درصدی شیعیان پاسخ دهنده به پرسش‌نامه‌های این پژوهش در نظر گرفت.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و شغل

گزینه‌های نگرش / شغل	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
شغل آزاد	۱۶,۸	۶۱,۱	۱۹,۵	۱,۸	۰,۹	۱۱۳	31.4
کارمند دولت	۱۷,۲	۶۷,۷	۱۵,۱	۰	۰	۹۳	25.6
سازمان خصوصی	۱۳,۳	۶۶,۷	۱۶,۷	۳,۳	۰	۶۰	16.5
استاد دانشگاه	۱۳,۹	۵۰	۳۳,۳	۰	۲,۸	۳۶	9.9
فعال مدنی	۶,۷	۶۶,۷	۲۳,۳	۳,۳	۰	۳۰	8.3
سایر موارد	۱۸,۸	۷۵	۶,۳	۰	۰	۱۶	4.4
آزمون آماری	X ² =۱۱۱,۳۳ df=۱۲۵ sig=۰,۸						

جدول ۲۷: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و شغل

این رابطه بین شغل و باور به حکومت دینی مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه در جدول نمایان گر است گزینه‌ی کاملاً موافق آمارش از ۶,۷ درصد که فعالین مدنی باشد تا ۱۸ درصد که سایر مشاغل است تفاوت دارد. این تفاوت در گزینه‌ی موافق نیز قابل بررسی است. آزمون آماری بدست آمده از این رابطه نیز تفاوت معنادار شدیدی را نشان نمی‌دهد. نتیجه‌ای که می‌توان از این جدول گرفت این است که، افراد با مشاغل مختلف نگاه‌شان نسبت به باور به حکومت دینی نسبتاً یکسان است و شغل آنها نمی‌تواند بهانه‌ی خاصی برای عدم باور به حکومت دینی باشد؛ اما باید توجه داشت که مشاغلی مانند اساتید دانشگاه در این رابطه نسبتاً محافظه‌کارانه‌تر پاسخ گفته‌اند.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و قومیت

گزینه‌های نگرش / قومیت	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
پشتون	۱۸	68.5	10.8	3	0	۱۱۱	30.6
تاجیک	15.3	61.6	22	0.6	0.6	۱۷۷	49.0
هزاره	10.5	48	31.6	5.3	5.3	۱۹	5.2
ترکمن	20	80.0	.0	0	0	۵	.3
ازبیک	۰	1.4
سایر اقوام	17.6	67.6	14.7	0	0	۳۴	9.4
آزمون آماری	X ² = ۱۰۶,۸۹ df=130 sig=۰,۹۳۱						

جدول ۲۸: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و قومیت

آمارهای بدست آمده از این جدول نیز رابطه بین قومیت و باور به حکومت دینی را نشان می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد که قوم پشتون و تاجیک تقریباً به صورت یکسانی به حکومت دینی باور دارند، البته با تفاوتی در چند درصدی از آمار؛ اما در قوم هزاره این تفاوت بیشتر است و با نگاهی به گزینه‌های کاملاً موافق و موافق در هر سه قوم می‌توان این تفاوت را دریافت. به عبارت دیگر قوم هزاره در این بین نسبت به دو قوم قبل از خود در مورد باور به حکومت دینی نگاه نرم‌تری دارد. قوم تاجیک و پشتون هر کدام به ترتیب ۸۶ درصد و ۷۷ درصد نسبت به باور به حکومت دینی پاسخ مثبت نشان دادند و قوم هزاره ۵۸ درصد. آزمون آماری بدست آمده از این بررسی ۰,۹۳۱ است که تفاوت معناداری را در بین اقوام مختلف نشان نمی‌دهد. از این جدول می‌توان چنین نتیجه گرفت که قومیت افراد در نگاهشان به حکومت دینی تفاوت چندان قابل ملاحظه‌ای را به میان نمی‌آورد. بلکه این تفاوت اندک است.

رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و درآمد

تعداد	درصدی گزینه‌ها	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد
۱۸۳	50.4	۰,۵	۱,۱	۱۸	۶۱,۷	۶,۱۸	۲۰-۱۰ هزار
۵۲	14.3	۰	۱,۹	۱۹,۲	۶۹,۲	۹,۶	۳۰-۲۱
۳۲	8.8	۳,۱	۶,۳	۲۵	۵۶,۳	۹,۴	۴۰-۳۱
۲۶	7.2	۰	۰	۱۹,۲	۶۵,۴	۱۵,۴	۵۰-۴۱
۱۱	3.0	۰	۰	۲۷,۳	۶۳,۶	۹,۱	۶۰-۵۱
۲۰	5.8	۰	۰	۲۰	۷۰	۱۰	۶۰ به بالا
X2=۱۱۷,۵۹۳ df= ۱۳۰ sig=۰,۷۷۴							آزمون آماری

جدول ۲۹: رابطه بین شاخص باور به حکومت دینی و سطح درآمد

جدول فوق در مورد رابطه بین سطح درآمد و باور به حکومت دینی است. چنانکه در جدول مشاهده می‌شود، تفاوت چشم‌گیری بین سطوح متفاوت درآمد افراد با میزان گرایش آنها به باور به حکومت دینی وجود ندارد. آمارهای بدست آمده در گزینه‌های کاملاً موافق و موافق نشان می‌دهد که این تفاوت چند درصدی است. بناءً با توجه به مواردی که سطوح درآمد را نشان می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً سطح درآمد حالت یکسانی با گرایش به باور به حکومت دینی دارد.

شاخص اعتماد به نهادهای دینی

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش سن
40.5	۱۴۶	۰	۱۳	۳۷,۷	۳۷,۷	۱۱,۶	۲۵-۲۰ سال
24.5	۸۹	۶,۷	۲۲,۵	۴۰,۴	۲۱,۳	۹	۳۰-۲۶ سال
22.3	۸۱	۱,۲	۱۷,۳	۴۴,۴	۲۸,۴	۸,۶	۴۰-۳۱ سال
6.9	۲۵	۴	۲۰	۵۰	۲۰	۴	۵۰-۴۱ سال
3.9	۱۴	۰	۲۱,۴	۵۷,۱	۲۱,۴	۷,۱	۶۰-۵۱ سال
1.9	۷	۰	۰	۵۷,۱	۲۸,۶	۱۴,۳	۶۰ سال به بالا
X2=۱۱۷,۳۶۱ df=۱۱۵ sig= .421							آزمون آماری

جدول ۳۰: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و سن

با یکجا کردن پنج گویهی هم‌ارز شاخص اعتماد به نهادهای دینی ساخته می‌شود. این شاخص به بررسی نگرش‌های افراد در مورد نهادهای دینی می‌پردازد. چنانچه از جدول مشاهده می‌شود کسانی که بین سن ۲۰-۲۵ داشته‌اند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۱,۶ درصد و ۳۷,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر نیز ۳۷,۷ درصد انتخاب شده است؛ اما کسانی که بین سن ۲۶-۳۰ قرار داشته‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۹ درصد و ۲۱,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر ۴۰,۴ درصد، مخالف ۲۲,۵ درصد و کاملاً مخالف ۶,۷ درصد انتخاب شده است. در این بین کسانی که بین سنین ۴۱-۵۰ سال قرار داشته‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۴ درصد و ۲۰ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۵۰ درصد، مخالف ۲۰ درصد و کاملاً مخالف نیز ۴ درصد انتخاب شده است. ولی کسانی که بالاتر از ۶۰ سال عمر داشته‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۴,۳ درصد و ۲۸ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر در این گزینه ۵۷,۱ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در اینجا ۰,۴۲۱ است که تفاوت معناداری را در این رابطه نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و قوم

گزینه‌های نگرش قوم	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
پشتون	۱۶,۲	۲۹,۷	۳۶,۹	۱۷,۱	۰	۱۱۱	30.6
تاجیک	۴,۵	۳۰,۵	۴۴,۱	۱۷,۵	۳,۴	۱۷۷	49.0
هزاره	۱۰,۵	۱۰,۵	۵۷,۹	۱۵,۸	۵,۳	۱۹	5.2
ازبیک	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۱	.3
ترکمن	۰	۲۰	۸۰	۰	۰	۵	1.4
سایر اقوام	۱۷,۶	۳۲,۴	۳۵,۳	۱۱,۸	۲,۳	۳۴	9.4
آزمون آماری	sig= .598		df=۱۱۰		X2= ۱۰۵,۷۲۰		

جدول ۳۱: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و قومیت

قوم پشتون در این جدول نشان می‌دهد که گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۶,۲ درصد و ۲۹,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر ۳۶,۹ درصد و مخالف ۱۷,۱ درصد انتخاب شده است. قوم تاجیک گزینه‌ی کاملاً موافق را ۴,۵ درصد، موافق ۳۰,۵ درصد، بی‌نظر ۴۴,۱ درصد، مخالف ۱۷,۵ درصد و کاملاً مخالف را ۳,۴ درصد انتخاب کرده‌اند. قوم هزاره اما در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۰,۵ درصد و ۱۰,۵ درصد را داشته‌اند، که درصد مجموعی آن به نسبت دو قوم پیش گفته‌شده بسیار کمتر است. بی‌نظر ۵۷,۹ درصد و مخالف ۱۵,۸ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در اینجا ۰,۵۹۸ است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد. یکی از نتایجی که از این جدول می‌توان مشاهده کرد نگاه قوم هزاره در اعتماد به نهادهای دینی است. درصد مجموعی موافقت در این جدول ۲۱

است که به نسبت قوم پشتون ۴۵ درصد و تاجیک ۳۵ درصد، نگاه دنیوی تری نسبت به نهادهای دینی دارد.

رابطه بین اعتماد به نهادهای دینی و درآمد ماهانه

درصد	فراوانی	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد ماهانه
50.4	۱۸۳	۱,۱	۱۱,۵	۴۰,۴	۳۲,۸	۱۴,۲	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۰	۳۰,۸	۴۲,۳	۲۳,۱	۳,۸	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۳,۴	۱۵,۶	۵۶,۳	۱۵,۶	۳,۱	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۲۶	۱۱,۵	۲۳,۱	۵۳,۸	۷,۷	۳,۸	۴۱-۵۰ هزار
3.0	۱۱	۰	۲۷,۳	۳۶,۴	۳۶,۴	۰	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۰	۰	۳۰	۴۵,۵	۲۰	۵	۶۰ هزار به بالا
X2= ۱۲۷,۲۳۷		df=۱۱۵		sig= .205		آزمون آماری	

جدول ۳۲: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و درآمد ماهانه

بین درآمد ماهانه و اعتماد به نهادهای دینی نیز بررسی صورت گرفته. کسانی که بالاتر از ۶۰ هزار درآمد داشته‌اند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۵۰ درصد و ۲۰ درصد انتخاب کرده‌اند، که درصد مجموعی آن ۷۰ می‌شود و بالاترین آمار در این رابطه است. گزینه‌ی مخالف هم در اینجا ۳۰ درصد انتخاب شده است. با بالاتر رفتن درآمد ماهانه تفاوت در نگاه به نهادهای دینی به وجود آمده است. با توجه به آزمون آماری در اینجا که ۰,۲۰۵ است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد. در نتیجه این که بالا بودن سطح درآمد لزوماً نشان‌دهنده‌ی نگاه متفاوت به اعتماد به نهادهای دینی نمی‌تواند باشد.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و جنس

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش جنس
57.6	۲۰۹	۱	۱۳,۹	۴۴,۵	۳۱,۱	۹,۶	مرد
42.1	۱۵۲	۳,۹	۲۱,۱	۳۷,۵	۲۷,۶	۹,۹	زن
X2= ۳۳,۹۰۶		df=۲۳		sig= ۰.067		آزمون آماری	

جدول ۳۳: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و جنس

مردان گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۹,۶ درصد و ۳۱,۱ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی بی‌نظر ۴۴,۵ درصد و مخالف را ۱۳,۹ درصد انتخاب کرده‌اند. کاملاً مخالف هم فقط ۱ درصد انتخاب شده

است؛ اما زنان گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۹,۹ درصد و ۲۷,۶ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۳۷,۵ درصد؛ مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب ۲۱,۱ درصد و ۳,۹ درصد از طرف زنان انتخاب شده است. آزمون آماری در اینجا $0,067$ است که تفاوت معناداری را در این رابطه نشان نمی‌دهد. با این حساب می‌توان به این نتیجه رسید که زنان نسبت به مردان نگاه‌شان به نهادهای دینی نسبتاً اعتمادآمیزتر است. البته باید این نکته را هم توجه داشت که مردان در پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها نسبت به زنان محافظه‌کاری بیشتری نشان داده‌اند.

رابطه بین اعتماد به نهادهای دینی و تحصیلات

گزینه‌های نگرش تحصیلات	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
ندارم	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۱	۰.3
فارغ مکتب	۷,۹	۳۴,۲	۴۴,۷	۱۰,۵	۲,۶	۳۸	10.7
لیسانس	۱۱,۴	۳۱,۴	۳۹,۹	۱۶,۶	۰,۷	۲۷۱	74.7
ماستری	۲,۱	۱۸,۸	۴۵,۸	۲۲,۹	۱۰,۴	۴۸	13.2
دکترا	۰	۰	۵۰	۵۰	۰	۲	۰.6
آزمون آماری	$\text{sig} = 0,001$						$X^2 = 0.168$

جدول ۳۴: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و تحصیلات

بین تحصیلات افراد و اعتماد آنها به نهادهای دینی نیز بررسی صورت گرفت. کسانی که از مکتب فارغ شده‌اند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را ۷,۹ درصد و ۳۴,۲ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی بی‌نظر ۴۴,۷ درصد و گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف ۱۰,۵ درصد و ۲,۶ درصد انتخاب کرده‌اند؛ اما کسانی که لیسانس بوده‌اند در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۱,۴ درصد و ۳۱,۴ درصد، آمار دارند. گزینه‌ی بی‌نظر ۳۹,۹ درصد و مخالف و کاملاً مخالف به ترتیب ۱۶,۶ درصد و ۰,۷ درصد انتخاب شده است. دوره‌ی ماستری آمار ۲,۱ درصد برای گزینه‌ی کاملاً موافق و ۱۸,۸ درصد برای گزینه‌ی موافق دارد؛ و ۴۵,۸ درصد گزینه‌ی بی‌نظر انتخاب شده است. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب ۲۲,۹ درصد و ۱۰,۴ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در اینجا $0,001$ است که نشان می‌دهد در بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه این که با توجه به بالا رفتن سطح تحصیلات افراد اعتمادشان به نهادهای دینی نیز دست‌خوش تغییر می‌گردد و این نگاه نسبتاً ضعیف می‌شود. هم‌چنانی که افراد با توجه به پاسخ‌های داده‌شده در اینجا، نسبت به نشان دادن نگرش خود در مورد اعتماد به نهادهای دینی محافظه‌کاری نیز کرده‌اند.

رابطه بین اعتماد به نهادهای دینی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۳	۱,۸	۱۱,۵	۳۶,۳	۳۸,۹	۱۱,۵	شغل آزاد
25.6	۹۳	۲,۲	۱۰,۸	۴۸,۴	۲۹,۵	۹,۷	کارمند دولت
16.5	۶۰	۰	۲۸,۳	۴۱,۷	۲۳,۳	۶,۷	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۵,۶	۲۲,۲	۴۴,۴	۱۹,۴	۸,۳	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۳,۳	۴۰	۳۰	۲۰	۶,۷	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۰	۵۶,۳	۳۱,۳	۱۲,۵	سایر موارد
X2=۱۲۲,۱۴۰		df=۱۱۵		sig=۰.307		آزمون آماری	

جدول ۳۵: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و شغل

کسانی که شغل آزاد دارند، در این جدول گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۱,۵ درصد و ۳۸,۹ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه بی‌نظر ۳۶,۳ درصد، مخالف ۱۱,۵ درصد و کاملاً مخالف ۱,۸ درصد انتخاب شده است؛ اما کسانی که کارمندان ادارات دولتی بوده‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۹,۷ درصد و ۲۹,۵ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه بی‌نظر ۴۸,۴ درصد انتخاب شده است. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب ۱۰,۸ درصد و ۲,۲ درصد انتخاب شده است. فعالین مدنی گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را ۶,۷ درصد و ۲۰ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر ۳۰ درصد، مخالف ۴۰ درصد و کاملاً مخالف ۳,۳ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در این رابطه ۰,۳۰۷ است که تفاوت معناداری را در بین گزینه‌های این رابطه نشان نمی‌دهد. یکی از نتایج جالب توجه در اینجا این است که فعالین مدنی دنیوی‌ترین نگاه را در مورد اعتماد به نهادهای دینی دارند. افراد با توجه به شغل خویش درجات محافظه‌کاری متفاوت و نگرش‌های متفاوتی در اعتماد به نهادهای دینی دارند. دولتی‌ها در بین مشاغل مشخص شده در اینجا بالاترین محافظه‌کاری را نشان داده‌اند.

رابطه بین اعتماد به نهادهای دینی و مذهب

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / مذهب
78.0	۲۸۲	۱,۴	۱۴,۵	۴۰,۸	۳۱,۹	۱۱,۳	سنی
13.8	۵۰	۴	۲۰	۵۴	۱۶	۶	شیعه
X2=۳۴,۵۴۲		df=۲۳		sig=۰.058		آزمون آماری	

جدول ۳۶: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای دینی و مذهب

پیروان اهل سنت گزینه‌ی کاملاً موفق را ۱۱,۳ درصد و موافق را ۳۱,۹ درصد انتخاب کرده اند. بی‌نظر ۴۰,۸ درصد، مخالف ۱۴,۵ درصد و کاملاً مخالف ۱,۴ درصد انتخاب شده است. پیروان اهل تشیع گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۶ درصد و ۱۶ درصد انتخاب کرده اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۵۴ درصد، مخالف ۲۰ درصد و کاملاً مخالف ۴۰ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در اینجا ۰,۰۵۸ است که تفاوت بسیار اندک معناداری را در این رابطه نشان می‌دهد. نتیجه حاصل از این جدول نشان می‌دهد که شیعیان نسبت به سنی‌ها اعتمادشان به نهادهای دینی بسیار کمتر است، همچنان‌که درجه‌ی مخالف آنها در اعتماد به نهادهای دینی نسبت به سنی‌ها بالاتر است.

شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش سن
40.5	۱۴۷	۱	۰	۳,۴	۴۰,۱	۵۵,۸	۲۰-۲۵ سال
24.5	۸۹	۰	۰	۴,۵	۴۰,۴	۵۵,۱	۲۶-۳۰ سال
22.3	۸۱	۰	۰	۷,۴	۵۳,۱	۳۹,۵	۳۱-۴۰ سال
6.9	۲۵	۰	۰	۱۶	۴۴	۴۰	۴۱-۵۰ سال
3.9	۱۳	۰	۰	۸	۳۰,۸	۶۱,۵	۵۱-۶۰ سال
1.9	۷	۰	۰	۰	۷۱,۴	۲۸,۶	۶۰ به بالا
$X^2 = ۲۳۲,۵۵۰$							آزمون آماری
$df = ۱۵۵$							
$sig = .۰۰۰$							

جدول ۳۷: رابطه بین شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی و سن

با یکجا کردن هشت گویه‌ی هم‌ارز شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی بدست می‌آید. در این شاخص هشت گویه وجود دارد که این گویه‌ها هر کدام بیانگر یک نکته در مورد مسئله قوم‌گرایی در سیاست‌ورزی است. همچنان‌که در جدول فوق نشان داده شده است این شاخص با متغیر سن مورد بررسی قرار گرفته. آزمون آماری این شاخص ۰,۰۰۰ است و رابطه معناداری را بین سن و قومیت‌گرایی در نهادهای دولتی نشان می‌دهد. به این معنا که با بالا رفتن سن دیدگاه افراد در مورد قومیت‌گرایی تغییر می‌کند و سنین بالاتر نگاه حادث‌تری نسبت به مسأله قومیت‌گرایی در سیاست افغانستان دارند. یکی از نکات جالب توجه اینکه در این رابطه در تمام سنین گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف صفر است، که نشان می‌دهد تمام سنین به این باوراند که مسأله قومیت‌گرایی یکی از مسائل عمده در نهادهای دولتی و سیاست‌ورزی است. در نتیجه این که با بالا رفتن سن افراد در نگاه‌شان به قومیت‌گرایی در نهادهای دولتی تفاوت ایجاد می‌شود. کسانی که سن بالاتری دارند درجه‌ی موافقت بالاتری نشان داده‌اند.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و قوم

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							قوم	
30.6	۱۱۰	۰	۰	۶,۴	۴۲,۷	۵۰,۹	پشتون	
49	۱۷۸	۰,۶	۰	۵,۶	۴۱	۵۲,۸	تاجیک	
5.2	۱۹	۰	۰	۵,۳	۳۶,۸	۵۷,۹	هزاره	
۰.3	۱	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	ازبیک	
1.4	۵	۰	۰	۰	۶۰	۴۰	ترکمن	
9.4	۳۴	۰	۰	۵,۹	۵۲,۹	۴۱,۲	سایر اقوام	
X2=۱۱۵,۲۷۸							df=۱۵۵	sig= ۰.993
							آزمون آماری	

جدول ۳۸: رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و قوم

در این شاخص رابطه بین قوم و باور به قومیت‌گرایی در سیاست‌ورزی مورد بررسی قرار گرفته است. جدول فوق نشان می‌دهد که اقوام مختلف دیدگاه‌های تقریباً یک‌سانی را در مورد قوم‌گرایی داشته‌اند. در این میان مثلاً قوم پشتون و تاجیک که بالاترین آمار در تکمیل کردن پرسشنامه‌ها را دارند، نشان می‌دهد که تفاوت بسیار اندکی بین دیدگاه‌های آنها وجود دارد؛ اما همین اقوام در مورد گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف دیدگاه مشابهی را دارند. آزمون آماری این شاخص نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این بین وجود ندارد و همه اقوام ذکر شده در اینجا به صورت نسبتاً مشابهی به این باوراند که قومیت‌گرایی در سیاست‌ورزی امری موجود و قابل رویت است.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و درآمد

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							درآمد	
50.4	۱۸۲	۰	۰	۰,۶	۰,۳۹	۵۴,۹	۱۰-۲۰ هزار	
14.3	۵۲	۰	۰	۵,۸	۴۶,۲	۴۸,۱	۲۱-۳۰ هزار	
8.8	۳۲	۰	۰	۳,۱	۶۵,۶	۳۱,۳	۳۱-۴۰ هزار	
7.2	۳۶	۰	۰	۸	۴۶,۲	۴۶,۲	۴۱-۵۰ هزار	
3	۱۱	۰	۰	۰	۶۴	۳۶	۵۱-۶۰ هزار	
5.8	۲۱	۰	۰	۴,۸	۳۸	۵۷,۱	۶۰ هزار به بالا	
X2=۱۳۴,۳۳۳							df=۱۴۵	sig= ۰.727
							آزمون آماری	

جدول ۳۹: رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و درآمد

درآمد یکی دیگر از متغیرهایی است که در این بررسی در نظر گرفته شده است. همچنان که در جدول فوق قابل مشاهده است می‌توان دید که درآمدهای متفاوت با نگاه به قومیت‌گرایی در سیاست تفاوت معناداری ندارد. به عبارت دیگر با بالا رفتن میزان درآمد این نگاه تغییر معنادار شدیدی نمی‌کند. آزمون آماری ۰,۷۲۷ است که نیز گواه همین نکته است؛ اما در این بین نکته‌ی قابل توجه این است، که گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف شباهت شدیدی را دارد و همه آمار صفر را به خود اختصاص داده است؛ که نشان می‌دهد تمام افراد پاسخ دهنده به این پرسشنامه با هر نوع میزان درآمدی به این نکته اتفاق نظر داشته‌اند؛ البته با تفاوت اندکی در آمار گزینه‌های موافق و کاملاً موافق. نتیجه‌ی حاصله از این جدول نشان می‌دهد که افراد با سطوح متفاوت درآمدی نگاه‌شان به قوم‌گرایی در سیاست کشور نسبتاً یکسان است.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و جنس

گزینه‌های نگرش جنس	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
مرد	۴۶,۲	۴۸,۱	۵,۸	۰	۰	۲۰۸	57.6
زن	۵۶,۲	۳۷,۹	۵,۲	۰	۰,۷	۱۵۳	42.1
آزمون آماری	X2=30.835 df=31 sig= .475						

جدول ۴۰ رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و جنس

جنس و رابطه‌ی آن با شاخص قومیت‌گرایی یکی دیگر از روابطی بود که مورد بررسی قرار گرفت. در این بین مردان در مورد قومیت‌گرایی در نهادهای دینی با توجه به گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب آمار ۴۶,۲ و ۴۸,۱ را به خود اختصاص داده است. در حالی که همین آمار برای زنان ۵۶,۲ و ۳۷,۹ است. این تفاوت می‌تواند در دیدگاه‌های زنان و مردان در مورد قومیت‌گرایی مشاهده کرد. گزینه‌ی بی‌نظر در این بین تقریباً نزدیک به هم با تفاوت بسیار اندک است و اما گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف مشابهت زیادی دارند. با آن هم آزمون آماری این متغیرها نشان دهنده‌ی تفاوت معناداری نمی‌باشد.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و تحصیلات

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش تحصیلات	
۰.3	۱	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	ندارم	
10.7	۳۶	۰	۰	۱۳,۲	۳۲	۵۵,۳	فارغ مکتب	
74.7	۲۷۱	۰,۴	۰	۴,۱	۴۰,۶	۵۵	لیسانس	
13.2	۴۶	۰	۰	۸,۳	۶۸,۸	۲۲,۹	ماستری	
۰.6	۲	۰	۰	۰	۵۰	۵۰	دکتر	
X2= ۰,۱۰۵							sig= ۰.046	آزمون آماری

جدول ۴۱: رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و تحصیلات

تحصیلات و رابطه‌ی آن با قومیت‌گرایی یکی دیگر از این روابط بوده است. همچنان‌که از جدول مشاهده می‌شود، تحصیلات افراد با توجه به نگاه آنها به قومیت‌گرایی تفاوت دارد. در این میان کسانی که فراغت از مکتب را داشتند ۵۵,۳ درصد کاملاً موافق و ۳۲ درصد گزینه‌ی موافق را نشان کرده‌اند. در حالی که گزینه‌ی لیسانس، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۵۵ درصد و ۴۰,۶ درصد انتخاب کرده‌اند. همین گزینه‌ها برای تحصیلات ماستری آمار ۲۲,۹ درصد و ۶۸,۸ درصد را به خود گرفته است و در دکتر به طور مساویانه ۵۰ درصد هر کدام از گزینه‌ها گرفته‌اند؛ اما گزینه‌های کاملاً مخالف و مخالف تقریباً شباهت شدیدی با یکدیگر دارند. با توجه به آزمون آماری این رابطه، نیز می‌توان دید که تفاوت نسبتاً معنادار خفیفی در این رابطه موجود است.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۴	۰,۹	۰	۶,۱	۳۷,۷	۵۵,۳	شغل آزاد
25.6	۹۲	۰	۰	۶,۵	۵۴,۳	۳۹,۱	کارمند دولت
16.5	۶۰	۰	۰	۳,۳	۳۵	۶۱,۷	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۰	۰	۲,۸	۶۳,۹	۳۳,۳	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۰	۰	۶,۷	۲۶,۷	۶۶,۷	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۰	۶,۳	۳۷,۵	۵۶,۳	سایر موارد
X2=۱۶۱,۰۴۰		df=۱۵۵		sig= .353		آزمون آماری	

جدول ۴۲: رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و شغل

متغیر شغل افراد و سنجش رابطه‌ی آن با شاخص قومیت‌گرایی، یکی دیگر از این رابطه‌هاست که مورد سنجش قرار گرفته. در این شاخص می‌توان مشاهده کرد که دیدگاه کارمندان دولتی و استادان دانشگاه نسبت به پدیده‌ی قومیت‌گرایی با دیگر گزینه‌ها که نشان دهنده‌ی مشاغل دیگر است، تفاوت چشم‌گیری دارد. گزینه‌ی کاملاً موافق برای کارمندان دولتی ۳۹,۱ درصد را به خود اختصاص داده است، در حالی که برای کارمندان سازمان‌های خصوصی ۶۱,۷ درصد را اختصاص داده است؛ همچنان که فعالین مدنی با آمار ۶۶,۷ درصد تفاوت چشم‌گیری نسبت به این مسأله دارند. نکته‌ی قابل توجه اینک، تقریباً شباهت بسیار شدیدی بین تمام مشاغل در مورد گزینه‌های کاملاً مخالف و مخالف وجود دارد. یعنی تقریباً هیچ‌کدام به این نظر نبوده‌اند که در سیاست هیچ نوع قومیت‌گرایی بی وجود ندارد. اما باید توجه داشت که آزمون آماری در این میان نیز نشان دهنده‌ی تفاوت معناداری بین این گزینه‌ها نمی‌باشد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مواجهه‌ی افراد با شاخص قومیت‌گرایی در سیاست‌ورزی در هرات، با مشاغل متفاوت نسبتاً یک‌سان است؛ البته در اینجا یکی از مشاغلی که بیشترین نگرانی را نشان داده است، استادان دانشگاه‌اند.

رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و مذهب

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / مذهب
78.0	۲۸۲	۰,۴	۰	۵,۷	۴۵	۴۸,۹	سنی
13.8	۵۰	۰	۰	۶	۳۰	۶۴	شیعه
X2= ۲۴,۰۱۲		df=۳۰		sig= .771		آزمون آماری	

جدول ۴۳: رابطه بین نقش قومیت در سیاست ورزی و مذهب

متغیر مذهب نیز به عنوان یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفته است. اهل تسنن در مورد شاخص قومیت‌گرایی گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را با آمار ۴۸,۹ و ۴۵ درصد انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که اهل تشیع همین گزینه‌ها را به ترتیب ۶۴ درصد و ۳۰ درصد انتخاب کرده‌اند. این آمار تفاوت در انتخاب گزینه‌ها را نشان می‌دهد که هر دو تقریباً با درصدی مجموعی آمارهای این دو گزینه به یک آمار مساوی می‌رسند. آزمون آماری این رابطه ۰,۷۷۱ است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری در این‌جا وجود ندارد. بناً این امر نشان می‌دهد که هر دو مذهب در مورد قومیت‌گرایی نگاه نسبتاً مشابهی دارند.

شاخص اعتماد به نهادهای سنتی

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / سن
40.5	۱۴۷	۰	۴,۸	۴۳,۱	۴۴,۹	۶,۸	۲۵-۲۰ سال
24.5	۸۹	۱,۱	۱۰,۱	۴۶,۱	۳۶	۶,۷	۳۰-۲۶ سال
22.3	۸۱	۰	۶,۲	۴۳,۲	۴۶,۹	۳,۷	۴۰-۳۱ سال
6.9	۲۵	۰	۸	۵۶	۳۶	۴	۵۰-۴۱ سال
3.9	۱۳	۰	۳۰	۳۹	۱۵,۴	۱۵,۴	۶۰-۵۱ سال
1.9	۷	۰	۱۴	۴۲,۹	۴۲,۹	۰	۶۰ به بالا
X ² =۱۱۷,۳۶۱ df=۱۱۵ sig=۰.421							آزمون آماری

جدول ۴۴: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و سن

با یک‌جا کردن شش گویه‌ی هم‌ارز می‌توان شاخص مربوط به اعتماد به نهادهای سنتی را ساخت. این شاخص با گویه‌هایی در مورد اعتماد به نهادهای سنتی به دنبال بررسی این دیدگاه در بین پاسخ‌دهندگان است. در این‌جا این شاخص با متغیر سن مورد بررسی قرار گرفته است. همچنان که در جدول نشان داده شده است، اعتماد به نهادهای سنتی جایگاه چشم‌گیری در بین دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان به این پرسش‌ها ندارد. یکی از نکات جالب توجه در این جدول جایگاه گزینه‌ی بی‌نظر است. همچنان که مشاهده می‌شود این گزینه بیشترین انتخاب‌ها را داشته است، که افراد نظر خاصی در مورد نهادهای سنتی‌ای که در گویه‌ها در مورد آنها پرسش شده است، نداشته‌اند؛ این خود به یک معنا نشان‌دهنده‌ی محافظه‌کاری افراد است. از آزمون آماری نیز این چنین استنباط می‌شود که در این رابطه تفاوت معناداری وجود ندارد.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و جنس

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							جنس	
57.6	۲۰۸	۰	۷,۷	۴۲,۶	۴۳,۳	۶,۳	مرد	
42.1	۱۵۳	۰,۷	۷,۲	۴۷,۱	۳۹,۲	۵,۹	زن	
X2=۳۳,۹۰۶							df= 23	sig= .067
							آزمون آماری	

جدول ۴۵: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و جنس

جنس و اعتماد به نهادهای سنتی یکی دیگر از روابطی است که در این جا مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب بین مردان و زنان تفاوت بسیار اندکی دارند. این گزینه‌ها با تفاوت بسیار کم نشان می‌دهند که تقریباً نگاه مردان و زنان در مورد نهادهای سنتی یکسان است. در گزینه‌ی بی‌نظر اما کمی تفاوت بیشتر است. آزمون آماری در اینجا ۰,۰۶۷ است که تفاوت چشم‌گیر شدیدی را بین زنان و مردان نشان نمی‌دهد. این تفاوت بسیار اندک است. به عبارت دیگر زنان و مردان در نگاه به نهادهای سنتی دیدگاه نسبتاً مشابهی را بیان کرده‌اند.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و قومیت

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							قومیت	
30.6	۱۱۰	۰	۶,۴	۴۰	۴۴,۵	۹,۱	پشتون	
49.0	۱۷۸	۰,۶	۷,۹	۵۲,۲	۳۴,۸	۴,۵	تاجیک	
5.2	۱۹	۰	۵,۳	۳۶,۸	۵۲,۶	۵,۳	هزاره	
.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ازبیک	
1.4	۵	۰	۰	۲۰	۶۰	۲۰	ترکمن	
9.4	۳۴	۰	۲,۹	۳۵,۳	۵۲,۹	۲,۹	سایر اقوام	
X2=۱۰۵,۷۲۰							df=۱۱۰	sig= .598
							آزمون آماری	

جدول ۴۶: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و قومیت

رابطه دیگری که با شاخص اعتماد به نهادهای سنتی مورد بررسی قرار گرفته است رابطه با قومیت است. این رابطه با توجه به گزینه‌های مورد نظر در پرسش از قوم سنجیده شده است. پشتون‌ها و هزاره‌ها بیشترین موافقت را با گویه‌های این شاخص نشان داده‌اند. گزینه‌های کاملاً موافق و موافق برای اقوام مختلف نشان می‌دهد که به ترتیب بین پشتون‌ها ۹,۱ و ۴۴,۵ است و بین هزاره‌ها کاملاً موافق ۵,۳ و

۵۲٫۶ می‌باشد. و اقوام تاجیک و ازبیک و ترکمن و غیره نیز به ترتیب در ردیف های بعدی قرار می‌گیرند. آزمون آماری بدست آمده از این شاخص نیز نشان از معناداری را در این مورد ندارد.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و تحصیلات

گزینه‌های نگرش تحصیلات	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
ندارم	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۱	۰.3
فارغ مکتب	۱۰٫۵	۴۲	۳۹٫۵	۷٫۹	۰	۳۸	10.7
لیسانس	۶٫۳	۴۱٫۷	۴۶٫۱	۵٫۹	۰	۲۷۱	74.7
ماستری	۲٫۱	۳۶٫۹	۴۱٫۷	۱۴٫۶	۲٫۱	۴۸	13.2
دکترای	۰	۰	۵۰	۵۰	۰	۲	۰.6
آزمون آماری	sig= .003						X2=۰.114

جدول ۴۷ رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و تحصیلات

تحصیلات و اعتماد به نهادهای سنتی یکی دیگر از این روابط است که مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون آماری بدست آمده ۰٫۰۰۳ است، که نشان دهنده معناداری در این رابطه است. چنانچه از جدول نیز نمایان است با بالا رفتن سطح تحصیلات میزان اعتماد به نهادهای سنتی تغییر می‌پذیرد و گزینه‌های بی‌نظر و مخالف جایگاه مهم‌تری می‌یابد. گزینه‌ی کاملاً موافق در نزد کسانی که از مکتب فارغ شده‌اند با کسانی که لیسانس و فوق لیسانس دارند به ترتیب آمارهای ۱۰٫۵ و ۶٫۳ و ۲٫۱ را به خود اختصاص داده است. این آمار نشان می‌دهد که بالا رفتن تحصیلات دیدگاه نیز متفاوت شده است. چنانچه در دکترا این آمار صفر است.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و شغل

گزینه‌های نگرش شغل	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
شغل آزاد	۶٫۱	۴۵٫۶	۴۳٫۹	۴٫۴	۰	۱۱۴	31.4
کارمند دولت	۷٫۶	۴۰٫۲	۴۰٫۲	۱۲	۰	۹۲	25.6
کارمند سازمان خصوصی	۶٫۷	۴۱٫۷	۴۱٫۷	۰٫۱	۰	۶۰	16.5
استاد دانشگاه	۵٫۶	۳۳٫۳	۵۲٫۸	۵٫۶	۲٫۸	۳۶	9.9
فعال مدنی	۰	۴۰	۵۳٫۳	۶٫۷	۰	۳۰	8.3
سایر موارد	۱۲٫۵	۳۷٫۵	۵۰	۰	۰	۱۶	4.4
آزمون آماری	sig= ۰.307						X2=۱۲۲,۱۴۰
	df=۱۱۵						

جدول ۴۸: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و شغل

شغل یکی دیگر از متغیرهایی است که رابطه آنرا با شاخص اعتماد به نهادهای سنتی مورد بررسی قرار دادیم. در این جدول همچنان که نشان داده شده است، تفاوت معناداری بین گزینه‌های متغیر شغل در بررسی گزینه‌های شاخص اعتماد به نهادهای سنتی وجود ندارد. این یکسانی نشان از یکسانی دیدگاه در بین شغل‌های متفاوت است. شغل آزاد برای گزینهی کاملاً موافق ۶,۱ است، در حالی که همین گزینه برای فعالین مدنی صفر است؛ اما در گزینه‌های دیگر که کارمند دولت و سازمان های خصوصی است این گزینه به ترتیب ۷,۶ و ۶,۷ است. آزمون آماری نیز در این رابطه ۰,۳۰۷ است که با توجه به بالا بودن آن، عدم معناداری در این رابطه را نشان می‌دهد.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و مذهب

گزینه‌های نگرش / مذهب	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
سنی	۷,۱	۴۱,۸	۴۳,۳	۷,۸	.	۲۸۲	78.0
شیعه	۲	۴۰	۵۲	۶	.	۵۰	13.8
آزمون آماری	sig= ۰.058		df=۲۳		X2=۳۴,۵۴۲		

جدول ۴۹: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و مذهب

بین مذهب و اعتماد به نهاد سنتی نیز بررسی صورت گرفته است و جدول فوق نشان دهندهی این بررسی است. در این میان مذهب سنی نسبت به مذهب شیعه نگاهی متفاوت به نهادهای سنتی دارد. گزینهی کاملاً موافق در مذهب سنی ۷,۱ و مذهب تشیع ۲ درصد از آمار را به خود اختصاص داده است. همچنان که در گزینه‌های موافق و بی‌نظر این تفاوت هویداست. آزمون آماری این رابطه ۰,۰۵۸ است که نشان دهندهی سطحی از تفاوتی معنادار در بین دو مذهب تشیع و تسنن است. به عبارت دیگر شیعیان نسبت به نهادهای سنتی دیدگاه نسبتاً ملایم‌تری دارند و اعتماد کمتری به این نهادها دارند. البته باید در نظر داشت که با توجه به آمار بالای گزینهی بی‌نظر برای شیعیان نشان می‌دهد که از نوعی محافظه‌کاری در مقابل بیان اعتماد به نهادهای سنتی دارا اند.

رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و درآمد

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد
50.4	۱۸۲	.۰	۵.۵	۴۴.۵	۴۱.۸	۸.۲	۲۰-۱۰ هزار
14.3	۵۲	.۰	۵.۸	۴۸.۱	۴۴.۲	۱.۹	۳۰-۲۱ هزار
8.8	۳۲	۳.۱	۳.۱	۵۳.۱	۳۷.۵	۳.۱	۴۰-۳۱ هزار
7.2	۲۶	.۰	۱۵.۴	۵۰	۲۳.۱	۱۱.۵	۵۰-۴۱ هزار
3.0	۱۱	.۰	۲۷.۳	۱۸.۲	۵۵	۰	۶۰-۵۱ هزار
5.8	۲۱	۰	۱۹	۳۳.۳	۴۳	۴.۸	۶۰ هزار به بالا
X2= ۱۲۷,۲۳۷		df=۱۱۵		sig= ۰,۲۰۵		آزمون آماری	

جدول ۵۰: رابطه بین شاخص اعتماد به نهادهای سنتی و درآمد

درآمد ماهانه یکی دیگر از متغیرهایی بود که با شاخص اعتماد به نهادهای سنتی مورد بررسی قرار گرفت. گزینه‌ی کاملاً موافق در این‌جا را می‌توان دید که تقریباً حالت تغییرپذیری با توجه به گزینه‌های درآمد دارد. آزمون آماری در این رابطه ۰,۲۰۵ است که عدم تفاوت معنادار در این رابطه را نشان می‌دهد؛ اما با آن هم وضعیت‌های متفاوتی را می‌توان در این رابطه مشاهده کرد. در بین کسانی که بین ۲۰-۱۰ هزار درآمد داشته‌اند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۸ درصد و ۴۲ درصد است، که درصد مجموعی آن ۵۰ درصد می‌شود. در حالی که گزینه‌ی ۴۱-۵۰ هزار همین گزینه‌ها را به ترتیب ۱۱ درصد و ۲۳ درصد به خود اختصاص داده است که درصد مجموعی آن ۳۴ درصد است. با توجه به این نکته می‌توان بیان داشت که سطح درآمد دیدگاه افراد را در مورد اعتماد به نهادهای سنتی کمی متفاوت می‌سازد؛ ولی نگاه کلی این رابطه تفاوت شدید معناداری را با توجه به همه‌ی گزینه‌های انتخاب شده نشان نمی‌دهد.

شاخص مشارکت سیاسی

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و سن

درصد	فراوانی	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش	سن افراد
40.5	۱۴۷	۰,۷	۹۹,۳		سال ۲۵-۲۰
24.5	۸۹	۰	۱۰۰		سال ۳۰-۲۶
22.3	۸۱	۱,۲	۹۸,۸		سال ۴۰-۳۱
6.9	۲۵	۴	۹۶		سال ۵۰-۴۱
3.9	۱۴	۰	۱۰۰		سال ۶۰-۵۱
1.9	۷	۰	۱۰۰		۶۰ به بالا
X2=116.991 df=95 sig= .062				آزمون آماری	

جدول ۵۱: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و سن

با یکجا کردن ده گویه‌ی هم‌ارز شاخص مشارکت سیاسی به وجود آمده است. این شاخص به دنبال نشان دادن مشارکت سیاسی افراد از طریق گویه‌های مختلفی مانند انتخابات، احزاب، کاندید کردن، فعالیت‌های مدنی، سیاسی و غیره است. همچنان‌که در جدول مشاهده می‌کنید در اینجا متغیر سن با این شاخص مورد بررسی قرار گرفته است. گزینه‌ی بله تقریباً در تمام سنین مشابهت زیادی دارد. کسانی که بین سنین ۲۵-۲۰ سال عمر داشته‌اند ۹۹,۳ درصد و ۳۰-۲۶ آنها ۱۰۰ درصد گزینه بله را انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری این رابطه نیز با ۰,۰۶ رابطه‌ی معناداری را نشان نمی‌دهد. این رابطه نشان می‌دهد که افراد در سنین مختلف نسبت به مشارکت سیاسی دیدگاه هم‌سانی دارند.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و قومیت

درصد	فراوانی	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش	قومیت
30.6	۱۱۱	۰,۹	۹۹,۱		پشتون
49.0	۱۷۸	۰,۴	۹۹,۴		تاجیک
5.2	۱۹	۰	۱۰۰		هزاره
.3	۱	۰	۱۰۰		ازبیک
1.4	۵	۰	۱۰۰		ترکمن
9.4	۳۴	۰,۲	۹۷,۱		سایر اقوام
X2=85.275 df=95 sig= .752				آزمون آماری	

جدول ۵۲: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و قومیت

قوم و مشارکت سیاسی یکی دیگر از این روابط بود که مورد سنجش قرار گرفت. قوم پشتون و تاجیک هر کدام به ترتیب ۹۹,۱ و ۹۹,۴ درصد گزینه بله را انتخاب کرده‌اند. و متباقی اقوام ۱۰۰ درصد. این نشان می‌دهد که اقوام مختلف در پیوند به مشارکت سیاسی همسانی زیادی دارند. آمار این جدول مبین این موضوع است. آزمون آماری این رابطه نیز با عدد ۰,۷۵ تفاوت معناداری را بین اقوام مختلف نشان نمی‌دهد. در نتیجه این که افراد با پیوندهای قومی مختلف در مشارکت سیاسی دیدگاه یکسانی دارند.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و درآمد

درصد	تعداد	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش درآمد
50.4	۱۸۳	۱,۱	۹۸,۹	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۱,۹	۹۸,۱	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۰	۱۰۰	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۲۶	۰	۱۰۰	۴۱-۵۰ هزار
3	۱۱	۰	۱۰۰	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۱	۰	۱۰۰	۶۰ هزار به بالا
X2=98.012 df=90 sig= .264				آزمون آماری

جدول ۵۳: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و درآمد ماهانه

درآمد ماهانه و رابطه آن با مشارکت سیاسی نیز مورد سنجش قرار گرفت. در این رابطه افراد بیشترین انتخاب خود را از گزینه‌ی بله داشتند که نشان می‌دهد متغیر درآمد در مورد مشارکت سیاسی افراد رابطه مشابه و همسانی داشته است. در اینجا سطوح درآمدی متفاوت تقریباً نگاه مشابهی به مشارکت سیاسی داشته‌اند. کسانی که بین ۱۰-۲۰ هزار درآمد دارند ۹۹ درصد گزینه‌ی بله و به همین ترتیب کسانی که ۲۱-۳۰ هزار درآمد داشتند ۹۸ درصد گزینه‌ی بله را انتخاب کردند. آزمون آماری ۰,۲۶۴ ایت که در اینجا نشان دهنده‌ی عدم تفاوت معنادار بین سطوح مختلف درآمدی است. به عبارت دیگر آزمون آماری نشان می‌دهد که شباهت داده‌های بدست آمده در بین سطوح مختلف درآمدی، یکسان است.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و جنس

درصد	تعداد	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش جنس
57.6	۲۰۹	۰,۵	۹۹,۵	مرد
42.1	۱۵۳	۱,۳	۹۸,۷	زن
X2=26.037 df=19 sig= .129				آزمون آماری

جدول ۵۴: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و جنس

مردان ۹۹,۵ درصد و زنان ۹۸,۷ درصد گزینه بله را انتخاب کرده‌اند. و گزینه خیر ۰,۵ درصد برای مردان و ۱,۳ درصد آن برای زنان انتخاب شده است. این آمار شباهت زیادی را بین هر دو جنس مرد و زن در انتخاب و مشارکت سیاسی شان نشان می‌دهد. آمار نشان می‌دهد که مردان و زنان در مشارکت سیاسی تقریباً رفتار مشابهی را از خود بروز می‌دهند. آزمون آماری نیز گواه این نکته است که تفاوت معناداری بین این دو جنس در مورد مشارکت سیاسی وجود ندارد. در نتیجه این که زنان و مردان مشارکت سیاسی تقریباً یکسانی دارند.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و تحصیلات

درصد	تعداد	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش تحصیلات
3	۱	۰	۱۰۰	ندارم
10.7	۳۹	۰	۱۰۰	فارغ مکتب
74.7	۲۷۱	۱,۱	۹۸,۹	لیسانس
13.2	۴۸	۰	۱۰۰	ماستری
6	۲	۰	۱۰۰	دکتر
X2=۰,۰۵۶		df=۰,۲۹۲		آزمون آماری

جدول ۵۵: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و تحصیلات

رابطه تحصیلات افراد با مشارکت سیاسی نیز مورد سنجش قرار گرفت. در این رابطه می‌توان مشاهده کرد که افراد با سطوح تحصیلی متفاوت تقریباً مشارکت سیاسی مشابهی را از خود نشان می‌دهند. کسانی که فارغ از مکتب بودند ۱۰۰ درصد و کسانی که لیسانس و ماستر بوده‌اند به ترتیب ۹۸,۹ و ۱۰۰ درصد آمار را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار نشان از این دارد که مشارکت سیاسی افراد در سطوح مختلف تحصیلی، تقریباً و به صورت شدید مشابه است. آزمون آماری این رابطه ۰,۲۹۲ است که رابطه‌ی معنادار متفاوتی را نشان نمی‌دهد. در نتیجه این که افراد با هر درجه‌ی تحصیلی در امر مشارکت سیاسی رفتار یکسانی را از خود نشان می‌دهند.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و شغل

درصد	تعداد	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۴	۰	۱۰۰	شغل آزاد
25.6	۹۳	۲,۲	۹۷,۸	کارمند دولت
16.5	۶۰	۰	۱۰۰	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۲,۸	۹۷,۲	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۰	۱۰۰	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۱۰۰	سایر موارد
X2= ۱۰۹,۹۰۲ df=۹۵ sig= .141				آزمون آماری

جدول ۵۶: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و شغل

رابطه بین شغل و مشارکت سیاسی نیز در اینجا مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ دهندگانی که شغل دولتی داشتند ۹۷,۸ درصد و کسانی که شغل آزاد داشتند ۱۰۰ درصد در مشارکت سیاسی گزینه‌ی بلی را انتخاب کرده‌اند. به همین ترتیب کسانی که در سازمان‌های خصوصی فعالیت داشته‌اند ۱۰۰ درصد گزینه‌ی بلی و اساتید دانشگاه‌ها نیز ۹۷,۲ درصد گزینه‌ی بلی را انتخاب کرده‌اند. این تشابه در بین مشاغل مختلف تقریباً یکسان است و افراد با مشاغل مختلف مشارکت سیاسی مشابهی را از خود نشان داده‌اند. آزمون آماری در این میان عدد ۰,۱۴۱ است که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین مشاغل مختلف وجود ندارد. در نتیجه اینکه افراد با مشاغل مختلف نسبت به مشارکت سیاسی رفتار یکسانی دارند.

رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و مذهب

درصد	تعداد	خیر	بلی	گزینه‌های نگرش / مذهب
78	۲۸۳	۱,۱	۹۸,۹	سنی
13.8	۵۰	۰	۱۰۰	شیعه
X2=۲۳,۳۹۵ df=۱۹ sig= ۰.22				آزمون آماری

جدول ۵۷: رابطه بین شاخص مشارکت سیاسی و مذهب

پیروان مذهب تسنن ۹۸,۹ درصد گزینه بلی و ۱,۱ درصد گزینه خیر را در مورد مشارکت سیاسی خود برای گویه‌های داده شده در شاخص مشارکت سیاسی انتخاب کرده‌اند، در حالی که پیروان مذهب تشیع در هرات ۱۰۰ گزینه‌ی بلی را در شاخص مشارکت سیاسی انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری این رابطه با عدد ۰,۲۲ نشان می‌دهد که تفاوت معنادار چشم‌گیری بین این دو مذهب در امر مشارکت سیاسی وجود ندارد. در نتیجه این که هر دو مذهب در مشارکت سیاسی خود رفتار هم‌سانی را دارند.

شاخص احساس کارایی سیاسی

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و سن

تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش
						سن
۱۴۷	۱	۱۶,۳	۵۵,۱	۲۵,۵	۲,۷	۲۵-۲۰ سال
۸۹	۱,۱	۱۹,۱	۵۵,۱	۲۱,۳	۳,۴	۳۰-۲۶ سال
۸۱	۰	۱۷,۳	۵۰,۶	۲۹,۶	۲,۵	۴۰-۳۱ سال
۲۵	۰	۲۴	۵۰	۳۲	۰	۵۰-۴۱ سال
۱۴	۰	۱۴,۳	۵۰	۲۸,۶	۷,۱	۶۰-۵۱ سال
۷	۰	۴۳	۲۸,۶	۲۸,۶	۰	۶۰ به بالا
X2=۱۲۱,۷۴۵		df=۱۲۰		sig=0.438		آزمون آماری

جدول ۵۸: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و سن

با یکجا کردن پنج گویه‌ی هم‌ارز در مورد احساس کارایی سیاسی، شاخص آن ساخته می‌شود. در اینجا نیز این شاخص را با متغیرهای جمعیت‌شناختی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، سنجش می‌کنیم. همچنان که در جدول مشاهده می‌شود، بین سنین مختلف تقریباً شباهت در مورد گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد وجود دارد، البته با اندکی تفاوت. در مورد گزینه‌ی متوسط نشان می‌دهد که این شباهت در مواردی بیشتر است. در مورد اشخاصی که بالاتر از شصت سال عمر داشته‌اند، همچنان که نشان داده شده است، نسبت به سنین دیگر کمتر در مورد کارایی سیاسی حکومت راضی بوده‌اند. مثلاً آمار ۴۳ درصد که گزینه کم را به نشان می‌دهد مربوط به سن ۶۰ سال به بالا است. آزمون آماری این شاخص نیز نشان دهنده‌ی تفاوت چشم‌گیر نیست و تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و قوم

درصد	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش
							قوم
30.6	۱۱۱	۱	۱۷,۱	۴۶,۸	۲۹,۷	۵,۴	پشتون
49.0	۱۷۸	۰,۶	۲۰,۸	۵۰,۶	۲۶,۴	۱,۷	تاجیک
5.2	۱۹	۰	۲۱,۱	۳۶,۸	۳۶,۸	۵,۳	هزاره
0.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ازبیک
1.4	۵	۰	۲۰	۸۰	۰	۰	ترکمن
9.4	۳۴	۰	۸,۸	۷۶,۵	۱۴,۷	۰	سایر اقوام
X2=۹۷,۰۱۹		df=۱۱۰		sig=۰,۸۰۷		آزمون آماری	

جدول ۵۹: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و قوم

رابطه بین قوم و احساس کارایی سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفت. چنانچه از جدول هویداست اقوام پشتون و هزاره تقریباً بالاترین نگاه مثبت را نسبت به کارایی سیاسی نظام داشته‌اند. گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد نشان دهنده‌ی این نکته است. قوم پشتون در انتخاب گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد به ترتیب ۵ درصد و ۲۹ درصد از آمار را دارد و قوم هزاره نیز ۵ درصد و ۲۶ درصد؛ پس از آن قوم تاجیک در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. آزمون آماری این رابطه ۰,۸۰۷ است که تفاوت معناداری را بین اقوام مختلف در مورد احساس کارایی سیاسی نشان نمی‌دهد. گزینه‌ی متوسط در این میان تقریباً در بین تمام اقوام بیشترین انتخاب را داشته است. در نتیجه این‌که دیدگاه افراد در اقوام مختلف نشان‌گر حالت میانی در مورد احساس کارایی سیاسی نظام حاکم است.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و جنس

درصد	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش
							جنس
57.6	۲۰۹	۰,۵	۱۸,۲	۵۴,۴	۰	۲۸,۶	مرد
42.1	۱۵۳	۰,۷	۱۸,۳	۴۹,۷	۰	۳۱,۴	زن
X2=۱۷,۱۹۸		df=۲۴		sig= ۰.840		آزمون آماری	

جدول ۶۰: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و جنس

در مورد رابطه بین جنس و احساس کارایی سیاسی پاسخ‌دهندگان، نیز جدول دوبعدی بدست آمده نشان می‌دهد که تفاوت چندانی وجود ندارد. به عبارت دیگر زنان و مردان در مورد احساس کارایی سیاسی نظام حکومتی نگاه مشابهی را داشته‌اند. گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد نشان می‌دهد که این تفاوت بسیار اندک است. مردان گزینه‌ی خیلی زیاد را ۲۸,۶ درصد و زنان ۳۱ درصد انتخاب کرده‌اند. در حالی که گزینه‌ی زیاد برای هر دو جنس صفر است. آزمون آماری این رابطه ۰,۸۴ است که تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. و همچنان که گزینه‌ی متوسط نشان می‌دهد زنان و مردان هر دو، نگاهی بینابینی نسبت به احساس کارایی سیاسی دارند.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و تحصیلات

درصد	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش	
							تحصیلات	
0.3	.۱	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	ندارم	
10.7	.۳۹	۰	۲۵,۶	۵۱,۳	۰	۲۳,۱	فارغ‌مکتب	
74.7	۲۷۱	۰,۷	۱۷,۳	۵۲	۰	۲۹,۹	لیسانس	
13.2	.۴۸	۰	۱۸,۸	۵۶,۳	۰	۲۵	ماستری	
0.6	.۲	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	دکترا	
X2= -0.008		sig= ۰,۸۷۵					آزمون آماری	

جدول ۶۱: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و تحصیلات

این جدول نشان دهنده‌ی رابطه بین تحصیلات و شاخص احساس کارایی سیاسی است. همچنان‌که مشاهده می‌شود در اینجا با بالا رفتن تحصیلات نسبت به نگاه افراد در مورد کارایی سیاسی حکومت تفاوت‌های بسیار کمی وجود دارد؛ اما در گزینه‌های متوسط و کم این نگاه تقریباً شبیه است. آزمون آماری در این رابطه نیز تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. گزینه‌ی متوسط در اینجا نیز بیشترین انتخاب را داشته است، که نشان می‌دهد افراد با درجه‌های تحصیلی متفاوت نگاه متوسط‌تری را نسبت به مسأله‌ی کارایی سیاسی دارند. کسانی که فارغ از مکتب بودند ۵۱ درصد گزینه‌ی متوسط را انتخاب کرده‌اند، لیسانس و ماستری به ترتیب ۵۲ درصد و ۵۶ درصد همین گزینه را انتخاب کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان از این جدول اینگونه فهمید که تحصیلات افراد نگاه‌شان را در مورد کارایی سیاسی نسبتاً مشابه نگه می‌دارد.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و شغل

درصد	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش
							شغل
31.4	۱۱۴	۰	۱۸,۴	۵۶,۱	۰	۲۵,۴	شغل آزاد
25.6	۹۳	۰	۱۷,۲	۴۱,۹	۰	۴۰,۹	کارمند دولت
16.5	۶۰	۱,۷	۲۰	۶۱,۷	۰	۱۶,۷	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۰	۱۶,۷	۶۱,۱	۰	۲۲,۲	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۳,۳	۱۶,۷	۴۳,۳	۰	۳۶,۷	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۲۵	۵۶,۳	۰	۱۸,۸	سایر موارد
X2= ۹۹,۱۹		df=۱۱۵			sig= ۰.853		آزمون آماری

جدول ۶۲: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و شغل

رابطه بین شغل و احساس کارایی سیاسی نیز در اینجا مورد بررسی قرار گرفت. چنانچه از جدول مشاهده می‌شود کسانی که شغل آزاد داشتند در انتخاب گزینه‌های خیلی زیاد و متوسط به ترتیب آمار ۲۵,۴ و ۵۶,۱ را دارند. و گزینه‌ی کم ۱۸,۴ درصد را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که کارمندان دولتی بالاترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. گزینه‌ی خیلی زیاد ۴۰,۹ درصد و متوسط ۴۱,۹ درصد که نشان می‌دهد بالاترین احساس کارایی سیاسی در بین تمام مشاغل را دارند؛ اما کارمندان سازمان‌های خصوصی، فعالین مدنی و استادان دانشگاه‌ها آمارهای متفاوتی را نشان می‌دهند و از کارمندان دولتی احساس کارایی نسبتاً کمتری دارند. با آن هم آزمون آماری این رابطه نشان دهنده‌ی تفاوت معناداری بین گزینه‌های مشاغل نمی‌باشد. باید توجه داشت که در بین کارمندان دولتی هم کسانی که گزینه‌ی کم را انتخاب کرده‌اند ۱۷,۲ درصد است. به این معنا که در مورد احساس کارایی سیاسی نگاه‌شان نسبتاً متفاوت از دیگران است.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و مذهب

مذهب	گزینه‌های نگرش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	تعداد	درصد	
سنی		۲۸,۳	۰	۷۱	۰	۰,۷	۲۸۳	78	
شیعه		۲۸	۰	۷۲	۰	۰	۵۰	13.8	
آزمون آماری								$X^2 = 15,291$	
								$df = 20$	
								$sig = 0,760$	

جدول ۶۳: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و مذهب

رابطه بین مذهب و احساس کارایی سیاسی یکی از شبیه‌ترین روابطی است که در اینجا مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه از جدول مشاهده می‌شود پیروان مذهب تسنن گزینه‌های خیلی زیاد و متوسط را به ترتیب ۲۸,۳ درصد و ۷۱ درصد انتخاب کرده‌اند و پیروان مذهب تشیع در هرات همین گزینه‌ها را به ترتیب ۲۸ درصد و ۷۲ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی خیلی کم تقریباً شباهت به یکدیگر دارد. آزمون آماری نیز با عدد ۰,۷۶۰ عدم تفاوت بین این مذهب را نشان می‌دهد.

رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و درآمد

درصد	تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش درآمد
50.4	۱۸۳	۰	۱۹,۱	۴۴,۸	۳۱,۷	۴,۴	۲۰-۱۰ هزار
14.3	۵۲	۰	۱۹,۲	۶۱,۵	۱۹,۲	۰	۳۰-۲۱ هزار
8.8	۳۲	۰	۱۵,۶	۶۸,۸	۱۲,۵	۳,۱	۴۰-۳۱ هزار
7.2	۲۶	۰	۱۸,۲	۴۲	۳۴,۶	۳,۸	۵۰-۴۱ هزار
3.0	۱۱	۰	۱۸,۲	۵۴,۴	۲۷	۰	۶۰-۵۱ هزار
5.8	۲۱	۵	۱۰	۶۶,۷	۱۹	۰	۶۰ هزار به بالا
X ² =۱۱۴,۹۲۳		df= 120		sig= ۰,۶۱۴		آزمون آماری	

جدول ۶۴: رابطه بین شاخص احساس کارایی سیاسی و درآمد

سطح درآمد با احساس کارایی سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. جدول نشان می‌دهد که سطوح مختلف درآمد در مواجهه با احساس کارایی سیاسی نظام حکومتی نگاه نسبتاً متفاوتی دارد؛ اما این نگاه تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. زیرا آزمون آماری که ۰,۶۱۴ است، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری وجود ندارد. گزینه‌ی متوسط در این رابطه برای کسانی که بین ۱۰-۲۰ هزار درآمد داشتند ۴۵ درصد و کسانی که بین ۳۱-۴۰ هزار درآمد دارند ۶۹ درصد است. اما کسانی که بین ۴۱-۵۰ هزار درآمد دارند این آمار ۴۲ درصد است. این بالا و پایین رفتن آمار برای گزینه‌های مختلف در این رابطه قابل مشاهده است.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش
							سن
40.5	۱۴۷	۰	۱,۴	۱۰,۲	۴۴,۲	۴۴,۲	۲۵-۲۰ سال
24.5	۸۹	۰	۰	۱۲,۴	۳۷,۱	۵۰,۶	۳۰-۲۶ سال
22.3	۸۱	۰	۰	۹,۹	۴۰,۷	۴۹,۴	۴۰-۳۱ سال
6.9	۲۵	۰	۰	۲۰	۴۸	۳۲	۵۰-۴۱ سال
3.9	۱۴	۰	۰	۷	۴۲,۹	۵۰	۶۰-۵۱ سال
1.9	۷	۱۴	۰	۱۴,۳	۲۸,۶	۴۲,۹	۶۰ به بالا
X ² =۱۳۴,۱۸۴		df=۱۲۰		sig= ۰,۱۷۸		آزمون معناداری	

جدول ۶۵: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و سن

با یکجا کردن شش گویه‌ی هم‌ارز شاخص اعتماد سیاسی ساخته می‌شود. در اینجا رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و شاخص اعتماد سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. اولین متغیر در این رابطه، متغیر سن است که با اعتماد سیاسی مورد بررسی قرار گرفته. کسانی که بین سنین ۲۰ تا ۲۵ سال قرار دارند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به طور مساویانه ۴۴,۲ و ۴۴,۲ درصد انتخاب کرده‌اند. همین آمار برای کسانی که بین ۳۰-۲۶ قرار دارند به ترتیب ۵۰,۶ و ۳۷,۱ بوده است. در این میان کسانی که بین سنین ۶۰-۵۱ قرار دارند درصد مجموعی گزینه‌های کاملاً موافق و موافق آنها از همه بیشتر است؛ و کسانی که از ۶۰ سال به بالا بوده‌اند درصد مجموعی آماري که برای گزینه‌های کاملاً موافق و موافق بوده است ۷۱ درصد که از همه کمتر است. آزمون آماری این رابطه ۰,۱۷ است که تفاوت معناداری را بین گزینه‌های مختلف نشان نمی‌دهد. چیزی که از این جدول می‌توان فهمید این است که کسانی که در سنین بالاتری قرار دارند اعتماد سیاسی‌شان نسبت به افراد در سنین پایین‌تر کمی متفاوت است. این تفاوت می‌تواند عملکرد افراد را در مواجهه با سیاست نیز تحت تأثیر قرار دهد.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و قوم

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش قوم
30.6	۱۱۱	۰	۱,۸	۱۰,۸	۴۸,۶	۴۰,۵	پشتون
49.0	۱۷۸	۰,۵	۰	۱۲,۴	۴۰,۴	۴۶,۶	تاجیک
5.2	۱۹	۰	۰	۱۰,۵	۳۱,۶	۵۷,۹	هزاره
.3	۱	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	ازبیک
1.4	۵	۰	۰	۲۰	۴۰	۴۰	ترکمن
9.4	۳۴	۰	۰	۱۱,۸	۳۵,۳	۵۲,۹	سایر اقوام
X2=۹۳,۹۱۰		df=۱۰۵		sig= ۰,۷۷۳		آزمون آماری	

جدول ۶۶: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و قوم

در این جدول رابطه بین قوم و اعتماد سیاسی بررسی شده است. قوم پشتون، هزاره و تاجیک به ترتیب بالاترین آمار را در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به خود اختصاص داده‌اند. و اقوام دیگر پس از آنها. گزینه‌ی کاملاً موافق برای قوم پشتون ۴۰,۵ درصد آمار در حالی که قوم هزاره همین گزینه را ۵۸ درصد انتخاب کرده‌اند. با توجه به گویه‌های این شاخص نشان می‌دهد که قوم هزاره در اعتماد سیاسی نسبت به نظام حاکم نگاه بدبینانه‌تری دارد؛ زیرا که این اعتماد سیاسی تحت تأثیر عوامل مختلفی سست شده است. همچنان که قوم تاجیک نیز در این نگاه متفاوت است. آزمون آماری بدست آمده در این رابطه ۰,۷۷۳ است که تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و جنس

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش جنس
57.6	۲۰۹	۱	۱	۱۲,۹	۴۰,۷	۴۵	مرد
42.1	۱۵۳	۰	۰	۹,۲	۴۳,۱	۴۷,۷	زن
X2=۱۹,۱۶۰		df=۲۴		sig= ۰,۷۴۳		آزمون آماری	

جدول ۶۷: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و جنس

جنس و رابطه‌ی آن با شاخص اعتماد سیاسی یکی دیگر از روابطی است که در اینجا مورد بررسی قرار گرفته است. مردان در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۴۵ درصد و ۴۰,۷ درصد را آمار را دارند و گزینه‌ی بی نظر ۱۲,۹ درصد؛ اما زنان در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب آمارهای ۴۷,۷ و ۴۳,۱ را دارند و در گزینه‌ی بی نظر ۹,۲ درصد. در اینجا تفاوت بسیار اندک و کوچکی بین انتخاب

زنان و مردان وجود دارد؛ ولی باید توجه داشت که آزمون آماری تفاوت معناداری را بین این دو گزینه نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر زنان و مردان دیدگاه نسبتاً مشابهی در مورد شاخص اعتماد سیاسی در جامعه دارند.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و تحصیلات

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / تحصیلات
0.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ندارم
10.7	۳۹	۰	۰	۵,۱	۵۶	۳۸,۵	فارغ‌مکتب
74.7	۲۷۱	۰,۴	۰,۷	۱۰,۷	۳۸,۴	۴۹,۸	لیسانس
13.2	۴۸	۰	۰	۱۴,۶	۵۰	۳۵,۴	ماستری
0.6	۲	۰	۰	۵۰	۵۰	۰	دکترا
X2=۰,۰۷۷				sig= ۰,۱۴۲			آزمون آماری

جدول ۶۸: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و تحصیلات

تحصیلات و اعتماد سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفتند. کسانی که فارغ از مکتب بوده‌اند در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق ۳۸,۵ و ۵۶ درصد را انتخاب کرده‌اند و کسانی که دوره‌ی ماستری را سپری کرده‌اند، همین گزینه‌ها را ۳۵,۴ درصد و ۵۰ درصد انتخاب کردند. در دوره‌ی لیسانس این آمار تفاوت اندکی دارد و آن اینکه ۴۹,۸ درصد کاملاً موافق و ۳۸,۴ درصد موافق را انتخاب کردند. در انتخاب گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف تقریباً شباهت شدیدی بین همه دوره‌های تحصیلی وجود دارد و نظر واحدی می‌توان از آنها بدست آورد. آزمون آماری ۰,۱۴ است که در اینجا تفاوت معناداری را بین گزینه‌های این متغیر نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۴	۰,۹	۱,۸	۷	۴۰,۴	۵۰	شغل آزاد
25.6	۹۳	۰	۰	۲۳,۷	۳۹,۸	۳۶,۶	کارمند دولت
16.5	۶۰	۰	۰	۶,۷	۳۵	۵۸,۳	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۰	۰	۲,۸	۶۱,۱	۳۶,۱	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۰	۰	۱۰	۳۶,۷	۵۳,۳	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۰	۱۲,۵	۴۳,۸	۴۳,۸	سایر موارد
X2=۱۱۹,۶۵۲		df=۱۱۵			sig= ۰,۳۶۴		آزمون آماری

جدول ۶۹: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و شغل

شغل و رابطه آن با اعتماد سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفت. کسانی که در مشاغل آزاد قرار فعالیت داشتند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۵۰ درصد و ۴۰,۴ درصد انتخاب کردند. کارمندان دولتی همین گزینه‌ها را ۳۶ درصد و ۳۹ درصد انتخاب کرده‌اند. در حالی که کارمندان سازمان‌های خصوصی در مورد اعتماد سیاسی ۵۸,۳ درصد برای گزینه کاملاً موافق و ۳۵ درصد برای گزینه موافق انتخاب کرده‌اند. به همین ترتیب استادان دانشگاه و فعالین مدنی نیز آمارهای نسبتاً مشابهی را در مورد اعتماد سیاسی داده‌اند. این شباهت آمار نشان‌دهنده این است که میزان اعتماد سیاسی با توجه به گویه‌های درج شده در این شاخص بسیار پایین است و پاسخ دهندگان در مورد گویه‌ها نظرات نسبتاً مشابهی دارند. آزمون آماری این رابطه نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین گزینه‌های مختلف وجود ندارد.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و مذهب

گزینه‌های نگرش / مذهب	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
سنی	۴۳,۸	۴۳,۵	۱۱,۷	۰,۷	۰,۴	۲۸۳	78.0
شیعه	۶۲	۲۸	۱۰	۰	۰	۵۰	13.8
آزمون آماری	sig= ۰,۲۲۲		df=۲۲		X2= ۲۶,۷۱۲		

جدول ۷۰: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و مذهب

پیروان مذهب اهل سنت در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۴۳,۸ درصد و ۴۳,۵ درصد این آمار است. حال آنکه گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف نیز درصدی بسیار کمی را انتخاب کرده‌اند. در بین پیروان اهل تشیع آمار کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۶۲ درصد و ۲۸ درصد است که تفاوت نسبی را با اهل تسنن دارد؛ اما یکی از نکاتی که قابل توجه است اینکه درصد مجموعی گزینه‌های انتخاب شده نشان می‌دهد که پیروان هر دو مذهب در مورد اعتماد سیاسی نظرگاه نسبتاً یکسانی را دارند. به عبارت دیگر هر دو مذهب در نسبت به نظام حاکم نگاه مثبت و اعتماد سیاسی شدیدی ندارند. آزمون آماری نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین این دو مذهب وجود ندارد.

رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و درآمد ماهانه

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد ماهانه
50.4	۱۸۳	۰.۵	۰.۵	۱۰.۹	۳۸.۳	۴۰.۷	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۰	۰	۹.۶	۴۶.۲	۴۴.۲	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۰	۰	۹.۴	۵۶.۳	۳۴.۴	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۲۶	۰	۰	۱۵	۳۴.۶	۵۰	۴۱-۵۰ هزار
3.0	۱۱	۰	۰	۱۸.۲	۳۶	۵۵	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۱	۰	۰	۹.۵	۳۸	۵۲.۴	۶۰ هزار به بالا
X ² =۸۵,۲۸۶		df=۱۱۵		sig= ۰,۹۸۳		آزمون آماری	

جدول ۷۱: رابطه بین شاخص اعتماد سیاسی و درآمد ماهانه

درآمد ماهانه نیز با شاخص اعتماد سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. در این رابطه نیز می‌توان شباهت نسبی‌ای را بین گزینه‌های مختلف درآمد ماهانه پیدا کرد. کسانی که بین ۵۱-۶۰ هزار افغانی درآمد ماهانه آنها بوده، گزینه‌ی کاملاً موافق را ۵۵ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی موافق را ۳۶ درصد. به همین منوال کسانی که بین ۳۱-۴۰ هزار درآمد ماهانه آنها بوده است گزینه‌ی کاملاً موافق را ۳۴,۴ درصد و موافق را ۵۶,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری در این میان نیز با ۰,۹۸ نشان دهنده‌ی این است که تفاوت معناداری بین این گزینه‌ها وجود ندارد. به عبارت دیگر می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که افراد با سطوح درآمدی متفاوت هم نگاه‌شان نسبت به اعتماد سیاسی به سیاست‌های نظام حاکم یکسان است.

شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش سن
40.5	۱۴۶	۱	۲۳,۳	۵۶,۱	۱۸,۵	۱,۴	۲۵-۲۰ سال
24.5	۸۹	۳,۴	۳۴,۸	۵۱,۷	۱۰,۱	۰	۳۰-۲۶ سال
22.3	۸۱	۰	۳۹,۵	۵۳,۱	۷,۴	۰	۴۰-۳۱ سال
6.9	۲۵	۰	۴۴	۵۶	۰	۰	۵۰-۴۱ سال
3.9	۱۴	۰	۳۵,۷	۵۷	۷,۱	۰	۶۰-۵۱ سال
1.9	۷	۰	۵۷	۴۲,۹	۰	۰	۶۰ به بالا
X2= ۱۵۴,۵۹۶		df=۱۸۵	sig= ۰,۹۵۰			آزمون آماری	

جدول ۷۲: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و سن

با یکجا کردن نه گویه‌ی هم‌ارز شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی ساخته می‌شود. این شاخص به دنبال بررسی ارزیابی عملکرد سیاسی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به پرسش‌ها است. کسانی که بین سنین ۲۰-۲۵ سال قرار داشتند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱,۴ درصد و ۱۸,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر را افراد همین سن ۵۶,۱ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی مخالف را ۲۳,۳ درصد. همین آمار برای کسانی که بین ۲۶-۳۰ سال سن دارند، برای گزینه‌ی کاملاً موافق صفر و برای گزینه‌ی موافق ۱۰,۱ است. در حالی که بی‌نظر را ۵۱,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌های بی‌نظر و مخالف در این جدول بیشترین انتخاب را دارند. کسانی که از شصت سال به بالا قرار دارند، گزینه‌های بی‌نظر و مخالف را به ترتیب ۴۲,۹ درصد و ۵۷ درصد انتخاب کرده‌اند، که بالاترین آمار در این جدول است. آزمون آماری در این رابطه ۰,۹۵ است که تفاوت معناداری را بین گزینه‌های مختلف نشان نمی‌دهد. بدین ترتیب می‌توان از این جدول چنین فهمید که افراد عملکرد سیاسی دولت و دولت‌مردان را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و قوم

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش قوم
30.6	۱۱۱	۱	۳۱,۵	۵۱,۴	۱۵,۳	۰,۹	پشتون
49	۱۷۸	۱,۷	۳۲	۵۵,۱	۱۰,۷	۰	تاجیک
5.2	۱۸	۰	۳۳,۳	۵۵,۶	۱۱,۱	۰	هزاره
0.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ازبیک
1.4	۵	۰	۴۰	۴۰	۲	۰	ترکمن
9.4	۳۴	۰	۳۵,۳	۵۵,۹	۸,۸	۰	سایر اقوام
X2= ۱۲۳,۶۶۰ df=۱۸۰ sig= 1.000							آزمون آماری

جدول ۷۳: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و قوم

قوم پشتون عملکرد سیاسی نظام حکومتی را این گونه ارزیابی کرده است: گزینه‌ی کاملاً موافق ۰,۹ درصد و موافق ۱۵,۳ درصد. گزینه‌های بی نظر و مخالف به ترتیب ۵۱,۴ و ۳۱,۵ درصد را انتخاب کرده‌اند. قوم تاجیک اما گزینه‌ی کاملاً موافق را هیچ انتخابی نکرده‌اند و برای گزینه‌ی موافق فقط ۱۰,۷ درصد انتخاب داشته‌اند. در حالی که گزینه‌های بی نظر و مخالف به ترتیب ۵۵,۱ درصد و ۳۲ درصد است. قوم هزاره در انتخاب گزینه‌ی موافق ۱۱,۱ درصد و بی نظر را ۵۵,۶ درصد انتخاب آمار را دارد؛ و مخالف ۳۳,۳ درصد. در این میان قوم ترکمن ۲ درصد گزینه‌ی موافق، ۴۰ درصد بی نظر و ۴۰ درصد دیگر نیز گزینه‌ی مخالف را انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری این رابطه نیز ۱ می‌باشد که نشان دهنده‌ی عدم تفاوت معنادار بین گزینه‌ها است. بناءً می‌توان این گونه فهمید که اقوام مختلف در مورد عملکرد سیاسی نظام حاکم نگاه منفی‌ای را دارند.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و درآمد ماهانه

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد ماهانه
50.4	۱۸۲	۰,۵	۲۹,۷	۵۴,۴	۱۴,۸	۰,۵	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۰	۳۲,۷	۶۳,۵	۳,۸	۰	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۰	۲۸,۱	۵۶,۳	۱۵,۸	۰	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۲۶	۰	۵۳,۸	۴۲	۳,۸	۰	۴۱-۵۰ هزار
3.0	۱۱	۹,۱	۴۵,۵	۴۵,۵	۰	۰	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۱	۵	۳۳	۴۲,۹	۲۰	۰	۶۰ هزار به بالا
X2= ۱۷۳,۸۳۷ df= ۱۸۰ sig=۰,۶۱۵							آزمون آماری

جدول ۷۴: رابطه بین ارزیابی عملکرد سیاسی و درآمد ماهانه

کسانی که درآمد ماهانه‌ی آنها بین ۲۱-۳۰ هزار قرار دارد گزینه‌های موافق و بی‌نظر را به ترتیب ۳,۸ درصد و ۶۳,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. و گزینه‌ی مخالف را ۳۲,۷ درصد. و کسانی که بین ۳۱-۴۰ هزار درآمد دارند گزینه‌ی موافق را ۱۵,۸ درصد و بی‌نظر را ۵۶,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. اما کسانی که بالاتر از ۶۰ هزار درآمد آنها بوده، گزینه‌های موافق و بی‌نظر را به ترتیب ۴۲,۹ درصد و ۳۳ درصد انتخاب کرده‌اند. این آمار برای گزینه‌ی کاملاً موافق در تمام سطوح درآمدی تقریباً صفر است. کسانی که بین ۱۰-۲۰ هزار درآمد دارند فقط ۰,۵ درصد از گزینه‌ی کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند؛ اما کسانی که بین ۵۱-۶۰ هزار درآمد داشتند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را هیچ انتخاب نکرده‌اند و گزینه‌های بی‌نظر و مخالف را به ترتیب ۴۵,۵ درصد و ۴۵,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. همچنان که گزینه‌ی کاملاً مخالف را ۹,۱ درصد انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری در اینجا نشان ۰,۶۱۵ است و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و جنس

جنس	گزینه‌های نگرش	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
مرد	۰	۱۲	۵۵,۳	۳۱,۱	۱,۴	۲۰۸	57.6	
زن	۱,۳	۱۱,۸	۵۲,۳	۳۴,۱	۰,۷	۱۵۳	42.1	
آزمون آماری	$X^2 = 44,428$ $df = 37$ $sig = 0,187$							

جدول ۷۵: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و جنس

مردان گزینه‌ی کاملاً موافق را هیچ انتخاب نکرده‌اند و گزینه‌ی موافق را ۱۲ درصد. گزینه‌ی بی‌نظر ۵۵,۳ درصد و مخالف ۳۱,۱ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی کاملاً مخالف را ۱,۴ درصد. در حالی که زنان گزینه‌ی کاملاً موافق را ۱,۳ درصد و موافق را ۱۱,۸ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌های بی‌نظر و مخالف را به ترتیب ۵۲,۳ درصد و ۳۴,۱ درصد انتخاب کرده‌اند؛ و گزینه‌ی کاملاً مخالف را ۰,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. آزمون آماری در اینجا ۰,۱۸۷ است و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد. به عبارت دیگر این جدول این را می‌رساند که زنان و مردان در ارزیابی عملکرد سیاسی تقریباً دیدگاه مشابهی را دارند. با تفاوت‌های بسیار کوچکی در بعضی گزینه‌ها.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و تحصیلات

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش تحصیلات	
0.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ندارم	
10.7	۳۹	۲,۶	۲۳,۱	۶۴,۱	۱۰,۳	۰	فارغ مکتب	
74.7	۲۷۰	۱	۳۲,۶	۵۲,۲	۱۳,۳	۰,۷	لیسانس	
13.2	۲۸	۰	۴۱,۷	۵۴,۲	۴,۲	۰	ماستری	
0.6	۲	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	دکترا	
X2=۰,۱۰۵							sig= ۰,۰۴۷	آزمون آماری

جدول ۷۶: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و تحصیلات

تحصیلات و رابطه آن با ارزیابی عملکرد سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا کسانی که تحصیلات مکتب را دارند، در انتخاب گزینه‌های موافق و بی‌نظر به ترتیب ۱۰,۳ درصد و ۶۴,۱ درصد از آمار را به انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی مخالف و کاملاً مخالف ۲۳,۱ درصد و ۲,۶ درصد؛ اما کسانی که تحصیلات لیسانس دارند کاملاً موافق ۰,۷ درصد، موافق ۱۳,۳ درصد، بی‌نظر ۵۲,۲ درصد و مخالف ۳۲,۶ درصد را انتخاب کرده‌اند. پاسخ دهندگانی که دوره‌ی ماستری را ختم کرده‌اند گزینه‌ی موافق را ۴,۲ درصد بی‌نظر را ۵۴,۲ درصد و مخالف را ۴۱,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که تفاوت اندکی بین تحصیلات افراد با نگاه آنها به عملکرد سیاسی نظام به وجود می‌آید. آزمون آماری در اینجا ۰,۰۴۷ است که تفاوت معناداری نسبتاً ضعیفی را در این رابطه نشان می‌دهد.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش شغل	
31.4	۱۱۳	۰	۳۰,۱	۵۸,۴	۹,۷	۱,۸	شغل آزاد	
25.6	۹۳	۱,۱	۲۶,۹	۶۲,۴	۹,۷	۰	کارمند دولت	
16.5	۶۰	۳	۳۵	۴۰	۲۱,۷	۰	کارمند سازمان خصوصی	
9.9	۳۶	۰	۳۸,۹	۵۰	۱۰	۰	استاد دانشگاه	
8.3	۳۰	۳,۳	۰,۴۰	۴۶,۷	۱۰	۰	فعال مدنی	
4.4	۱۶	۰	۳۱	۵۶,۳	۱۲,۵	۰	سایر موارد	
X2= ۱۶۲,۸۵۶							df=۱۸۵	sig= ۰,۸۷۸
آزمون آماری								

جدول ۷۷: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و شغل

افرادی که شغل آزاد دارند در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب آمار ۱,۸ درصد و ۹,۷ درصد را دارند؛ گزینه‌ی بی‌نظر در این اینجا ۵۸,۴ درصد و مخالف ۳۰,۱ درصد است؛ اما کارمندان دولتی کاملاً موافق را صفر و موافق را ۹,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. در حالی که گزینه‌های بی‌نظر و مخالف به ترتیب ۶۲,۴ درصد و ۲۶,۹ درصد انتخاب کرده‌اند. فعالین مدنی گزینه‌ی موافق را ۱۰ درصد، بی‌نظر ۴۶,۷ درصد، مخالف ۴۰ درصد و کاملاً مخالف را ۳,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. استادان دانشگاه نیز گزینه‌ی کاملاً موافق را صفر، موافق ۱۰ درصد، بی‌نظر ۵۰ درصد، مخالف ۳۸,۹ درصد و کاملاً مخالف را صفر درصد. این انتخاب‌ها در موارد متفاوت تقریباً مشابه است. آزمون آماری در این رابطه نیز ۰,۸۷۸ است و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد. در نتیجه این که مشاغل مختلف عملکرد سیاسی حکومت را به صورت نسبتاً مشابه، خوب ارزیابی نمی‌کنند.

رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و مذهب

گزینه‌های نگرش	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
سنی	۰,۷	۱۳,۱	۵۵,۸	۰,۲۹	۱۴	۲۸۳	78.0
شیعه	۰	۶,۱	۵۱	۴۲	۰	۴۹	13.8
آزمون آماری	sig= ۰,۳۵۲		df=۳۴		X2=۳۶,۵۲۹		

جدول ۷۸: رابطه بین شاخص ارزیابی عملکرد سیاسی و مذهب

پیروان اهل تسنن گزینه‌ی کاملاً موافق را ۰,۷ درصد، موافق ۱۳,۱ درصد، بی‌نظر ۵۵,۸ درصد مخالف ۲۹ درصد و کاملاً مخالف را ۱۴ درصد انتخاب کرده‌اند. این آمار برای پیروان اهل تشیع موافق ۶,۱ درصد، بی‌نظر ۵۱ درصد و مخالف ۴۲ درصد است. آزمون آماری در اینجا ۰,۳۵۲ است و نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در این رابطه وجود ندارد.

شاخص نگرش ملی

رابطه بین شاخص نگرش ملی و سن

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / سن
40.5	۱۴۶	۲,۷	۴,۸	۱۵,۸	۷۶,۷	۲۰-۲۵ سال
24.5	۸۹	۴,۵	۱۲,۴	۲۴,۷	۵۸,۴	۲۶-۳۰ سال
22.3	۸۱	۳,۷	۱۱,۱	۲۵,۹	۵۹,۳	۳۱-۴۰ سال
6.9	۲۴	۰	۰	۱۷	۸۳	۴۱-۵۰ سال
3.9	۱۴	۷,۱	۰	۲۸,۶	۶۴,۳	۵۱-۶۰ سال
1.9	۷	۰	۰	۴۲,۹	۵۷,۱	۶۰ به بالا
X2=۱۳۹,۰۶۵		df=۱۲۵		sig=۰,۱۸۴		آزمون آماری

جدول ۷۹: رابطه بین شاخص نگرش ملی و سن

با یکجا کردن شش گویه‌ی هم‌ارز شاخص نگرش ملی ساخته می‌شود. این گویه‌ها پرسش از نگرش افراد نسبت به موضوعات عمده و کلیدی ملی مانند پرچم کشور، سرود ملی کشور، نگاه به نخبگان و قهرمانان کشور و غیره است. همچنان‌که در جدول مشاهده می‌کنید افرادی که بین ۴۱-۵۰ سال عمر دارند، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را به ترتیب ۸۳ درصد و ۱۷ درصد انتخاب کرده‌اند، که بالاترین درصدی در این بین است؛ اما از آن طرف کسانی که بین ۲۶-۳۰ سال سن دارند با آمار خیلی زیاد ۵۸,۴ و زیاد ۲۴,۷ درصد کمترین همراه‌اند. سنین مختلف نگاه متفاوتی به گویه‌های شاخص نگرش ملی دارند. اما با آن هم آزمون آماری با ۰,۱۸۴ در این رابطه نشان از تفاوت معناداری بین این گزینه‌ها ندارد. در نتیجه این‌که افراد با سنین مختلف نگاه‌شان به نگرش ملی نسبتاً مشابه است. ولی کسانی که بیش از ۶۰ سال سن داشتند، بالاترین نگرش ملی را از خود نشان داده‌اند.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و قوم

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / قوم
30.6	۱۱۱	۲,۷	۴,۵	۹,۹	۸۲,۹	پشتون
49.0	۱۷۷	۳,۴	۸,۵	۲۷,۱	۶۱	تاجیک
5.2	۱۸	۵,۶	۱۶,۷	۲۷,۸	۵۰	هزاره
3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	ازبیک
1.4	۵	۲۰	۲۰	۰	۶۰	ترکمن
9.4	۳۴	۲,۹	۲,۹	۲۶,۵	۶۷,۶	سایر اقوام
X2=۵۲۳,۲۵		df= ۱۲۵		sig=۰,۰۰۰		آزمون آماری

جدول ۸۰: رابطه بین شاخص نگرش ملی و قومیت

قوم پشتون در مورد نگرش ملی بالاترین درصدی را برای گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد دارند. این آمار به ترتیب ۸۲,۹ و ۹,۹ است. و قوم هزاره از جمله متفاوت‌ترین آمار را در این بین دارد، که خیلی زیاد ۵۰ درصد و زیاد ۲۷,۸ درصد را نشان می‌دهد. همچنان که گزینه‌های بی‌نظر و مخالف ۱۶,۷ و ۵,۶ درصد را نشان می‌دهد. اقوام دیگر نیز به همین منوال تفاوت‌هایی را در مورد نگرش ملی به موضوعاتی که در گویه‌های شاخص نگرش ملی گنجانده شده است را دارا اند. در این رابطه آزمون آماری ۰,۰۰۰ به طور کامل معناداری را در این رابطه نشان می‌دهد. نتیجه این که در این جدول بالاترین نگاه مثبت به نگرش ملی را دارند و به همین منوال قوم هزاره در آن طرف طیفاند، یعنی نگاهی نسبتاً متفاوتی در مورد نگرش ملی دارد. به عبارت دیگر کمتر به نگرش ملی تمایل نشان داده‌اند. در نتیجه این که نگرش ملی شهروندان به تناسب قوم آنها قابل تغییر است. نشان می‌دهد اقوامی که نگاه به آنها متفاوت بوده است، نگرش ملی متفاوت‌تری نیز در اینجا داشته‌اند.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و درآمد ماهانه

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش درآمد ماهانه
50.4	۱۸۲	۲,۷	.۶	۲۰,۹	۷۰,۳	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۱,۹	۱۳,۵	۲۵	۵۹,۶	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۱,۹	۹,۴	۲۵	۵۶,۳	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۲۶	۰	۱۲	۳۴,۶	۵۳,۸	۴۱-۵۰ هزار
3	۱۱	۰	۱۸,۲	۹	۷۳	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۰	۱۰	۵	۱۰	۷۰	۶۰ هزار به بالا
X2= ۱۳۳,۲۸		df=۱۲۵		sig= ۰,۲۹		آزمون آماری

جدول ۸۱: رابطه بین شاخص نگرش ملی و درآمد

سطح درآمد افراد با نگرش ملی آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت. در این میان کسانی که بین ۱۰-۲۰ هزار افغانی درآمد دارند و کسانی که بالاتر از ۶۰ هزار درآمد دارند تقریباً درصدی مشابهی را در انتخاب گزینه‌ی خیلی زیاد داشته‌اند و در گزینه‌ی زیاد این آمار متفاوت است؛ اما کسانی که بین ۵۱-۶۰ هزار درآمد دارند، بالاترین آمار را در انتخاب گزینه‌ی خیلی زیاد با ۷۳ درصد دارند. به عبارتی در این میان نوعی تشابه و تفاوت در دیدگاه‌های افراد به تناسب سطح درآمد آنها دیده می‌شود. از طرفی در گزینه‌هایی متشابه‌اند و از طرف دیگر در بعضی از گزینه‌های دیگر متفاوت. این تفاوت در مورد درصدی مجموعی این آمار قابل مشاهده و بررسی است؛ اما با آن هم آزمون آماری در این میان نشان از تفاوت معناداری بین سطوح مختلف درآمدی ندارد. آزمون آماری در اینجا ۰,۲۹ است. در نتیجه این که افراد با سطح درآمد کمتر یعنی ۱۰-۲۰

هزاره، بالاترین نگرش ملی را در بین دیگر گزینه‌ها داشتند؛ که خود نشان می‌دهد درآمد بالاتر نگرش را نسبت به مسایل ملی تغییر می‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و جنس

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / جنس
57.6	۲۰۸	۳,۴	۸,۲	۲۴,۵	۶۳,۹	مرد
42.1	۱۵۲	۳,۳	۶,۶	۱۷,۱	۰,۷۳	زن
X2=۳۷,۶۵۹ df= ۲۵ sig= ۰,۰۵						آزمون آماری

جدول ۸۲: رابطه بین شاخص نگرش ملی و جنس

مردان گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را ۶۳,۹ و ۲۴,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. و گزینه‌های بی‌نظر و مخالف را به ترتیب ۸,۲ و ۳,۴ درصد انتخاب کرده‌اند. در این بین گزینه‌ی کاملاً مخالف وجود ندارد. اما زنان همین آمار را برای گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد ۷۳ درصد و ۱۷,۱ درصد انتخاب کرده‌اند. در حالی که گزینه‌های بی‌نظر و مخالف ۶,۶ درصد و ۳,۳ درصد است. این نگاه تفاوت نسبی را بین نگرش ملی زنان با مردان نشان می‌دهد. آزمون آماری نیز که ۰,۰۵ است نشان از تفاوت معناداری بین گزینه‌های موجود در این بررسی است. که البته این معناداری بسیار شدید نیست.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و تحصیلات

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / تحصیلات
0.3	۱	۰	۰	۰	۱۰۰	ندارم
10.7	۳۹	۲,۶	۱۲,۸	۱۳	۷۱,۸	فارغ‌مکتب
74.7	۲۷۰	۳,۷	۶,۷	۲۱,۱	۶۸,۵	لیسانس
13.2	۴۷	۲,۱	۸,۵	۲۹,۸	۵۹,۶	ماستری
0.6	۲	۰	۰	۰	۱۰۰	دکتر
X2=۰,۰۳۵ sig= ۰,۵۰۹						آزمون آماری

جدول ۸۳: رابطه بین شاخص نگرش ملی و تحصیلات

تحصیلات و رابطه‌ی آن با نگرش ملی یکی دیگر از این بررسی‌ها بوده است. افراد در سطوح مختلف تحصیلی نگرش‌های متفاوتی را از خود در مورد مسایل ملی نشان داده‌اند. کسانی که از صنف دوازدهم فارغ شده‌اند، گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را به ترتیب ۷۱,۸ درصد و ۱۳ درصد انتخاب کرده‌اند و همین آمار برای کسانی که لیسانس بوده‌اند ۶۸,۵ و ۲۱,۱ است و دوره‌ی ماستری آمار ۵۹,۶ و ۲۹,۸ را دارد. آمار این

گزینه‌ها تفاوتی نسبی‌ای را در بین سطوح مختلف تحصیلی نشان می‌دهد؛ اما درصد مجموعی این دو گزینه آمار نسبتاً نزدیکی در مورد گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد نشان می‌دهد. گزینه‌ی کم را کسانی که فارغ از مکتب بوده‌اند، لیسانس‌ها و کسانی که دوره‌های ماستری را به پایان رسانده‌اند به ترتیب ۲,۶ درصد، ۳,۷ درصد و ۲,۱ درصد انتخاب کرده‌اند. در این بین هیچ کس گزینه‌ی خیلی کم را انتخاب نکرده است. آزمون آماری این جدول که ۰,۵۰۹ است که تفاوت معناداری را در این میان نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و شغل

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۲	۲,۷	۶,۳	۱۸,۸	۷۲,۳	شغل آزاد
25.6	۹۳	۲,۲	۹,۷	۱۸,۳	۶۹,۹	کارمند دولت
16.5	۶۰	۱,۷	۱۳,۳	۰.۲۵	۵۳,۳	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۲,۸	۵,۶	۲۷,۸	۶۳,۹	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۳,۳	۰	۳۳,۳	۶۳,۳	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۶,۳	۶,۳	۸۷,۵	سایر موارد
X2= ۱۱۳,۷		df=۱۲۵		sig= ۰,۷۵۶		آزمون آماری

جدول ۸۴: رابطه بین شاخص نگرش ملی و شغل

شغل و رابطه‌ی آن با نگرش ملی نیز مورد بررسی قرار گرفت. کسانی که شغل آزاد داشتند گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد را به ترتیب ۷۲,۳ درصد و ۱۸,۸ درصد انتخاب کرده‌اند و کسانی که کارمند سازمان‌های خصوصی بوده‌اند همین گزینه‌ها را به ترتیب ۵۳,۳ درصد و ۲۵ درصد انتخاب کرده‌اند. فعالین مدنی و اساتید دانشگاه آمار نسبتاً مشابهی را در انتخاب گزینه‌ی خیلی زیاد دارند. در این میان کسانی که کارمندان ادارات دولتی بودند، آمارها نشان می‌دهد که گزینه‌ی خیلی زیاد ۶۹,۹ درصد و زیاد ۱۸,۳ درصد انتخاب کرده‌اند، که نسبت به کسانی که شغل آزاد دارند پایین‌تر است. در این مشاغل هیچ کدام گزینه‌ی خیلی کم را انتخاب نکرده‌اند. آزمون آماری نیز نشان دهنده‌ی تفاوت معناداری بین گزینه‌های مختلف این رابطه نیست. آزمون آماری در این رابطه ۰,۷۵۶ است.

رابطه بین شاخص نگرش ملی و مذهب

درصد	تعداد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	گزینه‌های نگرش / مذهب
78	۲۸۳	۳,۲	۶,۷	۱۹,۱	۷۱	سنی
13.8	۴۳	۴	۱۲	۳۱	۵۳	شیعه
X2=۳۵,۱۲۴		df=۲۵		sig=۰,۰۸۶		آزمون آماری

جدول ۸۵: رابطه بین شاخص نگرش ملی و مذهب

پیروان اهل سنت گزینه‌ی خیلی زیاد را ۷۱ درصد و گزینه‌ی زیاد را ۱۹,۱ درصد انتخاب کرده‌اند و ۶,۷ درصد هم گزینه‌ی متوسط. در بین مذهب اهل تشیع همین آمار برای گزینه‌ی خیلی زیاد ۵۳ درصد و برای گزینه‌ی زیاد ۳۱ درصد است، اما برای گزینه‌ی متوسط ۱۲ درصد است. در بین شیعیان و سنی‌ها در مورد نگرش ملی تفاوت اندکی وجود دارد؛ اما این تفاوت زیاد چشم‌گیر و شدید نیست. آزمون آماری در اینجا با عدد ۰,۰۸۶ تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

شاخص نگرش اقتصادی

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش
							سن
40.5	۱۴۷	۰	۰	۱۳,۶	۶۳,۹	۲۲,۴	سال ۲۵-۲۰
24.5	۸۹	۱,۱	۰	۲۰,۲	۵۷,۳	۲۱,۳	سال ۳۰-۲۶
22.3	۸۱	۰	۰	۱۹,۸	۷۰,۴	۹,۹	سال ۴۰-۳۱
6.9	۲۵	۰	۰	۲۰	۷۲	۸	سال ۵۰-۴۱
3.9	۱۴	۰	۰	۷	۶۴,۳	۲۸,۶	سال ۶۰-۵۱
1.9	۷	۰	۰	۱۴,۳	۷۱,۴	۱۴,۳	۶۰ به بالا
$X^2 = ۲۰۱,۵۲۶$							آزمون آماری
		$df = ۱۶۵$		$sig = 0.028$			

جدول ۸۶: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و سن

با یکجا کردن هشت گویه‌ی هم‌ارز شاخص نگرش اقتصادی به ساخته می‌شود. در اینجا همانطور که از جدول پیداست رابطه بین سن و نگرش اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. کسانی که بین سنین ۲۰-۲۵ سال قرار داشتند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۲,۴ و ۶۳,۹ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی بی‌نظر را نیز ۱۳,۶ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی مخالف صفر و گزینه‌ی کاملاً مخالف نیز هیچ انتخابی نداشته است؛ اما کسانی که بین سنین ۳۰-۲۶ قرار داشتند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۱,۳ درصد و ۵۷,۳ درصد انتخاب کرده‌اند؛ و گزینه‌ی بی‌نظر آمار ۲۰,۲ درصد را دارد. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف به ترتیب صفر و ۱,۱ درصدند؛ اما کسانی که بین ۴۰-۳۱ سال عمر دارند در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب آمارهای ۹,۹ درصد و ۷۰,۴ درصد را دارند و گزینه‌ی بی‌نظر ۱۹,۸ درصد آمار را با خود دارد. مخالف و کاملاً مخالف نیز هیچ انتخابی نشده است. کسانی که بالاتر از شصت سال عمر داشتند گزینه‌ی کاملاً موافق را ۱۴,۳ و موافق را ۷۱,۴ درصد انتخاب کرده‌اند؛ در حالی که گزینه‌ی بی‌نظر ۱۴,۳ درصد انتخاب شده است. آزمون آماری در این میان ۰,۰۲۸ است که تفاوت نسبتاً معنادار بسیار ضعیفی را نشان می‌دهد. در نتیجه این که در این رابطه افراد با سنین مختلف نگاه‌شان به

نسبتاً یکسان است. افراد اتفاقات اقتصادی در کشور را به صورت نسبتاً مشابهی مورد ارزیابی قرار می‌دهند و در مواجهه با مسائلی مانند اقتصاد بازار آزاد و رونق اقتصادی کشور یک‌سان می‌اندیشند، البته با کمی تفاوت.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و قومیت

گزینه‌های نگرش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد
پشتون	۲۱,۶	۶۳,۱	۱۵,۳	۰	۰	۱۱۱	30.6
تاجیک	۱۹,۷	۶۳,۳	۱۶,۳	۰	۰,۶	۱۷۸	49.0
هزاره	۱۵,۸	۶۸,۴	۱۵,۸	۰	۰	۱۹	5.2
ازبیک	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۱	.3
ترکمن	۲۰	۶۰	۲۰	۰	۰	۵	1.4
سایر اقوام	۵,۹	۶۴,۷	۲۹,۴	۰	۰	۳۴	9.4
آزمون آماری	sig= ۰.105		df=155		X2=۱۷۷,۴۱۳		

جدول ۸۷: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و قومیت

قوم و رابطه آن با نگرش اقتصادی نیز مورد سنجش قرار گرفت. در اینجا قوم پشتون گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۱,۶ درصد و ۶۳,۱ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌های بی‌نظر و مخالف نیز به ترتیب ۱۵,۳ درصد و صفر است؛ اما قوم تاجیک گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۹,۷ درصد و ۶۳,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۱۶,۳ درصد، مخالف صفر و کاملاً مخالف ۰,۶ درصد انتخاب توسط این قوم انتخاب شده است. قوم هزاره در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۵,۸ درصد و ۶۴,۴ درصد آمار دارد و گزینه‌ی بی‌نظر را ۱۵,۸ درصد؛ گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف در اینجا صفر است. قوم‌های ازبیک و ترکمن نیز پس از اینها آمارهای متفاوتی را دارند. در اینجا آزمون آماری ۰,۱۰۵ است که تفاوت معناداری را در بین اقوام مختلف نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که اقوام مختلف در مواجهه با مسایل اقتصادی دیدگاه نسبتاً مشابهی را نشان می‌دهند.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و درآمد ماهانه

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							درآمد ماهانه	
50.4	۱۸۳	۰	۰	۱۵,۸	۶۲,۳	۲۱,۹	۱۰-۲۰ هزار	
14.3	۵۲	۰	۰	۲۳,۱	۶۳,۵	۱۳,۵	۲۱-۳۰ هزار	
8.8	۳۲	۳,۱	۰	۱۵,۶	۷۱,۹	۹,۴	۳۱-۴۰ هزار	
7.2	۲۶	۰	۰	۱۲	۶۹,۲	۱۹,۲	۴۱-۵۰ هزار	
3.0	۱۱	۰	۰	۴۵,۵	۴۶	۹	۵۱-۶۰ هزار	
5.8	۲۱	۰	۰	۹,۵	۶۷	۲۳,۸	۶۰ هزار به بالا	
X2= ۲۳۳,۱۸							df=۱۶۵	sig= ۰.000
							آزمون آماری	

جدول ۸۸: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و درآمد ماهانه

بین درآمد ماهانه و نگرش اقتصادی نیز بررسی صورت گرفته است. کسانی که بالاتر از ۶۰ هزار درآمد داشته‌اند، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۳,۸ درصد و ۶۷ درصد انتخاب کرده‌اند که درصد مجموعی آن ۹۰ درصد می‌شود که بالاترین آمار را در اینجا دارد. گزینه‌ی مخالف هم در اینجا صفر است. با بالاتر رفتن درآمد ماهانه تفاوت در نگاه به مسایل اقتصادی کشور به وجود آمده است. با توجه به آزمون آماری در اینجا که ۰,۰۰۰ است، نشان می‌دهد که رابطه معناداری در این جدول وجود دارد و این دو متغیر با هم روابط معناداری دارند. در نتیجه این که افراد در سطوح درآمدی متفاوت نگاه‌شان به ساختار اقتصادی و نگرش آنها در مورد اقتصاد حاکم بر وضعیت جامعه تغییر می‌کند.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و جنس

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش	
							جنس	
57.6	۲۰۹	۰	۰	۱۹,۶	۶۵,۱	۱۵,۳	مرد	
42.1	۱۵۳	۰	۰,۷	۱۳,۱	۶۳,۴	۲۲,۹	زن	
X2= ۴۰,۴۶							df=۳۳	sig= ۰.174
							آزمون آماری	

جدول ۸۹: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و جنس

مردان گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۵,۳ درصد و ۶۵,۱ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی بی‌نظر ۱۹,۶ درصد و مخالف صفر است. کاملاً مخالف نیز در اینجا صفر است؛ اما زنان گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۲,۹ درصد و ۶۳,۴ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۱۳,۱ درصد؛ مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب ۰,۷ درصد و صفر می‌باشد. آزمون آماری در اینجا ۰,۱۷۴ است که تفاوت معناداری را در این رابطه نشان نمی‌دهد. در نتیجه این که زنان و مردان در مورد مسایل اقتصادی کشور نگاه نسبتاً هم‌سانی را دارند.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و تحصیلات

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش تحصیلات	
0.3	۱	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	ندارم	
10.7	۳۹	۰	۰	۱۲,۸	۵۶	۳۰,۸	فارغ مکتب	
74.7	۲۷۱	۰	۰	۱۵,۱	۶۶,۸	۱۸,۱	لیسانس	
13.2	۴۸	۲,۱	۰	۲۵	۶۰,۴	۱۲,۵	ماستری	
0.6	۲	۰	۰	۵۰	۵۰	۰	دکترا	
X2=۰,۱۶۹		sig= ۰,۰۰۱					آزمون آماری	

جدول ۹۰: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و تحصیلات

بین تحصیلات افراد و نگرش اقتصادی آنها نیز بررسی صورت گرفت. کسانی که از مکتب فارغ شده‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را ۳۰,۸ درصد و ۵۶ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی بی‌نظر ۱۲,۸ درصد و گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف در اینجا صفر است، اما کسانی که لیسانس بوده‌اند در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۸,۱ درصد و ۶۶,۸ درصد آمار را دارند. گزینه‌ی بی‌نظر ۱۵,۱ درصد و مخالف و کاملاً مخالف به ترتیب هر دو صفر است. دوره‌ی ماستری آمار ۱۲,۵ درصد برای گزینه‌ی کاملاً موافق و ۶۰,۴ درصد برای گزینه‌ی موافق دارد؛ و ۲۵ درصد گزینه‌ی بی‌نظر انتخاب شده است. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب صفر و ۲,۱ درصد است. آزمون آماری در اینجا ۰,۰۰۱ است که نشان می‌دهد در بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه این که افراد با سطوح تحصیلی متفاوت نگاه‌شان به مسایل اقتصادی متفاوت می‌شود. به عبارت دیگر بالا رفتن تحصیلات افراد بر نگرش آنها نسبت به مسایل اقتصادی تأثیرگذار است.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش شغل	
31.4	۱۱۴	۰	۰	۱۷,۵	۶۰,۵	۲۱,۹	شغل آزاد	
25.6	۹۳	۰	۰	۱۶,۷	۶۶,۷	۱۶,۱	کارمند دولت	
16.5	۶۰	۰	۰	۱۶,۷	۶۶,۷	۱۶,۷	کارمند سازمان خصوصی	
9.9	۳۶	۲,۸	۰	۱۳,۹	۷۲,۷	۱۱,۱	استاد دانشگاه	
8.3	۳۰	۰	۰	۲۰	۵۶,۷	۲۳,۳	فعال مدنی	
4.4	۱۶	۰	۰	۱۲,۵	۵۶,۳	۳۱,۳	سایر موارد	
X2= ۱۷۵,۱۶۲		df=۱۶۰ sig= ۰,۱۹۵					آزمون آماری	

جدول ۹۱: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و شغل

کسانی که شغل آزاد دارند در اینجا گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۱,۹ درصد و ۶۰,۵ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۱۷,۵ درصد، مخالف و کاملاً مخالف هم هر دو صفر است؛ اما کسانی که کارمندان ادارات دولتی بوده‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۶,۱ درصد و ۶۶,۷ درصد انتخاب کرده‌اند؛ گزینه‌ی بی‌نظر ۱۶,۷ درصد انتخاب شده است. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف هم صفر است. فعالین مدنی گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را ۲۳,۳ درصد و ۵۶,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر ۲۰ درصد، مخالف و کاملاً مخالف نیز صفر است. آزمون آماری در این رابطه ۰,۱۹۵ است که تفاوت معناداری را در بین گزینه‌های مختلف مشاغل در این رابطه نشان نمی‌دهد. آنچنان که در این جدول مشاهده می‌شود اعضای جامعه مدنی نگاه‌شان نسبت به مسایل اقتصادی با دیگران بسیار متفاوت است. آنها بهبود وضعیت اقتصادی را از دریاچه‌های برنامه‌ها و رویکردهای اقتصادی در بازار آزاد و سیستمی که در افغانستان دنبال شده است می‌بینند.

رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و مذهب

مذهب	گزینه‌های نگرش	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد	درصد	
سنی	۱۸,۷	۶۴,۷	۱۶,۶	۰	۰	۰	۳۸۳	78.0	
شیعه	۱۶	۶۴	۲۰	۰	۰	۰	۵۰	13.8	
آزمون آماری	sig= ۰,۰۶۲						df=۳۱	X2=۴۳,۹۱۴	

جدول ۹۲: رابطه بین شاخص نگرش اقتصادی و مذهب

پیروان اهل تسنن گزینه‌ی کاملاً موافق را ۱۸,۷ درصد و موافق را ۶۴,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. بی‌نظر ۱۶,۶ درصد، مخالف و کاملاً مخالف هم هیچ انتخابی نداشته است. پیروان اهل تشیع گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۶ درصد و ۶۴ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌ی بی‌نظر ۲۰ درصد، مخالف و کاملاً مخالف هم در اینجا هیچ انتخابی نداشته است. آزمون آماری در اینجا ۰,۰۶۲ است که تفاوت بسیار اندک معناداری را در این رابطه نشان می‌دهد. زنان و مردان نسبت به مسایل اقتصادی نگرش نسبتاً یکسانی را با تفاوت بسیار اندک نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد که همگونی نگرشی نسبت به مسایل اقتصادی بین زنان و مردان وجود دارد.

شاخص نگرش بین‌المللی

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و سن

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش سن
40.5	۱۴۷	۰	۱۰,۲	۲۱,۸	۴۵,۶	۲۲,۴	۲۰-۲۵ سال
24.5	۸۹	۰	۶,۷	۲۹,۲	۴۱,۶	۲۲,۵	۲۶-۳۰ سال
22.3	۸۱	۱,۲	۷,۴	۲۴,۷	۴۶,۹	۱۹,۸	۳۱-۴۰ سال
6.9	۲۵	۰	۴	۲۸	۲۸	۴۰	۴۱-۵۰ سال
3.9	۱۴	۰	۷,۱	۱۴	۵۰	۲۸,۶	۵۱-۶۰ سال
1.9	۷	۰	۱۴	۲۸,۶	۲۸,۶	۲۸,۶	۶۰ به بالا
X2=۱۰۴,۶۵۸		df=۱۲۰		sig= ۰,۸۴		آزمون آماری	

جدول ۹۳: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و سن

با یکجا کردن پنج گویه‌ی هم‌ارز شاخص نگرش بین‌المللی به وجود می‌آید. این شاخص به دنبال بررسی نگرش بین‌المللی پاسخ‌دهندگان در درون فرهنگ سیاسی است. همچنان‌که در جدول مشاهده می‌شود کسانی که بین سنین ۵۱-۶۰ عمر داشتند، کسانی بودند که بالاترین آمار را در مورد مسایل بین‌المللی داشته‌اند. گزینه‌های کاملاً موافق و موافق برای این سن به ترتیب ۲۸,۶ درصد و ۵۰ درصد را نشان می‌دهد که درصد مجموعی آن بالاترین آمار را در بین گزینه‌های دیگر نشان می‌دهد. و پایین‌ترین آمار را برای گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را کسانی تشکیل می‌دهند که از ۶۰ سال به بالا سن دارند. افرادی که بین ۳۱-۴۰ سن دارند که به عبارتی سن میانسالی را نشان می‌دهد، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را ۱۹,۸ و ۴۶,۹ درصد انتخاب کرده‌اند. این امر نشان از تفاوت در دیدگاه‌های افراد در سنین مختلف را نشان می‌دهد؛ اما آزمون آماری در این رابطه ۰,۸۴ است و تفاوت معناداری را در این بین نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و قوم

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش قوم
30.6	۱۱۱	۱	.۹	۲۴,۳	۳۷,۸	۲۷,۹	پشتون
49.0	۱۷۸	۰	۸,۴	۲۵,۸	۴۵,۵	۲۰,۲	تاجیک
5.2	۱۹	۰	۰	۱۵,۸	۵۲,۶	۳۱,۶	هزاره
3	۱	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	ازبیک
1.4	۵	۰	۰	۲۰	۶۰	۲۰	ترکمن
9.4	۳۴	۰	۱۱,۸	۳۵,۳	۳۲,۴	۲۰,۶	سایر اقوام
X ² =۸۵,۰۳۷		df=۱۱۵		sig= ۰,۹۸۴		آزمون آماری	

جدول ۹۴: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و قومیت

قوم پشتون گزینه‌ی کاملاً موافق را ۲۷,۹ درصد و موافق را ۳۷,۸ درصد انتخاب کرده است و گزینه‌ی بی‌نظر را ۲۴,۳ درصد. قوم تاجیک پس از آن کاملاً موافق را ۲۰,۲ درصد و ۴۵,۵ درصد موافق انتخاب کرده است. در حالی که گزینه‌ی بی‌نظر را ۲۵,۸ درصد آمار تشکیل میدهد. اما قوم هزاره تقریباً در مورد نگرش بین‌المللی گزینه‌های کاملاً موافق با ۳۱,۶ درصد و موافق با ۵۲,۶ درصد، بالاترین انتخاب را دارد. ترکمن‌ها نیز در این آمار بالا هستند. گزینه‌ی کاملاً موافق ۲۰ درصد و موافق ۶۰ درصد را انتخاب کرده‌اند. و قوم ازبیک که فقط یک نفر بوده است گزینه‌ی موافق را انتخاب کرده است. آزمون آماری این رابطه ۰,۹۸۴ است و تفاوت معناداری را در این بین نشان نمیدهد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و درآمد ماهانه

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش درآمد ماهانه
50.4	۱۸۳	۰,۵	۹,۳	۲۷,۳	۳۹,۹	۲۳	۱۰-۲۰ هزار
14.3	۵۲	۰	۱,۹	۲۸,۸	۴۸,۱	۲۱,۲	۲۱-۳۰ هزار
8.8	۳۲	۰	۶,۳	۱۵,۶	۵۰	۲۸,۱	۳۱-۴۰ هزار
7.2	۳۶	۰	۰	۱۹,۲	۵۳,۸	۲۶,۹	۴۱-۵۰ هزار
3.0	۱۱	۰	۱۸,۲	۳۶,۴	۱۸	۲۷	۵۱-۶۰ هزار
5.8	۲۱	۰	۵	۱۹	۵۲	۲۳,۸	۶۰ هزار به بالا
X ² =۱۱۸,۱۰۴		df=۱۱۵		sig= ۰,۴۰۳		آزمون آماری	

جدول ۹۵: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و درآمد ماهانه

کسانی که بین ۴۱-۵۰ هزار افغانی درآمد ماهانه آنها بوده است، گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۶,۹ درصد و ۵۳,۸ درصد انتخاب کرده‌اند که در بین دیگر گزینه‌های بالاترین آمار است. پس از آن کسانی که بین ۳۱-۴۰ هزار درآمد داشتند، قرار دارند. کسانی که بین ۵۱-۶۰ هزار درآمد داشته‌اند گزینه‌ی بی‌نظر را ۳۶,۴ درصد انتخاب کرده‌اند که بالاترین درصد در بین تمام گزینه‌های سن از گزینه‌ی بی‌نظر است. گزینه‌ی کاملاً مخالف را تقریباً هیچ کس انتخاب نکرده است و شباهت شدیدی دارد. آزمون آماری در این رابطه ۰,۴۰۳ است و تفاوت معناداری را بین این گزینه‌ها نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و جنس

جنس	گزینه‌های نگرش		مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	درصد
	کاملاً موافق	کاملاً مخالف					
مرد	۱۷,۷	۱	۱۰,۵	۲۸,۲	۴۳,۱	۴۳,۱	۵۷.۶
زن	۳۱,۴	۰	۴,۶	۱۹,۶	۴۴,۴	۴۴,۴	۴۲.۱
آزمون آماری	df=۲۴		sig= ۰,۱۵۳		X2= ۳۱,۰۲		

جدول ۹۶: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و جنس

مردان در انتخاب گزینه‌های کاملاً موافق و موافق به ترتیب ۱۷,۷ درصد و ۴۳,۱ درصد انتخاب کرده‌اند و گزینه‌ی بی‌نظر را ۲۸,۲ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه‌های مخالف و کاملاً مخالف نیز به ترتیب ۱۰,۵ و ۱ درصد از آمار را تشکیل می‌دهد؛ اما زنان همین آمار را برای گزینه‌های کاملاً موافق و موافق ۳۱,۴ درصد و ۴۴,۴ درصد تشکیل می‌دهد. در حالی که گزینه‌ی بی‌نظر ۱۹,۶ درصد تشکیل می‌دهد. گزینه‌ی کاملاً مخالف برای زنان آمارش صفر است. با آن هم آزمون آماری در این رابطه ۰,۱۵۳ است و تفاوت معناداری را در این رابطه نشان نمی‌دهد. در نتیجه این که مردان نگرش بین‌المللی خود را با توجه به آمار گزینه‌ی بی‌نظر یا پنهان می‌کنند و یا این که مردان با توجه به گزینه‌های کاملاً موافق و موافق نگرش بین‌المللی آنها نسبت به زنان در وضعیت پایین‌تری در نسبت به گویه‌های این شاخص قرار دارد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و تحصیلات

تحصیلات	گزینه‌های نگرش		مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق	درصد
	کاملاً موافق	کاملاً مخالف					
ندارم	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۰.۳
فارغ مکتب	۱۲,۸	۲,۶	۵,۲	۳۵,۹	۴۴	۴۴	۱۰.۷
لیسانس	۲۶,۶	۰	۹,۶	۲۱,۸	۴۲,۱	۴۲,۱	۷۴.۷
ماستری	۱۶,۷	۰	۴,۲	۲۷,۱	۵۲,۱	۵۲,۱	۱۳.۲
دکترا	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰.۶
آزمون آماری	df=۲۴		sig= ۰,۳۴۷		X2= -.050		

جدول ۹۷: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و تحصیلات

رابطه بین تحصیلات و نگرش بین‌المللی نیز یکی دیگر از روابطی بود که مورد سنجش قرار گرفت. در اینجا کسانی که فارغ‌مکتب بودند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۲,۸ درصد و ۴۴ درصد انتخاب کرده‌اند؛ و گزینه بی‌نظر را ۳۵,۹ درصد که نشان می‌دهد نسبت به مسایل بین‌المللی نگاه وسیع و خوش‌بینانه‌ای ندارند. اما کسانی که لیسانس بوده‌اند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۶,۶ درصد و ۴۲,۱ درصد انتخاب کرده‌اند. و کسانی که دوره‌ی ماستری را سپری کرده‌اند پس از آنها قرار می‌گیرند. آزمون آماری در این رابطه ۰,۳۴۷ است که تفاوت معناداری را بین گزینه‌ها نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و شغل

درصد	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	گزینه‌های نگرش / شغل
31.4	۱۱۴	۰,۹	۱۱,۴	۳۱,۶	۳۷,۷	۱۸,۴	شغل آزاد
25.6	۹۳	۰	۵,۴	۲۳,۷	۴۳	۲۸	کارمند دولت
16.5	۶۰	۰	۸,۳	۰,۲۵	۴۱,۷	۲۵	کارمند سازمان خصوصی
9.9	۳۶	۰	۵,۶	۱۹,۴	۵۵,۶	۱۹,۴	استاد دانشگاه
8.3	۳۰	۰	۶,۷	۲۰	۵۶,۳	۲۰	فعال مدنی
4.4	۱۶	۰	۱۳	۱۲,۵	۵۰	۲۵	سایر موارد
X2=۱۰۷,۱۶		df=۱۲۰		sig= ۰,۷۹۳		آزمون آماری	

جدول ۹۸: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و شغل

کسانی که شغل آزاد دارند گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۱۸,۴ درصد و ۳۷,۷ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه بی‌نظر را ۳۱,۶ درصد انتخاب کرده‌اند و مخالف ۱۱,۴ درصد. در این بین بالاترین آمار را گزینه بی‌نظر داراست. کارمندان دولتی گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۸ درصد و ۴۳ درصد انتخاب کرده‌اند؛ اما در این میان بالاترین آمار را فعالین مدنی در بین تمام گزینه‌ها دارند. گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۰ درصد و ۵۶,۳ درصد انتخاب کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که بالاترین سطح نگرش بین‌المللی در بیان اعضای جامعه مدنی بوده است. پس از آن اساتید دانشگاه جایگاه بعدی را دارند. با آن هم آزمون آماری در اینجا ۰,۷۹۳ است که تفاوت معناداری را در این بین نشان نمی‌دهد.

رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و مذهب

درصد	تعداد	گزینه‌های نگرش					مذهب
		کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق	
78.0	۲۸۳	۰,۴	۹,۹	۲۴,۷	۴۲,۸	۲۲,۳	سنی
13.8	۵۰	۰	۲	۳۰	۴۸	۲۰	شیعه
X2= ۲۰,۰۱۷		df=۲۳		sig= ۰,۶۴۱		آزمون آماری	

جدول ۹۹: رابطه بین شاخص نگرش بین‌المللی و مذهب

پیروان مذهب اهل تسنن گزینه‌های کاملاً موافق و موافق را به ترتیب ۲۲,۳ درصد و ۴۲,۸ درصد انتخاب کرده‌اند. همین آمار را پیروان مذهب اهل تشیع ۲۰ درصد و ۴۸ درصد انتخاب کرده‌اند. گزینه بی‌نظر برای اهل تسنن ۲۴,۷ درصد و برای اهل تشیع ۳۰ درصد آمار را گرفته است. همچنان که گزینه مخالف ۹,۹ درصد برای اهل تسنن و فقط ۲ درصد برای اهل تشیع است. آزمون آماری در این رابطه ۰,۶۴۱ است و بر این اساس تفاوت معناداری را بین این دو نشان نمی‌دهد.

فصل پنجم

تحلیلی بر وضعیت فرهنگ سیاسی مردم هرات

در نتیجه‌گیری کلی از داده‌های پژوهش، تلاش ورزیده‌ایم که نخست نتایج جامعه‌شناختانه‌ی هرات را بررسی کنیم و سپس فرهنگ سیاسی مردم هرات را با توجه به مشخصات جامعه‌شناختی این ولایت، دریابیم. در تحلیل، از ولایت هرات یادآوری کرده‌ایم؛ زیرا به صورت ضمنی دریافته‌ایم که اصالت تعداد زیادی از پرسش‌شوندگان، به ولسوالی‌های هرات می‌رسد و رابطه‌ی آنان با مناسبات روستاهای ولسوالی‌ها به صورت دوامداری وجود دارد. حتا تعدادی از افراد، از ولایات دیگری بوده‌اند که در هرات سکنی گزیده‌اند و امروزه شهروند هرات به شمار می‌روند.

تحلیل جامعه‌شناختی

از تحلیل‌های داده‌های جمعیت‌شناختی این پژوهش، سه نتیجه‌ی کلی به دست آمده است. هرات دارای جامعه‌ای متکثر است، هرات بیشتر دارای جمعیت طبقه‌ی متوسط است و شکاف‌های اجتماعی در این ولایت قابل شناسایی است.

الف) هرات دارای جامعه‌ای متکثر است

تکثر جامعه‌ی هرات با سه شاخص، قوم، زبان و مذهب تحلیل گردیده است.

۱. قوم

نتایج داده‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که هرات رنگین‌کمانی از اقوام، مذاهب و زبان‌های گوناگون است. جامعه‌ی موزاییکی هرات، طبق داده‌های آماری تقریباً تمامی اقوام کشور را دربرگرفته است. در این ولایت، برعلاوه‌ی تاجیک‌ها، پشتون‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها و ترکمن‌ها، گزینه‌ی سایر اقوام هم درصد کوچکی را نشان داده است که به‌خوبی مبین، جامعه‌ی موزاییکی هرات است.

۲. مذهب

بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی در بخش مذهب نشان می‌دهد که ولایت هرات، اکثریتی سنی‌مذهب دارد که در کنار اقلیت قابل توجهی از اهل تشیع زندگی می‌کنند.

۳. زبان

هرچند داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که زبان فارسی دارای اکثریت قاطعی است؛ اما در کنار فارسی، زبان پشتو، ترکمنی، ازبکی گویندگان خاص خود را دارد. در کنار این‌ها، برخی از پرسش‌شوندگان، زبان خود را غیر از زبان‌های یادشده، انتخاب کرده‌اند که در گزینه‌ی سایر موارد جای گرفته است.

ب) هرات جامعه‌ای دارای اکثریت طبقه‌ی متوسط است

طی بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی در شاخص‌های سن، تحصیلات و شغل، این نتیجه‌گیری به دست آمده است که جامعه‌ی هرات، جامعه‌ای متوسط است.

۱. درآمد

در تشخیص طبقه‌ی متوسط در یک جامعه، درآمد یکی از متغیرهای اساسی است. متغیر درآمد نشان می‌دهد که بیشترین درآمد پاسخ‌دهندگان، بین ۱۰ تا ۲۰ هزار بوده است که ۱۸۳ نفر چنین درآمدی داشته‌اند. ۵۲ نفر دیگر درآمدی بین ۲۱ تا ۳۰ هزار داشته است که بیانگر، طبقه‌ی متوسط بودن جامعه است.

۲. تحصیلات

بر اساس اعتماد جامعه‌شناسان، تحصیلات از متغیرهای تشخیص طبقه‌ی متوسط یک جامعه است. داده‌های پژوهش نشان داده است که هرات جامعه‌ی باسوادی است. هرچند تعدادی بیسواد هم در پژوهش شرکت کرده‌اند؛ اما اکثریت پاسخ‌دهندگان باسوادانی بوده‌اند که درجه‌ی تحصیل آن‌ها از فارغ‌مکتب تا دکترا تقسیم‌بندی شده است که اکثریت قابل توجهی از آنان لیسانس هستند.

۳. شغل

شغل یکی دیگر از متغیرهای اساسی تشخیص طبقه‌ی متوسط است. بخش اعظم پاسخ‌دهندگان، شغل آزاد را انتخاب کرده‌اند که در عین حال دانشجو هم بوده‌اند. تعداد قابل توجهی هم شغلی دولتی داشته‌اند و در میان پاسخ‌دهندگان، استادان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی هم حضور دارند. ضمن این‌که، تعدادی هم سایر موارد را انتخاب کرده‌اند که عبارت از شغل‌هایی بوده که در پرسش‌نامه مطرح نشده است.

ج) شکاف‌های اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی از مباحث مهم، جوامع بشری است. هرچه تعداد شکاف‌های فعال در یک جامعه بیشتر باشد؛ نگرانی از ستیزش اجتماعی بالا می‌رود و شکاف‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در نگرش عمومی جامعه دارد که می‌تواند فرهنگ سیاسی جامعه را صورت‌بندی کند.

۱. شکاف نسلی

داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شکاف‌های اجتماعی در شاخص‌های متفاوتی تبلور یافته است. با این حال نسل جوان با نسل پیشین در شاخص‌های آگاهی سیاسی، باور به حکومت دینی، نگرش بین‌المللی، مشارکت سیاسی و نقش قومیت‌ورزی نگرش مشابهی دارند؛ اما در شاخص‌های دیگر این امر متفاوت است. در شاخص نگرش اقتصادی تفاوت دیدگاه دیده می‌شود؛ زیرا هرچه سن بالاتر رفته است؛ نگرش افراد اقتصادی‌تر شده است و در شاخص اعتماد به نهادهای سنتی، بزرگسالان موافقت بیشتری نشان داده‌اند. از سوی دیگر، نگرش ملی بزرگسالان نسبت به جوانان قوی‌تر بوده و جوانان به نهادهای دینی بیشتر توافق نشان داده‌اند. در حالی که جوانان به عملکرد سیاسی اعتماد بیشتری نشان داده‌اند، کهنسالان نسبت به کارآیی سیاسی تردید بیشتری ابراز داشته‌اند.

۲. شکاف قومی

شکاف قومی با درصد بالایی در داده‌های پژوهش قابل شناسایی است. به جز چهار شاخص آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی، نقش قومیت در سیاست‌ورزی و نگرش اقتصادی، ذهنیت عمومی در هشت شاخص دیگر با تفاوت‌های چشم‌گیر با هم تفاوت دارند.

۳. شکاف جنسیتی

شکاف جنسیتی در داده‌های تحقیق زیاد نگران‌کننده نیست. تقریباً نگاه دو جنس زن و مرد به شاخص‌ها مشابه بوده است. تنها در شاخص‌های باور به حکومت دینی و اعتماد به نهادهای دینی، زنان بیشتر از مردان موافقت نشان داده‌اند و در مقابل مردان نگرش ملی قوی‌تری از زنان داشته‌اند.

۴. شکاف سنت و مدرنیته

شکاف سنت و مدرنیته با تحلیل شاخص تحصیلات بررسی گردیده است. این شکاف یکی از شکاف‌های فعال جامعه‌ی هرات است؛ طوری که شاخص تحصیلات فقط در شاخص‌های مشارکت سیاسی و نگرش بین‌المللی با دیگران نگاه مشترکی داشته‌اند. علاوه بر این شاخص، فعالین مدنی تقریباً در تمام موارد با افکار عمومی تفاوت دیدگاه داشته‌اند.

۵. شکاف طبقاتی

شکاف طبقاتی مبتنی بر شاخص درآمد، زیاد برجسته نیست. تنها در چهار شاخص تفاوت دیدگاه طبقاتی دیده می‌شود. در شاخص نگرش اقتصادی، داده‌ها نشان می‌دهد که افراد با درآمد بیشتر، نگرش اقتصادی‌تری به مسایل دارند. افراد دارای درآمد کمتر نگرش ملی بالاتری داشته‌اند و افراد با درآمد بالاتر، موافقت بیشتری به نهادهای دینی نشان داده‌اند در حالی که همین افراد نسبت به افراد کم‌درآمد، به عملکرد سیاسی تردید بیشتری نشان داده‌اند.

۶. شکاف مذهبی

شکاف مذهبی از شکاف‌های فعال جامعه‌ی هرات تشخیص داده شده است. دو مذهب شیعه و سنی در چهار شاخص، نقش قومیت در سیاست‌ورزی، نگرش بین‌المللی، احساس کارآیی سیاسی و آگاهی سیاسی

نگرش مشابهی داشته‌اند؛ اما در هشت شاخص دیگر، تفاوت دیدگاه این دو فرقه مذهبی محرز است. در حالی که شیعه‌ها با شاخص‌های باور به حکومت دینی و اعتماد به نهادهای دینی کمتر موافقت نشان داده‌اند؛ سنی‌ها به نهادهای سنتی باور بیشتری داشته‌اند. در شاخص مشارکت سیاسی، اهل تشیع موافقت بیشتری نشان داده‌اند و در شاخص‌های ارزیابی عملکرد سیاسی، نگرش ملی، نگرش اقتصادی و اعتماد سیاسی، اهل تسنن درجه‌ی موافقت بالاتری نشان داده‌اند.

تحلیل فرهنگ سیاسی

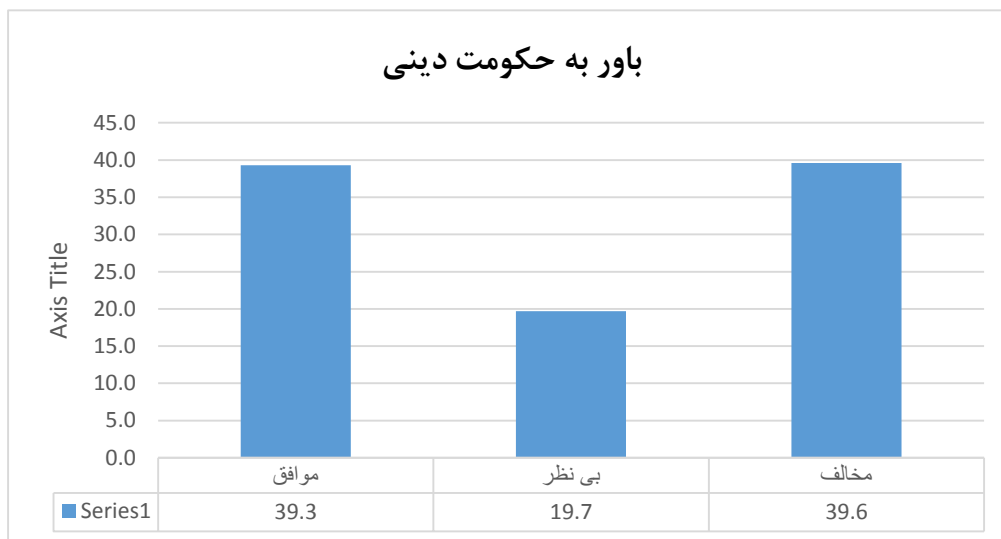
در تحلیل فرهنگ سیاسی هرات، به تو بخش عمده عطف توجه شده است. نخست این که فرهنگ سیاسی هرات در کدام نوع از فرهنگ‌های سیاسی مورد نظر آلموند و وربا قرار می‌گیرد و دوم این که فرهنگ سیاسی هرات چه مؤلفه‌هایی دارد؟

الف) نوع فرهنگ سیاسی هرات

فرهنگ سیاسی هرات، با توجه به شاخص‌های تعیین شده، فرهنگ سیاسی محدود و مشارکتی را بررسی کرده است. سه متغیر دین، قوم و نگرش ملی در پیوند با فرهنگ سیاسی محدود گزینش شده است و متغیرهای دموکراسی، نگرش اقتصادی و نگرش بین‌المللی در پیوند با فرهنگ سیاسی مشارکتی مدنظر قرار گرفته‌اند. هرچند فرهنگ سیاسی تبعی، در خلال تحلیل شاخص‌های متفاوت به صورت ضعیفی قابل استخراج است؛ اما از آن جایی که دین و قوم به عنوان ساختارهای ایدئولوژیک عمل نکرده‌اند؛ فرهنگ محدود بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

فرهنگ محدود

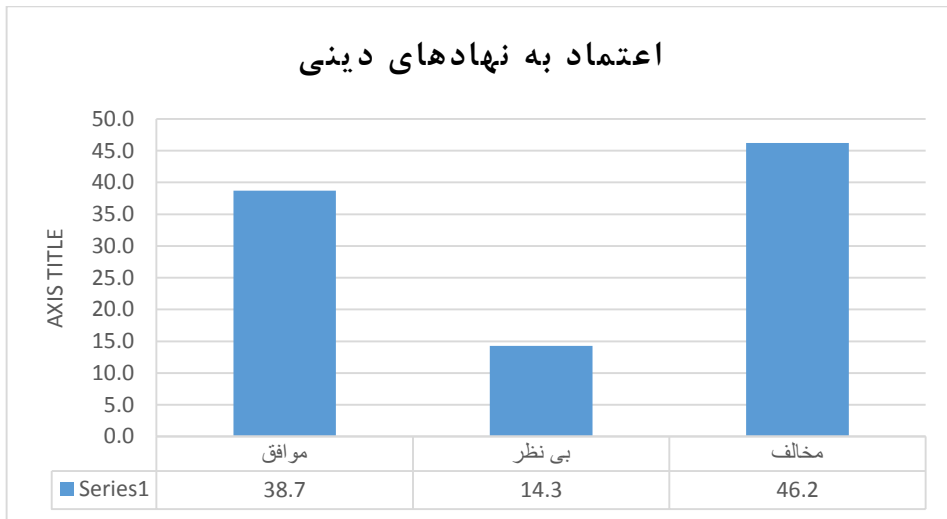
فرهنگ محدود با توجه به داده‌های دو متغیر دین (شاخص‌های اعتماد به به نهاد دینی و اعتماد به نهادهای دینی) و قوم (شاخص‌های نقش قومیت در سیاست‌ورزی و اعتماد به نهادهای سنتی) و نگرش ملی بررسی گردیده است.



نمودار ۸ نمودار سه قطبی باور به حکومت دینی

طوری که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد؛ در مورد باور به حکومت دینی، جامعه‌ی هرات در حالت میانه قرار دارد. تعداد موافقان و مخالفان به شدت به هم نزدیک‌اند. از لحاظ سنی، جوانان بین ۲۰-۲۵ سال، با درصد بسیار بالایی موافق حکومت دینی بوده‌اند در حالی که با افزایش تحصیلات، باور به حکومت دینی کمتر شده است. البته در این میان، لیسانس‌ها موافقت بیشتری نسبت به سایر درجه‌های تحصیل ابراز داشته‌اند. داده‌های پژوهش هم‌چنان نشان می‌دهد که زنان بیشتر به حکومت دینی باور داشته‌اند و شیعه‌ها موافقت کمتری نشان داده‌اند. از لحاظ قومی، پشتون‌ها، تاجیک‌ها، سایر اقوام و هزاره‌ها به ترتیب بیشترین و کمترین باور را به حکومت دینی داشته‌اند. از لحاظ شغلی، جامعه‌ی مدنی کمترین باور به حکومت دین را تبارز داده است و سایر شغل‌ها، تقریباً درصدهای مشابهی را نشان می‌دهند. از لحاظ درآمد داده‌ها تقریباً مشابه است و تفاوت چشم‌گیری را نشان نمی‌دهند.

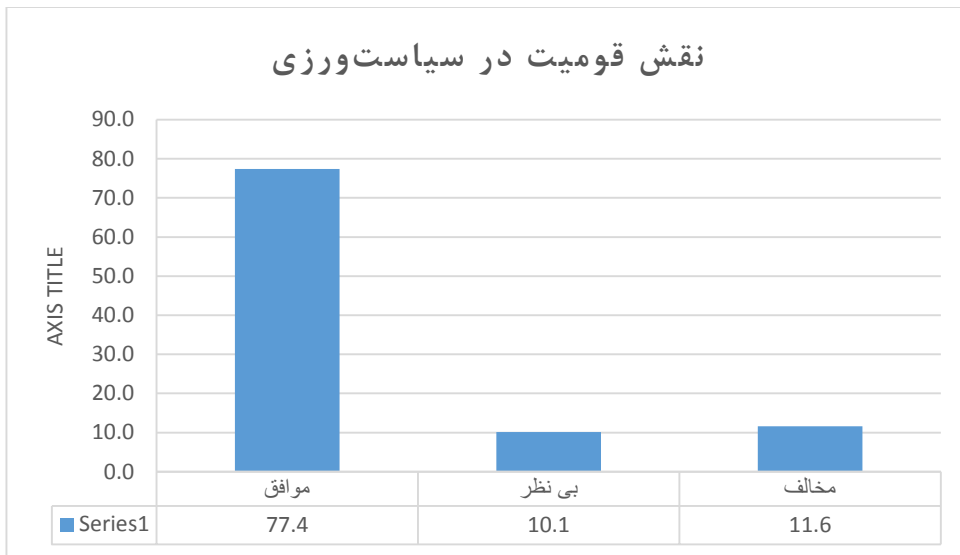
ب) شاخص اعتماد به نهادهای دینی



نمودار ۹: نمودار سه قطبی اعتماد به نهادهای دینی

در این شاخص نشان داده شده است که جامعه نسبت به نهادهای دینی، به سوی بی‌اعتمادی در حرکت است. تعداد مخالفان این شاخص، درصد محسوسی را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهد که جوانان بین ۲۰ تا ۲۵ سال بیشترین اعتماد را به نهاد دینی داشته‌اند. از لحاظ قومی، پشتون‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها ترکمن‌ها و ازبک‌ها به ترتیب بیشترین و کمترین اعتماد به نهاد دینی داشته‌اند. هرچه درآمد افراد بالاتر بوده است؛ موافقت با شاخص نهاد دینی بیشتر شده است و از منظر جنسیتی، زنان اعتماد بیشتری به نهاد دینی داشته‌اند. بررسی داده‌های پژوهش در بخش تحصیلات نشان می‌دهد که با بالا رفتن تحصیلات، اعتماد به نهاد دینی کمتر شده است؛ طوری که لیسانس‌ها بیشترین موافقت و افراد با تحصیلات ماستری دارای موافقت کمتری نسبت به لیسانس‌ها را نشان داده‌اند. نکته‌ی جالب توجه این است که افراد دارای تحصیلات دکترا، کاملاً با نهاد دینی مخالف بوده‌اند. از لحاظ شغلی، بیشترین موافقت را افراد دارای شغل آزاد داشته‌اند و فعالین مدنی کمترین موافقت را ابراز داشته‌اند و در نهایت، از دیدگاه مذهبی، سنی‌ها بیشتر از شیعه‌ها به نهاد دینی اعتماد داشته‌اند.

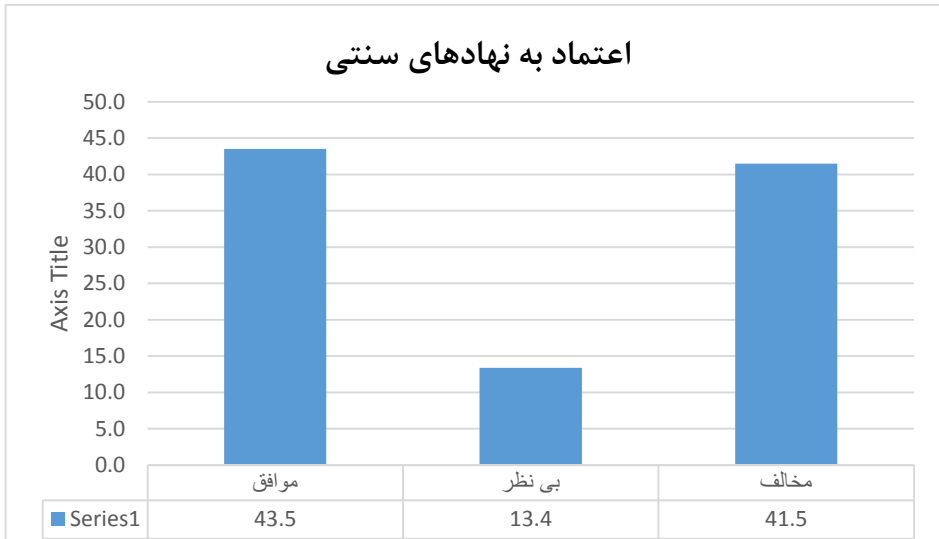
ج) نقش قومیت در سیاست‌ورزی



نمودار ۱۰: نمودار سه قطبی نقش قومیت در سیاست‌ورزی

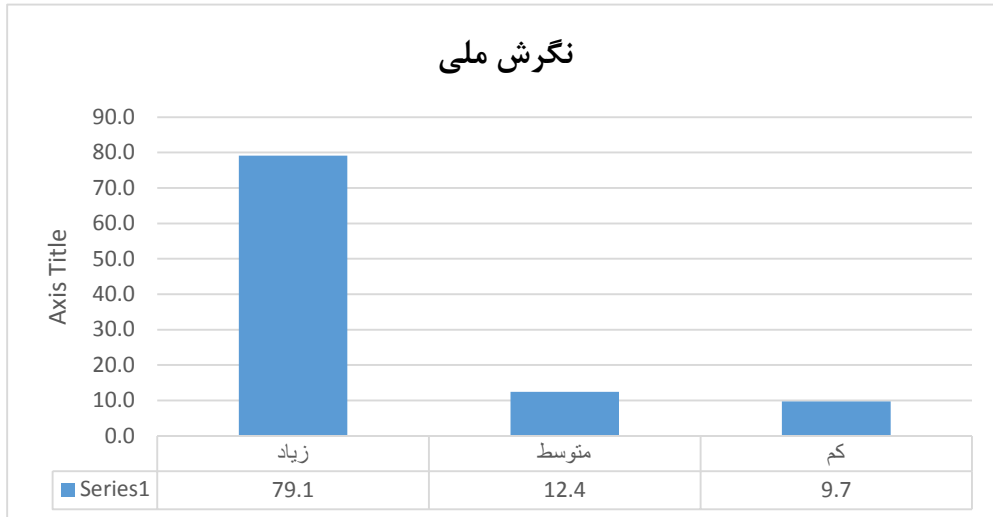
از دیدگاه مردم هرات، نقش قومیت در سیاست‌ورزی برجسته و تعیین‌کننده است. درصد بالای موافقان به خوبی این امر را در جدول فوق نشان می‌دهد. داده‌های شاخص بیان‌گر این است که از لحاظ سنی، تقریباً تمام سنین به نقش تعیین‌کننده‌ی قومیت در سیاست‌باور داشته‌اند؛ اما در این میان سنین ۲۰-۲۵ بیشتر موافقت را نشان داده‌اند. از نظر قومی تقریباً تمام اقوام نظر مشابهی دارند، اما هزاره‌ها، تاجیک‌ها و پشتون‌ها و سایر اقوام به ترتیب بیشتر و کمترین موافقت را نشان داده‌اند. از نظر درآمد و جنس، نظرهای موافق با سیاست‌ورزی قومی تقریباً به صورت کامل مشابه است. از دیدگاه تحصیلات، نتایج برآمده نشان می‌دهد که هرچه تحصیلات افراد بالاتر رفته است؛ باور به سیاست قومی بیشتر شده است. البته در این میان فارغین صنف دوازهم و لیسانس‌ها، موافقت بیشتری نسبت به افرادی که ماستری و دکترا داشته‌اند؛ نشان داده شده است. از لحاظ شغلی هم نظرات مشابه بوده اما، افراد دارای شغل آزاد و کارمندان دولت بیشتر به نقش قومیت در سیاست‌ورزی باور معتقد بوده‌اند. نکته‌ی قابل توجه در این شاخص این است که از کارمندان دولت حتا یک نفر هم مخالف سیاست‌ورزی قومی در دولت نبوده است. از منظر مذهبی هم نتایج مشابهی در موافقت به‌دست آمده است.

د) اعتماد به نهادهای سنتی



نمودار ۱۱: نمودار سه قطبی اعتماد به نهادهای سنتی

در مورد اعتماد به نهادهای سنتی جامعه در حالت میانه قرار دارد و تفاوت اندک موافقان، نمی تواند زیاد تعیین کننده باشد. تحلیل داده ها نشان می دهد که با افزایش سن، موافقت بیشتری مشاهده شده است. در این میان، سنین ۲۰-۲۵ کمترین اعتماد را نشان داده اند. نسبت جنس و اعتماد به نهادهای سنتی مشابه است و از لحاظ قومی، به ترتیب، پشتون ها، هزاره ها، تاجیک ها، ترکمن ها، ازبک ها و سایر اقوام بیشترین و کمترین اعتماد را به نهادهای سنتی داشته اند. بررسی شاخص تحصیلات نشان می دهد که هرچه درجه تحصیلی بالاتر رفته است؛ درجه موافقت با نهادهای سنتی کمتر شده است، طوری که در میان درجه تحصیلی دکترا گزینه های موافقت کاملاً صفر بوده است. از دیدگاه شغلی، کارمندان دولت و نهادهای خصوصی بیشترین اعتماد را به نهادهای سنتی نشان داده اند و درصد اعتماد بین فعالین مدنی صفر است. از لحاظ مذهبی، سنی ها بیشتر از شیعه ها موافق بوده اند و از نظر درآمد ماهانه نظرات مشابه بوده است.



نمودار ۱۲: نمودار سه قطبی نگرش ملی

جدول فوق نشان می‌دهد که مردم هرات، نگرش ملی بالایی داشته‌اند. آمار زیاد به خوبی بیان گر این موضوع است. در این شاخص، جوانان سنین ۲۰-۲۵ بیشترین موافقت را نشان داده‌اند؛ هرچند به صورت کلی، نرخ توافق در بین همه بالا بوده است. از منظر قومی، پشتون‌ها، تاجیک‌ها، سایر اقوام، هزاره‌ها، ترکمن‌ها و ازبک‌ها، به ترتیب، بیشترین و کمترین نگرش ملی را بروز داده‌اند. از دیدگاه درآمد؛ افرادی با درآمد کمتر و درآمد بالاتر، نگرش ملی بالاتری داشته‌اند و درآمد میانه نگرش ملی کمتری نشان داده‌اند. از منظر جنسیتی، زنان نگرش ملی کمتری را نشان داده‌اند و از نظر تحصیلات، فارغین صنف دوازدهم نگرش ملی قوی داشته‌اند و طبقه‌ی متوسط فرهنگی کمتر ابراز نگرش ملی کرده‌اند. از لحاظ شغلی نظرات تقریباً مشابه است ولی طبقه‌ی متوسط بیشتر نگرش ملی را مدنظر داشته‌اند و از لحاظ مذهبی، شیعه‌ها کمتر از سنی‌ها به نگرش ملی باور داشته‌اند.

فرهنگ مشارکتی

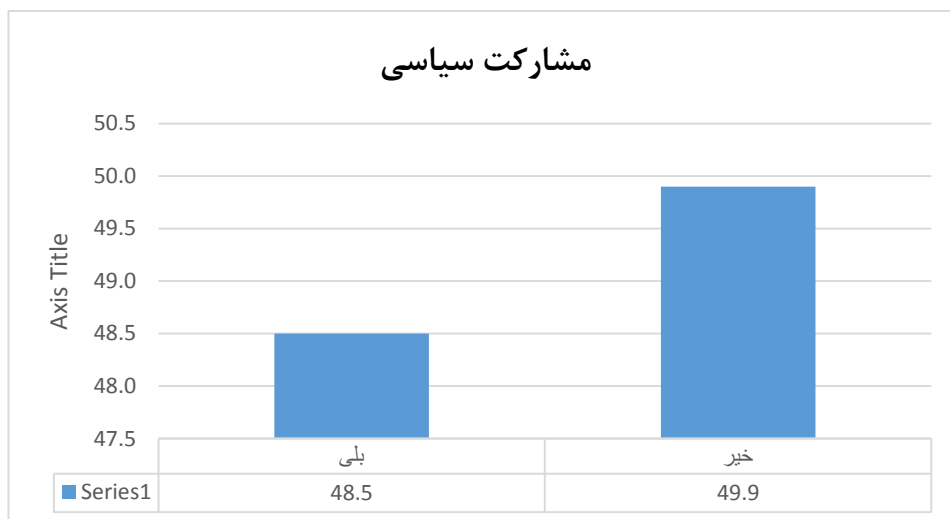
متغیر اصلی فرهنگ مشارکتی در پژوهش، دموکراسی انتخاب شده است و با شاخص‌های آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی، احساس کارآیی سیاسی، اعتماد سیاسی و ارزیابی عملکرد سیاسی بررسی شده است و در کنار آن نگرش اقتصادی و بین‌المللی به تحلیل کمک کرده است.

الف) آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی بین تمام متغیرهای جامعه‌شناختی بالا بوده است؛ طوری که در هفت گویه‌ی ارایه شده؛ به نوع نظام سیاسی افغانستان، ۷۳،۳ جواب درست ارایه کرده‌اند. ۷۸،۵ درصد افراد از سال‌روز استقلال افغانستان آگاهی داشته‌اند و ۷۷،۴ درصد پاسخ‌دهندگان می‌دانستند که انتخابات ریاست جمهوری هر پنج

سال یکبار برگزار می‌شود. تعداد اعضای پارلمان افغانستان را ۶۳,۴ افراد به‌درستی جواب داده‌اند و ۸۴,۳ درصد، نام رییس پارلمان افغانستان را می‌دانسته‌اند. اما بیشترین علاقه‌ی برنامه‌های تلویزیونی، در بین پرسش‌شوندگان، اخبار بوده است که ۵۹,۵ درصد را تشکیل داده است. پاسخ‌دهندگان، بیشترین علاقه را به خواندن کتاب‌های سیاسی با ۴۵,۵ ارایه داده‌اند.

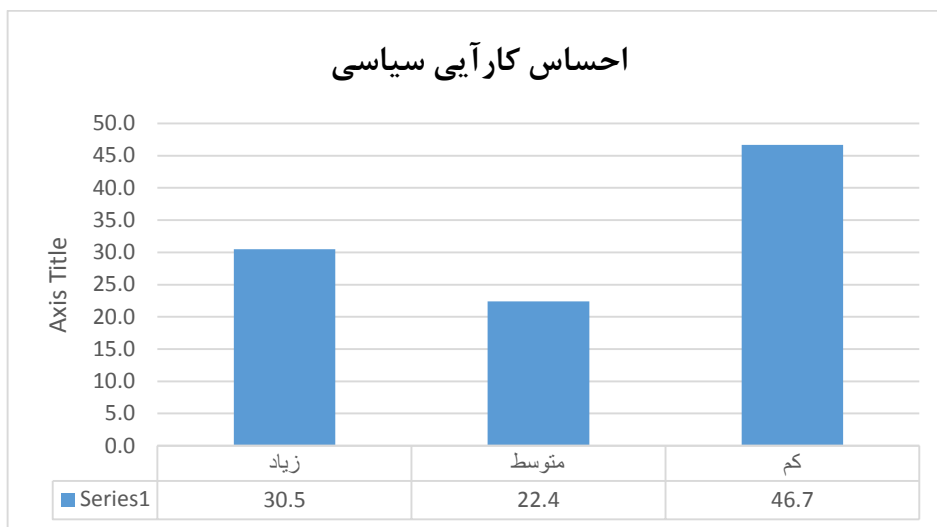
(ب) مشارکت سیاسی



نمودار ۱۳: نمودار دو قطبی مشارکت سیاسی

جامعه‌ی هرات، به‌طور کلی از لحاظ مشارکت سیاسی دوقطبی شده است. تفاوت موافقت و مخالفت خیلی به هم نزدیک است؛ اما تحلیل گویه‌های شاخص، امیدوار کننده است. تمام سنین تقریباً به طور مشابه به مشارکت باور داشته‌اند و تمامی اقوام تقریباً به مشارکت سیاسی باور کامل ابراز کرده‌اند. متغیرهای جامعه‌شناختی، درآمد ماهانه، جنس، تحصیلات و شغل کاملاً به صورت مشابه به مشارکت سیاسی باور داشته‌اند و فقط از لحاظ مذهبی، شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها بیشتر به مشارکت سیاسی، علاقه نشان داده‌اند.

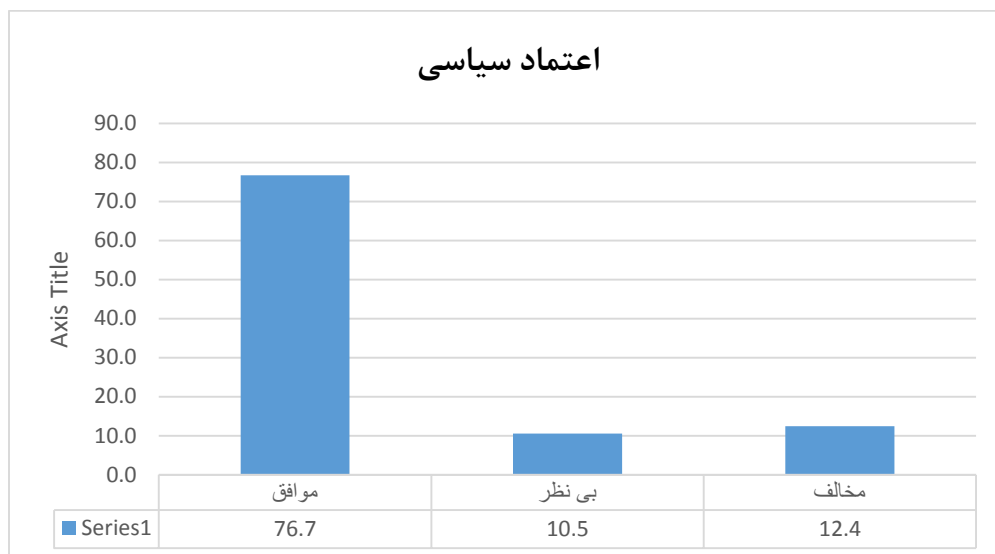
ج) احساس کارآیی سیاسی



نمودار ۱۴: نمودار سه قطبی احساس کارایی سیاسی

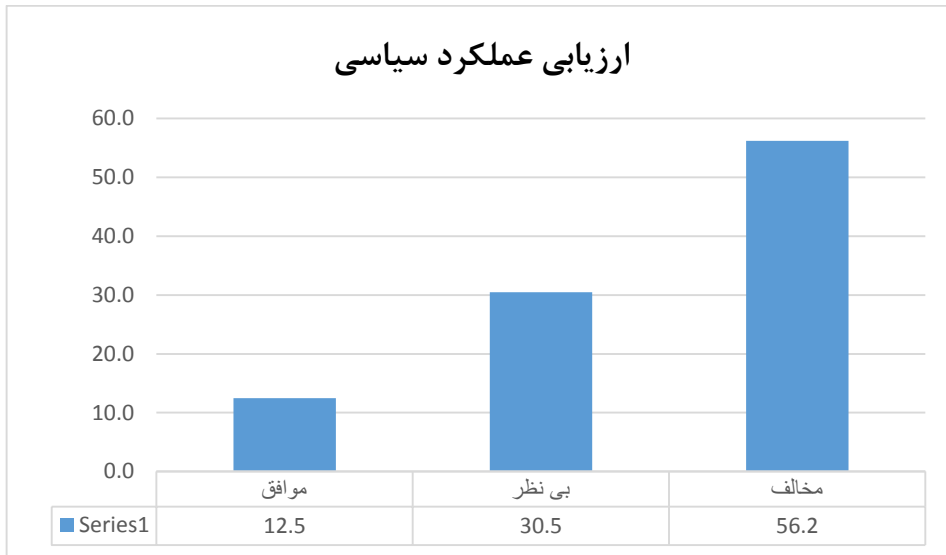
به صورت کلی، مردم هرات نسبت به احساس کارآیی سیاسی، نسبتاً ناامیدانه نظر داده‌اند. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهند که حداقل یک سوم جامعه، احساس کارآیی سیاسی دارند. این احساس، بین سنین مختلف کم نشان داده شده است. در این میان، افراد بالاتر از ۶۰ سال، احساس کارآیی کمتری نشان داده‌اند. از منظر قومی، پشتون‌ها و هزاره‌ها نسبت به تاجیک‌ها احساس کارآیی سیاسی بیشتری نشان داده‌اند و ترکمن‌ها و ازبک‌ها و سایر اقوام، موافقت‌شان با این گزینه صفر بوده است. از لحاظ متغیر جنس، هردو جنس مرد و زن، به کارآیی سیاسی نسبتاً کم باور داشته‌اند. احساس کارآیی سیاسی بین تحصیل کرده‌ها نسبتاً زیاد بوده است و هرچه سطح تحصیل بالاتر رفته است؛ این احساس کمتر شده است. از دیدگاه شغل، کارمندان دولت و شغل‌های آزاد و فعالین مدنی احساس کارآیی سیاسی بیشتری نسبت به کارمندان خصوصی و استادان دانشگاه نشان داده‌اند و از دیدگاه مذهبی و درآمد، احساس کارآیی پایین بوده و تفاوت زیادی به چشم نمی‌خورد.

د) اعتماد سیاسی



نمودار ۱۵: نمودار سه قطبی اعتماد سیاسی

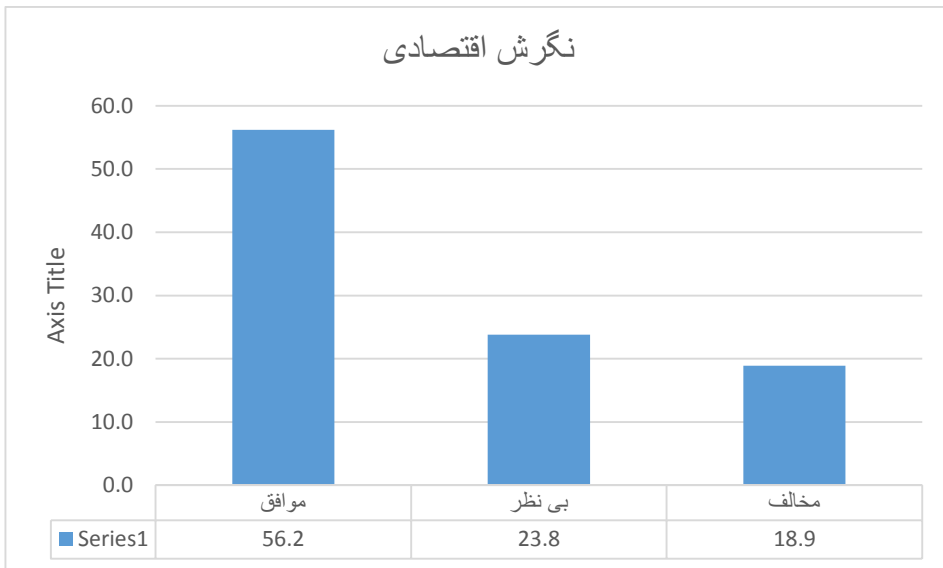
از آن جایی که سنجه‌هایی که برای سنجش این شاخص در نظر گرفته شده است؛ با ساختار منفی همراه است؛ اعتماد سیاسی مردم هرات به شدت پایین نشان داده شده است. داده‌های شاخص نشان می‌دهند که بزرگسالان نسبت به جوانان اعتماد سیاسی بیشتری داشته‌اند. از لحاظ قومی، پشتون‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها، سایر اقوام، ازبک‌ها و ترکمن‌ها به ترتیب بیشترین و کمترین اعتماد سیاسی را نشان داده‌اند. از لحاظ جنس، شغل و درآمد ماهانه تفاوتی در دیدگاه‌ها دیده نمی‌شود. متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که هرچه هرچه تحصیلات بالا رفته است؛ اعتماد سیاسی کمتر شده است و شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها از خود کمتر اعتماد سیاسی بروز داده‌اند.



نمودار ۱۶: نمودار سه قطبی ارزیابی عملکرد سیاسی

با توجه به جدول فوق، مردم هرات به عملکرد سیاسی دولت نمره‌ی منفی داده‌اند. تفاوت بین مخالفین و موافقین عملکرد خوب دولت، به خوبی نارضایتی مردم را نسبت به دولت نشان می‌دهد. تحلیل داده‌ها بیان‌گر است که جوانان بین ۲۰-۲۵ به عملکرد سیاسی خوب دولت، موافقت بیشتری نشان داده‌اند و افراد بالای ۶۰ سال، کمترین توافق را نشان داده‌اند. از دیدگاه قوم، پشتون‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها، سایر اقوام، ترکمن‌ها و ازبک‌ها به ترتیب، بیشترین و کمترین توافق را با عملکرد سیاسی داشته‌اند. افراد دارای کم‌ترین درآمد، بیشترین موافقت را با عملکرد سیاسی داشته‌اند و افراد دارای درآمد بیشتر موافقت کمتری بروز داده‌اند. افراد از لحاظ جنس نظرات مشابهی ارایه کرده‌اند و هرچه تحصیلات بالاتر رفته است؛ با عملکرد سیاسی موافقت کمتری نشان داده شده است؛ به جز لیسانس‌ها که از این قاعده پیروی نکرده‌اند. از منظر شغلی، فقط افراد شغل آزاد، موافقت ضعیفی با عملکرد خوب سیاسی ارایه کرده‌اند و سنی‌ها نسبت به شیعه‌ها بیشتر به عملکرد سیاسی خوب باور داشته‌اند.

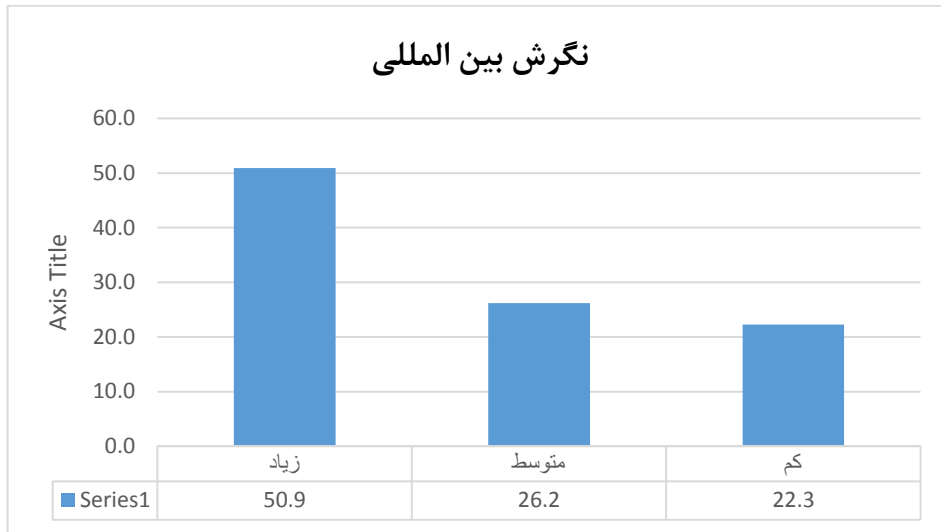
ز) نگرش اقتصادی



نمودار ۱۷: نمودار سه قطبی نگرش اقتصادی

جدول فوق نشان می‌دهد که نگرش اقتصادی مردم هرات با درصد بالایی مثبت است. این نگرش از منظر متغیرهای قوم، جنس و شغل مشابه بوده است؛ اما از لحاظ سنی هر چه سن بالاتر رفته است؛ نگرش اقتصادی تغییر کرده است. از سوی دیگر، هرچه درآمد ماهانه بالاتر بوده است؛ نگاه افراد اقتصادی‌تر شده است و با بالارفتن سطح تحصیلات، توقعات اقتصادی بالاتر رفته است و در نهایت، شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها نگرش پایین‌تری را نشان داده‌اند.

ک) نگرش بین‌المللی

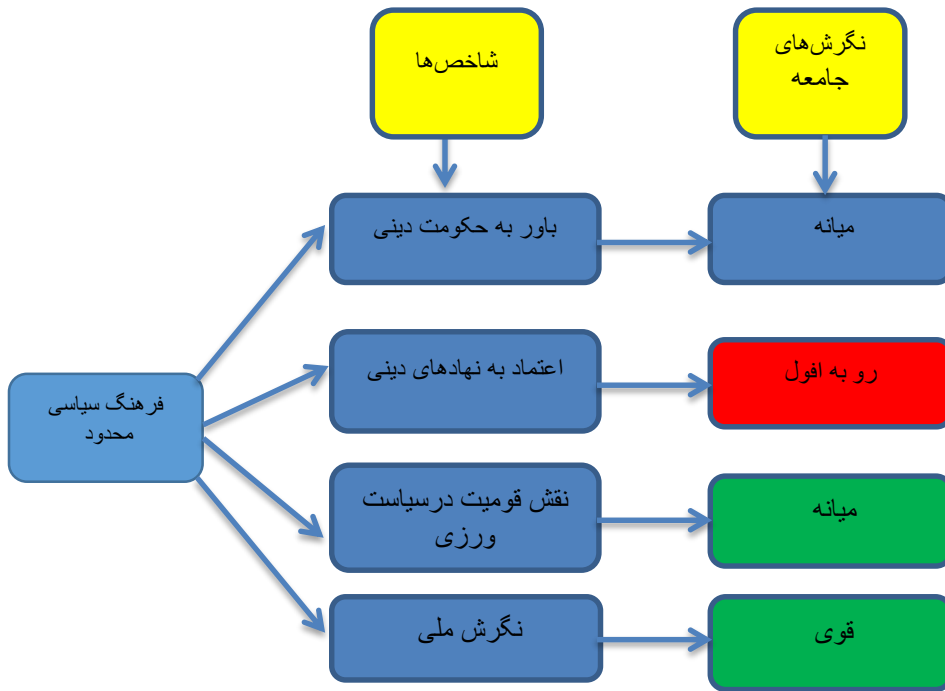


نمودار ۱۸: نمودار سه قطبی نگرش بین‌المللی

مردم هرات نسبت به نگرش بین‌المللی نظر مثبتی داشته‌اند، تفاوت نظرات زیاد نسبت به کم، گویای این مطلب است. تحلیل داده‌های این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به متغیرهای سن، درآمد ماهانه، جنس، تحصیلات، شغل و مذهب، افراد نگرش بین‌المللی مشابهی را بروز داده‌اند. در این شاخص تنها، نگرش قومی تفاوت داشته است. هزاره‌ها، پشتون‌ها، سایر اقوام، تاجیک‌ها، ترکمن‌ها و ازبک‌ها، به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین نگرش بین‌المللی را نشان داده‌اند.

با توجه به توضیحات بالا و تحلیل سمت‌وسوگیری‌های داده‌های پژوهش می‌توان با تحلیل دو فرهنگ محدود و مشارکتی نوع فرهنگ سیاسی حاکم بر هرات را مشخص ساخت.

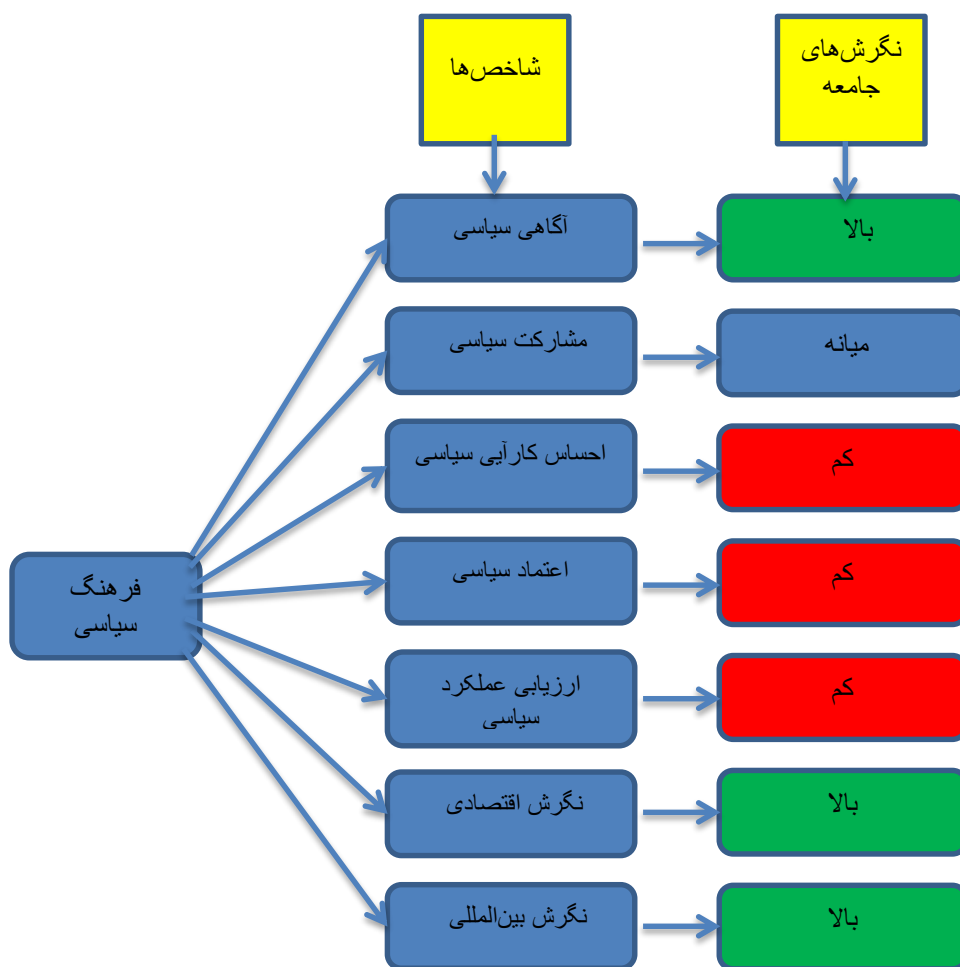
رابطه فرهنگ سیاسی محدود با فرهنگ سیاسی هرات



شکل ۲: رابطه فرهنگ سیاسی محدود با فرهنگ سیاسی هرات

طوری که جدول بالا نشان می‌دهد؛ فرهنگ محدود در هرات بسیار برجسته نیست. هرچند شاخص‌های نقش قومیت در سیاست‌ورزی و نگرش ملی، قوی نشان داده شده، اما باور به حکومت دینی در سطح میانه قرار گرفته و اعتماد به نهادهای دینی، رو به افول نهاده است. بنابراین به صورت قطعی نمی‌توان از تسلط فرهنگ سیاسی، محدود در هرات سخن گفت هرچند که هنوز برخی شاخص‌ها چون ذهنیت قومی و نگرش ملی انحصارطلب، بیانگر رگه‌های قوی فرهنگ محدود است.

رابطه فرهنگ سیاسی مشارکتی با فرهنگ سیاسی هرات



شکل ۳: رابطه فرهنگ سیاسی مشارکتی با فرهنگ سیاسی هرات

در فرهنگ مشارکتی سه شاخص آگاهی سیاسی، نگرش اقتصادی و نگرش بین‌المللی، بیان‌گر این است که مردم هرات به فرهنگ سیاسی مشارکتی باور عمیقی دارند. شاخص مشارکت سیاسی، در میانه قرار گرفته است. داده‌ها در این شاخص نشان می‌دهند که مردم هرات میل به مشارکت سیاسی در انتخابات، تظاهرات و همایش دارند؛ اما از عضویت رسمی در یک حزب سیاسی ابا می‌ورزند. بنابراین تحلیل واقعی این شاخص هم نشان می‌دهد که مردم هرات به مشارکت سیاسی باور زیادی دارند.

نگرش مردم هرات نسبت به سه شاخص احساس کارآیی سیاسی، اعتماد سیاسی و ارزیابی سیاسی، کم نشان داده شده است. این مسأله به معنی عدم باور مردم به این شاخص‌ها نیست؛ بلکه مردم به عملکرد

دولت به عنوان یک دولت خدمت‌گذار، دموکراتیک و موفق، اعتراض نموده‌اند که این خود به نحوی مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد.

با توجه به توضیحات بالا، به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ سیاسی هرات، هرچند به فرهنگ سیاسی مشارکتی باور داشته است؛ اما رگه‌هایی قوی از فرهنگ محدود را با خود همراه دارد. بنابراین فرهنگ سیاسی هرات بین فرهنگ محدود و مشارکتی در نوسان است که میل این فرهنگ به سوی فرهنگ مشارکتی بیشتر است. از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی هرات با توجه تفاوت‌نظرهای عمیق، به‌ویژه در سه شاخص احساس کارآیی، اعتماد سیاسی و ارزیابی عملکرد سیاسی، فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا تشخیص داده می‌شود. از سوی دیگر، با وجود شکاف‌های اجتماعی متعدد، خرده‌فرهنگ‌های مستقلی که فرهنگ سیاسی مستقلی را دنبال می‌کنند؛ قابل شناسایی است. این خرده‌فرهنگ‌ها با توجه به شکاف‌های اجتماعی، گروه‌های قومی، مذهبی، نسلی و تحصیلی را در برمی‌گیرند. فرهنگ سیاسی هرات، با توجه به تقسیم‌بندی آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی منازعه‌گراست که خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی را در خود جای داده است. لذا فرهنگ سیاسی هرات، با توجه به تقسیم‌بندی آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی محدود- مشارکتی است و از دیدگاه نظریه‌ی روزنابن، این فرهنگ را می‌توان فرهنگ سیاسی چندپاره نامید.

ب) مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی هرات

از آنجایی که مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی هرات، مربوط دوره‌ی خاص پژوهش بوده است و این مؤلفه‌ها می‌تواند با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی دست‌خوش تغییر شوند؛ بناءً نمی‌توان به‌طور قطع این مؤلفه‌ها را به عنوان مؤلفه‌های دیرپا و ماندگار تلقی کرد.

۹. ناامیدی

احساس ناامیدی از مشخصات اصلی فرهنگ سیاسی هرات است. درصد قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان به شاخص‌های اعتماد سیاسی، احساس کارآیی سیاسی و ارزیابی عملکرد سیاسی، اظهار نومییدی کرده‌اند. در این میان، این نومییدی در متغیرهای جمعیت‌شناختی قوم و مذهب بیشتر تبلور یافته است. به این صورت که تاجیک‌ها نسبت به سایر اقوام و شیعه‌ها نسبت به سنی‌ها بیشتر اظهار یأس و ناامیدی را تبارز داده‌اند.

۱۰. تناقض

تناقض یکی از مشخصات دیگر فرهنگ سیاسی هرات است. این تناقض بین جوانان و بخش‌هایی از تحصیل‌کرده‌ها وجود دارد. به‌طورمثال، درصد نظرات اکثریت پاسخ‌دهندگان باوجودی که به نقش قومیت در سیاست‌ورزی اعتقاد دارند؛ اما به نهادهای سنتی که نقش‌آفرین چنین سیاستی‌اند؛ خوشبین بوده‌اند. مثال دیگر، درصدهای به‌دست‌آمده از شاخص‌های باور به حکومت دینی و نهادهای دینی است که از قاعده‌ی ذکرشده پیروی می‌کنند.

۱۱. مصلحت، محافظه‌کاری و ترس از انتقاد

مصلحت، محافظه‌کاری و ترس از انتقاد در جامعه‌ی هرات در سه شاخص، اعتماد به نهادهای دینی، اعتماد به نهادی‌های سنتی و ارزیابی عملکرد سیاسی تبارز یافته است. در این سه شاخص، گزینه‌ی بی‌نظر،

بالتر از سایر گزینه‌ها قرار گرفته و نشان می‌دهد که جامعه‌ی هرات با مسایلی که ریسک‌پذیر به نظر می‌رسند؛ محافظه‌کاری پیشه می‌کنند.

۱۲. عطش مشارکت سیاسی

عطش مشارکت سیاسی در شاخص‌های آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی، نگرش اقتصادی و نگرش بین‌المللی با درصد بالایی در میان تمام متغیرهای جمعیت‌شناسی وجود داشته است.

۱۳. فاصله‌ی جامعه‌ی مدنی با افکار عمومی

جامعه‌ی مدنی تقریباً در تمام شاخص‌ها، با افکار عمومی هم‌نوایی نشان نداده و نظرات مخالفی را ارایه کرده‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که جامعه‌ی مدنی هرات، دیدگاه‌های متفاوتی با افکار عمومی جامعه دارد و این خود می‌تواند یکی از شاخصه‌های فرهنگ سیاسی هرات به شمار آید.

۱۴. تفاوت فکر لیسانس‌ها با سایر درجه‌های تحصیلی

در متغیر جامعه‌شناختی تحصیلات، درجه‌ی تحصیل لیسانس، از قاعده‌ی معین غیرمنتظره‌ای پیروی کرده است. به این صورت که در تمام شاخص‌ها، تفاوت دیدگاه لیسانس‌ها که بزرگ‌ترین گروه تحصیلی پژوهش را دارا هستند؛ با سایر درجه‌های تحصیلی وجود دارد.

۱۵. احساس تبعیض

تقریباً تمامی گروه‌های قومی و مذهبی به وجود تبعیض در ادارات دولتی اذعان داشته‌اند؛ اما در این میان تاجیک‌ها از لحاظ قومی و شیعه‌ها از لحاظ مذهبی احساس تبعیض بیشتری را بروز داده‌اند.

۱۶. وجود نسل معترض

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسل کوچک معترضی در بین پاسخ‌دهندگان عرض‌اندام کرده‌اند. تحصیل کرده‌ها و فعالین جامعه‌ی مدنی تقریباً در تمامی شاخص‌ها، روحیه‌ی اعتراضی به وضعیت داشته‌اند.

نتیجه گیری

هرات؛ پیوستگی سیاست و فرهنگ

قبل از انجام این پژوهش، بسته و گریخته، پیش فرض‌هایی از جانب کارشناسان مسایل اجتماعی و سیاسی در نشست‌های علمی و گفت‌وگوهای رسانه‌ای مطرح می‌شد. وجه غالب این پیش فرض‌ها را فرهنگی-بودن مردم هرات، متمدن بودن مردم هرات، تجارت‌پیشه بودن مردم هرات و عزت‌گزینی سیاسی تشکیل می‌داد که مجموعه‌ی آن‌را در عباراتی چون؛ هرات پایتخت فرهنگی افغانستان، هرات متمدن و هرات باستانی می‌توان در گفت‌وگوهای روزمره‌ی فرهنگیان، سیاست‌پیشه‌گان و دانشگاهیان شنید. داده‌های پژوهش، به صورت کلی چنین پیش فرض‌های شفاهی را تأیید می‌کنند. عطش بالای مردم هرات در مشارکت سیاسی، آگاهی قابل قبول سیاسی و ترجیح اکثریت پاسخ‌دهندگان، به خواندن کتاب‌های فرهنگی و شنیدن و دیدن اخبار، به صورت ضمنی تأیید پیش فرض‌های فوق است. بر این اساس، اگر بخواهیم فرهنگ سیاسی هرات را در مفهومی کلی خلاصه کنیم؛ شاید بهترین انتخاب، عبارت «سیاست فرهنگی» مردمان این دیار باشد. در جواب تک‌تک پرسش‌های تمام شاخصه‌های پژوهش، رگه‌هایی از کنش فرهنگی مردم هرات، در مواجهه با مسایل سیاسی را می‌توان مشاهده کرد.

سیاست فرهنگی هرات با مشخصه‌ی دیگری رابطه‌ی معناداری پیدا کرده است. این مشخصه طبقه‌ی متوسطی است که نتایج پژوهش به صورت واضح، اکثریت آن‌را نشان می‌دهد. از آن‌جا که متغیر تحصیلات، به اضافه‌ی متغیرهای شغل و درآمد، تعیین کننده‌ی طبقه‌ی متوسط یک جامعه است؛ رابطه‌ی طبقه‌ی متوسط را با سیاست فرهنگی به خوبی می‌توان توضیح داد. اما سیاست فرهنگی، به این معنی نیست که فرهنگ سیاسی هرات، از الگوی مطلق پیروی می‌کند. با وجود نمود چنین سیاستی در مجموع داده‌های پژوهش، چالش‌هایی فراراه این نوع فرهنگ سیاسی قابل دید است.

آمار نشان داده است که هرات از اکثریت گویش‌وران زبان فارسی تشکیل شده است و شکاف فعالی در این زمینه حداقل در سطح عموم، قابل مشاهده نیست؛ اما شکاف‌های دیگری چون شکاف قومی، شکاف جنسیتی، شکاف نسلی، شکاف سنت و مدرنیته، شکاف طبقاتی و شکاف مذهبی به نوعی در این جغرافیای متکثر، فعال است. چنین شکاف‌هایی می‌توانند در آینده، مشکلات متعددی را به بار آورند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که هر شکاف اجتماعی، بیانگر فرهنگ سیاسی خاصی است که هر گروه اجتماعی بدان باورمند است. این خرده فرهنگ سیاسی خاص در تقابل با خرده فرهنگ سیاسی گروه اجتماعی دیگر، شکاف ایجاد می‌کند و باعث شکنندگی فرهنگ سیاسی کلان می‌گردد.

سنتز تقابل خرده فرهنگ‌ها، عناصر فرهنگ سیاسی هرات را به وجود آورده که در تناقض، نومیدی، مصلحت، محافظه کاری و ترس از انتقاد، فاصله‌ی جامعه‌ی مدنی با افکار عمومی، ظهور نسل کوچک معترض، تفاوت دیدگاه‌ها بر اساس درجه‌ی تحصیل، تبلور یافته است. فرهنگ سیاسی هرات، آمیخته‌ای از مفاهیم متضاد است. از یک سو، عطش فراوان مشارکت سیاسی در این مردم موج می‌زند، نگرش ملی و

اقتصادی بالایی دارند و از نگرش بین‌المللی قابل قبولی بهره می‌برند؛ از سوی دیگر، حتا در یک پژوهش بدون نام و مشخصات، به شاخص‌هایی که فکر می‌کنند، ریسک‌پذیر هستند؛ با تفاوت بالای پنجاه درصدی، نظری ابراز نمی‌کنند. فرافکنی در فرهنگ سیاسی هرات، از شاخص‌های معناداری است که از لابلای پاسخ‌ها قابل نمود است. اکثریت قاطع جواب‌ها، سیاست امروز را قومی می‌دانند؛ اما همه خود را مبرا از چنین نگرشی می‌دانند. این افکندن برف خویش بر بام دیگران، به خوبی در پاسخ‌ها قابل ردیابی است.

جوانان تحصیل کرده که معرف اصلی فرهنگ سیاسی شمرده می‌شوند؛ (نسبت به جوان بودن جامعه‌ی آماری پژوهش) دچار سردرگمی عجیبی هستند. این سردرگمی در درجه‌ی تحصیل لیسانس و دانشجویان این دوره موج می‌زند. بحران هویت را به خوبی می‌توان از لابلای پاسخ‌های آنان استخراج کرد. با سیاست-ورزی قومی مخالفت می‌ورزند؛ اما نهادهای سنتی را تأیید می‌کنند؛ در حالی که به شدت ملی می‌اندیشند، جهانی فکر می‌کنند و نگرش بین‌المللی‌شان در حد بالایی است. به دموکراسی بیشترین باور را نشان می‌دهند، اما به دولت دینی و نهادهای دینی عمیقاً علاقه‌مند هستند.

جامعه‌ی مدنی و حوزه‌ی آکادمیک، برخلاف جریان آب شنا می‌کنند و از وضعیت ناراضی‌اند و اعتراض-شان را بدون واژه بیان می‌کنند. ظهور نسلی معترض در مقابل مناسبات سنتی و وضعیت کنونی را می‌توان از پاسخ‌های این دو گروه اجتماعی به خوبی دریافت و این خود می‌تواند، در ترسیم فرهنگ سیاسی آینده‌ی هرات، نقش ارزنده‌ای ایفا نماید.

زنان بیشتر از مردان باور به حکومت دینی و نهادهای دینی ابراز کرده‌اند و در عین حال، به مشارکت سیاسی و دموکراسی عمیقاً معتقد بوده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که سردرگمی مرزی به نام جنسیت را به رسمیت نمی‌شناسد.

از منظر قومی، سه قوم مطرح سه رویکرد متفاوت ارائه کرده‌اند. پشتون‌ها بیشتر از حاکمیت حمایت کرده‌اند و نگرش ملی بالاتری نسبت به سایرین نشان داده‌اند و احساس کارآیی سیاسی بیشتری از خود بروز داده‌اند. تاجیک‌ها، منتقد نظام، ناامید و معترض به وضعیت عمومی‌اند. هزاره‌ها، با وجود رضایت‌مندی نسبی، نگرش بین‌المللی بیشتری از خود بروز داده‌اند. از منظر مذهبی، شیعیان احساس ناامیدی بیشتری داشته‌اند.

فرهنگ سیاسی هرات، ذهنیتی نوسانی است بین سنت و مدرنیته. این فرهنگ، پای در حوزه‌ی مدرن گذاشته و دل در گرو سنت نهاده است. به مشارکت سیاسی گسترده باور دارد ولی نمی‌تواند از نهادهای سنتی دل بکند. به همین دلیل است که فرهنگ سیاسی این خطه را به درستی می‌توان فرهنگ سیاسی «محدود- مشارکتی» نامید.

با وصف تمام این مباحث، فرهنگ سیاسی هرات به خشونت معتقد نیست. این فرهنگ گلايه‌مندانه و در نقش منتقد مدنی به مناسبات خود و کشور می‌نگرد. در تلاش به سوی رفاه و بهروزی است. ذهن تجارت‌پیشه‌ی مردم هرات، با نگرش بین‌المللی، از هرات و مردمان‌اش، شهری مستعد برای توسعه و پیشرفت نشان می‌دهد.

فرهنگ سیاسی هرات در حالی که خود را متعهد به نظام سیاسی و دولت می‌پندارد؛ اما خویشتن را در آینده‌ی این نظام، ناقص می‌بیند و خواستار نقش واقعی خویش است. این‌که دولت تا چه اندازه در پدید آمدن چنین ذهنیتی نقش داشته است را به سبب بیطرفی پژوهشی مسکوت می‌گذاریم؛ اما بخش عمده‌ای از پاسخ‌دهندگان، به‌طور ضمنی، نظام فعلی را عامل شکاف‌های متعدد اجتماعی و تبعات آن بر فرهنگ سیاسی کنونی می‌دانند.

منابع و مآخذ

۱. اریک لین، ژان واگشال، اووه (۱۳۹۴). فرهنگ و سیاست، ترجمه: نرگس حسن لی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. اکبری، امیر. (۱۳۹۱). تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
۳. امیری، علی. (۱۳۹۱). خواب خرد؛ تأملاتی در باب زمان حال، کابل: انتشارات امیری.
۴. انصاری، بشیراحمد. (۱۳۸۲). ذهنیت قبیله ای دیواره ای فراراه تدین و تمدن، کابل: انتشارات میوند.
۵. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۱). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره ی معاصر، تهران: نشر علم، چاپ دهم.
۶. آلموند، گابریل و دیگران. (۱۳۹۶). سیاست مقایسه ای، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. باریه، موریس. (۱۳۸۹). دین و سیاست در اندیشه ی مدرن، ترجمه: امیر رضایی، تهران: انتشارات قصیده سرا، چاپ دوم.
۸. بدیع، برتران. (۱۳۷۶). فرهنگ و سیاست، ترجمه: احمد نقیب زاده، تهران: نشر دادگستر.
۹. برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۲). روان شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
۱۰. بشیریه، حسین. (۱۳۹۱). جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ بیستم.
۱۱. پالمر، مونتگی و دیگران. (۱۳۹۳). نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران: اداره ی نشر وزارت امور خارجه، چاپ هشتم.
۱۲. پویان، رسول. (۱۳۹۴). هرات در کشاکش تاریخ، هرات: انتشارات توانا.
۱۳. تانسی، استیون. (۱۳۹۰). مقدمات سیاست، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
۱۴. تقوی، سید محمد علی. (۱۳۹۲). مبانی آیین و اندیشه ی سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. توسلی، غلام عباس. (۱۳۹۱). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ هجدهم.
۱۶. توکل، محمد و سیدمحمد نقی موسوی. (۱۳۹۶). روشنفکری در افغانستان؛ نگاهی جامعه شناختانه، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۷. جعفرپور کلوری، رشید. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. چیلکوت، رونالد. (۱۳۹۳). نظریه های سیاست مقایسه ای، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر مؤسسه ی خدمات فرهنگی رسا، چاپ پنجم.
۱۹. حاتمی، محمدرضا و محمد لعل علیزاده. (۱۳۹۱). مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات پیام نور، چاپ سوم.

۲۰. حبیبی، عبدالحی. (۱۳۸۷). **تاریخ مختصر افغانستان**، کابل: انتشارات میوند، چاپ پنجم.
۲۱. داودی، علی اصغر. (۱۳۸۹). **مقدمه ای بر سیاست نظری ۱**، مشهد: انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد واحد مشهد.
۲۲. دلیرپور، پرویز. (۱۳۸۹). **نوسازی و دگرگونی سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۳. دوورژه، موریس. (۱۳۹۱). **بایسته های جامعه شناسی سیاسی**، ترجمه: ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران: نشر میزان، چهارم.
۲۴. راش، مایکل. (۷۸). **جامعه و سیاست**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۲۵. رزکین، مایکل، جی و دیگران. (۱۳۸۸). **شالوده‌شناسی علم سیاست**، ترجمه: سید حسین اطهری و دیگران، تهران: انتشارات سفیر اندیشه.
۲۶. رسولی، محمد اشرف. (۱۳۸۸). **تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان**، کابل: انتشارات سعید، جلد اول.
۲۷. رسولی، محمد اشرف. (۱۳۹۳). **تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان**، کابل: انتشارات سعید، چاپ دوم.
۲۸. زمانی، حسین و دیگران. (۱۳۹۶). **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی طاهریان، صفاریان و علویان**، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
۲۹. سریع القلم، محمود. (۱۳۹۵). **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: نشر فرزانه، چاپ پنجم.
۳۰. سیفی، میربهاء‌الدین. **ارزش تاریخی جرگه در افغانستان**، بی جا: سمینار لویه جرگه، ۱۳۷۴.
۳۱. سینگ، جی. پی. (۱۳۹۶). **قدرت و سیاست فرهنگی در روابط بین الملل**، ترجمه: عسکر قهرمان پور، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی.
۳۲. صدیقی، جلال الدین. (۱۳۸۷). **چگونگی استیلای نظام قبیله سالاری**، کابل: انتشارات حزب مردم مسلمان افغانستان.
۳۳. عارفی، محمد اکرم. (۱۳۹۳). **توسعه ی سیاسی افغانستان**، کابل: انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان.
۳۴. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۳). **بنیاد های علم سیاست**، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
۳۵. علی خواه، فردین. (۱۳۸۹). **سنجش مفاهیم در پیمایش های اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۳۶. غبار، میرغلام محمد. (۱۳۶۷). **افغانستان به یک نظر**، کابل: نشر آریانا.
۳۷. فارسون، سمیح و مهرداد مشایخی. (۱۳۷۹). **فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی**، ترجمه: معصومه خالقی، تهران: انتشارات باز.
۳۸. فالکس، کیث. (۱۳۸۴). **حقوق شهروندی**، ترجمه: عبدالعزیز ویسی تهران: انتشارات سیروان.

۳۹. فراسخواه، مقصود. (۱۳۹۴). ما ایرانیان؛ زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی، تهران: نشر نی.
۴۰. فروغی ابری، اصغر. (۱۳۹۴). تاریخ غوریان، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
۴۱. فیرحی، داود. (۱۳۹۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: نشر سمت.
۴۲. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل قاضی. (۱۳۸۸). بایسته های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ سی و ششم.
۴۳. قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). سیاست شناسی، تهران: نشر سمت، چاپ پنجم.
۴۴. کاوسی، ولی الله. (۱۳۸۹). تیغ و تنبور؛ هنر دوره ی تیموریان به روایت متون، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه، و نشر آثار هنری "متن".
۴۵. کلارک، باری. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی تطبیقی، ترجمه: عباس حاتمی، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
۴۶. گل محمدی، احمد. (۱۳۹۴). درآمدی بر شناخت و سنجش فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). جامعه شناسی، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
۴۸. مجتوبی، حسین. (۱۳۸۹). هرات در عهد تیموریان، مشهد: نشر مردنیز.
۴۹. مفتخری، حسین. (۱۳۹۶). تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا برآمدن طاهریان، تهران: انتشارات سمت، چاپ دهم.
۵۰. میرجعفری، حسین. (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره ی تیموریان و ترکمانان، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
۵۱. میلر، ریموند سی. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی بین الملل (جهان بینی های متعارض)، ترجمه: محمد علی شیرخانی و دیگران، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۵۲. نایی، هوشنگ. (۱۳۹۳). برنامه ی کامپیوتری آمار در علوم اجتماعی، تهران: نشر نی.
۵۳. نش، کیت. (۱۳۹۲). جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
۵۴. نصیری جامی، حسن. (۱۳۹۳). مکتب هرات و شعر فارسی، تهران: انتشارات مولا.
۵۵. نوریس، پیپا و رونالد اینگلهارت. (۱۳۹۵). جهانی شدن و تنوع فرهنگی، ترجمه: عبدالله فاضلی و ساجده علامه، تهران: انتشارات کویر.
۵۶. واعظی، حمزه. (۱۳۸۱). افغانستان و سازه های ناقص هویت ملی، تهران: انتشارات عرفان.
۵۷. هابرماس، یورگن. (۱۳۹۲). دگرگونی ساختاری حوزه ی عمومی: کاوشی در باب جامعه ی بورژوازی، ترجمه: جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
۵۸. هانت، دایانا. (۱۳۹۵). نظریه های اقتصادی توسعه، ترجمه: غلام رضا آزاد (ارمکی) تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

۵۹. هیوود، آندرِه (۱۳۹۳). سیاست، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

ب) مقاله های علمی

۱. ترکان، هاجر و محمد باقر کجیاف. نگرش چیست؟ فصلنامه ی توسعه ی علوم رفتاری، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷.
۲. جهانگیری، جهانگیر و داریوش بوستانی. بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی، مطالعه ی موردی: افراد ۲۰ سال به بالای شهر شیراز، مجله ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ی شانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۰.
۳. حسینی، سید مسعود. «مکتب ادبی هرات»، اندیشه، فصلنامه ی علمی - پژوهشی علوم اجتماعی پوهنتون هرات، سال سوم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۴.
۴. شایگان، فریبا. بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی، فصلنامه ی دنیای دانش، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۵. معروف، عتیق الله. غوری ها و سوری ها، مجله ی آریانا، جلد ۱۹، شماره ۱-۱۲.

پیوست‌ها

پیوست ۱: پرسش‌نامه‌ی پژوهش

بخش اول: پرسش‌های این بخش در مورد شاخص باور به حکومت دینی است. لطفاً سوالات را با دقت خوانده و

پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	دینی بودن حکومت مهم ترین معیار مقبولیت آن است.					
۲	دلیل مشکلات امروز ما عمل نکردن به قوانین دینی است.					
۳	دولت به قوانین دینی احترام دارد و آنها را در سیاست جامعه در نظر گرفته است.					
۴	انتخابات با دستورات دینی مخالفتی ندارد.					
۵	حکومتی مقبول است که رضایت مردم را جلب کند دینی بودن و غیر دینی بودن مهم نیست.					

بخش دوم: پرسش‌های این بخش در مورد اعتماد به نهادهای دینی است. لطفاً سوالات را با دقت خوانده و سپس

پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	علما در تشخیص و اجرای امور سیاسی نسبت به سایر مردم برتری دارند.					
۲	دولت باید در تصمیم سیاسی از علما مشوره بگیرد.					
۳	اگر علما انتخابات را تحریم کنند؛ مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند.					
۴	مدارس دینی همانند دانشگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردارند.					
۵	حکومتی قابل قبول است که رهبر آن توسط علمای دینی برگزیده شود.					

بخش سوم: سوالات این بخش در مورد شاخص نقش قومیت در سیاست ورزی است. لطفاً سوالات را با دقت خوانده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	مهم نیست که رییس جمهور افغانستان از چه قومی باشد.					
۲	مردم در انتخابات به بر اساس قوم رأی می دهند نه بر اساس شایستگی.					
۳	نمایندگه های پارلمان بیشتر رأی را از قوم خویش به دست می آورند تا دیگران.					
۴	گزینش کارمندان دولتی بر اساس تعلقات قومی است.					
۵	کارمندان عالی رتبه ی غیرهراتی در هرات قومی عمل می کنند.					
۶	اراکین دولتی هراتی در اقدامات خود قومی عمل می کنند.					
۷	در افغانستان هر حزب سیاسی نمایندگی از یک قوم می کند.					
۸	اگر در اداره ای رییس قوم مراجعه کننده باشد؛ کارش زودتر و بهتر انجام می شود.					

بخش چهارم: سوالات این بخش در مورد شاخص اعتماد به نهادهای سنتی تنظیم شده است. لطفاً با دقت مطالعه کرده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	مسایل مهم کشور باید توسط لوی جرگه حل شود.					
۲	به جای رفتن به طرف انتخابات بهتر است که رییس جمهور و پارلمان هم توسط لوی جرگه انتخاب شود.					
۳	جرگه های قومی بهتر از نهادهای دولتی می توانند مشکلات مردم را حل کنند.					
۴	کلان های قومی در انتخابات ریاست جمهوری تعیین کننده اند.					
۵	بهتر است نامزدهای انتخابات پارلمان به جای مراجعه به مردم به کلان های قومی مراجعه کنند					
۶	برای والی شدن در هرات، باید رضایت سران اقوام را باید به دست آورد.					

۷	در هرات نماینده های شورای ولایتی هر کدام نماینده- ی یک قوم است.				
---	--	--	--	--	--

بخش پنجم: پرسش های این بخش در برای شاخص مشارکت سیاسی است. لطف نموده با دقت خوانده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	بله	خیر
۱	عضو یکی از احزاب سیاسی هستم		
۲	به صورت رسمی عضو هیچ حزب سیاسی نیستم ولی در انتخابات برای پیروزی یکی از کاندیداها کار کرده ام.		
۳	در انتخابات فقط رأی داده ام.		
۴	در انتخابات شرکت نکرده ام.		
۵	در سخنرانی کاندیداهاى انتخابات شرکت کرده ام.		
۶	در تظاهرات شرکت کرده ام.		
۷	خانواده و دوستانم را تشویق به شرکت در انتخابات نموده ام.		
۸	عضو جامعه ی مدنی هستم.		
۹	علاقه مند بحث های سیاسی هستم و در بحث های سیاسی شرکت می کنم.		
۱۰	دوست دارم روزی در یکی از پست های سیاسی کار کنم.		

بخش ششم: پرسش های این بخش برای شاخص احساس کارایی سیاسی تنظیم شده است. لطفا با دقت خوانده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	فکر می کنید چقدر قوانین کشور بر زندگی روزمره ی شما تأثیر می گذارد؟					
۲	فکر می کنید در ادارات دولتی با همه رفتار برابر انجام می-پذیرد؟					
۳	فکر می کنید که اگر نظر خود را به مسئولین دولتی ابراز دارید؛ به نظرتان توجه می کنند؟					
۴	فکر می کنید که رأی شما در انتخابات می تواند کسی را برنده بسازد؟					
۵	فکر می کنید انسان متعهدی می تواند در سیستم دولتی موفق شود؟					

بخش هفتم: پرسش‌های این بخش برای شاخص اعتماد سیاسی تنظیم شده است. لطفاً با دقت مطالعه نموده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	مسئولان حکومتی به وعده‌های خود عمل نمی‌کنند.					
۲	عده‌ای فکر می‌کنند هر چه می‌گذرد وضع کشور رو به خرابی می‌رود.					
۳	عده‌ای فکر می‌کنند برای احزاب سیاسی فقط معامله مهم است نه سرنوشت کشور.					
۴	برای مسئولان حکومتی نظر مردم مهم نیست.					
۵	عده‌ای فکر می‌کنند که مسئولان دولتی درایت کافی برای انجام کار را ندارند.					
۶	برخی فکر می‌کنند که برای مسئولان دولتی رضایت دولت‌های خارجی مهم است نه مردم کشور.					

بخش هشتم: پرسش‌های این بخش به منظور بررسی آگاهی سیاسی تنظیم شده است. لطفاً با دقت مطالعه نموده و پاسخ دهید.

شماره	پرسش	گزینه‌ها			
۱	افغانستان از چه نظامی برخوردار است؟	فدرالی	شاهی	پارلمانی	ریاستی
۲	سالروز استقلال افغانستان چه تاریخی است؟	۲۹ حمل	۶ جدی	۲۸ اسد	۷ ثور ۸ ثور
۳	انتخابات ریاست جمهوری هر چند سال برگزار می‌شود؟	۳ سال	۷ سال	۵ سال	۴ سال ۶ سال
۴	پارلمان افغانستان چند عضو دارد؟	429	250	348	249 102
۵	رئیس پارلمان افغانستان چه نام دارد؟	داکتر عبدالله	یونس قانونی	فضل هادی	مسلمیار حامد کرزی عبدالرئوف ابراهیمی
۶	چه برنامه‌های تلویزیونی را بیشتر می‌بینید؟	آموزشی	سریال	فوتبال	اخبار
۷	چه کتاب‌هایی مطالعه می‌کنید؟	کتاب نمی‌خوانم	مذهبی	فرهنگی	سیاسی

بخش نهم: پرسش‌های این بخش برای ارزیابی عملکرد سیاسی تنظیم شده است. لطف نموده با دقت مطالعه کرده پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	قوی قضایه در اجرای عدالت موفق بوده است.					
۲	نیروهای امنیتی در تأمین امنیت موفق بوده اند.					
۳	دولت توانسته برای جوانان کار ایجاد کند.					
۴	ادارات دولتی به خوبی مشکلات مردم را حل می‌کنند.					
۵	دولت توانسته برای مردم خدمات خوبی از جمله برق و آب رایج دهد					
۶	شهرداری‌ها به خوبی وظایف شان را انجام داده اند.					
۷	ترافیک در شهرها توانسته که نظم را برقرار کند.					
۸	دولت معاش کارمندان و معلمان را به خوبی پرداخت کرده است.					
۹	دولت نرخ بازار را به خوبی کنترل می‌کند.					

بخش دهم: سوالات این بخش به منظور بررسی نگرش ملی است. لطف نموده سوالات را با دقت مطالعه نموده پاسخ دهید.

شماره	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	از این که تابعیت افغانستان را دارید، چه اندازه افتخار می‌کنید؟					
۲	وقتی می‌بینید کسی از افغانستان انتقاد می‌کند چه اندازه عصبانی می‌شوید؟					
۳	هنگامی که می‌بینید کسانی پرچم افغانستان را به آتش می‌کشند، چه اندازه عصبانی می‌شوید؟					
۴	با مشاهده‌ی در اهتزاز بودن پرچم افغانستان در میداین ورزشی چه اندازه احساس خوبی به شما دست می‌دهد.					
۵	هنگام شنیدن سرود ملی چه اندازه احساس غرور می‌کنید.					
۶	به قهرمانان، دانشمندان و نخبه‌های علمی کشور افتخار می‌نمایم.					

بخش یازدهم: سوالات این بخش به منظور بررسی نگرش اقتصادی در فرهنگ سیاسی تنظیم شده است. لطفاً سوالات را با دقت بخوانید و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	کاملاً موافق	موافق	بی نظر	مخالف	کاملاً مخالف
۱	بازار آزاد باعث رشد و رونق اقتصادی افغانستان خواهد شد.					
۲	دولت باید مالیات بیشتری بر عایدات کلان وضع کند.					
۳	قوانین و مقررات حکومتی باید به گونه‌ای باشد که کسب و کار را رونق دهد.					
۴	رفاه و بهزیستی افغانستان به صنعت و تجارت بستگی دارد.					
۵	دولت نباید دخالتی در امور بازار داشته باشد.					
۶	دولت باید بیمه‌ی بیکاری برای کارگران در نظر بگیرد.					
۷	دولت باید استخراج معادن را به بخش خصوصی واگذار کند.					
۸	اگر شرکت‌های عمده مثل برق رسانی و مخابرات به بخش دولتی واگذار شود؛ به نفع مردم است.					

بخش دوازدهم: سوالات این بخش در مورد نگرش بین المللی در فرهنگ سیاسی مردم است. لطفاً سوالات را با دقت مطالعه نموده و سپس پاسخ دهید.

شماره	پرسش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	سازمان ملل متحد به صلح و امنیت در افغانستان کمک کرده است.					
۲	عضویت در سازمان های بین المللی، قدرت و نفوذ ما را در منطقه و جهان افزایش می‌دهد.					
۳	پیمان‌های امنیتی افغانستان با قدرت‌های بزرگ جهان، می‌تواند در صلح و امنیت ما کمک نماید.					
۴	پذیرش کنوانسیون های بین المللی و حقوق بشری می‌تواند به جایگاه کشور ما در جهان کمک کند.					
۵	حضور نیروهای بین المللی در افغانستان برای حفظ صلح و ثبات مفید است.					

سوالات جمعیت‌شناختی

شماره	پرسش	گزینه
۱	سن؟	۱. ۲۰-۲۵ سال ۲. ۲۶-۳۰ سال ۳. ۳۱-۴۰ سال ۴. ۴۱-۵۰ سال ۵. ۵۱-۶۰ سال ۶. ۶۰ سال به بالا
۲	قوم؟	۱. پشتون ۲. تاجیک ۳. هزاره ۴. ازبیک ۵. ترکمن ۶. دیگری. لطفا مشخص سازید ()
۳	درآمد ماهانه شما؟	۱. ۱۰-۲۰ هزار ۲. ۲۱-۳۰ هزار ۳. ۳۱-۴۰ هزار ۴. ۴۱-۵۰ هزار ۵. ۵۱-۶۰ هزار ۶. ۶۰ هزار به بالا
۴	جنس	۱. مرد ۲. زن
۵	تحصیلات شما چقدر است؟	۱. ندارم ۲. مکتب ۳. لیسانس ۴. ماستری ۵. دکترا
۶	شغل شما چیست؟	۱. آزاد ۲. کارمند دولت ۳. کارمند سازمان خصوصی ۴. استاد دانشگاه ۵. فعال مدنی ۶. دیگری، لطفا مشخص سازید ()
۷	مذهب؟	۱. سنی ۲. شیعه
۸	زبان شما؟	۱. دری ۲. پشتو ۳. ترکمنی ۴. ازبیکی ۵. بلوچی ۶. دیگری. لطفا مشخص سازید ()

معرفی نویسنده‌گان

داوود عرفان

وی استاد دانشگاه و دانشجوی دوره‌ی دکترای علوم سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد است. از او تا کنون ده مقاله‌ی علمی درباره‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی افغانستان در مجله‌های علمی و پژوهشی دانشگاه‌های هرات به چاپ رسیده است. کتاب طبقه‌ی متوسط و توسعه‌ی سیاسی افغانستان، نخستین کتاب او در بررسی مسأله‌ی توسعه در افغانستان است. او لیسانس خود را در حقوق و علوم سیاسی و دوره‌ی ماستری (فوق لیسانس) خویش را از روابط بین‌الملل بدست آورد. وی همچنان به‌عنوان تحلیل‌گر مسایل سیاسی - اجتماعی افغانستان در رسانه‌های هرات فعالیت داشته است. سه مجموعه‌ی شعر چرا باران نمی‌بارد؟، یک‌دسته سؤال و دلهره‌های رنگی، حاصل کار ادبی نویسنده است.

عرفان ارزاز

در حال حاضر به‌عنوان مسئول دفتر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در هرات ایفای وظیفه می‌کند. لیسانس خود را از جامعه‌شناسی دانشگاه هرات بدست آورده است و سپس دانشجوی دوره‌ی ماستری به صورت غیرحضوری گشت. او پژوهش‌هایی را در مورد مدارس دینی و زنان انجام داده و در چندین پژوهش به صورت مشاور، همکاری داشته است. همچنان پژوهش دوره‌ی ماستری وی در مورد مواجهه روشنفکران افغانی با دولت مدرن در افغانستان است. از او مقالات و نوشته‌هایی در نشریه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف در حوزه‌های زنان، دین، دانشگاه و مدرنیته به نشر رسیده است. وی در پست‌های گوناگونی در سازمان‌های متفاوتی، وظیفه اجرا کرده است.

A Study of the Characteristics of Herat Political Culture

Background: Political culture as a part of Culture in general, holds a particular position in social sciences. Policy makers in the countries with an rational understanding of the political culture of their own societies, making their public policies. Therefore paying attention to this section of social sciences studies has become a premier part in the master plan of social researchers. Focusing on the political culture has been transformed after studies of Almond and Verba on their field-comparative researches and become the predominant pattern of this area of studies. The result of Almond and Verba's researches has ended to three kinds of political culture: Limited Political culture, Passive political culture and participatory political culture or a mix of these. Based on Almond and Verba's pattern, this research is identifying two important issues. First, what kind of political culture people have in Herat? And second, what are the components affecting Herat Political culture. This research used the Survey study method and the questionnaire. Distributing of 396 questionnaires between the university lecturers, University students, Civil society members, Government officials, Private sector, and public people with free jobs. The demographic variables of this research are: age, Sex, Education, occupation, sect, ethnicity and income level. Five variables are the main source of making the indicators of the political culture for the questionnaire; they are: religion, role of ethnicity in the politics, democracy, national attitude, international attitude and Economic attitude.

Interest for Political Participation

In all demographic variables, the statistics show a high level of interest in the political participation; the interesting thing is that in this indicator more than 98% like to have political participatio.

Gap between the Civil society with public opinion

Nearly in all indicators the civil society had no conformance and homophony with the public opinion; the data shows that civil society of Herat has different ideas with public opinions, and this can be one of the characteristics of Herat political Culture.

Difference of Bachelor's thought with other educational degrees

In the education variable, the bachelor degree follows an unexpected regulation. In this research there is a difference between the opinion of

bachelor degree which forms the largest number of the research, with other educational degrees.

Sense of discrimination

Nearly all the ethnic and religious groups indicated on the existence of discrimination in the government departments. But in contrast to others, Tajiks among other ethnic groups and Shias in contrast to Sunnis showed a deeper sense of discrimination.

Existence of protestant generation

The evaluation of the data shows that a small protestant generation have been shaped among respondents. Educated respondents and civil society actors have had protestant confront to the situations.

Elements of Political Culture of Herat

Hopelessness

The feeling of hopelessness is from the main characteristics of Herat. In this case, Tajiks in between other ethnic groups and Shias in proportion to Sunnis had more hopelessness. As example, in the indicator of Political trust, Tajiks with a statistic of 178, have chosen the options of Strongly agree and Agree, 46.6% and 40% in front of the 0% disagree to this indicator. And Shias with 62% strongly agree and 28% agree had less political trust than Sunnis

Contradiction

Contradiction is another characteristic of Herat political Culture, this contradiction exists among youth and some parts of Educated youth.

Conservatism and fear of Critics

A conservatism and fear of critics is seen in Herat society, as Herat people do not confront with the issues that need some risks. For example, in the assessment of government political performance indicator more than 50%, in the indicator of Belief in religious institutions more than 65% and in the indicator of trust in traditional institutions more than 30% had no particular idea, in which reflect the abovementioned argument.

Main findings

The key findings of this research is divided into two parts, sociological and inferable findings on the political culture.

A: sociological findings

- Herat is a multiple society with majority of middle class, the study of three variables: Education, Income and Occupation proves this.
- There are active generational, ethnic, gender, class, religious and tradition and modernity gaps in Herat.

B: political culture findings

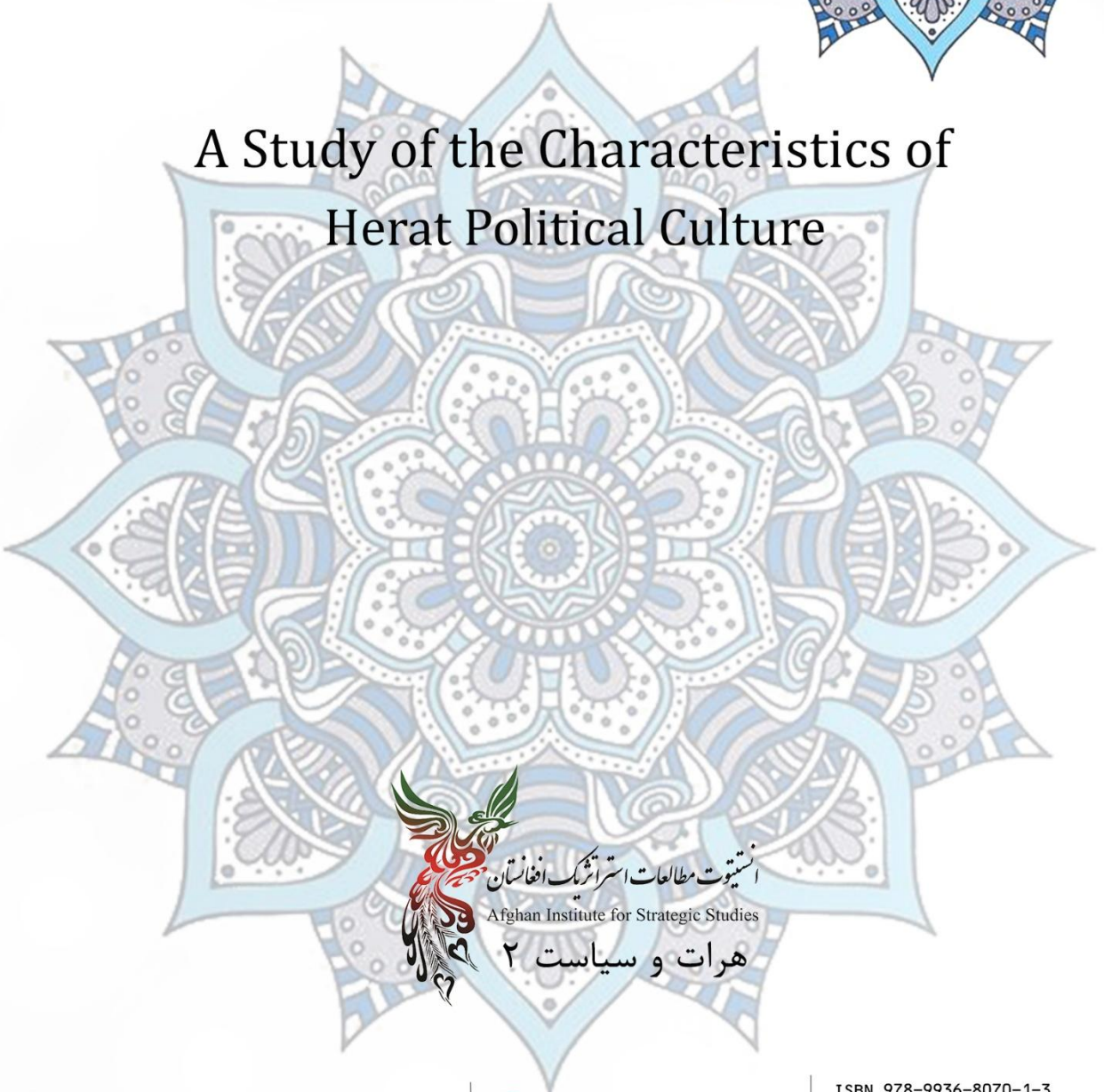
- The findings of political culture focus on the model of Political culture in Herat and the elements and components affecting on this political culture.

Model of political culture

Although the people in Herat believe in the Participatory political culture, but there are strong patterns of limited political culture in it. Therefore the political culture of Herat is fluctuating between limited and participatory, in which the bias is toward the participatory model of political culture.



A Study of the Characteristics of Herat Political Culture



انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Afghan Institute for Strategic Studies

هرات و سیاست ۲



@AISS_Afg



www.facebook.com/AISSAfghanistan/



https://t.me/AISS_Afg



www.aiss.af



contact@aiss.af



+93 799840161

ISBN 978-9936-8070-1-3



9 789936 807013